

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۵ تا ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۳۲



«نفر دوم»

آخرین چالش نظام و رهبرش؟!!

انتصاب جانشین
«قصاب تهران»

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

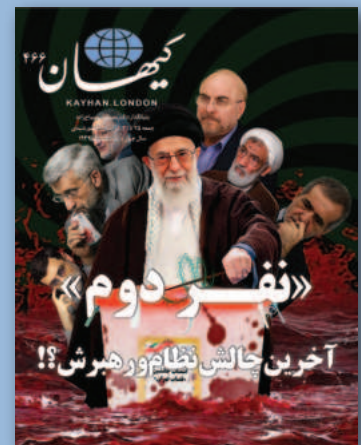
10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۳۲ (۴۶۶)

جمعه ۲۵ تا ۳۱ خرداد ۱۴۰۳

۱۴ تا ۲۰ ژوئن ۲۰۲۴



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda,
MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris,
FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ مقاله - ملت یعنی از راست تا چپ با هر تنوع و تفاوت / الاهی بقرط

۴-۵ تیر هفته - «نفر دوم» آخرین چالش نظام و رهبرش؟! /

۶-۷ دیندار شاهزاده رضا پهلوی باوز پر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل... /

۷-۸ پولیتیکومتر جدید «ارقی»: در شرایط کنونی نظر شما چیست؟ /

۸-۹ پروژه ققنوس ایران برگزار کرد؛ کنفرانس دوازده «چشم‌انداز آینده ایران آزاد»... /

۱۰-۱۱ پرونده سقوط مشکوک هلی کوپتر رئیسی در سازمان قضایی نیروهای مسلح... /

۱۱ سلام بر خر! / خیر اندیش (احمد احزان) /

۱۲-۱۳ سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۱۹)... /

۱۴ درخواست آنتونی بلینکن از دولت‌های منطقه: حماس را برایش توافقی صلح... /

۱۴-۱۵ ماکرون در دیدار با بایدن: مصمم به اعمال فشار برای مقابله با تهدیدات... /

۱۵ توافقی ماکرون و بایدن برای استفاده از دارایی‌های بلوکه‌شده روسیه... /

۱۶ رأی دادگاه عالی انتاریو به «سهل‌انگاری» شرکت «اوکر این اینتر نیشنال» در... /

۱۷ وزارت خارجه اسرائیل: سه‌گروگان در خانه «خبرنگار» الجزیره اسیر بودند! /

۱۸ شکار شبانه «ابوطالب» و رفقادر جنوب لبنان؛ فرمانده «یکان نصر» حزب‌الله در... /

۱۸-۱۹ سی‌ان‌ان: احتمال همکاری جمهوری اسلامی با حوثی‌ها برای ارسال سلاح به... /

۱۹ واشنگتن فری‌بیکن: روزنامه‌نگار فلسطینی که گروگان‌های اسرائیلی در خانه‌اش... /

۲۰-۲۱ بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۳)... / الاهی بقرط

۲۲ اقبال رأی‌دهندگان به احزاب راست در اروپا... /

۲۳ نامه سه قدرت اروپایی به شورای امنیت درباره برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی... /

۲۴-۲۵ سوریه رغبتی به ادامه حضور جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش ندارد... / احمد رأفت

۲۵ چهار کشته و زخمی در انفجار اتومبیل بمب‌گذاری شده در نزدیکی در دیر الزور... /

۲۶-۲۷ شش داوطلب «مقبول» خامنه‌ای برای «سیرک انتخابات»... /

۲۸-۲۹ احکام جدید علیه سپهری‌ها؛ فاطمه سپهری در مجموع به هجده سال و شش ماه... /

۲۹ آیا پادشاهی در ایران حال مردم را خوب می‌کند؟ / باقر محب علی

۳۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام پرونده تعطیلی روز دوم هفته را بست... /

۳۱ خط و نشان‌های انتخاباتی قوه قضاییه علیه شهر وندان، رسانه‌ها و حتی نامزدهای... /

۳۲ آمریکایک شبکه پولشویی مرتبط با حوثی‌ها، «سپاه قدس» و حزب‌الله را... /

۳۲-۳۳ حمله حوثی‌ها به دو کشتی باری در خلیج عدن... /

۳۳ سستکام اصابت موشک حوثی‌ها به دو کشتی تجاری سوئیسی و آلمانی را... /

۳۴-۳۵ واکنش فراکنانه سخنگوی قوه قضاییه به «تملک اراضی کشور» توسط... /

۳۶ حکم «اعدام» ماموستا خضر نژاد شکست... /

۳۶-۳۷ گزارش اختصاصی از لندن: نوید باوی در اتاق خصوصی و تحت مراقبت... /

۳۷ «تا بزم»: فعالان سیاسی ایرانی می‌گویند پلیس متر و پولین در پیگردار اذلال و... /

۳۸ برگزاری دادگاه قتل جواد روحی معترض زندانی... /

۳۹ شش زندانی سیاسی دیگر با اتهام «بغی» در خطر اعدام قرار دارند... /

۴۰-۴۱ عضو اسبق کمیسیون امنیت ملی: «ایران تنها کشور است که باز بچه قدرت‌های... /

۴۱ لویی آرنوگروگان فرانسوی در ایران با میانجیگری عمان آزاد شد... /

۴۲-۴۳ بی‌تفاوتی مردم به «سیرک انتخابات»؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با... /

۴۳ جلسه انتخاباتی وزارت اطلاعات و «سران قوا»... /

۴۴ رسانه‌های داخلی ایران: فشار جمهوریخواهان و «لایه اسرائیل» برای... /

۴۵ تکمیل پوشش اجباری به بیماران؛ لباس مخصوص از ماموگرافی تا کولونوسکوپی... /

۴۶-۴۷ افزایش موج بازداشت شهر وندان در ایران... /

۴۷ تلفات مرگ‌آمیز سالم‌گروگروه روح‌الله خمینی؛ مرگ یک بسیجی فعال دهه هشتادی... /

۴۸-۴۹ جلوه‌های فقر و فلاکت در ایران؛ افزایش شمار زنان دستفروش تا... /

۴۹ یازدهمین فستیوال فیلم ایرانی در کلن... /

۴۹ پایان فستیوال فیلم‌های ایرانی در کلن... /

۵۰-۵۱ نای که از صندوق رأی بیرون می‌آید نباید با خامنه‌ای «تعارض دیدگاه» داشته باشد! /

۵۱ هوش مصنوعی در غزه تروریست شکار می‌کند... /

۵۱ م. سحر: جنبش مشروطه‌مفاهیم سیاسی و اجتماعی را وارد شعر کرد... /

۵۲ معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی: از حدود سالانه ۷۰ هزار جسد ورودی... /

۵۳ سفر انتخاباتی هیئت دولت به سیستان و بلوچستان با افتتاح پروژه‌های ناکارآمد و... /

۵۴ تداوم مشکلات کشاورزان با تنش آبی و قطع برق... /

۵۵ فروش امتحانات نهایی دیپلم؛ نمونه‌ای از نبود «عدالت آموزشی» در ایران... /

۵۶ تلاش حکومت برای ایجاد آرمش‌ظاهری در بازار بورس به دلیل «سیرک انتخابات»... /

۵۷ شکست وعده واردات اتومبیل خارجی؛ سوءاستفاده انتخاباتی محمدباقر قالیباف... /

۵۸ تشکیل ۳۴ کارگروه ویژه پلیس فتا برای «صد فضای انتخاباتی»... /

۵۹ دو نفر در تکراس به جرم توطئه برای فروش نفت ایران به ۴۵ ماه زندان... /

۵۹ سیستان و بلوچستان؛ مرگ‌آمیزی که آرام نمی‌گیرد... /

۶۰-۶۱ گفتگو درباره بلوچستان و تحولات فکری و تاریخی احزاب بلوچ... / علی اصغر حقدار

۶۱ سیاست‌های یار لمان اروپا در مورد ایران و جمهوری اسلامی... /

۶۲-۶۳ گفتگو درباره کتاب «بازاندیشی هنر معاصر ایران» از دکتر حمید کشمیر شکن... /

۶۴-۶۵ مایکل مک‌کال: پرونده ستاره درخشش صلاحیت و اعتبار کل «سازمان رسانه‌های جهانی»... /

۶۵ سه عضو سازمان مجاهدین در عملیات نیروهای امنیتی فرانسه بازداشت شدند... /

۶۵ صنعت دختران سکسی دوربینی در رومانی... /

۶۶ سرنوشته مهیوم ۴۸ تخته فروش نفیس کاخ سعدآباد... /

۶۷ جمهوری اسلامی به تلافی قطعنامه تویبخی شورای حکام، غنی‌سازی اورانیوم را... /

۶۷ همان شعبده‌بازی همیشگی... / اینهام محمدی

۶۸-۶۹ خبرهای کوتاه... /

۷۰ پشت جلد - عکس هفته / ما شیریم و خورشید پشت ماست!

بازنشر
بازنشر

بازنشر



سرمقاله

ملت یعنی از راست تا چپ با هر تنوع و تفاوت



جهان واقعیت عرصه‌ی نبرد نظرها و عقاید نیست بلکه در نهایت محل تقابل تجارب، مستندات (فکت) و عملکرد است. به همین دلیل است که برای مثال، جامعه ایران در شرایط فاشیسم مذهبی با مقایسه‌ی مستندات و عملکردها به پهلوی‌ها درود می‌فرستد و یا جامعه اروپا در شرایط دموکراسی با وجود همباران تبلیغاتی از به اصطلاح پروگرسو و ووک خوابگرد روی برگردانده و به میانه و راست رأی می‌دهد. در هر دو گرایش یا انتخاب، یک عامل و انگیزه نقش کلیدی بازی می‌کند: آزادی و رفاه و امنیت در خانه و میهن و برای همخانه و هم‌میهن از جمله آنهایی که به دستاوردهای آن احترام می‌گذارند.

تلاش برای آزادی و آبادی خانه و میهن و تأمین حقوق ساکنانش، تلاش برای بهبود بخشی از خانه‌ی بزرگتر یعنی جهان است. هر کسی اگر خانه و میهن خود را آزاد و آباد کند، یعنی بخشی از جهان را آزاد و آباد کرده. درست برعکس آنهایی که می‌خواهند با حرکت از کل، اول جهان را آزاد و آباد کنند تا به جزء یعنی کشور خود برسند و البته تجربه نشان داده جزء را هم از دست می‌دهند!

این حکایت چپ افراطی و شعبات آنست. حکایت راست افراطی اما چیز دیگریست: آنها جزء و خود را، همان کل می‌پندارند! به این ترتیب راست افراطی و چپ افراطی که فاشیسم مذهبی نیز از هر دو آنها بهره برده، همگی جهان‌وطنی و سلطه‌جو هستند! کل را می‌خواهند تا آن را به جزئی که دنیای کوچک و ایدئولوژی آنها را می‌سازد، کاهش دهند. و چون چنین چیزی، یعنی جای دادن کل در جزء و سلطه جزء بر کل ناممکن است، در هر جا که قدرتی برای تحقق تخیلات خود پیدا کنند، هم خودشان شکست می‌خورند و هم خانه و میهن و در نتیجه بخشی از جهان را ویران می‌کنند.

به افراطیون چپ نگاه کنید. عین افراطیون راست می‌خواهند: همه مثل آنها فکر کنند و کوچکترین زاویه‌ای با فکر و حرف آنها نداشته باشند؛ می‌خواهند همه همان چیزی را بگویند که آنها می‌گویند؛ از همان چیزی دفاع کنند که آنها دفاع می‌کنند! آیا این افراطیون در میان ایرانیان نیز وجود دارند؟ البته! اتفاقاً همینها هستند که حامل افراط از جمله قائل نشدن حق انتخاب برای دیگران هستند ولی بقیه را با برچسب «افراطی» تخطئه می‌کنند! همه افراطیون چه چپ و چه راست و چه مذهبی و چه غیرمذهبی به دنبال امر ناممکن یکسان‌سازی انسان‌ها و جوامع هستند.

در این میان، ملی‌گرایی مدافع آزادی و دموکراسی را «راست

افراطی» نامیدن یا از روی نادانی است یا پروژه! اگر منظور از راست افراطی به درستی تفکر و عملکرد فاشیسم و نازیسم است که در تضاد با دموکراسی و حقوق بشر و تنوع و تکثر قرار دارد، باید یادآوری کرد که این ملی‌گرایان و میهن‌دوستان اروپا بودند که از جمله با جنبش‌های پارتیزانی در برابر آنها مقاومت کردند تا «میهن» خود را از وجود راست افراطی پاک کنند. اتفاقاً راست افراطی و چپ افراطی در بسیاری از سیاست‌ها با همدیگر تلافی می‌کنند چون هر دو ضد دموکراسی و ضد تکثرند. فراموش نکنیم که نام حزب رژیم هیتلری «ناسیونال سوسیالیسم» بود و ریشه در افکار چپ «روشنفکرانی» مانند یوزف گوبلز داشت که وقتی خاطراتش را می‌خوانید جز یک سوسیالیست مدافع حقوق کارگران و عدالت اجتماعی در وی نمی‌بینید! در آنسوی جهان نیز امثال رژیم‌های راست‌گرای صدام و قذافی پیرو سوسیالیسم اسلامی بودند! در خود ایران چپ‌ها تناقضی بین اسلام و سوسیالیسم نمی‌دیدند و شماری از آنها تا امروز مدافع سرسخت جمهوری اسلامی هستند که یک رژیم هم راست و هم چپ افراطی مذهبی است! در همین اروپا و امروز صف چپ افراطی و اسلام‌گرای راست فاشیست از هم قابل تشخیص نیست! اینست که در همه جا تجارب و مستندات و عملکرد برای تشخیص به کار می‌آید و نه ادعاهایی که طرفین مطرح می‌کنند و با برچسب‌هایی که بهم می‌زنند!

حالا با توجه به گسترش و افزایش گرایش راست اعم از دموکرات و میانه و افراطی در میان هم ایرانیان و هم شهروندان دموکراسی‌ها، آیا چپ دموکرات و ملی در میان ایرانیان نیز وجود دارد؟ مانند همان احزاب چپی که در دموکراسی‌های هم پادشاهی و هم جمهوری حضور دارند و به قدرت دولتی نیز دست می‌یابند. البته که وجود دارد!

راست‌ها و پادشاهی‌خواهان ملی‌گرا و دموکرات هیچ لطفی به خود و ملت ایران نمی‌کنند اگر به انکار اندیشه‌ی چپ ملی و دموکراتی بپردازند که ایده و نیرویش هرچند ضعیف و ناموخته ولی در جامعه ایران وجود دارد و اگر نتوان آن را با راست دموکرات و ملی همراه کرد، چه بسا به زیر چتر چپ افراطی و همچنین چپ ناکام سنتی که در رژیم اسلامی نیز حضور دارد رانده شود.

وقتی صحبت از همبستگی و ائتلاف جریانات و نیروهای سیاسی می‌شود، منظور همین جریانات حامی میهن و ملت و مدافع منافع ملی و دموکراسی هستند که می‌توانند راست یا چپ و جمهوریخواه یا پادشاهی‌خواه باشند و قطعاً هیچ‌کدام «افراطی» نیستند اگرچه ممکن است درباره این یا آن موضوع عناصری از افراط در آنها دیده شود. معیار افراطی‌گری سیاسی اما ضدیت با دموکراسی و حقوق بشر است.

به ویژه ایرانیان خارج کشور کفایت به برنامه و فعالیت‌های احزاب تشکیلاتی و رسانه‌ای در ایران به شدت شرایطی که فضای تشکیلاتی و رسانه‌ای در ایران به شدت بسته است، این نیز وظیفه و مسئولیت ایرانیان خارج کشور است که به روشن‌گری درباره این مفاهیم بپردازند و در دام تبلیغات «سربازان گمنام» سایبری رژیم و جریانات افراطی ضد دموکراسی نیفتاده و بدانند که ایران زمانی روی آزادی و آرامش و امنیت را خواهد دید که نیروهای سیاسی نه در آینده نامعلوم بلکه از همین امروز و از همین فردای پس از جمهوری اسلامی بتوانند شهروندان را قانع کنند که به دموکراسی و قواعد و اصول آن پایبندند.

آن مسئولیت‌پذیری که شاهزاده رضا پهلوی سال‌هاست بر آن اصرار می‌ورزد، برای هم امروز و هم فردا و برای همگان و برای همه ملت است؛ «ملت» یعنی از راست تا چپ فارغ از هر تفاوت و تنوعی! بدا به حال افکار و افرادی که مانند جمهوری اسلامی خود را خارج از دایره‌ی «ملت» و برتر از همگان می‌بینند.

تیتیر هفته

«نفر دوم» آخرین چالش نظام و رهبرش!؟

● «سرلشکر پاسدار سیدیحیی رحیم صفوی» دستیار و مشاور عالی «فرمانده کل قوا» با صراحت از آنهایی که رأی می‌دهند خواسته تا فردی را «انتخاب» کنند که با علی خامنه‌ای «تعارض» دیدگاه نداشته باشد و بین «نفر اول» که «رئیس حکومت» است و «نفر دوم» که «رئیس دولت است»، «دوقطبی» ایجاد نکند! اینک گماشتن «نفر دوم» بر ریاست دولت که بدون «تعارض» بتواند سیاست خارجی را در مسیر مورد نظر «نفر اول» پیش برد و همزمان اعتراضات جامعه را هم «جمع» کند و چند قطبی تضاد منافع در ساختار حکومت را نیز مدیریت کند، چه بسا بزرگترین و آخرین چالش هم نظام و هم رهبرش باشد.

انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی در پی مرگ ابراهیم رئیسی در حالی قرار است هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود که تلاش حکومت برای گرم کردن تئور انتخابات نمایشی و جلب توجه افکار عمومی به شش نامزد تأیید صلاحیت شده از سوی شورای نگهبان تا این لحظه ناکام بوده است. ساختار حکومت دچار چندقطبی و تضاد منافع شده و نارضایتی عمومی شهروندان نیز تهدیدی جدی علیه حیات آن به شمار می‌رود؛ رهبر جمهوری اسلامی به دنبال خروج نامی از صندوق رأی است که بتواند حکومت را حفظ کرده و اهداف آن را در سیاست داخلی و خارجی پیش برد. دو هفته مانده به برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، همچنان اکثریت جامعه به نمایشی که یک سال زودتر از موعد برای گزینش رئیس دولت چهاردهم در پیش است، بی‌اعتنا هستند.

در شبکه‌های اجتماعی نیز بیشترین واکنش کاربران طنز و تمسخر نامزدها و وعده‌ها و ادعاهایشان و همچنین تأکید بر نمایشی بودن انتخاباتی است که مانند قبلی‌ها جز «انتصابات» نیست و از جمله اصطلاح شاهزاده رضا پهلوی را تکرار می‌کنند که رأی‌گیری‌های رژیم را «سیرک انتخابات» خوانده است.

هراس حکومت از «تحریم انتخابات» و شهروندانی که نمی‌آیند!

اینهمه در حال است که بخش اندکی از شهروندان هم که در پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شوند، الزاما به نظام یا روند انتخابات اعتقادی ندارند. جمهوری اسلامی سال‌هاست با قلدری و در اقدامی سرکوبگرانه اقشار مختلف را «مجبور» به شرکت در انتخابات می‌کند؛ سربازان، شاغلان در بسیاری از وزارتخانه‌ها و حتی برخی کارکنان بخش‌های غیردولتی مانند کارمندان سازمان تأمین اجتماعی از جمله اقشاری هستند که با تهدید و هراس‌آفرینی از سوی ناظران حراستی، غالباً ناچار می‌شوند در انتخابات شرکت کنند؛ آرای پاطله که در انتخابات سال‌های گذشته حتی از میزان آرای

نشان می‌دهد که بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی یا قطعاً تصمیم ندارند در این انتخابات شرکت کنند یا در اینباره دچار تردیدند.

انتخابات چهاردهم و چالش‌های رهبر سالخورده

سردی تنور نمایش انتخابات و عدم مشارکت مردم با «تحریم انتخابات» تنها یکی از چالش‌هایی است که رهبر ۸۵ ساله جمهوری اسلامی با آن روبروست.

علی خامنه‌ای تقریباً ۲۵ سال از ۳۵ سال دوران رهبری خود را با سه رئیس دولت (خامنه‌ی، احمدی‌نژاد، روحانی) روبرو بود که در برخی موارد با او دچار اختلاف نظر شدند. نام آنها هرچند با همسویی و «نزدیک بودن نظرش به آنها» از صندوق رأی حکومت بیرون آمد اما با او در همان چارچوب منافع نظام «تعارض» پیدا کردند.

پس از آنها، ابراهیم رئیسی در سیاست داخلی و خارجی با «منویات رهبر» تنظیم شده بود. علی خامنه‌ای در اعتراضات پرخروش و بی‌سابقه ۱۴۰۱ توانست با یاری دولت نیمه‌سپاهی سیزدهم، حکومت را از لبه پرتگاه نجات داده و از سقوط جلوگیری کند.

او بلافاصله پس از خاموش شدن اعتراضات خیابانی به دلیل سرکوب وحشیانه، با تداوم همین سرکوب و ایجاد فضای امنیتی-انتظامی در شهرها از جمله به بهانه «حجاب» توانست ظرفیت اعتراضی جامعه را وادار به احتیاط و سکوت کند.

در سیاست خارجی اما رهبر جمهوری اسلامی همزمان با افزایش تهدیدها و اقداماتی مانند حمله موشکی به اسرائیل، مذاکرات هسته‌ای را پشت پرده با ایالات متحده پیش برد؛ در مقطع کنونی نیز شاخ و شانه کشیدن در ظاهر و پیشبرد روابط و مذاکرات با چراغ خاموش ایده‌آل‌ترین «سیاست» برای خامنه‌ای است.

مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه‌اش مسیری را که رهبر جمهوری اسلامی پیش می‌برد وارد برزخ کرد؛ آنهم در حالی که انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در نوامبر ۲۰۲۴ یک چالش جدی برای سرنوشت مذاکرات هسته‌ای به شمار می‌رود و ممکن است صحنه بازی در منطقه را به زیان جمهوری اسلامی بر هم بزند. علی خامنه‌ای هرچند امروز شاید به دنبال توافقی مشابه «برجام» نباشد اما ترجیح می‌دهد با تثبیت فضای «نه صلح و نه جنگ» با غرب، مسیر گشایش اقتصادی را باز کند تا حکومت را از بحران جدی و خطرناک اقتصادی نجات دهد. در چنین شرایطی باید دید شخص «مورد نظر» خامنه‌ای برای اینکه چهار سال آینده حکومت با خسارت و هزینه کمتری سپری شود، کدام یک از نامزدهای جانشینی «قصاب تهران» خواهد بود که از صندوق بیرون خواهد آمد. آنهم در حالی که «سرلشکر پاسدار سیدیحیی رحیم صفوی» دستیار و مشاور عالی «فرمانده کل قوا» با صراحت از آتپایی که رأی می‌دهند خواسته تا فردی را «انتخاب» کند که با علی خامنه‌ای «تعارض» دیدگاه نداشته باشد و بین «نفر اول» که «رئیس حکومت» است و «نفر دوم» که «رئیس دولت است»، «دوقطبی» ایجاد نکند!

برای رهبری که می‌داند آخرین سال‌های عمر را طی می‌کند و با مرگش جمهوری اسلامی با بحران انتخاب رهبر بعدی روبرو خواهد شد، گماشتن «نفر دوم» بر ریاست دولت که بدون «تعارض» بتواند سیاست خارجی را در مسیر مورد نظر خامنه‌ای پیش برد و همزمان اعتراضات جامعه را هم «جمع» کند و چند قطبی تضاد منافع در ساختار حکومت را نیز مدیریت کند، چه بسا بزرگترین و آخرین چالش هم نظام و هم رهبرش باشد.

ایران بفروشند تا آنها را قانع کنند که با شرکت در انتخابات بر «حق شهروندی» خود تأکید می‌کنند.

این ادعای مضحک و رنگ‌باخته اما امسال با انواع رزمایش و تهدید و اقدامات پلیسی و امنیتی نیز همراه شده است. سردار وحید مجید رئیس پلیس فتای فراجا از تشکیل ۳۴ کارگروه ویژه پلیس برای رصد جریان‌ات مرتبط با چهاردهمین



دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در فضای مجازی خبر داده و تهدید کرده «با مجرمان برابر قانون برخورد خواهد شد».

سردار پاسدار علی رزمجو فرمانده سپاه «امام صادق» استان بوشهر از برگزاری رزمایش سپاه در فضای مجازی برای حضور حداکثری مردم در چهاردهمین دوره انتخابات خبر داده است. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی هم گفته نیروی انتظامی برای برگزاری انتخابات در آرامش پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده است.

قوه قضاییه نیز خط و نشان‌هایی برای شهروندان و اهالی رسانه کشیده و از نامزدها نیز خواسته از «اقداماتی که سبب سوء استفاده و بهره‌برداری دشمن شود» پرهیز کنند. «در فرآیند تبلیغات انتخاباتی، چنانچه پس از تذکرات و هشدارهای دستگاه‌های نظارتی، کسانی خلاف قانون و اخلاق عمل کنند و با تخریب، توهین، شایعه‌پراکنی و نشر اکاذیب، بخواهند فضا را ملتهب و اذهان را مشوش کنند قطعاً با برخورد قانونی دادستان‌ها و سایر دستگاه‌های ذیربط مواجه خواهند شد».

آرامش در برگزاری نمایشی که قرار است رئیس دولت چهاردهم جمهوری با بیرون آمدن نام‌اش از صندوق رأی منصوب شود، برای حکومت در اولویت قرار دارد. همچنین اقداماتی شامل سرکوب در فضای مجازی و رسانه‌های داخلی برای جلوگیری از اعلام نظر آزادانه در رابطه با این مراسم و شش نامزد جریان‌ات اصلاح‌طلب و اصولگرا در دستور کار قرار گرفته تا مبادا بخشی از شهروندان برای «تحریم انتخابات» تصمیم قطعی بگیرند.

در آنسو اما نتایج نظرسنجی مرکز افکارسنجی ایسپا وابسته به جهاد دانشگاهی درباره انتخابات هشتم تیرماه

برخی نامزدها بیشتر شد، نتیجه‌ی همین اجبار برخی شهروندان به حضور در انتخاباتی است که آن را باور ندارند. با اینهمه جمهوری اسلامی یک بدنه‌ی هرچند کم‌تعداد اما معتقد به نظام دارد که شرکت در انتخابات را برای حفظ حکومت یا به عنوان «یک وظیفه شرعی» واجب می‌داند. همچنین تمرکز بر برخی اقشار از جمله در روستاها

و حاشیه‌نشینان برای تشویق به رأی دادن از جمله با وعده‌های پرطمطراق، همواره یکی از سیاست‌های حکومت در چهار دهه گذشته بوده است.

تعدادی هم، مانند بخشی از فعالان بخش خصوصی، با در نظر گرفتن منافع شخصی و شغلی در انتخابات حضور پیدا می‌کنند تا شاید در وضعیت اقتصادی نفسگیر کنونی، نامزدی راهی دولت شود که دست‌کم فضای تنفس را بیش از پیش تنگ نکند و یا در بهترین حالت، گشایشی هرچند موقت، در این فضا ایجاد کند!

اینهمه در حالیست که در دو انتخابات پیشین جمهوری اسلامی، ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و انتخابات دو دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۴۰۲ و اردیبهشت ۱۴۰۳ با «تحریم انتخابات» از سوی مردم، ریزشی تاریخی در کارنامه‌ی رژیم ثبت شد.

هرچند جمهوری اسلامی همواره متهم به رأی‌سازی و آمارسازی در انتخاباتش بوده و در سال‌های گذشته هم با اقداماتی چون رأی دادن با چندین مدرک شناسایی، مسیر تقلب در آن را هموارتر کرده، اما موضوع «مشارکت» همچنان برای رژیم دارای اهمیت است.

جدا از آمارهای ساختگی و نمایش «مشروعیت»، اینکه واقعاً چه تعداد از مردم حاضر به مشارکت در انتخابات باشند، برای ارزیابی نهادهای امنیتی از شکاف میان مردم و حکومت و همچنین احتمال بروز اعتراضات سراسری و در مجموع «حیات حکومت» اهمیت بسیار دارد.

نمایش «دموکراسی» با تهدیدهای امنیتی و رزمایش‌های نظامی!

تحلیلگران حکومتی سال‌هاست تلاش دارند انتخابات جمهوری اسلامی را به عنوان اقدامی دموکراتیک به مردم

دیدار شاهزاده رضا پهلوی با وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل پیامی دیگر برای گذاشتن «نقطه» پایان بر جمهوری اسلامی

● در میانه تنش‌های خاورمیانه، در شرایطی که شورای حکام آژانس بین‌المللی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی قطعنامه توییحی تصویب کرد، شاهزاده رضا پهلوی و آمیخای شیکلی وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل دیدار و گفتگو کردند. محور صحبت‌های آنها ضرورت «احیای اتحاد تاریخی ایران و اسرائیل» و «صلح پایدار در منطقه» بود.

● آمیخای شیکلی روز پنجشنبه ششم ژوئن (۱۷ خرداد) در یک متن فارسی در «ایکس» شاهزاده رضا پهلوی را «غایب‌نده واقعی مردم بزرگ ایران» خواند و نوشت، «من برای روزی دعا می‌کنم که رهبری او صلح و رفاه را برای ایران و کل خاورمیانه به ارمغان آورد و اتحاد تاریخی ایران و اسرائیل را احیا کند».

● شاهزاده رضا پهلوی نیز با اشاره به اهمیت «همبستگی میان ایران و یهودیان» تأکید کرد «پیوند میان آنها که در کتاب مقدس آمده صرفاً یک یادگار از گذشته نیست، بلکه می‌تواند الهام‌بخش دورانی نو از صلح پایدار برای منطقه ما از جمله بین ایرانیان و اسرائیلی‌ها و اعراب باشد».

● اکانت خامنه‌ای در «ایکس» پس از صدور قطعنامه توییحی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای غربی، در متنی به زبان عبری نوشت، «ما شاهد آغاز پایان موجودیت صهیونیستی هستیم، این موجود به تدریج در برابر چشم جهانیان در حال ذوب شدن است.» وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل در زیر همان متن با «» و تصویری از دیدارش با ولیعهد رضا پهلوی به رجزخوانی‌های تکراری علی خامنه‌ای واکنش نشان داد.

● بعد از بازداشت حسین شهنه‌زاده که در واکنش به یک پست خامنه‌ای فقط یک «» گذاشته بود، نقطه گذاشتن در زیر رجزخوانی‌های رهبر جمهوری اسلامی به یک پیام سیاسی و «جنگ روانی» علیه حکومت تبدیل شده است.

● در شبکه‌های اجتماعی شمار زیادی از کاربران، دیدار ولیعهد ایران با وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل را آنهم در شرایطی که رژیم تهران با صراحت و علنی از کارزار ضدیهودی افراطی‌های اسلامگرا حمایت می‌کند، یک پیام واضح به تهران ارزیابی می‌کنند. پیامی که می‌تواند در تغییر سیاست دولت‌های غربی در ارتباط با مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی تأثیر بگذارد.

● در میانه تنش‌های خاورمیانه و در شرایطی که شورای حکام آژانس بین‌المللی قطعنامه توییحی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را تصویب کرد، شاهزاده رضا پهلوی و آمیخای شیکلی وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل دیدار کردند. محور صحبت‌های آنها ضرورت «احیای اتحاد تاریخی ایران و اسرائیل» و «صلح پایدار در منطقه» بود.

● آمیخای شیکلی روز پنجشنبه ششم ژوئن (۱۷ خرداد) در یک متن فارسی در «ایکس» شاهزاده رضا پهلوی را «غایب‌نده واقعی مردم بزرگ ایران» خواند و نوشت، «من برای روزی دعا می‌کنم که رهبری او صلح و رفاه را برای ایران و کل خاورمیانه به ارمغان آورد و اتحاد تاریخی ایران و اسرائیل را احیا کند».

● شاهزاده رضا پهلوی نیز با ابراز خشنودی از این دیدار و با اشاره به اهمیت «همبستگی میان ایران و یهودیان» تأکید کرد که «پیوند میان آنها که در کتاب مقدس آمده صرفاً یک یادگار از گذشته نیست، بلکه می‌تواند الهام‌بخش دورانی نو از صلح پایدار برای منطقه ما از جمله بین ایرانیان و



عکس: از صفحه Amichai Chikli در «X»

همزمان کارزار اسرائیل برای حذف فیزیکی شماری از فرماندهان عالی‌رتبه «سپاه قدس» در سوریه که در پشتیبانی از تروریست‌های حماس و حزب‌الله علیه اسرائیل نقش اساسی داشته‌اند، ضربات سختی بر جمهوری اسلامی وارد کرد. به تلافی این اقدامات، حکومت طبق معمول بر فشار علیه فعالان سیاسی و مدنی و چهره‌های منتقد داخلی افزود و شماری از آنها با اتهامات امنیتی واهی از جمله ارتباط با اسرائیل بازداشت شدند. یکی از آنها حسین شهنه‌زاده مترجم، نویسنده و ویراستار آثار ادبی است که هفته گذشته دستگیر شد.

● شهنه‌زاده در حالی به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» بازداشت شده که یکی دو روز پیش از آنکه مأموران امنیتی

اسرائیلی‌ها و اعراب باشد». این دیدار در حالی برگزار شد که جمهوری اسلامی با محکوم کردن قطعنامه توییحی شورای حکام، رسماً ادعا می‌کند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس «اسناد ساختگی و اطلاعات جعلی ارائه شده توسط رژیم بد نیت اسرائیل» گزارش فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی را به شورای حکام ارائه داده است.

● علاوه بر این، درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل که به «جنگ سایه» مشهور شده، بعد از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل ابعاد پیچیده‌تری از یک جنگ ترکیبی با ابعاد گسترده به خود گرفته است.

● پس از آغاز عملیات اسرائیل در غزه علیه تروریست‌های حماس، جمهوری اسلامی تلاش کرد با موج سواری و



علامت «نقطه» پیام مشترک زیر پست‌های خامنه‌ای در «ایکس»

سراغ او بروند، به کنایه زیر یکی از پست‌های علی خامنه‌ای که جمله‌اش بی‌پایان مانده بود، یک «نقطه» گذاشته بود. نقطه‌ای که مردم از آن استقبال کردند و لایک زیادی

فرصت‌طلبی، اعتراضات جریان‌های ضدیهودی، چپ‌گراها و حامیان «آرمان‌های فلسطین» در اروپا و آمریکا را به هر شکلی تقویت کند.



پولیتیکومتر جدید «ارفی»: در شرایط کنونی نظر شما چیست؟



این نظرسنجی نیز با رعایت کامل امنیت شرکت‌کنندگان و به صورت ناشناس انجام می‌شود.

خوشبینی به اصلاحات یا پایان این رژیم، احتمال شرکت در تظاهرات و اعتصابات علیه جمهوری اسلامی، شرکت در رأی‌گیری زودهنگام و ابراز توجه به شماری از سیاستمداران و همچنین برخی فعالان سیاسی و مدنی اعم از هنرمند و ورزشکار و روزنامه‌نگار و اینکه اولویت سیاسی و اجتماعی



نظردهندگان در شرایط کنونی چیست، بخشی از پرسش‌های این بررسی را تشکیل می‌دهد.

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» که تا کنون نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های متعددی در ارتباط با وضعیت سیاست و جامعه ایران منتشر نتایج این سیاست‌سنجی و بررسی‌های مربوطه را نیز مانند موارد قبل در دسترس همگان قرار خواهد داد.

برای شرکت در این نظرسنجی که به وقت ایران تا ساعت ۲۴ جمعه ۲۵ خرداد ۱۴۰۳ فعال است می‌توان به این لینک مراجعه کرد:

<https://www.erf.institute/111>

● نظرسنجی جدید «ارفی» درارتباط با چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی است که قرار است روز هشتم تیر ۱۴۰۳ برگزار شود. انتخاباتی که به دلیل کشته شدن سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر در ۳۰ اردیبهشت توسط دولت و وزارت کشور خودش تدارک دیده شده است.

● خوشبینی به اصلاحات یا پایان این رژیم، احتمال شرکت در تظاهرات و اعتصابات علیه جمهوری اسلامی، شرکت در رأی‌گیری زودهنگام و ابراز توجه به شماری از سیاستمداران و همچنین برخی فعالان سیاسی و مدنی اعم از هنرمند و ورزشکار و روزنامه‌نگار و اینکه اولویت سیاسی و اجتماعی نظردهندگان در شرایط کنونی چیست، بخشی از پرسش‌های این بررسی را تشکیل می‌دهد.

● برای شرکت در این نظرسنجی که به وقت ایران تا ساعت ۲۴ جمعه ۲۵ خرداد ۱۴۰۳ فعال است می‌توان به این لینک مراجعه کرد: <https://www.erf.institute/111>

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) سیاست‌سنجی کوتاهی را به تازگی منتشر کرده و از ایرانیان در سراسر جهان خواسته است تا در آن شرکت کنند و نظریه‌دهند. این مؤسسه خود را متشکل از پژوهشگران مستقل و غیروابسته به نهادهای دولتی و غیردولتی معرفی می‌کند.

نظرسنجی جدید «ارفی» درارتباط با چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی است که قرار است روز هشتم تیر ۱۴۰۳ برگزار شود. انتخاباتی که به دلیل کشته شدن سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر در ۳۰ اردیبهشت توسط دولت و وزارت کشور خودش تدارک دیده شده است.

در این سیاست‌سنجی ۱۸ پرسش مطرح شده که کمتر از پنج دقیقه برای پاسخ به آنها نیاز است. هفت پرسش مربوط به اطلاعات کلی و رایج در نظرسنجی‌هاست که برای بررسی نمونه‌های آماری مطرح می‌شوند. «ارفی» تأکید می‌کند که

هم گرفت چرا که این «نقطه» ی پایان بطور غیرمستقیم مشروعیت جمهوری اسلامی و رهبرش را به چالش کشید. بعد از بازداشت شنبه‌زاده، علامت «نقطه» به معنای «پایان»، زیر پست‌های خامنه‌ای تبدیل به یک پیام سیاسی و «جنگ روانی» علیه حکومت شده. از جمله گری کاسپاروف قهرمان پیشین شطرنج جهان و از مخالفان ولادیمیر پوتین نیز با گذاشتن «نقطه» در پستی در «ایکس» به خبر بازداشت حسین شنبه‌زاده واکنش نشان داد. آکانت خامنه‌ای در «ایکس» روز پنجشنبه ۱۷ خرداد پس از صدور قطعنامه توبیخی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای غربی، در متنی به زبان عبری نوشت، «ما شاهد آغاز پایان موجودیت صهیونیستی هستیم، این موجود به تدریج در برابر چشم جهانیان در حال ذوب شدن است.»

کاربران باز هم «نقطه» گذاشتن زیر پست خامنه‌ای را شروع کردند. آمیخای شیکلی وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل نیز در زیر همان متن با یک «.» و انتشار تصویری از دیدارش با ولیعهد رضا پهلوی به رجزخوانی‌های تکراری علی خامنه‌ای نیز واکنش نشان داد. استفاده شیکلی از نقطه «.» خطاب به خامنه‌ای کاملاً معنادار است. نقطه‌ای که به یک پیام مشترک زیر پست‌های اخیر خامنه‌ای تبدیل شده است. اینهمه در حالیست که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۴ خرداد در مراسم سالمرگ روح‌الله خمینی عملیات تروریستی «هفت اکتبر» (طوفان الاقصی) را «نیاز منطقه» و «معجزه» توصیف کرد و با صراحتی کم‌سابقه به دفاع از آن پرداخت و گفت، این حمله علیه «یک نقشه جامع وسیع» بود که قدرت‌های دنیا و «بعضی دولت‌های منطقه» در حال

اجرای آن بودند تا با برقراری ارتباط با اسرائیل «مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند.» اشاره خامنه‌ای به «پیمان ابراهیم» است که برای عادی کردن روابط اسرائیل و کشورهای عرب در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ شکل گرفت.

برخی تحلیلگران بر این باورند که جمهوری اسلامی در تدارک عملیات مشابه «هفت اکتبر» علیه اسرائیل است. همزمان دستگاه‌های امنیتی چند دولت اروپایی از جمله سوئد و بلژیک گزارش‌هایی در مورد توطئه و تهدید عوامل جمهوری اسلامی علیه یهودیان و سفارتخانه‌های اسرائیل داده‌اند که نشان می‌دهد دامنه‌ی تنش‌ها در خاورمیانه به اروپا کشیده شده و می‌تواند به سرعت تشدید شود.

شاهزاده رضا پهلوی که نخستین سیاستمدار شاخص ایرانی است که با پیام صلح و امنیت و همزیستی در آوریل ۲۰۲۳ از اسرائیل دیدار و با مقامات عالی‌رتبه‌ی آن کشور دیدار و گفتگو کرد، یک هفته پیش از دیدار با آمیخای شیکلی، در مصاحبه با خبرگزاری ایتالیایی «ادنکرونوس» گفته بود، «راه صلح بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها از تهران می‌گذرد.» وی در همین مصاحبه تأکید کرد، تا وقتی جمهوری اسلامی سرنگون نشود منطقه رنگ آسایش و صلح را نخواهد دید.

در شبکه‌های اجتماعی شمار زیادی از کاربران، دیدار ولیعهد ایران با وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل را آنهم در شرایطی که رژیم تهران با صراحت و علنی از کارزار ضدیهودی افراطی‌های اسلامگرا حمایت می‌کند، یک پیام واضح به تهران ارزیابی می‌کنند. پیامی که می‌تواند در تغییر سیاست دولت‌های غربی در ارتباط با مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی تأثیر بگذارد.

آنچه نیز جمهوری اسلامی را در میان انبوهی از بحران‌های داخلی و بین‌المللی نگران کرده همین نکته و نزدیکی مخالفان دموکراسی‌خواه و میهن‌دوست ایران به بازیگران تأثیرگذار بین‌المللی از جمله اسرائیل است که موجودیت و امنیت آن به عنوان یک کشور عضو سازمان ملل برای اروپا و آمریکا خط قرمز به شمار می‌رود.

پروژه ققنوس ایران برگزار کرد؛ کنفرانس دو روزه «چشم‌انداز آینده ایران آزاد»



در بخش دوم کنفرانس، دکتر ناصر احمدی دکترای روانشناسی کودکان و نوجوانان و جوانان درباره طرح‌هایی برای زدودن آسیب‌های روانی جامعه در فردای پس از جمهوری اسلامی از جمله تروما و آسیب‌های ناشی از سوگ و استرس با ارائه آموزش‌های به ویژه نسل جوان سخن گفت. دکتر محمود مسائلی دکترای علوم سیاسی و فلسفه و فوق دکترای اخلاق و روابط بین‌الملل به صورت آنلاین در روز نخست نشست «پروژه ققنوس ایران» شرکت داشت. وی درباره «قواعد آمره حقوق بین‌الملل و مسئولیت کشورها» سخن گفت و تأکید کرد چگونه برخی اقدامات جمهوری اسلامی مصداق اقدام علیه بشریت است، نقض قوانین آمره است و مسئولیت کیفری برای جمهوری اسلامی در پی دارد. در بعد از ظهر روز شنبه هشتم ژوئن، دکتر مزگان حکیمی روانشناس و متخصص «تاب‌آوری روانشناختی» و بنیانگذار «سلامت روان فراتر از مرزها» سخنرانی کرد. او گفت متأسفانه در پی پیامدهای خیلی زیادی که در یک سیستم توتالیتر وجود دارد مسائل روان‌درمانی تأثیرات بسیار عمیق‌تری دارد و قابل مشاهده نیز نیست چرا که اینگونه آسیب‌ها و تأثیرات مدت زیادی طول می‌کشد تا دیده شوند. دکتر حکیمی درباره پیامدهای ناشی از اقدامات حکومت توتالیتر بر سلامت روان شهروندان، از جمله پناهجویان و زندانیان سیاسی و دیگر شهروندان عادی نیز توضیحاتی ارائه داد. دکتر علی محسنی فوق دکترای زیست‌شناسی مولکولی و ویروس‌شناسی و ژنتیک میکروبی، مشاور ارشد «پروژه ققنوس ایران» سخنرانی بعدی روز نخست این کنفرانس بود. دکتر علی محسنی درباره «علوم و هنر تولید مواد غذایی مغذی برای مردم ایران» و همچنین گشودن مسیرهایی به بازار جهانی برای شرکت‌های ایرانی سخن گفت. دکتر علی محسنی توضیح داد که بسیاری از مواد غذایی تولید شده در جهان امروز ارزش غذایی خود را به دلیل شیوه تولید از دست داده و یا آلوده به سموم مختلف هستند. وی درباره اینکه راهکار تهیه مواد غذایی مغذی و سالم چیست سخن گفت.

دکتر بهرام واحدی جوان‌ترین عضو «پروژه ققنوس»

برای شهروندان ایرانی بی‌شماری به وجود آورده است. در مقابل جوامع دموکراتیک از طریق سیاست‌گذاری آگاهانه و مبتنی بر شواهد شکوفایی که به حاشیه راندن طولانی‌مدت مجامع علمی و دانشگاهی ایران از فرآیند تصمیم‌گیری، آسیب‌های شدیدی را بر تمامی ابعاد زندگی ایرانیان وارد کرده است.»

او در ادامه افزود که «پروژه ققنوس به تأثیر مشارکت فعال کارشناسان در رابطه به شکل دادن مسیر ایران به سوی مدرنیته در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی اختصاص دارد. با ترویج و تقویت کردن روابط معنادار و تشویق تعامل با رسانه‌ها و مردم با سهامداران کلیدی ما مصمم هستیم که تحول اساسی را تسریع کنیم. ما قویا به قدرت چنین همکاری‌هایی برای مسلح کردن ایرانیان به ابزارهای لازم برای یک ملت آزاد، دموکراتیک، و شکوفا اعتقاد داریم. ما متعهد می‌شویم که با چشم‌اندازی یکپارچه در هدایت ایران به سوی عصری که ویژگی آن فراوانی، پیشرفت و مدرنیته است نقش اساسی را ایفا کنیم.»

تمامی سخنرانان این کنفرانس دو روزه که تمرکز آن بر ارائه چشم‌انداز ایران آینده بود، از شخصیت‌های علمی و خلاق و کارآفرین و همچنین مشاورانی هستند که در کشورهای محل سکونت خود از اعتبار حرفه‌ای برخوردارند و جزو آن گروه از مهاجران ایرانی به شمار می‌روند که آماده‌اند تا توان علمی و حرفه‌ای خود را در همکاری با متخصصان داخل کشور برای بازسازی ایران به کار بگیرند.

کنفرانس «چشم‌انداز آینده ایران آزاد» طی روزهای ۱۹ و ۲۰ خردادماه ۱۴۰۳ برابر با هشتم و نهم ژوئن ۲۰۲۴ از سوی اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» در محل دانشگاه یوسی‌ال‌ای شهر لس‌آنجلس برگزار شد.

در این نشست پژوهشگران و دانشمندان «پروژه ققنوس ایران» که در سوم اسفندماه ۱۳۹۷ توسط شاهزاده رضا پهلوی بطور رسمی در واشنگتن بنیان گذاشته شد تا به بررسی و تحقیق درباره مسائل و مشکلات ایران پرداخته و راهکارهای علمی و عملی برای رفع و کاهش آنها ارائه دهند، طرح‌هایی را با موضوعات مختلف از محیط زیست تا روانشناسی اجتماعی و سیاست درباره ایران آینده مطرح کردند. این اندیشکده در سال‌های گذشته نیز کنفرانس‌های متعددی را در شهرهای مختلف و همچنین بطور مجازی برگزار کرده که در آنها به همین مباحث و از جمله به برنامه‌های فوری و مهم صد روز پس از جمهوری اسلامی نیز پرداخته شده است.

در روز نخست، دکتر امیر حمیدی مدیرمسئول دوره‌ای هیئت هماهنگی «پروژه ققنوس ایران» در سخنانی این کنفرانس را آغاز کرد. دکتر حمیدی گفت: «از زمان استقرار جمهوری اسلامی در سال ۵۷، ایران شاهد خفقان پتانسیل علمی خود و عقب‌نشینی در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور بوده است. سیاست‌های رژیم بر اقتصاد، صنعت، زیرساخت‌های انسجام اجتماعی، منابع طبیعی و محیط زیست ایران تأثیر نامطلوب گذاشته و پیامدهای عمیقی

در این نشست پژوهشگران و دانشمندان «پروژه ققنوس ایران» که در سوم اسفندماه ۱۳۹۷ توسط شاهزاده رضا پهلوی بطور رسمی در واشنگتن بنیان گذاشته شد تا به بررسی و تحقیق درباره مسائل و مشکلات ایران پرداخته و راهکارهای علمی و عملی برای رفع و کاهش آنها ارائه دهند، طرح‌هایی را با موضوعات مختلف از محیط زیست تا روانشناسی اجتماعی و سیاست درباره ایران آینده مطرح کردند.

دکتر امیر حمیدی مدیرمسئول دوره‌ای هیئت هماهنگی ققنوس: پروژه ققنوس به تأثیر مشارکت فعال کارشناسان در رابطه به شکل دادن مسیر ایران به سوی مدرنیته در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی اختصاص دارد. با ترویج و تقویت کردن روابط معنادار و تشویق تعامل با رسانه‌ها و مردم با سهامداران کلیدی ما مصمم هستیم که تحول اساسی را تسریع کنیم. ما قویا به قدرت چنین همکاری‌هایی برای مسلح کردن ایرانیان به ابزارهای لازم برای یک ملت آزاد، دموکراتیک، و شکوفا اعتقاد داریم. ما متعهد می‌شویم که با چشم‌اندازی یکپارچه در هدایت ایران به سوی عصری که ویژگی آن فراوانی، پیشرفت و مدرنیته است نقش اساسی را ایفا کنیم.

تمامی سخنرانان این کنفرانس دو روزه که تمرکز آن بر ارائه چشم‌انداز ایران آینده بود، از شخصیت‌های علمی و خلاق و کارآفرین و همچنین مشاورانی هستند که در کشورهای محل سکونت خود از اعتبار حرفه‌ای برخوردارند و جزو آن گروه از مهاجران ایرانی به شمار می‌روند که آماده‌اند تا توان علمی و حرفه‌ای خود را در همکاری با متخصصان داخل کشور برای بازسازی ایران به کار بگیرند.

کنفرانس «چشم‌انداز آینده ایران آزاد» طی روزهای ۱۹ و ۲۰ خردادماه ۱۴۰۳ برابر با هشتم و نهم ژوئن ۲۰۲۴ از سوی اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» در محل دانشگاه یوسی‌ال‌ای شهر لس‌آنجلس برگزار شد.

در این نشست پژوهشگران و دانشمندان «پروژه ققنوس ایران» که در سوم اسفندماه ۱۳۹۷ توسط شاهزاده رضا پهلوی بطور رسمی در واشنگتن بنیان گذاشته شد تا به بررسی و تحقیق درباره مسائل و مشکلات ایران پرداخته و راهکارهای علمی و عملی برای رفع و کاهش آنها ارائه دهند، طرح‌هایی را با موضوعات مختلف از محیط زیست تا روانشناسی اجتماعی و سیاست درباره ایران آینده مطرح کردند. این اندیشکده در سال‌های گذشته نیز کنفرانس‌های متعددی را در شهرهای مختلف و همچنین بطور مجازی برگزار کرده که در آنها به همین مباحث و از جمله به برنامه‌های فوری و مهم صد روز پس از جمهوری اسلامی نیز پرداخته شده است.

در روز نخست، دکتر امیر حمیدی مدیرمسئول دوره‌ای هیئت هماهنگی «پروژه ققنوس ایران» در سخنانی این کنفرانس را آغاز کرد. دکتر حمیدی گفت: «از زمان استقرار جمهوری اسلامی در سال ۵۷، ایران شاهد خفقان پتانسیل علمی خود و عقب‌نشینی در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور بوده است. سیاست‌های رژیم بر اقتصاد، صنعت، زیرساخت‌های انسجام اجتماعی، منابع طبیعی و محیط زیست ایران تأثیر نامطلوب گذاشته و پیامدهای عمیقی

پروژه ققنوس درباره علم و شبه‌علم و همچنین خردورزی علم در ایران صحبت کرد و توضیح داد چگونه باید عوارض هرآنچه را که به عنوان شبه‌علم و خرافات در سال‌های گذشته در ایران رواج یافته از جامعه زدود.
دکتر شیرین گلی از دیگر اعضای جوان «پروژه ققنوس ایران» نیز درباره طرحی برای استفاده بازیافت آب در ایران به ویژه با توجه به بحران آب در کشور سخن گفت.
دکتر آلن بُستاکیان متخصص مدیریت تغییر با موضوع «سفر مردمان به سوی ایران جدید» سخنان خود را ایراد

روم‌نمایی کرد و توضیح داد این پروژه‌ها را «ایرانسانس» برای بازسازی ایران انجام خواهد داد. در این پروژه‌ها شماری از کارآفرینان، سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران و نیروهای خیره شبکه‌ای ایجاد کرده‌اند که برای آینده ایران آموزش‌ها و اقداماتی را آماده اجرا دارند تا بستری برای رشد اقتصادی، ایجاد صدهزار شغل و توسعه شرکت‌های داخلی فراهم کند. همچنین یکی از اهداف این پروژه‌ها «اعتمادآفرینی» است تا سبب جذب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی از خارج و صادرات آموزش‌ها به خارج از ایران شود.

→ ایران «برنامه‌ریز استراتژیک و مدیریت بحران است و درباره مدیریت بحران در دوران گذار بعد از جمهوری اسلامی سخنرانی کرد.
مهندس افشین صالحیان متخصص برق و کارشناس ارشد مدیریت از دیگر اعضای «پروژه ققنوس ایران» آخرین سخنران روز نخست این کنفرانس دو روزه بود. او درباره قراردادهای بین‌المللی که جمهوری اسلامی منعقد کرده از جمله مشکلات موجود در قرارداد میدان گازی آرش و دیگر قراردادهای صنعت نفت صحبت کرد.



دکتر بهرام واحدی



دکتر علی محسنی



دکتر مژگان حکیمی



دکتر ناصر احمدی



دکتر حسن صفوی



نادر صدیقی



دکتر بردیا حریری



دکتر تقی آل رضا



دکتر امیر حمیدی



دکتر آروین پناهی



مهندس افشین صالحیان



مهندس معارفی



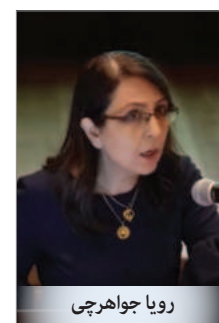
دکتر آلن بُستاکیان



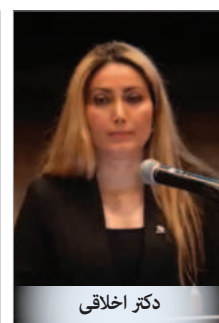
دکتر شیرین گلی



سعیدی فیروزآبادی



رویا جواهرچی



دکتر اخلاقی

کرد. او همچنین درباره بحران‌های دوران گذار، آموزش و توانمندسازی شهروندان و تجهیز رهبران و دولت موقت نکاتی را مطرح ساخت.
مهندس معارفی نیز گزارشی درباره آینده نیروگاه اتمی بوشهر که از ایران به دست ققنوس رسیده بود را ارائه داد.
در پایان کنفرانس دو روزه ققنوس میزگردی همراه با پرسش و پاسخ حضاران و سخنرانان برگزار شد.
ویدئوی این کنفرانس دو روزه در کانال یوتیوب «پروژه ققنوس ایران» در دسترس همگان قرار دارد و علاقمندان برای آگاهی از مباحث مطرح شده می‌توانند به این کانال مراجعه کنند. تمامی سخنرانان این کنفرانس دو روزه که تمرکز آن بر ارائه‌ی چشم‌انداز ایران آینده بود، از شخصیت‌های علمی و خلاق و کارآفرین و همچنین مشاورانی هستند که در کشورهای محل سکونت خود از اعتبار حرفه‌ای برخوردارند و جزو آن گروه از مهاجران ایرانی به شمار می‌روند که آماده‌اند تا توان علمی و حرفه‌ای خود را در همکاری با متخصصان داخل کشور برای بازسازی ایران به کار بگیرند.

دکتر فرید میرباقری از اعضای گروه سیاست خارجی ققنوس نیز سخنران دیگر برنامه بود که به صورت آنلاین درباره دورنمای سیاست خارجی ایران آزاد یکپارچه و دموکراتیک به عنوان نیرویی برای صلح و ثبات در خاورمیانه صحبت کرد. او درباره فرصت‌ها و چالش‌های سیاست‌های خارجی ایران، مسئله اتمی، گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی و اموال و دارایی‌های ایران در خارج از کشور سخن گفت.
در بخش دوم در آخرین روز این کنفرانس رویا جواهرچی درباره برندسازی و موقعیت‌یابی در ایران پس از جمهوری اسلامی سخن گفت. موضوعی که نه تنها در جهان امروز به شدت مورد توجه قرار دارد بلکه تا پیش از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نیز با ابتکار و خلاقیت کارآفرینان و صاحبان صنایع یکسری از تولیدات ایران را به برندهای معروف در خود کشور و همچنین خاورمیانه و جهان تبدیل کرده بود ولی سال‌هاست نه تنها به محاق فرو رفته بلکه همان برندهای پیشین را به ورشکستگی و نابودی کشانده است.
دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی جراح و عضو کمیته اجرایی

در دومین روز این کنفرانس دکتر آیدین پناهی مخترع و متخصص انرژی‌های پاک سخنرانی کرد و درباره استفاده از فناوری‌های انرژی پاک در فردای پس از جمهوری اسلامی در ایران سخن گفت.
دکتر تقی آل رضا متخصص انرژی دیگر سخنران نشست روز دوم بود. وی درباره مدلی توضیح داد که چگونه طی سه دهه پس از فروپاشی جمهوری اسلامی، توسعه اقتصادی و تقویت زیرساخت‌ها را می‌توان پیش برد.
دکتر بردیا حریری دیگر سخنران جوان این کنفرانس دارای مدرک دکتری اقتصاد و مشاور مالی و اقتصادی و ساکن سیلیکون ولی است که درباره آینده اقتصاد ایران، ادغام در زنجیره‌های ارزش جهانی و ارتقا جایگاه ایران در عرصه بین‌الملل سخن گفت.
او همچنین درباره پروژه‌های با عنوان «ایرانسانس» توضیح داد که این اهداف را با بهره‌گیری از نخبگان و متخصصان داخلی و خارجی برای آینده ایران دنبال می‌کند.
دکتر اخلاقی نیز از پروژه «فرنورد» و پروژه «آثر سیستم»

پرونده سقوط مشکوک هلی کوپتر رئیسی در سازمان قضایی نیروهای مسلح؛ ابهامات به قوت خود باقیست!



آخرین تصاویر از ابراهیم رئیسی پیش از سانحه سقوط هلی کوپتر

دو گزارش از این سانحه ارائه داده است اما در هیچکدام اشاره‌ای به دلیل اصلی سقوط نشده است.

در این گزارش‌ها صرفاً به مواردی از جمله «وضعیت بد جوی در روز پرواز» و مردود بودن احتمال انفجار و تداخل فرکانس منتفی اشاره شده است.

ابهامات در مورد علت سقوط این هلی کوپتر بسیار زیاد است به ویژه آنکه خلبانان آن از بهترین پرسنل نیروی هوایی ارتش به شمار می‌رفتند.

نه فقط چهره‌های امنیتی و انقلابی‌ها نسبت به سقوط این هلی کوپتر مشکوک هستند بلکه گفته می‌شود حتی خانواده ابراهیم رئیسی نیز در مورد اینکه سقوط هلی کوپتر فقط یک «حادثه» بوده باشد شک دارند به ویژه آنکه ویدیویی از گریه و مویه‌های مادر وی روز شنبه پنجم خرداد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن می‌گوید، «بُکشه هرکی غیر خدا تو را کشته!»

سه روز بعد از انتشار این ویدیو احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی (چهارشنبه نهم خرداد) عنوان کرد، «فرضیه‌های مختلفی پیرامون سقوط بالگرد مطرح بود که آیا این حادثه طبیعی بود و یا نشان از عوامل خارجی وجود داشت اما تا کنون هیچ عاملی برای سقوط شناسایی نشده است.»

در این ارتباط فیض‌الله عرب‌سرخی فعال سیاسی اصلاح‌طلب به «رویداد۲۴» گفت، «وقتی مادر رئیسی می‌گوید خدا بکشد هرکه بچه من را کشت، نشان می‌دهد که این ذهن مظنون است.» به اعتقاد این فعال سیاسی معنی این حرف‌ها این است که «در خانواده رئیسی چنین صحبت‌هایی مطرح می‌شود.»

«خیلی حرف‌ها هست»

علی‌اکبر رائفی‌پور مدیر مؤسسه «مصاف» از انقلابی‌های دو آتشه روز ۱۸ خردادماه در یک مصاحبه با طرح چند ابهام در مورد اتفاقی بودن سقوط با «عملیات تروریستی» و نیت پشت آن و اینکه قصور و کوتاهی بوده و یا رویداد «عمدی»، گفته بود، «واقعاً این پذیرفتی نیست که شخص دوم کشور، این اتفاق برایش بیفتد و تمهیداتی

سخت‌گویی قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه اعلام کرد در مورد سقوط هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در سازمان قضایی نیروهای مسلح پرونده تشکیل شده است.

اصغر جهانگیر بدون ارائه توضیحات بیشتر گفت، «ضابطین در حال جمع‌آوری ادله و گزارشات نهایی هستند به محض تکمیل تحقیقات و ارائه به دستگاه قضائی، پرونده با همه ابعاد پیگیری خواهد شد و در وقت مقرر اطلاع‌رسانی لازم صورت خواهد گرفت.»

بررسی دلایل سقوط هلی کوپتر رئیسی، توسط «هیأت عالی» ستاد کل نیروهای مسلح پیگیری می‌شود که تا کنون دو گزارش از این سانحه ارائه داده است اما در هیچکدام اشاره‌ای به دلیل اصلی سقوط نشده است.

فیض‌الله عرب‌سرخی فعال سیاسی اصلاح‌طلب به «رویداد۲۴» گفت، «وقتی مادر رئیسی می‌گوید خدا بکشد هرکه بچه من را کشت، نشان می‌دهد که این ذهن مظنون است.» به اعتقاد این فعال سیاسی معنی این حرف‌ها این است که «در خانواده رئیسی چنین صحبت‌هایی مطرح می‌شود.»

علی‌اکبر رائفی‌پور مدیر مؤسسه «مصاف» از انقلابی‌های دو آتشه روز ۱۸ خردادماه در یک مصاحبه با طرح چند ابهام در مورد اتفاقی بودن سقوط با «عملیات تروریستی» و نیت پشت آن که آیا قصور و کوتاهی بوده یا یک رویداد «عمدی»، گفت «واقعاً این پذیرفتی نیست که شخص دوم کشور، این اتفاق برایش بیفتد... [با] کسانی که اینکاره بودند من با آنها تماس گرفتم، با چندین خلبان خودم به شخصه صحبت کردم. از خلبان‌های ارتش، سپاه، خلبان‌هایی که حالا در فضای نظامی نیستند، خوب برای آنها هم سؤال بود؛ یعنی برای خودشان عجیب بود که آقا چطور همچین اتفاقی ممکن است!»

سخت‌گویی قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه اعلام کرد در مورد سقوط هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در سازمان قضایی نیروهای مسلح پرونده تشکیل شده است.



تصویری از بقایای هلی کوپتر «بل۴۱۲» حامل رئیسی و همراهان که در استان آذربایجان شرقی سقوط کرد

سلام بر خر!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۷) مهرماه ۱۳۸۴

با نشر



عمر کلول رهبر حزب خران

می‌کشد و بدون ادعا و چشمداشت به شما خدمت می‌کند. منتظر پادشاه شما هم نیست!»
 دشمنان خر البته برای این حیوان بی‌آزار جوکی هم ساخته‌اند و می‌گویند در جایی مسابقه پرواز برقرار بود. یکی با خرش در میدان حاضر شد. گفتند مگر نمی‌دانی که اینجا فقط پرندگان را در مسابقه شرکت می‌دهند. گفت می‌دانم ولی خر است دیگر، ممکن است به سرش بزند و پرواز کند!

برگردیم به حزب خران و رهبر آن در کردستان عراق. آقای عمر کلول هدف اصلی از تأسیس این حزب را تعمیم خریت معرفی می‌کند و می‌گوید: «ما می‌خواهیم انسانها را با مشرب خریت آشنا کنیم. ما می‌خواهیم آدمها مثل خر زندگی کنند. همدیگر را نکشند. صبور و قانع باشند. به حیوانات دیگر آزار نرسانند. افسار پاره نکنند.»

از مقام رهبری سؤال می‌شود: «درباره اسب و قاطر چه عقیده دارید؟» پاسخ می‌دهد: «اینها همه از یک طایفه و یک اصل و نسب‌اند. قاطر فرزند خر است. اسب و مادایان با قاطر خواهر و برادرند یعنی خر، پدرخوانده آنهاست. اما ریاست خانوار، یعنی عزت و افتخار به خر می‌رسد. به ابوصابر!»

عمر کلول از این که کسانی به کردستان یا هر سرزمینی که بدان دل بسته‌اند مهد شیران می‌گویند، متعجب است: «می‌فهمم چرا! شیر حیوانی است درنده و مهاجم. دیده‌اید که بر سر حیوانات دیگر چه بلای می‌آورد. باید این ادبیات کهنه را که یادگار دوران وحشیگری است دور بریزیم. باید بگوییم مهد خران. چرا باید فرزندانمان را شیرزاد و شیرکوه بنامیم؟ باید اسامی بهتری مثل خرزاد و خرکوه برای آنها در نظر بگیریم!»

این حکایت را هم بگویم و رفع زحمت کنم: در طوفان نوح، هنگامی که کشتی در حال حرکت بود، نوح خر را دید که از دور، لنگ‌لنگان می‌آمد. گفت بیا، بیا که دنیا بی تو صفایی ندارد. دست دراز کرد و گوش خر را گرفت و کشید تا به کشتی رسید. می‌گویند از آن روست که گوش خر دراز شده است.

با این توضیحات، آیا مایلید کارت عضویت برایتان صادر شود؟!

پادشاه به‌خیر، برادران توفیق که حزب خران را در ایران بنیاد نهادند و هفته‌نامه «توفیق» را ارگان رسمی آن قرار دادند. «توفیق» این شعر را به‌عنوان شعار حزب خران بر سر زبانها انداخت:

بنام خدایی که خر آفرید
 خر ماده از بهر نر آفرید
 جدا کرد از راه خرپروری
 خر دیزه را از خر بندری

حزب خران که یک حزب فراگیر بود، حالا دارد جهانگیر می‌شود.

در کردستان عراق، یک خرپرست واقعی بنام عمر کلول، متولد سال ۱۹۵۳، دارای همسر و هفت فرزند (دو پسر و پنج دختر)، فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی، موفق شده است مجوز قانونی «حزب خران» را از وزارت کشور دریافت کند. مصاحبه رهبر حزب خران با هفته‌نامه «مدیا» خواندنی است و آموزنده. از جمله، فضیلت خر را بر بسیاری انسانها که به‌غلط «خر» شناخته می‌شوند، با دلایل متقن به‌اثبات می‌رساند. به‌گفته عمر کلول «تحقیقات جدید نشان می‌دهد که خر زیرک‌ترین حیوان است و از خیلی انسانها زیرک‌تر. خری که امروز پایش در چاله‌ای فرو رفت اگر پنج سال بعد از همان راه عبور کند محال است پایش در آن چاله فرو رود حال آن که انسانها نه یک بار و دو بار، که بارها اشتباهی را تکرار می‌کنند و پند نمی‌گیرند!»

یک دلیل دیگر: «خرها، همواره از کنار جاده عبور می‌کنند و تاکنون کسی ندیده یا نشنیده است که خری به‌علت تند رفتن یا انحراف مسیر یا سبقت گرفتن خودخواسته و خودخواهانه باعث تصادف شده باشد. حال آن که اکثر تصادفات مرگبار جاده‌ها را انسانهایی موجب می‌شوند که گواهینامه رانندگی در جیب دارند و علامات راهنمایی را می‌شناسند!»

آقای عمر کلول معتقد است به خرها ظلم شده که آنها را مظهر حماقت دانسته‌اند: «احمق‌ترین حیوان گاو است نه خر. پیکاسو، بیخود و بی‌جهت، کبوترها را مظهر صلح و آشتی تشخیص داد در حالی که خر، سمبل صلح، سمبل بردباری و قناعت است. خر، با منتهای نجابت بار شما را

اندیشیده نشده باشد. آموغخ خیلی اتفاق بدی افتاد. یعنی کسانی که اینکاره بودند من با آنها تماس گرفتم، با چندین خلبان خودم به شخصه صحبت کردم. از خلبان‌های ارتش، سپاه، خلبان‌هایی که حالا در فضای نظامی نیستند، خب برای آنها هم سؤال بود؛ یعنی برای خودشان عجیب بود که آقا قطور همچین اتفاقی ممکن است! یعنی آن هلی‌کوپتر دستگاه فرستنده‌ای ندارد؟ جی‌پی‌اسی ندارد؟ خیلی حرف‌ها هست.»

پیش از این یک منبع مطلع به کیهان لندن گفته بود، احتمال اینکه سیستم ناوبری الکترونیک هلی‌کوپتر رئیسی و امیرعبداللهیان دچار نقص فنی شده و یا در آن اختلال ایجاد شده باشد وجود دارد. انواع پارازیت و سیگنال‌های مخرب، جمینگ و جمر یا مختل‌کننده سیگنال ردیاب GPS می‌تواند از عوامل ایجاد این اختلال‌ها باشد.

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز پنجشنبه سوم خرداد در مطلبی با عنوان «مسامحه جایز نیست» تأکید کرده بود «نزدیکی محل سقوط هلی‌کوپتر رئیسی با مرز جمهوری آذربایجان امکان انجام هر توطئه‌ای در منطقه مرزی داخل کشورمان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد.»

در این مقاله تأکید شده بود، «ناوبری ما ضعیف است و اگر حادثه بالگرد حامل رئیس جمهور ناشی از توطئه بوده باشد، این ضعف نیز در به وقوع پیوستن آن سهیم بوده است و... در بخش تأمین امنیت در برابر توطئه‌های خارجی دچار ضعف شدید هستیم.»

روزنامه «هم‌میهن» نیز در مقاله‌ای با عنوان «ضعف‌های ادامه‌دار» نوشته بود، «اطلاع‌رسانی درباره سقوط هلی‌کوپتر نادرست و ابهام‌آمیز است هیچ توضیحی داده نمی‌شود که چرا مدعی هستند که وضع آب و هوا خوب بوده و هیچ مشکل و ممنوعیتی برای پرواز نبوده است؟ یا توضیح نمی‌دهند که چرا این سفر هوایی مطابق معمول از پارس‌آباد مغان انجام نشده است، که اصولاً نیازی به این مسیر اضافه با بالگرد نباشد.»

با توجه به سوابق جمهوری اسلامی در توطئه و دروغ و پنهانکاری، شک و شبهه در مورد علت سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی بسیار زیاد است. به ویژه آنکه مقامات نظام هر یک روایت‌های ضد و نقیض در مورد آنچه در روز سانحه گذشت عنوان کرده‌اند.

اما مهمتر از همه اینها اظهارات دو مقام امنیتی است که هر دو سابقه کار در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را دارند. یکی از آنها حسام‌الدین آشنا مشاور پیشین حسن روحانی است که خطاب به مسئولان نظام نوشت، «شما را به حرمت همه شهیدان سوگند می‌دهیم که در بررسی حادثه بالگرد، از هیچ احتمالی به‌سادگی نگذرید.»

دیگری علی ربیعی، بازجوی مشهور به «عباد»، که او نیز در گذشته کارمند وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بود و در یادداشتی تأکید کرد «مسائل فنی و خبرهای متناقضی که منتشر شد، نیازمند بحث‌های کارشناسی دقیق است.»

پیش از همه اینها محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفته بود، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.»

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم به همراه حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه‌اش و شماری دیگر از مقامات نظام یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در مسیر بازگشت از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه‌سی» (قلعه دختر)، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی دچار سانحه هوایی شد و او و هفت نفر دیگر از جمله سه کادر پرواز جان خود را از دست دادند.

حسنعلی منصور در تدارك مقدمات نخست وزیری

با هویدا به منزل منصور رفتیم و در آنجا به من گفته شد که او نخست وزیر می‌شود و من باید در کابینه‌اش عضویت داشته باشم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلا گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشيو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلا در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجا رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلى باشد.

● در این زمان شما هیچ احساسی داشتید که این فرد برای اینکه در يك زمانی نخست وزیر بشود فعالیت می‌کند؟

کاملا اصولا طرز رفتار منصور و سر و گردنی که می‌گرفت مال کسی بود که می‌خواهد به مقامهای بالاتر برسد. به هرکسی که می‌توانست عنوان می‌کرد که نخست وزیر خواهد شد. دوستان من که در کانون مترقی بودند همه‌شان مطمئن بودند که او درست می‌گوید و نخست وزیر خواهد شد. خیلی قاطعانه در این زمینه صحبت می‌کرد. اما هیچ وقت مستقیم به من این حرف را نزد، اگر چه هم رفتارش رفتار کسی بود که می‌خواهد نخست وزیر بشود. و هم به بقیه که به کانون رفته بودند اطمینان می‌داد که نخست وزیر خواهد شد. حتی درکانون مترقی یکدفعه این بحث پیش آمده بود که خوب، حالا که ما دور هم جمع شده‌ایم می‌خواهیم چه کار بکنیم. باید يك روز دولت تشکیل بدهیم. هر کس می‌خواهد خودش را کاندیدا بکند. البته همه حواسشان جمع بود که این قبا را منصور برای خودش دوخته است. چون او است که پیشقدم شده و این کانون را درست کرده. ولی یکی از دوستان ما که هم جاه طلب بود و هم بکلی ناشی، خودش را کاندیدا کرده بود و سالیان دراز موجب خنده همه شده بود. این شخص بعداً، پس از انقلاب، به جبهه ملی پیوست و مدتی هم کاری به او دادند. بهرحال، از همان آغاز کار «کانون مترقی» تفاهم همگان بر این بود که این کانون برای این درست شده که يك روزی افرادش بتوانند مسئولیتهای مهم دولتی را به عهده بگیرند، در دولت و در مجلس، و بعد هم رئیس این گروه که حسنعلی منصور است بشود نخست‌وزیر. البته، نفر دوم او امیرعباس هویدا بود که هرآدم جدی احساس می‌کرد که او بکلی يك کالیبر دیگر و از نظر قدرت ذهن و کفایت در سطح بالاتری است.

آغاز همکاری با منصور

در تابستان سالی که من به دولت علم رفتم، انتخابات تازه دو مجلس صورت گرفت، و پیش از آن کنگره آزاد مردان و آزاد زنان تشکیل شد، و قرار شد که اینها يك فهرستی از نامزدهای خودشان را تهیه بکنند. یعنی روشن بود که این کنگره آزاد مردان و آزاد زنان بعداً تبدیل می‌شود به حزبی که آن حزب را حسنعلی منصور اداره خواهد کرد. دولت آینده را از راه این حزب می‌بایست تشکیل بدهند. وقتی که مجلس تازه باشد، از هر نظر چشمگیر بود. اولاً برای نخستین بار در تاریخ مشروطیت ایران زنها به مجلس راه یافته بودند. از این گذشته عده‌ای کارگر و افرادی از طبقه متوسط کشور نماینده شده بودند. بسیاری از جوانهایی که پیش از آن نامی نداشتند در مجلس بودند. پس از مدتی این گروه قرار شد حزب ایران نوین را تشکیل بدهند.

در همان زمان، شبی هویدا به من تلفن کرد و گفت که «علی» الان شرفیاب شده (منظورش از علی البته حسنعلی منصور بود) و الان در راه بازگشت به منزل خودش است و کار خیلی خیلی فوری با تو دارد. خواهش می‌کنم که بیا اینجا سه نفری با هم صحبت بکنیم. من حدس می‌زدم که این می‌بایست مربوط باشد به مساله تلاش منصور برای نخست‌وزیری. رفتم به منزل منصور و آنجا سه نفری شروع کردیم اول به احوالپرسی و بعد هم به صحبت. منصور از همان موقع قیافه نخست‌وزیر به خودش گرفته بود، اما حاضر نبود مستقیم و صریح صحبت بکند. شروع کرد از من در باره وزارت اقتصاد، عملکرد کارهایی که کرده‌ام. برنامه‌هایی که در پیش دارم، تقدم‌هایی که قائل هستم، سؤال کردن. من خیلی با ادب به او جواب دادم و بعد گفتم حالا منظور شما چی هست که این سئوالها را از من می‌کنید؟ گفت اعلیحضرت فرمودند که باید در چند ماه دیگر نخست وزیر بشوم و مایل هستم که شما هم با من همکاری بکنید و بیائید به دولت من.



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۱۹)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

● برای اینکه تاریخ این مکالمه مشخص شود، آیا بعد از تشکیل حزب ایران نوین است؟ برای اینکه حزب ایران نوین در آذر ۱۳۴۲ تشکیل شد.

این در بحبوحه تشکیل حزب ایران نوین است. منصور گفت مایل هستم که شما هم در دولت آینده من باشید.

● این در زمانی است که شما وزیر دولت علم هستید؟
بله، بعد هم منصور اضافه کرد که لازمه عضویت شما در دولت آینده این است که عضو حزب ایران نوین بشوید. این به من يك بهانه خیلی خوبی داد که به او بگویم که من معذورم. به او گفتم من نمی‌خواهم وارد هیچگونه فعالیت حزبی بشوم و با تشکر از او ترجیح می‌دهم که برگردم به شرکت ملی نفت ایران و در آنجا خدمت بکنم. حالا که باید عضو حزب باشید تا بتوانید وزیر شوید، من که می‌خواهم عضو حزب باشم، بنابراین وزیر هم نخواهم شد، می‌روم شرکت نفت. منصور بکلی حرف مرا اشتباهی فهمید. فکر کرد که من سابقه دست چپی دارم و به آن دلیل نمی‌خواهم عضو حزب او بشوم. گفت شما گرفتاری حزب توده داشتید؟ پیش از اینکه من بتوانم حرفی بزنم، هویدا گفت نه از آن نظرها هیچ وقت ناراحتی نداشتی، و برگشت به من تأکید کرد که باید پیشنهاد منصور را بپذیرم و يك مرتبه به فرانسه به من گفت: Tu dois être à la mesure de ton standard. این نوع فرانسه زیبا صحبت کردن مال هویدا بود، مال هر کس نبود. من گفتم نه، واقعا احساس می‌کنم که علاقه‌ای به فعالیت حزبی ندارم. بنابراین نمی‌توانم این را قبول بکنم. منصور تا آن موقع فکر می‌کرد که من به این حساب با ملاقات او در آن شب موافقت کرده‌ام که او می‌خواهد مرا وزیر بکند ولی وقتی دید من واقعا علاقمند نیستم، که برای او خیلی عجیب بود که شخصی وزارت را قبول نکند و چون او با جاه طلبی خودش چنین چیزی را هیچ وقت ندیده بود. عاجز ←

بشوم بعد هم اصلا صحیح نیست. چه شکلی ممکن است که من هم با شما کار بکنم و هم با او علم گفت فکر نمی‌کنم اعلیحضرت همایونی این حرف را بپذیرند. ولی حالا من یک بار دیگر یک تلاشی می‌کنم چند روز بعد که او را دیدم گفتم شما باید برویم در آن حزب. ولی حالا که دیر رسیدید، علت اینکه شما باید امضاء می‌کردید این بود که اینها می‌خواستند شورای عالی حزب را انتخاب بکنند و شما هم که وزیر کابینه هستید باید می‌رفتید در آن شورا، حالا دیگر در شورا نیستید. گفتم همان بهتر که من عضو شورا نباشم و یک عضو ساده این حزب باشم. البته هیچ وقت هم من به آن حزب نرفتم.

● یعنی هیچوقت هم دفتر را امضاء نکردید؟

چرا، آوردند امضاء کردم. اما اعلیحضرت بود. ولی چون در هیچکدام از سازمانهای حزبی مقامی نداشتیم، به حزب نمی‌رفتم. چندین سال بعد هم یک بار انتخاباتی انجام شده بود که من در سفر بودم و در تهران نبود.

بعد هویدا برایم تعریف کرد که در جلسه شورای اقتصاد شاه با طنز به عطاءالله خسروانی، که در آن موقع دبیرکل حزب ایران نوین بود، گفته بود خوب در این انتخابات اخیر که شنیدم (Land Side) کردید. او هم خیلی خوشحال شده بود و با افتخار و سرافرازی گفته بود بله قربان. شاه گفته

بسیار خوب دفتر ثبت نام را بفرستید به وزارت اقتصاد تا ثبت نام کنم. این سیستم نام نویسی البته برای وزیر بود. کسان دیگر باید می‌رفتند به محل موقت حزب اسم می‌نوشتند. در همان اوان هم من می‌بایست می‌رفتم به فرانسه برای مذاکره دریافت وام از فرانسه. ترتیبی که دادم به این صورت بود که به رئیس دفترم آقای ایرج علمی، که بسیار مورد اعتماد من بود و خود او هم یک زمانی در دبیرخانه شورای اقتصاد کار می‌کرد و همه را می‌شناخت، گفتم شما به اطلاع منصور برسائید که متأسفانه من چون سفر فرانسه در پیش داشتم و رفتم، دفتر دیر رسید و نتوانستم امضاءش بکنم. پیش خودم گفتم عجلتاً یک کمی این مساله را به تأخیر بیندازم و بروم با علم صحبت بکنم و از او خواهش بکنم که پا در میانی بکند که من عضو این حزب نشوم و در دولت منصور نروم. پس از بازگشت از فرانسه، وقتی که رفتم به علم گزارش سفر خودم را بدهم، پیش از آنکه فرصتی بشود و من به او بگویم که منصور با من تماس گرفته و من نمی‌خواهم و اصولاً از نظر اخلاقی صحیح نیست که پیشنهاد او را قبول کنم و وضع خودم را با علم روشن بکنم، یکباره دیدم او برگشت و گفت خوب آقا جان، شما چرا آن دفتر را امضاء نکردید. دیدم که واقعا من بکلی در تاریکی هستم و هم اینها دارند بازی خودشان را می‌کنند.

→ شد و گفت آخر اعلیحضرت گفته‌اند که تو باید در دولت باشی. گفتم، خوب اگر اعلیحضرت فرمودند، آن دیگر خیلی ساده است، چون می‌روم و به عرضشان می‌رسانم که من نمی‌خواهم عضو حزب باشم. سخن ما به همین جا پایان پذیرفت. هنگام خروج من متوجه شدم که چند تا از دوستان دیگر من در اتاق دیگری منتظر هستند که بیایند. دیدم همان دوستهای شورای اقتصاد ما هستند که همه شان قرار است وزیران آینده بشوند. و یا مقامهای بالای آینده را داشته باشند. روز بعد، از اعلیحضرت اجازه شرفیابی خواستم و به حضورشان رفتم به بهانه دادن گزارشهای مختلف.

● شما این گفتگوهایتان را با منصور علم نگفتید؟

نگفتم. از نظر اخلاقی در محضور عجیبی گیر کرده بودم. چون فکر می‌کردم که این اصلا صحیح نیست. چطور ممکن است که من که دارم با یک دولتی کار می‌کنم با رقیب او و جانشین او شروع بکنم به قرارداد بستن. این فوق‌العاده برای من زننده بود. از نظر اخلاقی نمی‌توانستم بپذیرم و رویم هم نمی‌شد که به علم چیزی بگویم. این بود که مستقیم رفتم پهلوی اعلیحضرت. پس از گزارشات معمولی خودم، به عرض اعلیحضرت رساندم که یک چنین دیداری با منصور داشتم. خواستم پیشدستی بکنم، گفتم که البته من به منصور یادآور شدم که واقعا هیچ گونه اعتقادی به فعالیت



اسدالله علم و علینقی عالیخانی در کنار والاحضرت اشرف

بود، خوب، حزبتان اینکار را کرده بود؟ او هم گفته بود بله قربان. گفته بود آن حزبی که این قدر محبوبیت دارد، چطور است که عالیخانی در آن شرکت نمی‌کند. البته، اعلیحضرت خبر داشت که هیچوقت نمی‌روم. خسروانی این را به این صورت برایم تعریف کرد که اعلیحضرت فرمودند که تو حتما باید فعالیت حزبی داشته باشی. ولی هویدا به من گفت این وسیله شوخی و طنز اعلیحضرت شده که این قدر جدی نگیرد کار انتخابات خودتان را (Land Side) خودتان را. بپهر تقدیر، برای علم و من هر دو روشن شده بود که منصور قرار است بیاید سر کار و هردوی ما رویمان بهم باز شده بود و درباره این که این صحبتها و این جریانات اتفاق افتاده با هم صحبت می‌کردیم.

(ادامه دارد)

● یعنی علم در واقع آگاه بود که چه اتفاقاتی دارد می‌افتد و شاه هم با او صحبت کرده بود و همه مراحل را می‌دانست؟

کاملاً آگاه بود و می‌دانست که من یک شب رفتم آنجا صحبت کردم، چه گفتم و بعد به شاه چه گفتم و دفتر ثبت نام چه بوده که من آن را امضاء نکردم. علم گفت اعلیحضرت خیلی ناراحت شده‌اند. به شما گفته که دفتر را امضاء بکنید و شما امضاء نکردید. گفتم حال که شما می‌دانید. من می‌خواستم امروز جریان را بگویم، ولی می‌بینم خیلی بیشتر از من وارد هستید. خواهش می‌کنم به یک ترتیبی شما پا در میانی بکنید. من نمی‌خواهم وزیر بشوم. من اعتقادی به این شخص ندارم و نمی‌خواهم وزیر

حزبی ندارم و به او گفتم من حاضر نیستم که فعالیت حزبی بکنم. ناگهان اعلیحضرت برگشتند گفتند خیر، منصور که سرخود این حرفها را نمی‌زند، ما به او گفته بودیم و شما هم می‌بایست در این حزب باشید و می‌بایست در دولت آینده باشید. دیگر هیچگونه جای گفتگو نبود.

چند روز بعد، به مناسبتی که خاطرم نیست، یک مهمانی از طرف وزارت اقتصاد داده شده بود و محل مهمانی هم در باشگاه افسران بود از جمله کسانی که دعوت شده بودند حسنعلی منصور بود. در آنجا منصور از من پرسید که اعلیحضرت به شما گفتند که باید عضو حزب باشید؟ گفتم بله. گفت، خوب، دیگر حرفی دارید؟ گفتم نه، این امر اعلیحضرت است، بنابراین خواهم کرد. گفت پس شما باید ترتیب اسم نویسی خودتان را در حزب بدهید. گفتم

درخواست آنتونی بلینکن از دولت‌های منطقه:

حماس را برای پذیرش توافق صلح تحت فشار قرار دهید!

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا بر تعهد آهین ایالات متحده به امنیت اسرائیل تأکید کرد و گفت که اجازه تکرار عملیات تروریستی «هفت اکتبر» داده نخواهد شد. او به نتانیاهو گفت، دولت آمریکا معتقد است پیشنهاد آتش‌بس «امکان آرامش در امتداد مرز شمالی اسرائیل و همکاری بیشتر با کشورهای منطقه» را باز می‌کند و «از گسترش درگیری جلوگیری می‌کند».

● بلینکن پس از اورشلیم به قاهره رفت و با عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر دیدار و گفتگو کرد. او از سران کشورهای منطقه خواست حماس را برای پذیرش پیشنهاد آتش‌بس با اسرائیل تحت فشار قرار دهند.

● وزیر خارجه آمریکا همچنین از حماس خواست تا پیشنهاد آتش‌بس را که واشنگتن برای پایان دادن به جنگ غزه ارائه داده پذیرد؛ طرحی که شورای امنیت سازمان ملل متحد به آن رأی داده است.

● در مقابل اما سامی ابوزهری یکی از رهبران حماس گفت که اظهارات بلینکن در مورد آتش‌بس غزه «جانبداری از اسرائیل» بوده و این مواضع مانعی واقعی برای دستیابی به توافق است.

تکرار عملیات تروریستی «هفت اکتبر» تأکید کرد. بنا بر این گزارش، بلینکن به نتانیاهو تأکید کرد که دولت آمریکا معتقد است پیشنهاد آتش‌بس «امکان آرامش در امتداد مرز شمالی اسرائیل و همکاری بیشتر با کشورهای منطقه» را باز می‌کند و «از گسترش درگیری جلوگیری می‌کند».

بلینکن پس از دیدار با نتانیاهو، با یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل ملاقات کرد. آنها درباره «جنگ غزه، آزادی گروگان‌ها و مقابله با تهدید جمهوری اسلامی» گفتگو کردند. وی همچنین با یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل نیز گفتگو داشت.

محور اصلی مأموریت منطقه‌ای بلینکن پیگیری طرح سه مرحله‌ای جو بایدن برای توقف جنگ در غزه است هرچند که با موانع بسیاری روبروست، از جمله آنکه اسرائیل می‌گوید تا نابودی کامل حماس در غزه عملیات نظامی را متوقف نمی‌کند.

بلینکن پس از اورشلیم به قاهره رفت و با عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر دیدار و گفتگو کرد. او از سران کشورهای منطقه خواست حماس را برای پذیرش پیشنهاد آتش‌بس با اسرائیل تحت فشار قرار دهند.

وزیر خارجه آمریکا همچنین از حماس خواست تا پیشنهاد آتش‌بس را که واشنگتن برای پایان دادن به جنگ غزه ارائه داده پذیرد؛ طرحی که شورای امنیت سازمان ملل متحد به آن رأی داده است.

در مقابل اما سامی ابوزهری یکی از رهبران حماس گفت که اظهارات بلینکن در مورد آتش‌بس غزه «جانبداری از اسرائیل» بوده و این مواضع مانعی واقعی برای دستیابی به توافق است.

ماکرون در دیدار با بایدن: مصمم به اعمال فشار برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی هستیم

● جو بایدن و امانوئل ماکرون به عنوان بخشی از سفر رئیس جمهوری آمریکا به فرانسه به مناسبت هشتادمین سالگرد عملیات نرماندی در کاخ الیزه دیدار کردند.

● امانوئل ماکرون اضافه کرد: «هر دو کشور ما مصمم به اعمال فشار برای مقابله با این روند هستیم... چنین [عزمی] در جریان تدوین و تصویب قطعنامه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به خوبی به نمایش گذاشته شد».

امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه روز شنبه هشتم ژوئن (۱۹ خردادماه) در دیدار با رئیس جمهوری آمریکا، گفت که فرانسه و ایالات متحده برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه با اولویت اصلی آرام کردن اوضاع بین اسرائیل و حزب‌الله تلاش خواهند کرد و مصمم به اعمال فشار بر جمهوری اسلامی هستند.

جو بایدن و امانوئل ماکرون به عنوان بخشی از سفر رئیس جمهوری آمریکا به فرانسه به مناسبت هشتادمین سالگرد عملیات نرماندی در کاخ الیزه دیدار کردند.

ماکرون و بایدن در یک بیانیه مشترک اعلام کردند، دو کشور با «هماهنگی نزدیک» مسیری برای گفتگوها با اسرائیل از یکطرف و با لبنان و سایر طرفین درگیر از سوی دیگر ایجاد کرده‌اند.

بایدن در طول سخنرانی خود درباره بیانیه هیچ اشاره‌ای به وضعیت لبنان و ایران نکرد، اما ماکرون با اشاره به حمله پهبادی و موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل و توسعه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، گفت: «ما همچنان شاهد استراتژی تشدید همه‌جانبه تنش [از سوی این کشور] هستیم، که شامل حملات بی‌سابقه علیه اسرائیل، تحرکات بی‌ثبات‌کننده در منطقه‌ای و البته برنامه هسته‌ای ایران می‌شوند».

امانوئل ماکرون اضافه کرد: «هر دو کشور ما مصمم به اعمال فشار برای مقابله با این روند هستیم».

وی همچنین افزود، «چنین [عزمی] در جریان تدوین و تصویب قطعنامه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به خوبی به نمایش گذاشته شد».

کمتر از یک هفته پیش از این شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی قطعنامه تویبیتی تصویب کرد. پیش‌نویس این قطعنامه از سوی بریتانیا، آلمان و فرانسه ارائه شده بود.

به نظر می‌رسد صدور قطعنامه تویبخی در شورای حکام علیه جمهوری اسلامی در صورتی که تهران به اولتیماتوم غربی‌ها در مورد ضرورت همکاری با آژانس بی‌توجه باشد زمینه‌ساز ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت شود.

بسیاری تحلیلگران معتقدند قدرت‌های اروپایی در هماهنگی با آمریکا در حال افزایش فشارها به جمهوری اسلامی هستند به ویژه آنکه اخیراً تحرکات اولیه برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا از سوی کشورهای قدرتمند عضو این اتحادیه دیده شده است.



دیدار نتانیاهو بلینکن در اورشلیم / ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴

وی افزود، «سخنرانی بلینکن در سفرش به مصر نمونه‌ای از تعصب نسبت به اسرائیل است و برای هولوکاستی که در غزه انجام شد لاپوشانی کرده است».

وزیر خارجه آمریکا در حالی به منطقه سفر کرده که حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی حملات خود به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب المندب را تشدید کرده‌اند. برخی منابع گزارش داده‌اند که سپاه پاسداران به آنها موشک‌های با بُرد و قدرت بیشتر تحویل داده است.

آنتونی بلینکن که در طول دوران تصدی خود به عنوان وزیر خارجه آمریکا برای هشتمین بار به خاورمیانه سفر کرده است، روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خردادماه) با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد.

وی در این دیدار تأکید کرد که ایالات متحده و سایر کشورها پشت طرح معامله بر سر گروگان‌های اسرائیلی که اخیراً توسط جو بایدن ارائه شده است، ایستاده‌اند.

به گزارش روزنامه «تایمز اسرائیل» بلینکن بر تعهد آهین ایالات متحده به امنیت اسرائیل از جمله با اطمینان از عدم

توافق ماکرون و بایدن برای استفاده از دارایی‌های بلوکه شده روسیه به نفع اوکراین



دیدار ماکرون و بایدن در پاریس در مراسم جشن کاخ الیزه / هشتم ژوئن ۲۰۲۴ / عکس: رویترز

بسیار بزرگی به روسیه خواهد بود.»
به گزارش «پولیتیکو» گراهام از حامیان سرسخت اوکراین در سنای آمریکا است و در طول ماه‌ها کشمکش در کنگره بر سر بسته کمک خارجی ۹۵ میلیون دلاری به اسرائیل، اوکراین و تایوان، از معدود جمهوریخواهانی بود که از آن لایحه حمایت کرد.
البته گراهام می‌گوید، در نهایت بعید است دولت بایدن پیشنهاد او را برای تعیین روسیه به عنوان کشور حامی تروریسم بپذیرد.
وی در دفاع از پیشنهادش گفت، «اکنون زمان آن فرا رسیده است که هواپیمایهای F-۱۶ به اوکراین تحویل دهیم، به آنها اجازه دهیم با هواپیماها و توپخانه دوربرد به اهدافی در داخل روسیه حمله کنند. باید دارایی‌های پوتین و روسیه را هر جای جهان که باشند شناسایی کرد و وضعیت تهاجمی گرفت.» وی همچنین تأکید کرد، «اگر ما به دنبال دارایی‌هایی باشیم که پوتین در سرتاسر جهان دارد و پول‌های او را که از مردم روسیه دزدیده شده است، بگیریم و به قربانیان اوکراین کمک کنیم، فکر می‌کنم برای پایان دادن به این جنگ کمک زیادی خواهد کرد.»
لیندسی گراهام همچنین افزود: «ایالات متحده نمی‌خواهد منابع معدنی اوکراین را که تریلیون‌ها دلار ارزش دارد، به روسیه بدهد. اگر اکنون به اوکراین کمک کنیم، این کشور می‌تواند به بهترین شریک تجاری ما تبدیل شود که همان آرزوی ما بوده است. بجای اینکه دارایی‌های طبیعی مهم به ارزش ۱۰ تا ۱۲ تریلیون دلار را به پوتین و چین بدهیم، اوکراین و غرب می‌توانند از آنها استفاده کنند.»

ایده‌ای که توسط آمریکا حمایت می‌شود، استفاده از این سود به عنوان یک جریان درآمد ثابت برای ارائه وام بزرگ ۵۰ میلیارد دلاری به اوکراین است اما روسیه می‌گوید هرگونه انحراف از سود حاصل از وجوه مسدود شده‌ی این کشور به معنی دزدی است.
از سوی دیگر روسیه اعلام کرد هرگونه تلاش برای مصادره دارایی‌های مسدود شده این کشور یا اتباع آن، تحت تعریف سلب مالکیت و برخلاف قانون اساسی اروپا و قوانین بین‌المللی قرار می‌گیرد. دولت این کشور تهدید کرده است که در صورت انجام این کار از سوی کشورهای غربی، اقدامات مقتضی و تلافی‌جویانه انجام خواهد داد.
به نظر می‌رسد غربی‌ها کارزار منسجمی برای تقویت کمک‌های راهبردی به اوکراین در مقابل روسیه به راه انداخته‌اند.
لیندسی گراهام: باید روسیه را به عنوان مدافع تروریسم شناسایی کرد
این اقدام در آمریکا تقریباً از حمایت حداکثری برخوردار است. در همین ارتباط لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه در مصاحبه با شبکه «CBS» گفت که جهت توقیف دارایی‌های روسیه برای ارائه کمک‌های مضاعف به اوکراین تمام تلاش خود را خواهد کرد. وی افزود: «طبق قوانین آمریکا ما باید در مقابل روسیه به عنوان یک کشور حامی تروریسم، از اوکراین حمایت کنیم.»
او افزود: «وقتی من به زلینسکی این پیشنهاد را دادم، چشمانش از خوشحالی درخشید، شناسایی روسیه به عنوان کشور حامی تروریسم بر اساس قوانین ایالات متحده، ضربه

● رویترز گزارش داد، جو بایدن و امانوئل ماکرون رؤسای جمهوری آمریکا و فرانسه در باره استفاده از سود حاصل از دارایی‌های مسدود شده روسیه برای کمک به اوکراین به توافق رسیده‌اند.

● حدود ۲۶۰ میلیارد یورو از دارایی‌های بانک مرکزی روسیه در بانک‌های غربی مسدود شده که بیشتر آن نزد اتحادیه اروپا است.

● ایده‌ای که توسط آمریکا حمایت می‌شود، استفاده از این سود به عنوان یک جریان درآمد ثابت برای ارائه وام بزرگ ۵۰ میلیارد دلاری به اوکراین است اما روسیه می‌گوید هرگونه انحراف از سود حاصل از وجوه مسدود شده‌ی این کشور به معنی دزدی است. ● لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه ایالات متحده در مصاحبه با شبکه «CBS» گفت که جهت توقیف دارایی‌های روسیه برای ارائه کمک‌های مضاعف به اوکراین تمام تلاش خود را خواهد کرد. وی افزود: «طبق قوانین آمریکا ما باید در مقابل روسیه به عنوان یک کشور حامی تروریسم، از اوکراین حمایت کنیم.»

رویتز روز یکشنبه دهم ژوئن (۱۹ خردادماه) گزارش داد، جو بایدن و امانوئل ماکرون رؤسای جمهوری آمریکا و فرانسه درباره استفاده از سود حاصل از دارایی‌های مسدود شده روسیه برای کمک به اوکراین به توافق رسیده‌اند.
بایدن در پاسخ به این سوال که آیا آنها درباره این موضوع صحبت کرده و به توافق رسیده‌اند یا نه، گفت: بله و بله.
حدود ۲۶۰ میلیارد یورو از دارایی‌های بانک مرکزی روسیه در بانک‌های غربی مسدود شده که بیشتر آن نزد اتحادیه اروپا است.

اروپایی‌ها صندوقی برای اختصاص به دارایی‌های روسیه در بازسازی اوکراین تأسیس کرده‌اند. گروه هفت کشور و اتحادیه اروپا در حال بررسی چگونگی استفاده از سود حاصل از دارایی‌های روسیه در غرب هستند تا وام بزرگی را در اختیار اوکراین قرار دهند و تأمین مالی کی‌یف را برای سال ۲۰۲۵ تضمین کنند.

استفاده از اموال روسیه باعث نگرانی و اختلاف برخی کشورهای غربی شده است اما یک مقام خزانه‌داری ایالات متحده اخیراً گفت که آمریکا و شرکای آن در «گروه هفت» در حال توافق روی این موضوع هستند.

کشورهای «گروه هفت» در ماه ژوئن ۲۰۲۲ چند ماه پس از حمله نظامی روسیه علیه اوکراین اعلام کرده بودند که قصد دارند گزینه‌هایی را برای حمایت از اوکراین و بازسازی این کشور از جمله استفاده از دارایی‌های مسدود شده روسیه در اسرع وقت بررسی کنند. در ماه دسامبر آنها ایجاد یک ساز و کار متشکل از چندین سازمان جهت هماهنگی کمک‌های اهدایی برای بازسازی اوکراین را اعلام کردند.

اتحادیه اروپا نیز بارها اعلام کرده که اگرچه در حال بررسی امکان استفاده از دارایی‌های مسدود شده روسیه برای بازسازی اوکراین است اما این موضوع فاقد مبنای قانونی است.

رأی دادگاه عالی اُنتاریو به «سهل‌انگاری» شرکت «اوکراین اینترنشنال» در جلوگیری از پرواز هواپیمای PS752 در شرایط آماده‌باش!



هواپیمای اوکراینی «پی‌اس ۷۵۲» ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ با شلیک دست‌کم دو موشک پدافند سپاه پاسداران سرنگون شد

و «به نفع خانواده‌ها» است. در بیانیه این انجمن آمده، «بر اساس این حکم برای دادگاه مشخص شد که شرکت هواپیمایی اوکراین در اقدام به جلوگیری از برخاستن پرواز PSV۵۲ از تهران در هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ کوتاهی کرده است.»

در بخش دیگری از این بیانیه نیز تأکید شد، «علاوه بر اثبات اهمال شرکت هواپیمایی اوکراین در جلوگیری از پرواز در شب هجدهم دی‌ماه، در حکم صادره نکات بسیاری علیه جمهوری اسلامی وجود دارد. قاضی این پرونده با توجه به قابلیت‌های دستگاه‌های راداری نظامی و دستگاه پدافند، توضیحات جمهوری اسلامی مبنی بر خطای انسانی را بی‌معنا می‌داند. در جای دیگری قاضی بر مسئولیت جمهوری اسلامی بر بستن فضای هوایی کشور در آن ساعات تأکید می‌کند.»

انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز PSV۵۲ توضیح داد، «این دعوای حقوقی به صورت مستقل از انجمن توسط بسیاری از اعضای خانواده‌ها مطرح شده بود. حمایت انجمن از خانواده‌ها در این زمینه محدود به پاسخ به سؤالات آنها و به اشتراک گذاشتن اطلاعاتی بود که قبلاً به عنوان بخشی از تلاش‌های تیم حقیقت‌یاب انجمن و تلاش‌های جاری ما جمع‌آوری شده بود.»

این انجمن در پایان تأکید کرده است که «همچنان متعهد به جستجوی حقیقت و عدالت برای جانباختگان پرواز است. این حکم مسئولیتی را که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در قبال سرنگونی پرواز PSV۵۲ بر عهده دارند، نقض و یا نفی نمی‌کند بلکه بر آن تأکید می‌کند. اقدامات حقوقی انجمن در سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی، دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه تحت تأثیر این حکم قرار نخواهد گرفت.»

هواپیمای اوکراینی «پی‌اس ۷۵۲» سحرگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ با شلیک دست‌کم دو موشک پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد و تمام ۱۷۶ مسافر و خدمه آن جان باختند.

Sacks & Henry LLP مستقر در تورنتو، بطور مشترک نماینده خانواده‌های ۲۱ نفر از قربانیان این پرواز هستند. دادگاه اُنتاریو شرکت هواپیمایی «اوکراین اینترنشنال» را به دلیل عدم ارزیابی مناسب خطرات ناشی از انجام پرواز از تهران، سهل‌انگار دانست. در همین ارتباط قاضی جاسمین اکرعلی در رأی خود اعلام کرد که «سهل‌انگاری هواپیمایی بین‌المللی اوکراین (UIA) ناشی از این واقعیت است که ایران، ساعاتی پیش از عزیمت پرواز ۷۵۲، حملات موشکی را علیه نیروهای آمریکایی در عراق انجام داده بود و در حالت آماده‌باش برای مقابله با حمله متقابل قرار داشت. این حکم پس از یک محاکمه ۱۸ روزه در تورنتو که در ژانویه ۲۰۲۴ به پایان رسید، صادر شد.»

این قاضی در مورد پرداخت هزینه به وکلای شاکیان نیز توضیح داد، «شرکت‌های حقوقی HSH و CFM در این روند، بیشترین مسئولیت را در قبال موکلان بر عهده گرفتند. آنها بخش اعظم شواهد شاکیان را ارائه کردند و بسیاری از بازپرسی‌ها را انجام دادند. تلاش‌های آنها از سایر گروه‌های شاکسی حمایت کرد که در غیر اینصورت هزینه‌های بالاتری را متحمل می‌شدند. در نتیجه، موکلان HSH و CFM بار سنگین تأثیرات مواضع غیرقابل توجیهی را که UIA در این دعوی اتخاذ کرد، بر دوش کشیده‌اند.»

پل میلر نماینده شرکت حقوقی HSH LLP می‌گوید: «این حکم پیامی قوی برای شرکت‌های هواپیمایی بین‌المللی است که باید ایمنی مسافران خود را در اولویت قرار دهند. ایرلاین‌ها باید اقدامات لازم را برای اجتناب از فعالیت در مناطق درگیری انجام دهند.»

بیانیه انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز PSV۵۲
در همین ارتباط انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز PSV۵۲ روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خردادماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد حکم دادگاه عالی اُنتاریو علیه شرکت هواپیمایی اوکراین

دیوان عالی اُنتاریو طی حکمی شرکت هواپیمایی اوکراین را به دلیل «سهل‌انگاری» در توجه به هشدارهای ایمنی و ایمنی مسافران، مسئول پرداخت غرامت کامل به خانواده‌های قربانیان پرواز PSV۵۲ دانست که ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد.

● در همین ارتباط قاضی جاسمین اکرعلی در رأی خود اعلام کرد که «سهل‌انگاری هواپیمایی بین‌المللی اوکراین (UIA) ناشی از این واقعیت است که ایران، ساعاتی پیش از عزیمت پرواز ۷۵۲، حملات موشکی را علیه نیروهای آمریکایی در عراق انجام داده بود و در حالت آماده‌باش برای مقابله با حمله متقابل قرار داشت.» این حکم پس از یک محاکمه ۱۸ روزه در تورنتو که در ژانویه ۲۰۲۴ به پایان رسید، صادر شد.

● پل میلر نماینده شرکت حقوقی HSH LLP می‌گوید: «این حکم پیامی قوی برای شرکت‌های هواپیمایی بین‌المللی است که باید ایمنی مسافران خود را در اولویت قرار دهند. ایرلاین‌ها باید اقدامات لازم را برای اجتناب از فعالیت در مناطق درگیری انجام دهند.»

● انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز PSV۵۲ روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خردادماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد حکم دادگاه عالی اُنتاریو علیه شرکت هواپیمایی اوکراین و «به نفع خانواده‌ها» است.

● این انجمن اعلام کرد بر اساس حکم دادگاه ادعاهای جمهوری اسلامی در مورد «خطای انسانی» قانع‌کننده نبوده و رد شده است.

دیوان عالی اُنتاریو روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خردادماه) طی حکمی شرکت هواپیمایی اوکراین را به دلیل «سهل‌انگاری» در توجه به هشدارهای ایمنی و ایمنی مسافران، مسئول پرداخت غرامت کامل به خانواده‌های قربانیان پرواز PSV۵۲ دانست.

دفترهای حقوقی CFM LLP مستقر در ونکوور و Howie

پس از آزادی چهار گروگان اسرائیلی در غزه، وزارت خارجه اسرائیل اعلام کرد: سه گروگان در خانه «خبرنگار» الجزیره اسیر بودند!



نوآ آرگامانی، آلوگ مایر ژان، شلومی زیو و آندری کوزالوف که «هفت اکتبر» در جشنواره موزیک نوا در غزه ربوده شدند توسط ارتش اسرائیل آزاد شدند

عبدالله جمال را به شدت تکذیب کرد. عمر الولید رئیس دفتر الجزیره در اورشلیم گفت جمال کارمند الجزیره نیست و هرگز برای این شبکه خبری کار نکرده است. وی همچنین مدعی شد که این عضو حماس را نمی‌شناسد و «تمام شایعاتی که پخش شده‌اند، خالی از محتوا هستند و صحت ندارند.»

در همین حال رسانه‌های اسرائیلی گزارش کرده‌اند که پیکر بیجان پدر آلوگ مایر یکی از چهار گروگان آزاد شده، روز شنبه در خانه‌اش پیدا شده است. بر اساس گزارش‌ها، زمانی که مقامات برای اعلام خبر نجات پسر او به منزل وی مراجعه کرده‌اند پیکر بیجان او را یافته‌اند. یوسی مایر سابقه بیماری داشت و به تنهایی در ناحیه کفار صبا اسرائیل زندگی می‌کرد. والدین آندری کوزالوف یکی دیگر از گروگان‌های آزاد شده نیز ساکن روسیه هستند که برای دیدار با فرزندشان راهی اسرائیل شدند.

روزنامه «نیویورک تایمز» با استناد به اظهارات مقامات آمریکایی و اسرائیلی که نامشان فاش نشده، گزارش داد تیمی از مقامات آمریکایی در اسرائیل با «ارائه کمک‌های اطلاعاتی و سایر پشتیبانی‌های لجستیک» در عملیات آزادسازی گروگان‌ها نقش ایفا کردند اما ارتش آمریکا با رد این ادعا اعلام کرد از «تجهیزات، پرسنل و امکانات اسکله موقت این کشور در ساحل غزه برای عملیات نجات گروگان‌های اسرائیلی استفاده نشده است.»

ده‌ها گروگان همچنان در اسارت تروریست‌های حماس هستند. آمریکا و اروپا تلاش می‌کنند آزاد ساختن گروگان‌ها از طریق گفتگوهای دیپلماتیک انجام شود اما اسرائیل می‌گوید حماس از گروگان‌ها به عنوان ابزاری برای امتیاز گرفتن سوء استفاده می‌کند.

حماس همچنین مدعی شد سه گروگان اسرائیلی در جریان عملیات نجات گروگان‌ها کشته شد اما سخنگوی ارتش اسرائیل این ادعا را یک «دروغ رسوا» خوانده بود. جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به عملیات آزادسازی گروگان‌ها در «ایکس» نوشت، «گزارش‌ها از غزه درباره کشتار غیرنظامیان وحشتناک است. ما این را به شدت محکوم می‌کنیم... حمام خون فوراً پایان یابد.»

اما جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در مصاحبه با سی‌ان‌ان حماس را به دلیل نگر داشتن گروگان‌ها در دل مناطق پرجمعیت مسکونی مورد انتقاد قرار داد و گفت، فلسطینی‌ها به دلیل این اقدامات حماس در جریان جنگ در «جهنم مطلق» بسر می‌برند. ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای به انتقادات واکنش نشان داد و اعلام کرد، «سازمان تروریستی حماس بطور سیستماتیک، هدفمند و راهبردی زیرساخت‌های خود را در مناطق غیرنظامی قرار داده و در عین حال که جان غیرنظامیان را به خطر می‌اندازد، کاملاً قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند.»

وزارت خارجه اسرائیل به نقل از منابعی در غزه اعلام کرد یکی از گروگان‌ها که یک دختر جوان به نام نوآ آرگامانی بود، توسط عبدالله جمال خبرنگار شبکه الجزیره که پیش از این سخنگوی وزارت کار حماس نیز بوده به گروگان گرفته شده و نگهداری می‌شد. پس از اینکه اطلاعات تکمیل شد، همین وزارتخانه اعلام کرد: «می‌توانیم تأیید کنیم که عبدالله جمال سه گروگان دیگر اسرائیلی، آلوگ مایر جان، آندری کوزالوف و شلومی زیو را در خانه خود در نصیرات به اسارت گرفته بود.»

در مقابل اما شبکه خبری الجزیره هرگونه ارتباط با

ارتش اسرائیل روز شنبه هشتم ژوئن (۱۹ خردادماه) در یک عملیات پیچیده نظامی در حمله به اردوگاه «النصیرات» واقع در مرکز غزه چهار گروگان اسرائیلی را آزاد کرد.

مقامات حماس مدعی شدند در عملیات اسرائیل برای نجات این چهار گروگان در حمله به اردوگاه پناهجویان ۲۷۴ نفر از جمله کودکان و غیرنظامیان کشته شدند اما اسرائیل اعلام کرد تلفات این عملیات زیر ۱۰۰ نفر بود که عمده آنها نیروهای عضو حماس بودند.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به عملیات آزادسازی گروگان‌ها در «ایکس» نوشت، «گزارش‌ها از غزه درباره کشتار غیرنظامیان وحشتناک است. ما این را به شدت محکوم می‌کنیم... حمام خون باید فوراً پایان یابد.»

ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای به انتقادات واکنش نشان داد و اعلام کرد، «سازمان تروریستی حماس بطور سیستماتیک، هدفمند و راهبردی زیرساخت‌های خود را در مناطق غیرنظامی قرار داده و در عین حال که جان غیرنظامیان را به خطر می‌اندازد، کاملاً قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند.»

این عملیات به نام آرنون زانورا افسر پلیس اسرائیلی نامیده شد که در جریان درگیری با حماس برای آزادی گروگان‌ها جان خود را از دست داد.

وزارت خارجه اسرائیل به نقل از منابعی در غزه اعلام کرد سه نفر از گروگان‌ها توسط عبدالله جمال خبرنگار شبکه الجزیره که پیش از این سخنگوی وزارت کار حماس نیز بوده به گروگان گرفته شده و در خانه وی نگهداری می‌شدند. شبکه الجزیره این ادعا را رد کرده است.

ارتش اسرائیل روز شنبه هشتم ژوئن (۱۹ خردادماه) در یک عملیات پیچیده نظامی با عنوان «آرنون» در حمله به اردوگاه «النصیرات» واقع در مرکز غزه چهار گروگان اسرائیلی را آزاد کرد.

مقامات حماس مدعی شدند عملیات اسرائیل برای نجات این چهار گروگان در حمله به اردوگاه پناهجویان ۲۷۴ نفر از جمله کودکان و غیرنظامیان کشته شدند اما اسرائیل اعلام کرد تلفات این عملیات زیر ۱۰۰ نفر بود که عمده آنها نیروهای عضو حماس بودند.

دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد صدها سرباز در این عملیات ویژه شرکت داشتند که شامل تبادل آتش سنگین از زمین، دریا و هوا برای نجات گروگان‌ها بود. وی توضیح داد برنامه‌ریزی برای این عملیات هفته‌ها طول کشید. آرنون زانورا افسر پلیس اسرائیلی در جریان درگیری با حماس برای آزادی گروگان‌ها از اسارت جان خود را از دست داد.

در واکنش به آزادی این گروگان‌ها مردم در چند شهر اسرائیل در خیابان‌ها جشن گرفتند. یوآف گالانت وزیر دفاع اسرائیل نیز گفت عملیات ارتش برای آزادی ایر گروگان‌ها ادامه خواهد داشت اما یکی از مسئولان حماس به رویترز گفت، «آزادی چهار گروگان پس از ۹ ماه دستاورد نیست، بلکه نشانه‌ای از شکست است.»

سی‌ان‌ان: احتمال همکاری جمهوری اسلامی با حوثی‌ها برای ارسال سلاح به تروریست‌های الشباب در سومالی



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصلی‌ترین حامی حوثی‌های یمن است

● سی‌ان‌ان به نقل از سه مقام آمریکایی گزارش داد که سرویس‌های امنیتی ایالات متحده به اطلاعاتی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی در تلاش برای ارسال سلاح به گروه تروریستی «الشباب» در سومالی هستند.

● این مقامات با اشاره به اینکه این اقدام «تهدید جدی برای بی‌ثبات کردن بیشتر منطقه است» گفته‌اند دولت آمریکا به دنبال شواهدی است که نشان دهد سلاح حوثی‌ها به گروه الشباب در سومالی تحویل داده شده است.

● آنها همچنین بررسی می‌کنند تا دریابند جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین حامی نظامی و مالی حوثی‌ها در ارسال سلاح توسط حوثی‌ها به سومالی دخالت دارد یا نه.

سی‌ان‌ان روز سه‌شنبه ۱۱ ژوئن (۲۲ خردادماه) به نقل از سه مقام آمریکایی گزارش داد که سرویس‌های امنیتی ایالات متحده به اطلاعاتی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی در تلاش برای ارسال سلاح به گروه تروریستی «الشباب» در سومالی هستند.

این مقامات با اشاره به اینکه چنین اقدامی «تهدید جدی برای بی‌ثبات کردن بیشتر منطقه است» گفته‌اند دولت آمریکا به دنبال شواهدی است که نشان دهد سلاح حوثی‌ها به گروه الشباب در سومالی تحویل داده شده است.

آنها همچنین بررسی می‌کنند تا دریابند جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین حامی نظامی و مالی حوثی‌ها در ارسال سلاح توسط حوثی‌ها به سومالی دخالت دارد یا نه. ←



طالب سامی عبدالله

گروه‌های تروریستی منطقه کشته شده است.

بن سبطی سخنگوی سابق اسرائیل با انتشار تصویری از ابوطالب در کنار قاسم سلیمانی با کنایه به «پیوند کتلت‌ها» اشاره کرد و نوشت که تهیه‌کننده و کارگردان آن «نیروی هوایی اسرائیل» بود.

ابوطالب اهل روستای «ادشیت»، یکی از روستاهای منطقه مرجعیون در استان نبطیه، در جنوب لبنان است و در سال ۱۹۶۹ به دنیا آمد.

محل مأموریت‌های «یگان نصر» در جبهه جنوبی لبنان در مرز اسرائیل و حد فاصل «بنت جبیل» تا «مزارع شبعا» بود. حزب‌الله در بیانیه‌ای با تأیید مرگ ابوطالب تهدید کرد که انتقام او را از اسرائیل خواهد گرفت.

حزب‌الله لبنان در روزهای اخیر با پرتاب دست‌کم ۱۲۰ راکت و موشک به چندین منطقه در اسرائیل حمله کرد. این گروه فرقه‌ای و تروریستی که با حمایت جمهوری اسلامی در دهه هشتاد میلادی تأسیس شد و همچنان توسط تهران پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌شود، در حالی حملات علیه



طالب سامی عبدالله در کنار قاسم سلیمانی

اسرائیل را تشدید کرده که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا برای پیگیری توافق برای توقف جنگ در غزه و تبادل گروگان‌ها با حماس به منطقه سفر کرده است.

جنگنده‌های ارتش اسرائیل ۲۲ خرداد نیز به مجتمع نظامی یگان ۴۴۰۰ حزب‌الله که مأموریت آن پشتیبانی لجستیک و تدارکاتی از این گروه تروریستی است حمله کردند. این حمله با هدف مقابله با انتقال سلاح و مهمات به نیروهای حزب‌الله که عمدتاً از سوی رژیم ایران صورت می‌گیرد انجام شد.

شکار شبانه «ابوطالب» و رفقا در جنوب لبنان؛ فرمانده «یگان نصر» حزب‌الله در حمله هوایی اسرائیل کشته شد

● طالب سامی عبدالله مشهور به «ابوطالب» از فرماندهان ارشد حزب‌الله لبنان سحرگاه چهارشنبه ۲۳ خرداد در حمله پهپادی اسرائیل حوالی روستای «جویا» در جنوب لبنان کشته شد.

● حاج ابوطالب فرمانده «یگان نصر» حزب‌الله بود که همراه سه نفر از همکارانش در یک اتومبیل هدف حمله قرار گرفت.

● بن سبطی سخنگوی سابق اسرائیل با انتشار تصویری از ابوطالب در کنار قاسم سلیمانی با کنایه به «پیوند کتلت‌ها» اشاره کرد و نوشت که تهیه‌کننده و کارگردان آن «نیروی هوایی اسرائیل» بود.

● برخی منابع عربی گزارش دادند «ابوطالب» مهم‌ترین فرمانده میدانی حزب‌الله بوده که بعد از عملیات «هفت اکتبر» در کارزار اسرائیل برای حذف فیزیکی فرماندهان ارشد گروه‌های تروریستی منطقه کشته شده است.

طالب سامی عبدالله مشهور به «ابوطالب» از فرماندهان ارشد حزب‌الله لبنان سحرگاه چهارشنبه ۲۳ خرداد در حمله پهپادی

اسرائیل در حوالی روستای «جویا» در جنوب لبنان کشته شد. این عملیات اسرائیل به تلافی پرتاب ده‌ها راکت از جنوب لبنان به خاک اسرائیل انجام شد. حاج ابوطالب فرمانده «یگان نصر» حزب‌الله بود که همراه سه نفر از همکارانش در یک اتومبیل هدف حمله قرار گرفت. گفته می‌شود کشته شدگان در این عملیات از اعضای «یگان نصر» بودند.

برخی منابع عربی گزارش دادند او مهم‌ترین فرمانده میدانی حزب‌الله بوده که بعد از عملیات «هفت اکتبر» در کارزار اسرائیل برای حذف فیزیکی فرماندهان ارشد



عبدالله الجمال روزنامه‌نگار فلسطینی

واشنگتن فری بیکن: روزنامه‌نگار فلسطینی که گروگان‌های اسرائیلی در خانه‌اش بودند با تهران مرتبط بود

مؤسس و سردبیر آن قبلاً به عنوان سردبیر و دبیر اجرایی برای شبکه الجزیره کار می‌کرده است. فعالیت این شبکه در اسرائیل به دلیل حمایت از حماس غیرقانونی اعلام شده است. در گزارش واشنگتن فری بیکن با اشاره به ارتباط عبدالله جمال با رمزی بارود آمده است که دست‌کم شش نویسنده دیگر با این رسانه و رسانه‌های مرتبط با حکومت ایران همکاری داشتند که در سال ۲۰۲۰ دولت ایالات متحده آنها را به عنوان بخشی از فعالیت‌های تاثیرگذاری که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را هدایت می‌کرد، شناسایی و سپس دامنه‌های این وبسایت‌ها را مسدود کرد.

رمزی بارود که از حامیان عملیات تروریستی «هفت اکتبر» است، با «کیهان اینترنشنال» که یکی از نشریات زیرمجموعه مؤسسه «کیهان تهران» است همکاری داشته و به عنوان نمونه در سال ۲۰۲۲ مقاله‌ای با عنوان «صهیونیست‌ها پیش‌بینی می‌کنند که به زودی نابود می‌شوند» در «کیهان اینترنشنال» منتشر کرده و مدعی شده بود رهبران اسرائیل با بزرگنمایی و دستکاری حقایق ترس‌آلود و اردوگاه‌های سیاسی همراه خود را تحریک می‌کنند.

مدیرمسئول مؤسسه کیهان در ایران حسین شریعت‌مداری است که زیر نظر علی خامنه‌ای منصوب شده است. این مجموعه و نشریات آن توسط دفتر رهبر جمهوری اسلامی تأمین مالی می‌شوند.

اسناد همچنین نشان می‌دهد که سازمان آزادیبخش فلسطین نیز که فعالیت‌های تروریستی داشته در سال ۲۰۰۶ با «فلسطین کرونیکل» مصاحبه انجام داده است.

سوابق «فلسطین کرونیکل» نشان می‌دهد به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی در آمریکا ثبت شده است. این گروه مدعی شده که در سال زیر ۵۰ هزار دلار کمک دریافت می‌کند و بر اساس همین ادعا از پرداخت مالیات معاف شده است اما مستندات نشان می‌دهند که شرکت وبسایت مادر «People Media Project» در سال ۲۰۲۲ بیش از ۹۱ هزار دلار، در سال ۲۰۲۱ بیش از ۵۹ هزار دلار و در سال ۲۰۲۲ بیش از ۹۲ هزار دلار پول دریافت کرده است.

در این گزارش در چند مورد دیگر به بررسی سوابق رمزی بارود پرداخته شده است. به عنوان مثال وی در سال ۲۰۲۰ شعری را به افضال گورو که در سال ۲۰۰۱ با حمله تروریستی به مجلس هند ۹ نفر را به قتل رساند، تقدیم کرده است یا در موردی دیگر یکی از اعضای هیأت مشاوره وبسایت «فلسطین کرونیکل»، یعنی داود عبدالله، معاون پیشین مدیرکل شورای مسلمانان بریتانیا است که در سال ۲۰۰۹ اعلامیه‌ای عمومی در حمایت از عملیات نظامی حماس امضا کرده است.

● پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد، عبدالله جمال روزنامه‌نگاری که گروگان‌های اسرائیلی در خانه‌اش در غزه به اسارت نگه داشته می‌شدند، علاوه بر همکاری با شبکه «الجزیره» که توسط قطر تأمین مالی می‌شود، از طریق همکاری با وبسایتی که سردبیرش از نویسندگان «کیهان اینترنشنال» بود با جمهوری اسلامی ارتباط داشته است. ● سردبیر وبسایت «فلسطین کرونیکل» فردی به اسم رمزی بارود است. بر اساس گزارش واشنگتن فری بیکن، عبدالله جمال حتا زمانی که گروگان‌های اسرائیلی در خانه وی اسیر بودند نیز برای «فلسطین کرونیکل» مطلب می‌نوشته است.

● درباره ماهیت اصلی فعالیت وبسایت «فلسطین کرونیکل» و تأمین‌کنندگان آن بر اساس سوابق مالیاتی اطلاعات ویژه‌ای در دست نیست اما بررسی‌ها نشان می‌دهد رمزی بارود مؤسس و سردبیر آن قبلاً به عنوان سردبیر و دبیر اجرایی برای شبکه الجزیره کار می‌کرده است.

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» روز ۱۰ ژوئن (۲۲ خردادماه) گزارش داد، عبدالله جمال روزنامه‌نگاری که گروگان‌های اسرائیلی در خانه‌اش در غزه به اسارت نگه داشته می‌شدند، علاوه بر همکاری با شبکه «الجزیره» که توسط قطر تأمین مالی می‌شود از طریق همکاری با وبسایتی که سردبیرش از نویسندگان «کیهان اینترنشنال» بود با جمهوری اسلامی ارتباط داشته است.

این خبرنگار همچنین به عنوان روزنامه‌نگار با یک سازمان غیرانتفاعی ثبت شده در آمریکا به عنوان «فلسطین کرونیکل» نیز همکاری داشته است.

سردبیر وبسایت «فلسطین کرونیکل» فردی به اسم رمزی بارود است. بر اساس گزارش واشنگتن فری بیکن، عبدالله جمال حتا زمانی که گروگان‌های اسرائیلی در خانه وی اسیر بودند نیز برای «فلسطین کرونیکل» مطلب می‌نوشته است. ارتش اسرائیل شنبه هشتم ژوئن (۱۹ خردادماه)، در یک عملیات پیچیده نظامی با عنوان «آرنون» در حمله به اردوگاه «النصیرات» واقع در مرکز غزه چهار گروگان اسرائیلی را آزاد کرد. ساعاتی پس از این عملیات وزارت خارجه اسرائیل به صورت رسمی اعلام کرد، «می‌توانیم تأیید کنیم که عبدالله جمال سه گروگان دیگر اسرائیلی، آموگ مئیر جان، آندری کوزلوف و شلومی زیورا در خانه خود در نصیرات به اسارت گرفته بود» هرچند که شبکه الجزیره این ادعا را رد کرد.

درباره ماهیت اصلی فعالیت «فلسطین کرونیکل» و تأمین‌کنندگان آن بر اساس سوابق مالیاتی اطلاعات ویژه‌ای در دست نیست اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که رمزی بارود

به گفته یک مقام ارشد آمریکایی، واشنگتن به کشورهای منطقه در مورد این همکاری احتمالی هشدار داده و کشورهای آفریقایی نیز بطور فعال درگیر این موضوع شده‌اند تا اطلاعات بیشتری به دست بیاورند. همین منبع می‌گوید، «قاچاق تسلیحات در این حوزه جغرافیایی در کشورهای دو طرف دریای سرخ زیاد است و باید جدی‌تر به آن توجه شود.»

مشخص نیست آیا ارسال این تسلیحات به منزله اتحاد حوثی‌ها با گروه الشباب است یا نه زیرا شورشیان یمن شیعیان زیدی هستند و اعضای الشباب سنی‌مذهب‌اند که با هم اختلافات فرقه‌ای دارند. این اطلاعات در واقع هشدار نسبت به افزایش تنش‌ها در دریای سرخ است و ممکن است اوضاع را در سوماتالی بدتر کند. توافق احتمالی میان حوثی‌ها و گروه الشباب می‌تواند به تأمین مالی حوثی‌ها کمک کند، آنهم در زمانی که آمریکا در مورد افزایش حمایت‌های جمهوری اسلامی از شورشیان یمنی نگران است.

این مقام ارشد دولت آمریکا گفت: «فروش برخی سلاح‌ها برای حوثی‌ها درآمد فراوان و مورد نیاز آنها را نیز به دنبال خواهد داشت.»

برای اسلامگرایان الشباب دسترسی به تسلیحات جدید از جمله پهپادها می‌تواند اوضاع را پیچیده‌تر کند و بعید نیست آنها از این تسلیحات علیه آمریکایی‌ها استفاده کنند. سال‌هاست که قاچاق اسلحه سبک و مواد منفجره بین گروه‌های مختلف در یمن و سوماتالی انجام می‌شود اما به گفته مقامات آمریکایی، توافق تسلیحاتی بین الشباب و حوثی‌ها مسئله جدیدی خواهد بود.

کریستوفر آنزولون استاد تفنگداران دریایی گفت: «این واضح‌ترین نشانه است که دو سازمان که از نظر ایدئولوژیک کاملاً متضاد با یکدیگر هستند اولویت خود را روی دشمنی مشترک با آمریکا قرار دهند... این امر بسیار مهم است زیرا نشان می‌دهد سطحی از عملگرایی در هر دو سازمان وجود دارد.» مقامات آمریکایی هشدار دادند همکاری حوثی‌ها و الشباب می‌تواند آتش‌بس غیررسمی و شکننده بین حوثی‌ها و عربستان سعودی را که از سال ۲۰۲۲ برقرار شده تضعیف کند. مقامات می‌گویند در این مرحله هنوز مطمئن نیستند که حوثی‌ها چه نوع سلاح‌هایی را در اختیار الشباب قرار می‌دهند. در حال حاضر، گروه سوماتالیایی عموماً فقط به انواعی از راکت‌ها، خمپاره‌ها و مپ‌های دست‌ساز دسترسی دارد که علیه دولت مرکزی سوماتالی از آنها استفاده می‌کند اما دسترسی احتمالی آنها به پهپاد و موشک‌های بالستیک با برد کوتاه و متوسط یک تهدید جدی به شمار می‌رود.

سی‌ان‌ان در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، مهم نیست که حوثی‌ها کدام سلاح را در اختیار الشباب قرار می‌دهند، احتمالاً فرصت محدودی برای الشباب وجود دارد که مستقیماً به دارایی‌های ایالات متحده در منطقه شلیک کند. کریستوفر آنزولون در اینباره توضیح داده است «حتا اگر حوثی‌ها برخی موشک‌های کوچک‌تر را که این گروه برای هدف قرار دادن پهپادهای آمریکایی MQ-9 استفاده کرده، در اختیار آنها بگذارد، احتمالاً الشباب باید آنها را از شمال کشور شلیک کند که توسط داعش کنترل می‌شود و به همین دلیل محدودیت خواهند داشت.»

وی با اشاره به امکان حمله مستقیم به پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه گفت: «آنها خیلی مایل هستند این کار را انجام دهند. الشباب دولت سوماتالی را که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، دست‌نشانده ایالات متحده می‌داند. اما فکر می‌کنم برای آنها انجام این کار سخت است. اینجاست که درگیری‌های درون جهادی بین الشباب و داعش تشدید می‌شود.»

بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۳)

بازنشر



الاهه بقراط

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

بخش سوم

زیاد نوشته می‌شود. از جمله اینکه حتی اتحاد شوروی به محمدرضا شاه پیشنهاد کرد همسرش را برای معالجه به آن کشور و نزد پروفیسور فنودور کوریشفسکی بفرستد. اشپیگل در این باره می‌نویسد: «اگر اتحاد شوروی تردید خود را در این مدت درباره سیاست‌های ایران (به دلیل ورود ایران به پیمان بغداد) کنار بگذارد، آن وقت پادشاه و ملکه ایران برای سه هفته به اتحاد شوروی سفر خواهند کرد» (۲۸ دسامبر ۱۹۵۵)

گزارش درباره سیاست و اقتصاد

گزارش‌های مربوط به دهه پنجاه میلادی شدیداً از جنگ سرد متأثر هستند. هنوز سخنی از دیکتاتوری در ایران نیست.

لیکن در ۱۹ آوریل ۱۹۵۸ اتفاقی می‌افتد که مسئولان خبررسانی در آلمان را مجبور به واکنش می‌کند. موضوع اما نه به اشپیگل بلکه به یک مجله معروف دیگر یعنی اشترن مربوط می‌شود. اشپیگل زیر عنوان «بیان حقیقت مجاز نیست» در این مورد چنین گزارش می‌دهد:

«مجله اشترن که در هامبورگ منتشر می‌شود و یکی از نمایندگان پارلمان از حزب دموکرات مسیحی به نام دکتر بوزریوس Buserius معروف به دکتر بوتسی مدیر مسئول آن است، در شماره ۱۹ آوریل زیر عنوان «هزار و یک قدرت» [از عنوان مشهور «هزار و یک شب» استفاده شده است. در زبان آلمانی کلمه «شب» و «قدرت» با تغییر حرف اول به یکدیگر تبدیل می‌شوند] گزارشی درباره ایران منتشر کرد که در آن می‌خوانیم طلاق شاه از ثریا، ملکه نیمه برلینی ایران، یک بحران حکومتی در آن کشور به وجود آورده است. از وقتی که شاه از زن خود که محبوب مردم ایران و مجله‌های آلمان غربی است، دست کشیده، محبوبیت وی کاهش یافته است.»

«علیه این گزارش به شدت دوستانه درباره ثریا، که با شرح ماجراهای سطحی از نازایی او به دنبال کشف مسائل جدی بود، اتفاقاً خلیل اسفندیاری، پدر والاتبار ثریا باید به عنوان سفیر ایران به آلمان‌ها اعتراض می‌کرد. اواسط ماه مه پدرزن سابق شاه یک اعتراض شفاهی را به اطلاع فون برنتانو وزیر امور خارجه آلمان رساند. در این اعتراض آمده بود که گزارش مجله اشترن شدیداً به «شاه و دولت ایران توهین کرده است» و ایران در موقعیتی نیست که بتواند چنین گزارش‌هایی را تحمل کند و انتظار دارد که دولت آلمان غربی اعضای مسئول تحریریه مجله اشترن را به مجازات برساند. در غیر این صورت ایران مجبور است روابط سیاسی خود را با آلمان فدرال قطع کند.»

«مسئولان وزارت امور خارجه در بن با این شکایت از سوی ایران کمی گیج شدند. چرا که مراجع دولتی و سلطنتی ایران تا کنون از اینکه رنگین نامه‌های آلمان با گزارش‌های

حدود شش ماه پس از این گزارش، دولت محمد مصدق نخست وزیر ایران با پشتیبانی سازمان سیا سرنگون شد و شاه که با همسرش ثریا به ایتالیا فرار کرده بود، به کشور



بازگشت. درباره کودتا می‌توان مطالب زیادی در اشپیگل پیدا کرد.

گزارش درباره خانواده سلطنتی

بسیاری از اخبار مربوط به خانواده سلطنتی معمولاً در صفحه مربوط به «شخصیت‌ها» در کنار خبرهای مربوط به ستارگان سینما می‌آیند. من به یکی دو نمونه بسنده می‌کنم چرا که این اخبار معمولاً جنجالی و از نظر سیاسی بی اهمیت هستند. مثلاً «محمدرضا پهلوی، سی و هفت ساله، پادشاه ایران جمعه دو هفته پیش همراه با ملکه ثریا، ۲۵ ساله، در صف گیشه تئاتر زوریخ ایستادند تا برای فیلم «لولا مونتز» Lola Montez ساخته مارتین کارول بلیط بخرند.»

تا یک سال پس از کودتا همچنان درباره محمدرضا شاه مثلاً در کنار دریا و با مایو، یا در آرایشگاهی در سانفرانسیسکو، و یا در استقبال از خواهر دوقلویش اشرف پهلوی در بازگشت به کشور گزارش داده می‌شود. مثلاً اینکه محمدرضا پهلوی تأکید می‌کند: «او و همسرش ثریا با اینکه هنوز فرزند پسر برای جانشینی ندارند، ولی همدیگر را دوست دارند.»
درباره نازایی ملکه ثریا که از مادر آلمانی زاده شده بود،

پیش از انقلاب اسلامی (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹) بیشتر اخبار و گزارش‌های مربوط به ایران در فاصله بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مربوط به خانواده سلطنتی است که بخشی از آن مسائل سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. سایه جنگ سرد را در آنها نمی‌توان نادیده گرفت.

در سال‌های آغازین دهه پنجاه میلادی هنوز زخم جنگ جهانی دوم بر پیکر آلمان بهبود نیافته بود. آلمان غربی به بازسازی خود مشغول بود و آنچه آمریکا و انگلستان را در همسایگی اتحاد شوروی، در ایران نگران می‌ساخت، برای آلمانی‌ها چنان بی اهمیت بود که آنها رویدادهای خاور میانه را مانند یک قطعه تئاتر از دور تماشا می‌کردند. ایران هنوز به نام پرشیا Persia، پرزین Persien و لاپرس la Perse شناخته می‌شد و مسئله مانند همیشه بر سر نفت بود.

اشپیگل می‌نویسد ژنرال لوچیسوس کلی Lucius D. Clay فرمانده پیشین ستاد ارتش آلمان زمانی گفته بود: «شبح نفت بر فراز واشنگتن در پرواز است». به نظر می‌رسد از آن زمان «شبح نفت» در سراسر جهان گسترده شده است. آن زمان، این شبح جدید در اروپا نیز، شبح قدیمی‌را که زمانی مارکس و انگلس از آن سخن می‌گفتند، از میدان به در کرده بود.
از نظر سیاسی اغلب گزارش‌ها علیه خاندان پهلوی و به ویژه علیه بنیانگذار آن، رضا شاه، هستند چرا که رضا شاه به باور اشپیگل به دلیل تمایل به رژیم هیتلری ایران را در جنگ جهانی دوم بی طرف اعلام کرد. هر بار که سخن از رضا شاه پهلوی می‌رود، امکان ندارد بر این نکته تأکید نشود که «وی درخواست انگلستان و روسیه را در ۱۹ ژوئیه ۱۹۴۱ مبنی بر اینکه تمامی «جاسوسان آلمانی» را که در ایران زندگی می‌کردند، به آنها تحویل دهد، رد کرد و همین سبب شد تا انگلیس و روسیه به خاک آن حمله کنند.»

تصویر اتحاد شوروی و آمریکا نیز در اشپیگل منفی ترسیم می‌شود. از یک سو، بخشی از آلمان در دست اتحاد شوروی است و از سوی دیگر، زخم دردناک تسلیم بی قید و شرط (کاپیتولاسیون) در برابر متفقین هنوز بهبود نیافته است.
در آغاز جنگ سرد هنوز تلاش می‌شد تا گزارش‌ها تا حد ممکن بی طرفانه باشند. نویسندگان اشپیگل بر اهمیت استراتژیک ایران آگاهند. آنها درباره استعداد مانور دادن ایرانیان و مهارت آنها در موازنه بین قدرت‌های بزرگ بحث می‌کنند. اشپیگل در این باره می‌نویسد:

«پارسیان - یا آنگونه که خود را امروز می‌نامند- ایرانیان، به درستی از سال‌ها پیش به عنوان قهرمان سیاست موازنه در مشرق زمین مشهورند. پادشاهان ایران در طول قرون کشور بی دفاع خود را بین روسیه و انگلیس تنها از این راه توانسته‌اند حفظ کنند که آنها را به جان هم انداخته‌اند» (بلوف در تهران؛ ۱۱ مارس ۵۳).

بلوک غرب مطلقاً آسان نبود. تهران همواره تلاش می‌کرد با شایعات و موضع‌گیری‌های هدفمند اینطور به قدرت‌های جهانی وانمود کند که ایران مترصد آن است که اردوگاه غرب را ترک گوید. یکی از اقدامات سیاسی ایران در هفته گذشته [منظور پیمان نظامی با آمریکا است] که شوروی‌ها قربانی آن شدند، نشان می‌دهد که ایران تا چه اندازه این بازی را عالی پیش می‌برد.»

«شوروی‌های فریب خورده اما انتقام این شکست را با یک کمپین تبلیغاتی ضد ایرانی گرفتند که در تاریخ روابط دو کشور بسیار تازه بود. این تبلیغات ضد ایرانی به شخص شاه هم رحم نکرد. هنگامی که وزیر امور خارجه ایران پیگوف سفیر اتحاد شوروی را در تهران احضار کرد تا درباره حملات مطبوعات شوروی به ایران اعتراض کند، سیاستمدار سرخ فریاد کشید: «آیا نمی‌دانید اگر شما با آمریکا پیمان نظامی منعقد کنید، اتحاد شوروی هر وقت که بخواهد می‌تواند ایران را اشغال کند؟»



«سفیر شوروی به این ترتیب ابزار فشاری را یادآوری کرد که اتحاد شوروی از سال‌ها پیش در برابر ایران در دست داشت: دو ماده از پیمان ۱۹۲۱ بین دو کشور، به اتحاد شوروی این حق را می‌داد در صورتی که ایران از سوی یک کشور سوم تهدید شود و با ارتش یک کشور سوم وارد خاک ایران شود، شوروی بتواند کشور بافندگان قالی را اشغال کند. این دو ماده همان‌هایی بودند که در ماه اوت ۱۹۴۱ شوروی با استناد به آنها وارد استان‌های شمالی ایران شد.»

«روزنامه‌های شوروی مرتب تهدید می‌کردند مسکو روزی مجبور خواهد شد این دو ماده پیمان بین دو کشور را به یاد ایرانی‌ها بیاورد. البته شاه کاملاً یکجانبه فرس حقوقی این پروژه شوروی‌ها را چنان از زیر پایشان کشید که جای واکنش برای آنها نماند: دوشنبه هفته گذشته شاه این دو ماده از پیمان ۱۹۲۱ را صفر و بی ارزش اعلام کرد. سه روز بعد هم وزیر امور خارجه ایران امضای خود را زیر پیمان نظامی ایران و آمریکا گذاشت» (بلوف در تهران؛ ۱۱ مارس ۱۹۵۳)

به این ترتیب سیاست شرقی موازنه بین دو قدرت شرق و غرب با یک تصمیم نه چندان آسان پایان یافت: ایران دروازه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را به روی غرب باز کرد. (ادامه دارد)

داد: «ممکن است تهران روابط سیاسی خود را به آلمان شرقی معطوف کند...». اشپیگل می‌نویسد: «صدراعظم آدناثر به شدت تحت تأثیر وزیر امور خارجه اش و خطر نابودی از سوی پانکوف قرار گرفت... ما باید از اینکه ایران کمونیستی شود جلوگیری کنیم. اگر ما با ایرانیان اینطور رفتار کنیم، آنوقت آنها از غرب فاصله خواهند گرفت و به مسکو تکیه خواهند کرد. در این صورت خطر بزرگی برای ناتو و خاور میانه به وجود خواهد آمد». به این ترتیب سیاست موازنه یک بار دیگر عمل می‌کند آن هم در حالی که دولت ایران هرگز قصد نداشت روابط سیاسی خود را با برلین شرقی یا مسکو تحکیم ببخشد.

این سیاست که بیشتر سیاست نوسان بود تا موازنه، نمی‌توانست تا ابد ادامه یابد. زمان تصمیم‌گیری بین شرق و غرب دیر یا زود می‌بایست فرا رسد.

نه ماه بعد نماینده وزیر امور خارجه اتحاد شوروی اعلام کرد: «ایرانی‌ها آلت دست نیروهای خارجی معینی هستند!»

اشپیگل می‌نویسد: «علی اصغر حکمت وزیر امور خارجه ایران در برابر این سخن می‌خندد و با خونسردی به او [وزیر خارجه شوروی] می‌گوید: «شما به عنوان مهمان دولت ایران باید بدانید که گفتن چنین حرف‌هایی سنجیده نیست» (بلوف در تهران؛ ۱۱ مارس ۱۹۵۹).

اشپیگل از پایان نزدیک سیاست نوسان ایران بین غرب و شرق خبر می‌دهد و می‌نویسد: «خشم اتحاد شوروی نقطه اوج یک بازی سیاسی پشت پرده در سطح بین‌المللی بود که طی آن سیاستمداران ایرانی نشان دادند که در عصر جنگ‌های ایدئولوژیک نیز هنر باستانی و گرانقدر دسیسه سیاسی هم چنان از میان نرفته است. ایرانیان به درستی از دیرباز استاد سیاست شرقی موازنه بوده‌اند. پادشاهان ایران قرنهای متمادی حکومت‌های بی دفاع خود را بین روسیه و انگلیس به زحمت حفظ کردند آن هم با این سیاست که این دو ابرقدرت رقیب را به جان یکدیگر بیندازند.»

«اما در طول جنگ سرد بین زمامداران آمریکا و شوروی جای کمی برای این سیاست شرقی باقی می‌ماند: ایران باید تصمیم می‌گرفت، و با توجه به کمک‌های دست و دلبازانه دلاری، جانب غرب را انتخاب کرد.»

«روسها و آمریکاییان البته نمی‌توانستند نادیده بگیرند که برای سیاستمداران ایران از جمله خود شاه، غلتیدن به دامان

→ مصور درباره ملکه ثریا آن هم در تیراژ میلیونی سبب گسترش روابط عمومی ایران می‌شوند، ابراز نارضایتی نمی‌کردند. آخرین نمونه آن سفر شاه در سال ۱۹۵۵ به آلمان فدرال بود.»

«ضرب الاجل ایران مبنی بر اینکه روابط سیاسی خود را با بن قطع خواهد کرد، چون صاعقه بر وزارت امور خارجه فرود آمد. یک موضوع کوچک بر اثر بی احتیاطی داشت تبدیل به یک ماجرای سیاسی بزرگ می‌شد. هایتزیش فون برنتانو بلافاصله نزد صدر اعظم کنراد آدناثر شتافت. وزیر خارجه برای صدراعظم روشن کرد که در صورت ادامه این درگیری با ایران چه پیامدهای سیاسی وحشتناکی ممکن است پیش بیاید: ممکن است تهران روابط سیاسی خود را به پانکوف [منطقه‌ای در برلین شرقی که محل استقرار کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست در آلمان شرقی بود] معطوف کند و با این کار سبب شود که کشورهای خاورمیانه به اصطلاح جمهوری دموکراتیک آلمان را به

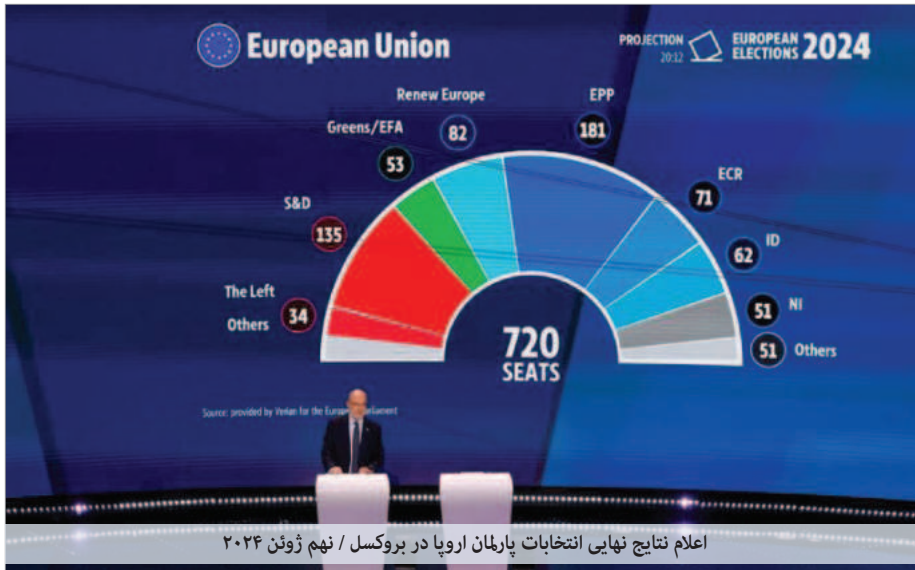


رسمیت بشناسند. هم چنین با توجه به رای‌گیری‌های آتی در سازمان ملل نیز که بر روی هر رای باید حساب کرد، لازم است جانب ایرانی‌ها رعایت شود.»

«صدراعظم آدناثر به شدت تحت تأثیر وزیر امور خارجه اش و خطر نابودی از سوی پانکوف قرار گرفت. او در جلسه دولت، پیشنهاد برنتانو را با تکیه بر استفاده از تدابیر اضطراری به بحث گذاشت و با اشاره به دشمن شماره یک از پس از پایان دوران هیتلری گفت: «ما باید از اینکه ایران کمونیستی شود جلوگیری کنیم. اگر ما با ایرانیان اینطور رفتار کنیم، آنوقت آنها از غرب فاصله خواهند گرفت و به مسکو تکیه خواهند کرد. در این صورت خطر بزرگی برای ناتو و خاور میانه به وجود خواهد آمد» (بیان حقیقت مجاز نیست؛ ۰۴ ژوئن ۵۸).

موضوع اما اینجاست که مشکل مقامات ایرانی در گزارش مجله اشترن بر سر «زن محبوب» مردم ایران نبود. بلکه بر سر عنوان آن گزارش بود: هزار و یک قدرت! اگر این بازی با کلمات وجود نمی‌داشت، سفیر ایران که اتفاقاً پدر ثریا بود، مجبور نمی‌شد آلمان فدرال را با قطع روابط سیاسی تهدید گیج شدن مقامات آلمانی در اینکه نتوانند این واکنش شدید ایران را درک کنند، قابل فهم است. سیاست موازنه بین شرق و غرب یک بار دیگر تأثیر معجزه‌آسای خود را نشان

اقبال رأی‌دهندگان به احزاب راست در اروپا؛ سبزه‌ها و چپ‌ها بازندگان بزرگ انتخابات پارلمان اروپا



اعلام نتایج نهایی انتخابات پارلمان اروپا در بروکسل / نهم ژوئن ۲۰۲۴

تحلیلگران معتقدند این انتخابات در واقع برای ملونی و حزب وی «برادران ایتالیا» یک رفاندوم بود که نشان داد از حمایت حداکثری مردم برخوردار است. این موضوع البته درباره موقعیت احزاب کشورهای دیگر نیز صدق می‌کند. شهروندانی که در انتخابات پارلمان اروپا به احزاب خود زرد نشان داده‌اند بعید است در انتخابات کشوری خود را تغییر دهند اگرچه این موضوع به تصمیمات و سیاست‌های عملی احزاب پیروز در پارلمان اروپا نیز بستگی دارد. انتخابات پارلمان اروپا در میان ایرانی‌های ساکن ۲۷ کشور اتحادیه اروپا که تابعیت این کشورها و در نتیجه حق رأی نیز دارند با توجه به جنبش ملی «مهسا» و وضعیت ایران، متفاوت از دوره‌های قبل بود. در همین ارتباط، شاهزاده رضا پهلوی از ایرانیانی که می‌توانستند در این انتخابات رأی دهند، خواسته بود به نفع نامزدهایی رأی بدهند که سیاست فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و حمایت حداکثری از مبارزه مردم ایران برای آزادی، دموکراسی و حکومت قانون را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

نمایندگانی مثل چارلی وایمرز از سوئد، راب روس از هلند، هلموت برندرتز از اتریش و آلسیا آمبروسی از ایتالیا که تلاش‌های زیادی برای حمایت از مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی داشته‌اند به پارلمان اروپا راه یافته‌اند. در ماه‌های گذشته آنها ملاقات‌هایی با شاهزاده رضا پهلوی داشتند. با شکست احزاب چپ و سبز و همچنین مماشاتگر با جمهوری اسلامی در ایران، احزاب میانه و راست در پارلمان اروپا قدرت بیشتری می‌گیرند که به اعتقاد تحلیلگران در میان‌مدت علاوه بر سیاست‌های داخلی اتحادیه اروپا به ویژه در زمینه مهاجرت، بر مواضع این اتحادیه و دولت‌های قدرتمند عضو آن در مسائل جهانی نیز تأثیرگذار خواهد بود. علاوه بر جنگ روسیه علیه اوکراین و جنگ گروه‌های تروریستی علیه موجودیت اسرائیل و تداوم جنگ غزه و مسئله فلسطین، تهدیدات جمهوری اسلامی با فعالیت‌های اتمی و گسترش نیروهای نیابتی و شبه‌نظامی و پشتیبانی از تروریسم همچنان از مسائل اصلی هستند که اروپا با آنها در پنج سال آینده و تا انتخابات بعدی نیز روبرو خواهد بود.

گوی هیچ اتفاقی نیفتاده است. در آلمان حزب سبزه‌ها بازنده بزرگ بود و اتحاد دو حزب دمکرات مسیحی و سوسیال مسیحی (راست میانه) با کسب بیش از ۲۹ درصد آرا در جایگاه اول و حزب آلترناتیو برای آلمان (راست) با ۱۶ درصد در جایگاه دوم قرار گرفتند. آرای این حزب با وجود فاصله‌ی چشمگیر با جایگاه نخست اما یک موفقیت بزرگ برای آن به شمار می‌رود. بر اساس نظرسنجی‌های منابع آلمانی، بیشترین افرادی که به این حزب رأی داده‌اند به دلیل سیاست‌های مهاجرتی آن است. حزب سبزه‌ها حدود ۱۲ درصد آراء را به دست آورد که در مقایسه با انتخابات قبلی بیش از ۸ درصد آن را از دست داده است. احزاب راستگرا در چند کشور دیگر از جمله بلژیک و ایتالیا نیز بیشترین رأی را به دست آوردند.

الکساندر دی کرو نخست وزیر چپ‌گرای بلژیک پس از شکست در انتخابات اروپا در حالی که اشک می‌ریخت از مسئولیت خود استعفا داد و به حامیانش گفت، «این شب برای ما بسیار سخت بود و پیام رأی‌دهندگان واضح است.» وی از منتقدان جدی اسرائیل در جنگ در غزه به شمار می‌رود و برای تحریم تجاری اسرائیل نیز برنامه‌هایی داشت اما پس از عملکرد ضعیف حزب دموکرات و لیبرال‌های فلاندری باز (Open VLD) در انتخابات پارلمان اروپا مجبور به استعفا شد. حزب او حدود ۶ درصد آراء را به دست آورد. الکساندر دی کرو از اکتبر ۲۰۲۰ نخست‌وزیر بلژیک بود. حزب وی پس از شمارش ۹۰ درصد آرا فقط ۵/۹ درصد آرا را به دست آورده بود. او همچنین اعلام کرده که به آینده لیبرال‌ها امیدوار است.

تقویت موقعیت جورجیا ملونی در ایتالیا

در شرایطی که حزب اولاف شولتز در آلمان و حزب امانوئل ماکرون در فرانسه در انتخابات پارلمان اروپا متحمل شکست سنگینی شده‌اند، در ایتالیا جورجیا ملونی نخست‌وزیر راستگرای این کشور به پیروزی قابل توجهی دست یافته و موقعیت خود را در شورای سران دولت‌های اروپایی تقویت کرده است. وی حدود ۲۹ درصد آراء را به دست آورد.

● در فرانسه حزب «رنسانس» به رهبری امانوئل ماکرون شکست خورد و حزب راستگرای مارین لوپن آرای بیشتری به دست آورد. حزب «رنسانس» تنها حدود ۱۵ درصد آراء را کسب کرد و سوسیالیست‌ها به رهبری رافائل گلوکسمن نیز حدود ۱۴ درصد آراء را کسب کردند. در حالی که حزب «اجتماع ملی» ۳۱ درصد آراء را به خود اختصاص داد. ماکرون پارلمان فرانسه را منحل و اعلام انتخابات زودهنگام کرد. ● الکساندر دی کرو نخست وزیر چپ‌گرای بلژیک پس از شکست در انتخابات اروپا در حالی که اشک می‌ریخت از سمت خود استعفا داد و به حامیانش گفت، «این شب برای ما بسیار سخت بود و پیام رأی‌دهندگان واضح است.» ● نمایندگانی مثل چارلی وایمرز از سوئد، راب روس از هلند، هلموت برندرتز از اتریش و آلسیا آمبروسی از ایتالیا که تلاش‌های زیادی برای حمایت از مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی داشتند به پارلمان اروپا راه یافتند. در ماه‌های گذشته آنها ملاقات‌هایی با شاهزاده رضا پهلوی داشتند.

انتخابات پارلمان اروپا از ۶ تا ۹ ژوئن ۲۰۲۴ با شرکت میلیون‌ها نفر از شهروندان این قاره کوچک که برای نخستین بار از ۱۶ سالگی حق رأی دادن در این انتخابات را داشتند برگزار شد. برآوردها از نتایج این انتخابات نشان می‌دهد از ۷۲۰ کرسی نمایندگی پارلمان اروپا، بیشترین کرسی‌ها به احزاب بزرگ و قدیمی میانه‌رو و همچنین احزاب راست رسید. احزاب سبز و لیبرال که عمدتاً طبقات بالا و ثروتمند جامعه را نمایندگی می‌کنند و سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها که خود را نمایندگان قشرهای پایین و زحمتکش می‌دانند، بازندگان بزرگ این انتخابات بودند. بر اساس گزارش رسانه‌های اروپا، میزان مشارکت در این انتخابات به ۵۱/۵۹ درصد رسید که نسبت به انتخابات گذشته افزایش داشته است. همواره افزایش مشارکت در انتخابات دموکراسی‌ها به معنی این است که جامعه خواهان تغییر در سیاست‌های موجود است و با آرای خود می‌خواهد مسیر این تغییر را نشان دهد. از سوی دیگر کسب آرای بالا توسط احزاب راست بیانگر اینست که رأی‌دهندگان احزاب دیگر اینبار تصمیم گرفتند تا آرای خود را از این احزاب دریغ کنند و آن را به حساب احزابی بریزند که در مخالفت با آنها قرار دارند.

همزمان نتایج انتخابات پارلمان اروپا پیام ویژه‌ای نیز برای رهبران و دولت‌های این قاره سبز داشت.

در فرانسه حزب «رنسانس» به رهبری امانوئل ماکرون شکست خورد و حزب راستگرای مارین لوپن آرای بیشتری به دست آورد. حزب «رنسانس» تنها حدود ۱۵ درصد آراء را کسب کرد و سوسیالیست‌ها به رهبری رافائل گلوکسمن نیز حدود ۱۴ درصد آراء را کسب کردند. در حالی که حزب «اجتماع ملی» ۳۱ درصد آراء را به خود اختصاص داد.

ماکرون رئیس‌جمهوری این کشور ساعاتی بعد از اعلام نتایج انتخابات پارلمان ملی این کشور را منحل و برگزاری انتخابات زودهنگام را اعلام کرد. وی گفت، «من نمی‌توانم طوری رفتار کنم که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است.» این موضع و حرکت وی مورد استقبال افکار عمومی کشورهای دیگر اتحادیه اروپا از جمله آلمان قرار گرفت که رهبران احزاب شکست‌خورده واقعاً طوری رفتار می‌کنند که

نامه سه قدرت اروپایی به شورای امنیت درباره برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی؛ زمینه‌سازی برای فعال کردن «مکانسیم ماشه»؟



نمایشگاه فناوری‌های اتمی جمهوری اسلامی از جمله تجهیزات مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم

در یک کنفرانس خبری در حاشیه مجمع بین‌المللی اقتصاد سن پترزبورگ (SPIEF) برخلاف گزارش‌ها و سخنان مداوم رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، «از نظر ما ایران به تعهدات خود در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کاملاً پایبند است و تخطی نکرده است.»

وی با اشاره به «خروج یکجانبه آمریکا از برجام» عنوان کرد، «جالب است که به ایران می‌گفتند که شما باید یکجانبه به تعهدات خود پایبند باشید، این مسخره است.»

پوتین همچنین تأکید کرده بود، «موضع روسیه این است که به برجام پایبند باشید و تعهدات اضافی نیز از یکدیگر نخواهید. ما از ایران خواستیم آرامش خود را حفظ کند و به برجام پایبند بماند، اما همواره با خود فکر می‌کردم که چگونه می‌توان برجام را پیش برد؟»

رئیس جمهور روسیه، در بخش دیگری از صحبت‌هایش عنوان کرد که «باید مکانسیم جدیدی پیدا کرد. اینکه یک دولت توافقی را امضاء کند و دولت بعدی آن را مجاله کند که توافقی نیست، این موضوع را در اوکراین نیز شاهد هستیم. سیاست‌های دوگانه‌ای که توسط آمریکا و غرب دنبال می‌شود.»

وی بدون اشاره به افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران تا میزان ۶۰ درصد مدعی شد، «جمهوری اسلامی به تمام تعهدات خود در برجام پایبند بود و فکر می‌کنم ایران حق مشروع استفاده از انرژی هسته‌ای را دارد و غرب باید این موضوع را بپذیرد... غرب اگر به این روند ادامه دهد شاید ایران نیز دیگر به تعهدات خود عمل نکند.»

این سخنان پوتین در حالیست که مسئله در ارتباط با برنامه اتمی جمهوری اسلامی بر سر «حق استفاده از انرژی هسته‌ای» نیست بلکه بر سر صلح‌آمیز بودن آن است که می‌بایست توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید و بطور مداوم بر آن نظارت شود. وظیفه و مسئولیتی که رژیم ایران نه تنها مانع آن شده بلکه با افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم به احتمال و حدس و گمان درباره صلح‌آمیز نبودن برنامه هسته‌ای خود دامن می‌زند و مقاماتش نیز مرتب درباره دست یافتن به سلاح اتمی تهدید می‌کنند.

«اسنپ‌بک» (بازگشت فوری) برای اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی در سال آینده است. طبق بند مرتبط با اسنپ‌بک، طرفین توافق نمی‌توانند در اینباره از حق وتو استفاده کنند. یک منبع نزدیک به این پرونده ایران را که غیرقابل قبول شده و در حال بدتر شدن است، «پیشرفت‌های هسته‌ای ارزیابی کنیم و فشار درون شورای امنیت را افزایش دهیم.»

آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد، دو بار در سال، در ژوئن و دسامبر، در مورد اجرای قطعنامه ۲۰۱۵ به شورای امنیت گزارش می‌دهد. شورای امنیت قرار است در ۲۴ ژوئن گزارش بعدی دبیرکل سازمان ملل را بررسی کند.

داریل کیمبال مدیر اجرایی انجمن غیرانتفاعی کنترل تسلیحات گفت این نامه ممکن است راهی برای ایجاد زمینه جهت «اسنپ‌بک» تحریم‌های سازمان ملل باشد. وی با این حال تأکید کرد که راه حل دیپلماتیک هنوز امکان‌پذیر است. کیمبال مدعی شد، «ارجاع تروئیکا به تاریخ اکتبر ۲۰۲۵، زمانی که مهلت تعلیق تحریم‌های سازمان ملل منقضی می‌شود و ارتباط آنها با شورای امنیت نشان می‌دهد که صرفاً در تلاشاند تا مبنای قانونی را برای لغو احتمالی تحریم‌های جمهوری اسلامی در مرحله بعد ایجاد کنند.»

وی افزود، «با این حال چنین گزینه‌ای به ویژه در پی خروج آمریکا از برجام، احتمالاً ایران را به سمت همکاری سوق نمی‌دهد، بلکه باعث تشدید فعالیت‌اش می‌شود و شاید حتی با خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (ان‌پی‌تی).

مقامات آمریکایی می‌گویند ایالات متحده به همراه متحدانش در حال بررسی راهبردی برای رسیدن به راه حل «پایدار» در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران است.

با اینهمه مدت‌هاست که مقامات اسرائیل، جمهوریخواهان در آمریکا و مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی به دولت بایدن و متحدان اروپایی آمریکا توصیه می‌کنند برای مقابله با تهدیدات اتمی و منطقه‌ای رژیم ایران می‌بایست «مکانسیم ماشه» فعال شود.

ولادیمیر پوتین روز چهارشنبه پنجم ژوئن (۱۶ خردادماه)

سه قدرت اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد جزئیات نقض برجام توسط جمهوری اسلامی را تشریح کردند.

تصویب قطعنامه توییحی در شورای حکام آژانس علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز فعال شدن «مکانسیم ماشه» و ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت باشد.

یک منبع نزدیک به این پرونده به رویترز گفت هدف آن است که «پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را که غیرقابل قبول شده و در حال بدتر شدن است، ارزیابی کنیم و فشار درون شورای امنیت را افزایش دهیم.»

سه قدرت اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد جزئیات نقض برجام توسط جمهوری اسلامی را تشریح کردند. جمهوری اسلامی نیز در نامه‌ای دیگری آمریکا را مسئول نقض برجام خوانده است.

خبرگزاری رویترز روز جمعه هفتم ژوئن (۱۸ خرداد) نوشت دیپلمات‌ها هدف تروئیکای اروپا از این اقدام را تحت فشار قرار دادن تهران برای حل دیپلماتیک موضوع هسته‌ای جهت پرهیز از اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل خوانده‌اند.

در این نامه به صراحت تهدیدی به «بازگشت تحریم‌های سازمان ملل» نشده است، اما آنها یادآوری کرده‌اند که مهلت قیدشده در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در قبال جمهوری اسلامی ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) منقضی می‌شود. این قطعنامه توافقی هسته‌ای را تضمین کرده و امکان اعمال تحریم‌ها پس از تاریخ انقضای آن وجود دارد.

تصویب قطعنامه توییحی در شورای حکام آژانس علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی که پنجشنبه ۱۷ خرداد انجام شد، می‌تواند زمینه‌ساز فعال شدن «مکانسیم ماشه» و ارجاع پرونده اتمی رژیم ایران به شورای امنیت باشد.

به نوشته رویترز، جمهوری اسلامی ایران نیز به نوبه خود در نامه‌ای ضمن رد مواضع اروپا، به اقدام آمریکا در خروج از برجام اشاره کرده است.

دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین آمریکا در هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸ از توافقی هسته‌ای خارج شد و کارزار «فشار حداکثری» را با اعمال تحریم‌های سخت علیه جمهوری اسلامی آغاز کرد.

اینهمه در حالیست که تنش‌ها با رژیم ایران پس از حمله تروریستی حماس به اسرائیل شدت گرفت. پس از آن بود که جمهوری اسلامی از طریق گروه‌های نیابتی پرتاب موشک و پهپاد به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه و کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب را شدت بخشید. همچنین در همین دوره جمهوری اسلامی میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی خود را افزایش داد و دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای نطنز و فردو را محدود کرد.

در نامه بریتانیا، فرانسه و آلمان به شورای امنیت تأکید شده، «تشدید تنش هسته‌ای ایران، برجام را توخالی کرده و ارزش آن را برای عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای کاهش داده است.»

دیپلمات‌های غربی و دیگر منابع آشنا با نامه سه کشور اروپایی گفتند که هدف از فرستادن این نامه تلاش برای افزایش فشار بر ایران در داخل شورای امنیت و خرید زمان برای یک راه حل دیپلماتیک قبل از انقضای ساز و کار snap back /

سوریه رغبتی به ادامه حضور جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش ندارد



علی خامنه‌ای، بشار اسد و محمد مخبر دزفولی که پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر تا تعیین رئیس دولت چهاردهم بجای وی نشستند است / تهران / ۳۰ مه ۲۰۲۴

انجام گیرد. البته این تصمیم بشار اسد با مخالفت‌هایی در درون حکومت سوریه نیز مواجه بوده است. اختلافاتی که پس از کشته شدن مرمرز رستم غزالی رئیس شعبه امنیت سیاسی حکومت سوریه، که یکی از مخالفین نفوذ جمهوری اسلامی بود، تغییراتی در نهادهای امنیتی این کشور را به دنبال داشت.

سرلشکر علی مملوک از چهره‌های برجسته حزب بعث سوریه به ریاست دفتر امنیت ملی ریاست جمهوری سوریه منصوب شد که جایگاه مشورتی برای بشار اسد دارد. سرلشکر کفاح ملهم از دیگر مقامات نظامی بالای سوریه و حزب بعث این کشور، جایگزین او در سمت رئیس نهاد امنیتی ملی سوریه شد. او پیشتر رئیس سازمان امنیتی ارتش سوریه بود که سرلشکر کمال حسن جانشین وی شد. این نظامیان که در مناصب کلیدی قرار گرفته‌اند، همگی خواهان نزدیکی سوریه به جهان عرب و فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی هستند.

محمود گیلانی روزنامه‌نگار سوری در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «فاصله گرفتن حکومت بشار اسد از جمهوری اسلامی چندین دلیل دارد، که شاید مهم‌ترین آنها فشارهای روسیه برای کاهش نفوذ سپاه پاسداران در سوریه باشد. نباید فراموش کرد که نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی به دستور نظامیان روسی از منطقه مرزی با اسرائیل در بلندی‌های جولان ده‌ها کیلومتر دور شدند و هرگونه امکان عملیات نظامی علیه اسرائیل از آنها سلب شده است.» این روزنامه‌نگار سوری در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «امروز بازگرداندن سوریه به نهادهای عربی اولویت سیاست خارجی حکومت بشار اسد است.» سوریه با آغاز جنگ داخلی در این کشور از کلیه نهادهای عربی چون اتحادیه عرب کنار گذاشته شد. از این کشور برای اولین بار در سال گذشته میلادی برای شرکت در نشست

تروریستی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، سوریه تمام تلاش خود را به کار گرفته است که به هیچ وجه به این جنگ وارد نشود و خود را در حاشیه نگاهدارد. حتی پس از حمله ۱۳ فروردین اسرائیل به ساختمانی در دمشق، که جمهوری اسلامی ادعا می‌کند محل کنسولگری آن بوده نیز دولت سوریه از هرگونه واکنشی، به استثنای انتشار بیانیه‌ای در محکومیت این اقدام نظامی، خودداری کرد. در این حمله ۷ نفر از نظامیان جمهوری اسلامی، از جمله رضا زاهدی از فرماندهان ارشد نیروی قدس کشته شدند.

یک دیپلمات سابق سوری که در لندن مستقر است و مایل نیست از او نام برده شود، به کیهان لندن می‌گوید «در اواخر ماه نوامبر سال گذشته میلادی، دولت اسرائیل در یکی از کشورهای عربی با نمایندگی اعزامی بشار اسد ملاقاتی داشته و در این ملاقات به صورت جدی هشدار داد که هرگونه اقدام سوریه در حمایت از حماس می‌تواند به نابودی کامل رژیم کنونی در سوریه بیانجامد.» هشدار می‌دهد که به گفته این دیپلمات سابق سوری «از سوی حکومت بشار اسدی بسیار جدی گرفته شده است.» همین دیپلمات می‌افزاید «البته روسیه، پادشاهی سعودی و امارات متحده عربی نیز به سوریه هشدار داده‌اند که هرگونه اقدامی علیه اسرائیل می‌تواند عواقب بسیار ناگواری برای رژیم اسد داشته باشد.»

سوریه با وجود حملات مکرر اسرائیل به پایگاه‌های نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران و گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی در دو سال گذشته، هرگز دست به هیچ اقدام نظامی متقابل نزده است. سوریه با اینکه بخشی از «محور مقاومت» به رهبری جمهوری اسلامی به حساب می‌آید اما تنها عضو این محور است که تا کنون در هیچ اقدام نظامی علیه اسرائیل شرکت نداشته و اجازه نیز نداده است که از خاک این کشور حمله‌ای به اسرائیل

از زمان حمله اسرائیل به باریکه غزه پس از حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر سال گذشته میلادی، سوریه تمام تلاش خود را به کار گرفته تا به هیچ وجه وارد این جنگ نشود و خود را در حاشیه نگاهدارد.

دولت اسرائیل در یکی از کشورهای عربی با نمایندگی اعزامی بشار اسد ملاقاتی داشته و در این ملاقات به صورت جدی هشدار داده است که هرگونه اقدام سوریه در حمایت از حماس می‌تواند به نابودی کامل رژیم کنونی در سوریه بیانجامد.

سوریه با اینکه بخشی از «محور مقاومت» جمهوری اسلامی به حساب می‌آید، اما تنها عضو این محور است که تا کنون در هیچ اقدام نظامی علیه اسرائیل شرکت نداشته و اجازه نیز نداده است که از خاک این کشور حمله‌ای به اسرائیل انجام گیرد.

سوریه با وجود حملات مکرر اسرائیل به پایگاه‌های نیروی قدس و گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی در دو سال گذشته، هرگز دست به هیچ اقدام نظامی متقابل نزده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل فاصله گرفتن حکومت بشار اسد از جمهوری اسلامی فشارهای روسیه برای کاهش نفوذ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه است.

بازگرداندن سوریه به نهادهای عربی اولویت سیاست خارجی حکومت بشار اسد است. در نشست اخیر اتحادیه عرب در بحرین، سوریه پس از سال‌ها امضای خود را زیر بیانیه امارات متحده عربی در رابطه با ادعای مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک در خلیج فارس گذاشت.

کاهش حضور و نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه شرط اصلی کشورهای عربی در سرمایه‌گذاری برای بازسازی این کشور در خاتمه جنگ داخلی کنونی است.

نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در سوریه مهم‌ترین پرونده‌ای است که در ماه اردیبهشت روی میز نشست مشترک وزرای خارجه سوریه، مصر، پادشاهی سعودی که به میزبانی اردن در امان برگزار شد، قرار گرفت.

احمد رأفت - سوریه گام به گام از جمهوری اسلامی فاصله می‌گیرد و به کشورهای عربی نزدیک می‌شود. سیاست جدید سوریه از پشتیبانی روسیه، دیگر متحد حکومت بشار اسد نیز برخوردار است. بشار اسد که ده خرداد، چند روز پس از مراسم رسمی برای مرگ ابراهیم رئیسی که ۳۰ اردیبهشت در سقوط هلی‌کوپتر کشته شد، به تهران سفر کرده بود، در ملاقات با علی خامنه‌ای از تأیید سخنان رهبر جمهوری اسلامی شانه خالی کرد و تنها اشاره‌ای به «راهبردی بودن» روابط بین دو کشور اشاره کرد.

علی خامنه‌ای در این دیدار به بشار اسد نسبت به تلاش‌هایش برای نزدیکی به جهان عرب هشدار داد. رهبر جمهوری اسلامی در این دیدار به رئیس جمهور سوریه یادآوری کرد که «غربی‌ها و دنباله‌های آنها در منطقه قصد داشتند با جنگی که علیه سوریه راه انداختند، نظام سیاسی این کشور را ساقط کنند، ولی موفق نشدند و اکنون نیز در نظر دارند با شیوه‌های دیگر و از جمله وعده‌هایی که هیچگاه به آن عمل نخواهند کرد، سوریه را از معادلات منطقه خارج کنند.»

از زمان حمله اسرائیل به باریکه غزه پس از حمله

دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا، شنبه ۱۹ خردادماه ۱۴۰۳، گزارش داد این اتومبیل در محله «القصور» نزدیک یکی از مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منفجر شده است.

گفته شد این اتومبیل متعلق به گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه بود.

خبرگزاری فرانسه گزارش کرد «نیروهای سوریه‌ای و گروه‌های وابسته به ایران یک حلقه‌ی امنیتی در اطراف محل انفجار ایجاد کردند.»

عامل یا عوامل این حمله و ملیت کشته‌شدگان نیز هنوز مشخص نیست.

شهر دیرالزور میزبان تعداد زیادی از پایگاه‌های «سپاه قدس»، نهادهای اقتصادی و امنیتی و مراکز فرهنگی وابسته به جمهوری اسلامی است.

شبکه «المیادین» گزارش داد بر اثر این انفجار دو نفر نیز زخمی شده‌اند. گفته می‌شود آن دو نفری که در این انفجار

چهار کشته و زخمی در انفجار اتومبیل مب‌گذاری شده در نزدیکی «مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی» در دیرالزور



انفجار یک ماشین نزدیک «مرکز فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی» در دیرالزور

کشته شده‌اند عضو گروه شبه‌نظامی «ارتش شیرهای شرق» بوده‌اند.

این انفجار شش روز پس از حمله جنگنده‌های اسرائیل به حومه حلب روی داد. در این حمله که دوشنبه ۱۴ خردادماه انجام شد شماری از نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی از جمله «سعید آبیاری» یکی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «نورالله نوری» عضو لشکر فاطمیون (افغان‌ها) کشته شدند.

وزارت دفاع رژیم سوریه ادعا کرد محلی که مورد هدف قرار گرفت «کارخانه ذوب مس» بود، اما منابع غیررسمی گزارش دادند آنجا کارخانه مهمات‌سازی بوده است.

پس از حمله تروریستی حماس به اسرائیل موسوم به عملیات «طوفان الاقصی» که در «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ انجام شد، شدت حملات ارتش اسرائیل به سوریه به ویژه علیه پایگاه‌ها و ستادهای فرماندهی نیروهای قدس سپاه پاسداران در سوریه افزایش پیدا کرد.

یکی از شدیدترین حملات، حمله هوایی به ساختمان مجاور سفارت جمهوری اسلامی در دمشق در روز ۱۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۳ بود که سردار پاسدار محمدرضا زاهدی و شمار دیگری از نیروهای سپاه قدس در این حمله کشته شدند.

● شش روز پس از مرگ پاسدار سعید آبیاری در حمله جنگنده‌های اسرائیل به حومه حلب، در انفجار یک اتومبیل مپ‌گذاری شده در شهر دیرالزور در شرق سوریه دو نفر از نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی کشته شدند.

● دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا گزارش داد این اتومبیل در محله «القصور» نزدیک یکی از مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منفجر شده است.

● گفته می‌شود این اتومبیل متعلق به گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه بود.

● عامل یا عوامل این حمله و ملیت کشته‌شدگان نیز هنوز مشخص نیست.

● شهر دیرالزور میزبان تعداد زیادی از پایگاه‌های «سپاه قدس»، نهادهای اقتصادی و امنیتی و مراکز فرهنگی وابسته به جمهوری اسلامی است.

● شبکه «المیادین» گزارش داد بر اثر این انفجار دو نفر نیز زخمی شده‌اند. گفته می‌شود آن دو نفری که در این انفجار کشته شده‌اند عضو گروه شبه‌نظامی «ارتش شیرهای شرق» بوده‌اند.

در انفجار یک اتومبیل مپ‌گذاری شده در شهر دیرالزور در شرق سوریه دو نفر از نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی کشته شدند.

→ سران کشورهای عضو اتحادیه عرب که در پادشاهی سعودی برگزار شد دعوت به عمل آمد و البته امسال هم در نشست که ماه مه در بحرین برگزار شد حضور پیدا کرد. در نشست منامه سوریه پس از سال‌ها امضای خود را زیر بانیه امارات متحده عربی در رابطه با ادعای مالکیت سه جزیره (ایوموسی، تنب بزرگ و کوچک) در خلیج فارس گذاشت. آخرین باری که سوریه از این ادعای امارات متحده عربی پشتیبانی کرده بود به دوران ریاست جمهوری حافظ اسد، باز می‌گردد.

یکی از ابزار فشار کشورهای عربی و روسیه بر سوریه جهت فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی، وعده سرمایه‌گذاری در بازسازی این کشور در پایان جنگ داخلی است. رژیم بشار است که در حال حاضر کنترل بیش از ۸۰ درصد خاک خود را در دست دارد، سرگرم طراحی برای بازسازی کشور است. روسیه وعده داده است به شرطی که شرکت‌های روس نقشی قابل توجه در این بازسازی داشته باشند، می‌تواند امنیت این کشور را تامین کند. تامین امنیت یکی از شروط اصلی آغاز روند بازسازی سوریه است که محتاج بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. شرط دیگر ورود سرمایه‌های عربی به این روند، محدودیت گسترده حضور و نفوذ جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش در سوریه است.

نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در سوریه مهم‌ترین پرونده‌ای است که در ماه اردیبهشت روی میز نشست مشترک وزرای خارجه سوریه، مصر، پادشاهی سعودی که به میزبانی اردن در امان برگزار شد، قرار گرفت. در همین نشست فعالیت‌های گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت نیروی قدس و جمهوری اسلامی در منطقه و نقش سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر و فرص‌های روان‌گردان به کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس از طریق اردن نیز دو پرونده دیگری بودند که در این نشست مورد بررسی قرار گرفتند.

در جمهوری اسلامی نیز با گذشت زمان بر شمار مخالفان حمایت گسترده از رژیم بشار اسد افزوده می‌شود. در رابطه با حملات بسیار دقیق اسرائیل علیه فرماندهان سپاه و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی، کم نیستند کسانی که معتقدند این عملیات بر مبنای اطلاعاتی که منابع اطلاعاتی سوری در اختیار ارتش اسرائیل قرار می‌دهند صورت می‌گیرند. آنچه در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد نقش حکومت بشار اسد در ماجرا است. مشخص نیست که رساندن این اطلاعات به ارتش و نهادهای امنیتی اسرائیل با اطلاع بشار اسد صورت می‌گیرد، یا اینکه موساد توانسته در نهادهای نظامی و امنیتی سوریه نفوذ کند.

کنار گذاشته شدن جمهوری اسلامی نه تنها از روند بازسازی بلکه در اقتصاد کنونی سوریه نیز یکی دیگر از دلایل نارضایتی بسیاری از حمایت‌های گسترده و پرخرج جمهوری اسلامی از حکومت بشار اسد است. اخیراً بار دیگر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تاکید کرد که هیچ اقدامی برای تسویه بدهی ۳۰ میلیارد دلاری سوریه به ایران انجام نگرفته است، در حالی که مدت‌هاست که روسیه در حال وصول طلب‌های خود است. همین عضو سابق مجلس طلب جمهوری اسلامی از سوریه را برابر با یک سال بودجه عمومی کشور ارزیابی می‌کند و می‌افزاید حجم مبادلات اقتصادی ترکیه، کشوری که از مخالفان بشار اسد حمایت می‌کند، با سوریه در سال ۲۰۲۳ میلادی از مرز دو میلیارد دلار عبور کرد. رقمی که تقریباً ۲۰ برابر صادرات جمهوری اسلامی به سوریه است.

شش داوطلب «مقبول» خامنه‌ای برای «سیرک انتخابات»؛ ده‌ها «خودی» که در نهادهای دیگر حضور دارند، رد صلاحیت شدند



● محمدباقر قالیباف، مصطفی پورمحمدی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و مسعود پزشکیان به عنوان نامزدهای نمایش انتخابات معرفی شدند.

● علی لاریجانی، وحید حقانیان، محمود احمدی‌نژاد، مهرداد بذریاش، صولت مرتضوی، اسحاق جهانگیری، عباس آخوندی، محمد شریعتمداری، محمد مهدی اسماعیلی و عبدالناصر همتی رد صلاحیت شدند.

● در میان اصولگرایان حاضر در فهرست شش نفره نامزدهای انتخاباتی محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی دو مهره اصلی نزدیک به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هستند.

● در صورت عدم انصراف علیرضا زاکانی و محمد قاضی‌زاده هاشمی تا پایان رقابت انتخابات، ممکن است بخشی از آرای هواداران «جبهه پایداری» بجای سعید جلیلی صرف علیرضا زاکانی و محمد قاضی‌زاده هاشمی شود؛ در چنین شرایطی تناسب آرا به سود محمدباقر قالیباف خواهد بود. اگرچه به دلیل «مجرى فرامین و تصمیمات رهبر» و «تدارکاتچی» بودن رؤسای جمهوری اسلامی، هرکدام از این تأییدشدگان می‌توانند نقشی را بازی کنند که رئیسی و اسلاف وی نیز بازی کردند!

● اینهمه در حالیکه با توجه به تحریم دو انتخابات نمایشی خرداد ۱۴۰۰ (ریاست جمهوری اسلامی) و اسفند ۱۴۰۲ (مجلس شورای اسلامی) این نمایش نیز در شرایط کنونی با تحریم روبرو خواهد شد و حکومت مانند همه‌ی انتخابات دیگرش دست به تقلب و رأی‌سازی خواهد زد.

● در حالی که شهروندان از سوی انواع نهادهای امنیتی و قضائی تهدید می‌شوند تا به انتقاد و اعتراض نپردازند، اما جامعه در فضای واقعی به نمایش انتخابات بی‌اعتناست و در فضای مجازی در حال تبلیغ و تمسخر علیه آن است.

● پیشتر شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به ثبت نام داوطلبان در این انتخابات نمایشی در رسانه‌های اجتماعی خود نوشته بود: «پاسخ ملت بزرگ ایران به کل این مضحکه یک نه قاطع است.»

محمدباقر قالیباف، مصطفی پورمحمدی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و مسعود پزشکیان به عنوان شش نامزد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی چهاردهم معرفی شدند. افرادی چون وحید حقانیان، علی لاریجانی، محمود احمدی‌نژاد، اسحاق جهانگیری، عباس آخوندی، محمد شریعتمداری، مهرداد بذریاش و عبدالناصر همتی از جمله مقامات ارشد کنونی و پیشین حکومت هستند که عمدتاً در نهادهای دیگر نظام حضور دارند ولی به عنوان نامزد ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شدند.

شورای نگهبان بعد از ظهر یکشنبه بیستم خردادماه ۱۴۰۳ اسامی افراد تأیید صلاحیت شده برای حضور در چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. محمدباقر قالیباف، مصطفی پورمحمدی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و مسعود پزشکیان به عنوان نامزدهای انتخاباتی معرفی شدند.

محمدباقر قالیباف در حال حاضر رئیس مجلس شورای

اسلامی است و در چند دوره انتخابات ریاست جمهوری پیشین نیز نامزد شده بود اما ناکام ماند. به دلیل افشا شدن چند پرونده مهم فساد اقتصادی محمدباقر قالیباف و اعضای خانواده‌اش در سال‌های گذشته، رأی او در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی با کاهش قابل توجهی روبرو شد. او در انتخابات مجلس یازدهم بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار رأی در حوزه انتخابی تهران کسب کرد اما در انتخابات مجلس دوازدهم حدود ۴۴۰ هزار رأی داشت.

مصطفی پورمحمدی در حال حاضر مدرس دانشگاه «امام صادق» است. او یکی از چهره‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی است و به همراه ابراهیم رئیسی در «هیئت مرگ» که مسئول اعدام هزاران زندانی سیاسی مخالف و منتقد جمهوری اسلامی بوده است حضور داشت. پورمحمدی همچنین از جمله برنامه‌ریزان و آمران قتل‌های زنجیره‌ای به شمار می‌رود. او در دو دولت محمود احمدی‌نژاد وزیر کشور و رئیس سازمان بازرسی کل کشور بود و در دولت اول حسن روحانی وزیر دادگستری بود.

سعید جلیلی عضو شورای راهبردی روابط خارجی، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده رهبر جمهوری اسلامی ایران در شورای عالی امنیت ملی نظام است. او از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ دبیر همین شورا و رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای جمهوری اسلامی بود. علیرضا زاکانی در حال حاضر شهردار تهران است و پیشتر نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است. او در دو انتخابات نمایشی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ داوطلب نامزدی بود، اما توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شد. در انتخابات ۱۴۰۰ اما توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شد.

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی معاون ابراهیم رئیسی و عضو هیئت دولت سیزدهم بوده است. او ریاست «بنیاد شهید و امور ایثارگران» را در دولت سیزدهم برعهده دارد و پیشتر نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است. مسعود پزشکیان نماینده تبریز، آذرشهر و اسکو در دوره دوازدهم مجلس شورای اسلامی است و در دوره‌های هشتم، نهم، دهم و یازدهم نیز نماینده همین حوزه انتخابیه بوده است. او در دولت دوم محمد خاتمی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود.

در آنسوی فهرست شش نفره‌ای که به عنوان نامزدهای انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری اسلامی و جهت جانشینی «قاضی مرگ» معرفی شده‌اند، فهرستی طولانی از مقامات ارشد کنونی و پیشین جمهوری اسلامی دیده می‌شود که از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده‌اند آنهم در حالی که در نهادهای دیگر رژیم و یا محافل سیاسی و مافیایی وابسته به نظام حضور دارند.

علی لاریجانی، وحید حقانیان، محمود احمدی‌نژاد، مهرداد بذریاش، صولت مرتضوی، اسحاق جهانگیری، عباس آخوندی، محمد شریعتمداری، محمد مهدی اسماعیلی و عبدالناصر همتی از همین فهرست هستند. آرای همتی در نمایش انتخابات ۱۴۰۰ که حتا از محسن رضایی و آرای باطله نیز کمتر بود، اصلاح‌طلبان را که از نامزدی وی حمایت می‌کردند، به «۳ درصدی» معروف کرد.

امسال نیز در میان افراد تأیید صلاحیت شده، فقط مسعود پزشکیان از اصلاح‌طلبان به شمار می‌رود و دیگر نامزدهای معرفی شده همگی از اصولگرایان هستند. احتمال اینکه افرادی از شش نامزد به نفع دیگری از شرکت در انتخابات صرف نظر کنند نیز وجود دارد.

در این میان، اصلاح‌طلبان برنامه‌ریزی گسترده‌ای ←

۱۴۰۲ (مجلس شورای اسلامی) این نمایش نیز در شرایط کنونی با تحریم روبرو خواهد شد و حکومت مانند همه‌ی انتخابات دیگرش دست به تقلب و رأی‌سازی خواهد زد. چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، در پی کشته شدن ابراهیم رئیسی در سقوط مشکوک هلی‌کوپتر، قرار است یک سال زودتر از موعد و در هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود. جمهوری اسلامی همه تلاش خود را به کار بسته تا این انتخابات زود هنگام با حاشیه کمتری برگزار شود و سریع‌تر مهره مورد نظر علی خامنه‌ای به تشکیل دولت چهاردهم اقدام کند.



در این میان، هیئت نظارت بر مطبوعات با انتشار دستورالعملی برای رسانه‌ها خط و نشان کشیده و انتشار «هرگونه محتوا به منظور ترغیب و تشویق مردم به تحریم و یا کاهش مشارکت در انتخابات، تجمع اعتراض‌آمیز بدون مجوز، اعتصاب و تحصن» را مصداق «محتوای مجرمانه» خوانده است.

در بخشی از این دستورالعمل آمده است که «هر اقدامی که به نحوی موجب اخلاق در امر انتخابات ریاست جمهوری شود... تشویب اذهان عمومی، سیاه‌نمایی و بیان مطالب خلاف واقع علیه کشور، ایجاد اختلافات مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل قومی و نژادی، انتشار هرگونه نتایج نظرسازی و نظرسنجی کاذب در خصوص انتخابات و نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری» مصداق محتوای مجرمانه تلقی می‌شود.

از دیگر مصادیق این دستورالعمل پنج صفحه‌ای، «انتشار هجو یا هجویه و یا هرگونه محتوای توهین‌آمیز یا تخریب در فضای مجازی علیه انتخابات» عنوان شده است! همچنین «انتشار هر گونه محتوا در جهت هتک حرمت و حیثیت و نشر اکاذیب علیه نامزدهای انتخابات» از جمله مصادیق مجرمانه‌ای دانسته شده که رسیدگی به آن نیازمند شکایت شاکی خصوصی است.

با اینهمه در حالی که شهروندان از سوی انواع نهادهای امنیتی و قضائی تهدید می‌شوند تا به انتقاد و اعتراض نپردازند، اما جامعه در فضای واقعی به نمایش انتخابات بی‌اعتناست و در فضای مجازی در حال تبلیغ و تمسخر علیه آن است. بیشتر شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به ثبت نام داوطلبان در این انتخابات نمایشی در رسانه‌های اجتماعی خود نوشته بود: «پاسخ ملت بزرگ ایران به کل این مضحکه یک نه قاطع است.»

اساسی جمهوری اسلامی نمی‌تواند به ریاست دولت برسد و با اینهمه هر بار شماری از زنان داوطلب شرکت در این نمایش شده و ثبت نام می‌کنند! قابل توجه اینکه متن انصراف زهره الهیان نشان می‌داد که او حتی متوجه نبود که «کاندیدا» نبوده بلکه «داوطلب» کاندیدا شدن بوده است: «با عنایت به حضور نیروهای متعهد و متخصص انقلابی بعنوان داوطلب انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، در این برهه تاریخی و سرنوشت ساز انقلاب، ضمن گرامیداشت یاد شهدای خدمت و فراخوان مشارکت حداکثری به ویژه جامعه زنان در انتخابات، به منظور حفظ وحدت در جبهه انقلاب ضمن حمایت از

کاندیدای مورد وثوق مردم، علما و نخبگان، و با اعلام مراتب قدردانی و سپاس از نگاه مثبت و حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب به حضور زنان در جایگاه‌های کلان مدیریتی، مراتب انصراف خود را از ادامه کاندیداتوری اعلام می‌نمایم.»

محمد رویانیا در گفتگو با خبرنگاری «برنا» اعلام کرده که «در زمینه حضور در انتخابات، جلسه‌ای با آقای محسن رضایی داشتیم و در آن جلسه تصمیم بر این شد که به جهت وحدت حداکثری جریان انقلاب و پرهیز از تعدد کاندیدا، اینجانب از ادامه حضور در رقابت‌های انتخاباتی انصراف بدهم.»

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی که جزو تأییدشدگان است، در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۰ نیز نامزد بود و هرچند گفته می‌شد به نفع رئیسی انصراف خواهد داد اما تا روز انتخابات در رقابت‌های نمایشی حکومت ماند و نفر آخر در میان چهار نامزد نهایی شد. در میان اصولگرایان حاضر در فهرست شش نفره نامزدهای انتخاباتی محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی دو مهره اصلی نزدیک به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به شمار می‌روند.

در صورت عدم انصراف علیرضا زاکانی و محمد قاضی‌زاده هاشمی تا پایان رقابت انتخابات، ممکن است بخشی از آرای هواداران «جبهه پایداری» بجای سعید جلیلی صرف علیرضا زاکانی و محمد قاضی‌زاده هاشمی شود؛ در چنین شرایطی تناسب آرا به سود محمدباقر قالیباف خواهد بود. اگرچه به دلیل «مجری فرامین و تصمیمات رهبر» و «تدارکاتچی» بودن رؤسای جمهوری اسلامی، هرکدام از این تأییدشدگان می‌توانند نقشی را بازی کنند که رئیسی و اسلاف وی نیز بازی کردند. اینهمه در حالیست که با توجه به تحریم دو انتخابات نمایشی خرداد ۱۴۰۰ (ریاست جمهوری اسلامی) و اسفند

→ برای حضور در انتخابات و تلاش برای گرفتن دولت انجام داده بودند اما با رد صلاحیت عباس آخوندی و اسحاق جهانگیری، به نظر نمی‌رسد مسعود پزشکیان چهره‌ای باشد که بتواند آرای بیش از عبدالناصر همتی در سال ۱۴۰۰ به سود اصلاح‌طلبان جمع کند.

در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شود حضور مسعود پزشکیان تنها برای گرم کردن تور انتخابات و ارائه فرصت به اصلاح‌طلبان برای ایجاد موج هیجانی بین طرفداران نظام باشد.

جواد امام سخنگوی «جبهه اصلاحات» روز گذشته و پیش از آنکه نامزدها از سوی شورای نگهبان مشخص شوند، از معرفی سه «کاندیدا»ی مورد حمایت این جبهه خبر داده و در شبکه «ایکس» نوشته بود: «در نشست مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران، به ترتیب حروف الفبا، آقایان عباس آخوندی، مسعود پزشکیان، اسحاق جهانگیری حائز دو- سوم آراء به عنوان کاندیداهای معرفی شده از سوی جبهه اصلاحات ایران شدند.»

او در ادامه نوشته بود: «خانم حمیده زرآبادی حائز بیش از نصف آرا مجمع عمومی شد. نامزد نهایی جبهه اصلاحات متعاقباً از بین همین افراد انتخاب می‌گردد.»

سخنگوی جبهه اصلاحات توضیح نداده بود در حالی که داوطلبان تأییدشده هنوز به عنوان نامزد معرفی نشده‌اند، چگونه این افراد به عنوان «کاندیدا» معرفی شدند!

در میان ۸۰ نفر از چهره‌های «خودی» حکومت که برای حضور در انتخابات داوطلب شده بودند چهار زن هم حضور داشتند. زهره الهیان، رفعت بیات، هاجر چنارانی و حمیده زرآبادی که سه نفر نخست اصولگرا بودند و حمیده زرآبادی اصلاح‌طلب بود.

از سوی دیگر فقط امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، رئیس کنونی «بنیاد شهید» از تیم دولت کنونی تأیید صلاحیت شده است. محمدمهدی اسماعیلی وزیر ارشاد، مهرداد بذریاش وزیر مسکن و شهرسازی و صولت مرتضوی وزیر کار و تعاون رد صلاحیت شدند.

داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز یکی از پنج عضو هیئت دولت سیزدهم بود که داوطلب حضور در انتخابات هشتم تیرماه ۱۴۰۳ شده بود اما روز گذشته انصراف داد.

به نظر می‌رسد نظر اکثریت تیم کنونی بر نامزدی نهایی محمدمهدی اسماعیلی وزیر کنونی ارشاد بود اما بر اساس اطلاعات منتشر شده او به دلیل «دریافت رشوه» محکومیت قضایی دارد.

عبدالرضا دآوری روزنامه‌نگار حکومتی و مشاور وزیر کشور در دولت احمدی‌نژاد، در شبکه «ایکس» نوشت که «با حکم قاضی صلواتی، محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد دولت رئیسی، بخاطر رشوه ۳۰ میلیون تومانی (معادل ۴۰ سکه) به ۵ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و انفصال از خدمات دولتی محکوم شد.»

داود منظور بیشتر اعلام کرده بود که فقط یکی از پنج عضو هیئت دولت «در نهایت» در رقابت‌های انتخاباتی حضور خواهد داشت. وی توضیح نداده بود از کجا و به چه شکلی از نتایج بررسی صلاحیت‌ها و چیدمان نهایی نامزدهای انتخاباتی مطلع است!

محمد رویانیا فرمانده سابق پلیس راهور و مدیرعامل پیشین تیم فوتبال پرسپولیس که برای حضور در انتخابات داوطلب شده بود نیز روز گذشته انصراف داد.

همچنین زهره الهیان یکی از چهار زن داوطلب شده که پیشتر نماینده مجلس در دوره هشتم و یازدهم بود، روز گذشته انصراف داد. آنهم در حالی که اساساً زنان طبق قانون

احکام جدید علیه سپهری‌ها؛ فاطمه سپهری در مجموع به هجده سال و شش ماه زندان محکوم شد



● فاطمه سپهری به اتهام «حمایت از اسرائیل»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی»، «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» در مجموع به هجده سال و شش ماه زندان محکوم شده است.

● محمدحسین سپهری و حسین سپهری با اتهاماتی مشابه به ترتیب به پنج سال و شش ماه زندان و پنج سال و شش ماه زندان محکوم شده‌اند.

دادگاه انقلاب اسلامی مشهد در حکمی جدید فاطمه سپهری و دو برادرش، محمدحسین و حسین را به زندان محکوم کرده است. فاطمه سپهری از شهریور ۱۴۰۱ در زندان محبوس است و محمدحسین سپهری نیز از مهرماه سال گذشته تا کنون زندانی است.

اصغر سپهری برادر کوچک فاطمه سپهری روز یکشنبه ۲۱ خردادماه از محکومیت فاطمه، محمدحسین و حسین سپهری به زندان خبر داد.

بر اساس این حکم، فاطمه سپهری به اتهام «حمایت از اسرائیل» به هفت سال زندان، به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی» به هفت سال زندان، به اتهام «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» به سه سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» نیز به یک سال و شش ماه زندان محکوم شده است. مجموع حکم صادر شده برای فاطمه سپهری هجده سال و شش ماه زندان است. محمدحسین سپهری نیز به اتهام «اجتماع و تبانی» به پنج سال زندان، به اتهام «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» به دو سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال زندان محکوم شده است. مجموع حکم صادر شده علیه محمدحسین سپهری ۸ سال زندان است.

همچنین حسین سپهری دیگر برادر فاطمه سپهری نیز به اتهام «اجتماع و تبانی» به ۳ سال و ۷ ماه زندان، به اتهام «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» به یک سال و ۴ ماه زندان، و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۷ ماه زندان محکوم شده است. مجموع حکم صادر شده علیه حسین سپهری پنج سال و شش ماه زندان است. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، طولانی‌ترین حکم زندان قابل اجرا است. اصغر سپهری در شبکه «ایکس» نوشته «خواهرم از ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در زندان است و تلفن‌اش به شدت کنترل می‌شود و در این مدت با وجود جراحی قلب باز در ۷ مهرماه و جراحی بر روی دست در ۱ مرداد سال گذشته هیچ مرخصی نداشته است.»

او افزوده «برادرانم در ۶ مهرماه سال گذشته، یک روز قبل از عمل جراحی خواهرم در بیمارستان قائم، زمانی که پیگیر درمان او بودند، بازداشت شدند. محمدحسین سپهری بیش از ۸ ماه است که در زندان وکیل آباد مشهد محبوس است.»

اصغر سپهری همزمان با اطلاع‌رسانی درباره حکم صادرشده علیه اعضای خانواده‌اش، یک ویدئو از مادرش نیز منتشر کرده که در آن این مادر دادخواه از وضعیت فرزندان در زمان بازداشت و همچنین وضعیت وخیم جسمی فاطمه سپهری در آخرین تماس تلفنی از زندان می‌گوید.

مادر سپهری‌ها خطاب به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفته «اینهمه زن و بچه و خرد و بزرگ کشته می‌شوند، داماد ما هم که در جنگ عراق و ایران کشته شد و اینهمه

بدبختی به سر ما آمده، خب ما چه گناهی کرده‌ایم؟»
اصغر سپهری پیشتر در ۲۸ فروردین امسال نیز در یک پست در شبکه «ایکس» از شکنجه روانی فاطمه سپهری توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی خبر داده و نوشته بود: «امروز، سه‌شنبه ۲۸ فروردین، فاطمه سپهری از درون زندان وکیل آباد به جلسه‌ای مجازی برده شد و فردی که خود را روانشناس قوه قضائیه معرفی کرد از خواهرم سوالاتی خصوصی و از دوران کودکی پرسیده است. این فرد از گفتن نام خود به خواهرم خودداری کرده و خواهرم به او گفته که تا کنون جمهوری اسلامی بازجو خبرنگار می‌فرستاد و حالا بازجو روانشناس فرستاده است. حال خواهرم در طی این جلسه نیم ساعته بسیار بد شده و به بهداری زندان منتقل شده است.»
اصغر سپهری افزوده بود که «جمهوری اسلامی توسط عوامل‌اش، همچون علی‌سلیمانی‌مارشک، بازپرس شعبه ۹۰۳، خواهرم را شکنجه روانی می‌کند.»

خسرو علی‌کردی وکیل مدافع فاطمه سپهری نیز دی‌ماه گذشته در نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه نسبت به وضعیت سلامت جسمی موکل‌اش هشدار داده و خواستار صدور دستور فوری برای آزادی او «جهت مداوای بیماری‌های متعدد» شده بود. وکیل فاطمه سپهری نوشته بود که موکلش در مهرماه ۱۴۰۲ «به دلیل مسدود شدن عروق قلب، تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفته است و پس از سپری شدن مدت کوتاهی از انجام جراحی، علیرغم وخامت حال ایشان از بیمارستان به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شده» و تأکید کرده بود که این زندانی «بر اثر مصرف داروهای تنظیم ضربان بالای قلب» به مشکلات متعدد روانی و جسمانی از جمله خواب‌های طولانی ناخواسته، افسردگی، مبتلا شده است.

در این نامه همچنین آمده بود: «با عنایت به سه بار عمل جراحی دست چپ خانم فاطمه سپهری و عدم تأثیر جراحی‌های انجام شده و از کار افتادن دست چپ ایشان و فوریت انجام فیزیوتراپی و مداوا در خارج از زندان طبق

نظر پزشکان متخصص و همچنین بیماری حاد چشم موکل و ضرورت توقف اجرای حکم مجازات حبس، با مد نظر قرار دادن وضعیت بهداشتی غیراستاندارد و کیفیت نامطلوب غذای زندان وکیل آباد مشهد، دستور فوری مبنی بر آزادی خانم فاطمه سپهری از زندان جهت مداوای بیماری‌های متعدد موکل، صادر نمایم.»

خسرو علی‌کردی در پایان نامه سرگشاده نوشته بود که پیشتر نیز نسبت به «در خطر بودن جان» این زندانی سیاسی «به مسؤلان قضایی و رئیس سازمان زندان‌های استان خراسان رضوی» به عنوان «مقامات مسئول» این وضعیت هشدار داده بود. اصغر سپهری پیشتر در ۲۸ فروردین امسال نیز در یک پست در شبکه «ایکس» از شکنجه روانی فاطمه سپهری توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی خبر داد و نوشت: «امروز، سه‌شنبه ۲۸ فروردین، فاطمه سپهری از درون زندان وکیل آباد به جلسه‌ای مجازی برده شد و فردی که خود را روانشناس قوه قضائیه معرفی کرد از خواهرم سوالاتی خصوصی و از دوران کودکی پرسیده است. این فرد از گفتن نام خود به خواهرم خودداری کرده و خواهرم به او گفته که تا کنون جمهوری اسلامی بازجو خبرنگار می‌فرستاد و حالا بازجو روانشناس فرستاده است. حال خواهرم در طی این جلسه نیم ساعته بسیار بد شده و به بهداری زندان منتقل شده است.»

اصغر سپهری افزوده بود که «جمهوری اسلامی توسط عوامل‌اش، همچون علی‌سلیمانی‌مارشک، بازپرس شعبه ۹۰۳، خواهرم را شکنجه روانی می‌کند.»

خسرو علی‌کردی وکیل مدافع فاطمه سپهری نیز دی‌ماه گذشته در نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه نسبت به وضعیت سلامت جسمی موکلش هشدار داده و خواستار صدور دستور فوری برای آزادی او «جهت مداوای بیماری‌های متعدد» شده بود. وکیل فاطمه سپهری نوشته بود که موکلش در مهرماه ۱۴۰۲ «به دلیل مسدود شدن عروق قلب، تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفته است و پس از سپری شدن مدت

آیا پادشاهی در ایران حال مردم را خوب می‌کند؟



شاهزاده رضا پهلوی همراه با همسرش بانو یاسمین و دخترانشان نور و ایمان و فرح و شهبانو فرح پهلوی

اجتماعی دارد، نمی‌تواند «جلیقه زردها» و بازنشستگان را قانع کند که خیابان‌ها را تخلیه کنند.

جمهوری نیمه‌ریاستی

تصور کنید پس از جمهوری اسلامی، انتخاب مردم یک جمهوری متکی بر پارلمان باشد. طرفداران این فرم حکومتی از جامعه متکثر ایران می‌گویند و اینکه تکثر در پارلمان باعث رونق دموکراسی است! این دوستان نیز احتمالا نمی‌دانند که در کشورهای پیشرو از این دست حد نصابی (معمولا ۵ درصد آرا) وجود دارد که اجازه نمی‌دهد احزاب خرد و کم رأی یک کرسی در پارلمان به دست آورند. درست است که شکست قدرت پدیده خوبی است اما خرد کردنش مانند تکه‌های شیشه، ثبات سیاسی را به شدت در هم می‌کوبد. ایتالیا و اسرائیل و انتخابات زود هنگام و دیر هنگام و بعضا هر فصل گواه ادعای نگارنده است. اما احتمالا حال مردم معمولا در ترکیب مناسبی از دموکراسی و ثبات بهتر می‌شود.

جمهوری فدرال

فدرال قومی و قبیله‌ای و فرقه‌ای مورد نظر هواداران اینگونه جمهوری‌ها، هدف و مقصد را سومالی، عراق و لبنان قرار داده است. نهایت موفقیت در جمهوری‌های فدرال قبیله‌ای لبنانیزه شدن است که بعید می‌دانم حال مردم‌اش از حال مردم ما بهتر باشد.

شیرازه کلام این نکته است که احتمال اینکه حال مردم در یک پادشاهی مشروطه دموکرات با توجه به پیشینه‌ی نسبتا مناسب پادشاهی پهلوی، علاقه مفرط تعداد زیادی از مردم ما به پادشاهان فقید پهلوی و شاهزاده‌ای دنیادیده و آشنا با غرب خوب شود زیادتر است.

*باقر محب علی روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل سیاسی و اجتماعی ساکن نروژ

● نگارنده و احتمالا بسیاری از هموطنان پاسخ دقیق این پرسش را که در عنوان این نوشته‌ی کوتاه آمده است، نمی‌دانند. اما همگی به خوبی می‌دانیم چه چیز حال ما را اینقدر بد کرده است: بله، جمهوری اسلامی.

● اثبات اینکه یک پادشاهی در آینده کشور حال مردم و کشور را خیلی روبراه می‌کند تقریبا محال است اما با برهان خُلف میتوان اثبات کرد که تقریبا بقیه گزینه‌ها حال مردم را خوب نمی‌کند و شاید بعد از مدتی مایه حسرت نیز بشود!

باقر محب علی - نگارنده و احتمالا بسیاری از هموطنان پاسخ دقیق این پرسش را که در عنوان این نوشته‌ی کوتاه آمده است، نمی‌دانند. اما همگی به خوبی می‌دانیم چه چیز حال ما را اینقدر بد کرده است: بله، جمهوری اسلامی. اثبات اینکه یک پادشاهی در آینده کشور حال مردم و کشور را خیلی روبراه می‌کند تقریبا محال است اما با برهان خُلف میتوان اثبات کرد که تقریبا بقیه گزینه‌ها حال مردم را خوب نمی‌کند و شاید بعد از مدتی مایه حسرت نیز بشود!

جمهوری ریاستی

تصور کنید پس از جمهوری اسلامی، انتخاب‌ها به سمت این گزینه برود. دادن اختیار ارتش و سایر نهادها به دست شخصی که رهبر حزب است و وابستگی سیاسی به برنامه‌های حزبش را دارد! جمهوریخواهان هوادار این الگو استدلال‌شان در چرخش قدرت برای حفظ دموکراسی و عدم بازگشت استبداد است. اینکه صحبتی قشنگ باشد دلیلی بر صحت آن نیست. ماجرای بایدن و جناب ترامپ و داستان‌های پیرامون رئیس‌جمهورهای آمریکا خود گویای نادرستی استدلال این گروه است. رئیس جمهوری که در کاغذ رئیس جمهور همه است ولی ۲۲ درصد پایگاه

کوتاهی از انجام جراحی، علیرغم وخامت حال ایشان از بیمارستان به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شده» و تأکید کرده بود که این زندانی «بر اثر مصرف داروهای تنظیم ضربان بالای قلب» به مشکلات متعدد روانی و جسمانی از جمله خواب‌های طولانی ناخواسته، افسردگی» مبتلا شده است. در این نامه همچنین آمده بود: «با عنایت به سه بار عمل جراحی دست چپ خانم فاطمه سپهری و عدم تأثیر جراحی‌های انجام شده و از کار افتادن دست چپ ایشان و فوریت انجام فیزیوتراپی و مداوا در خارج از زندان طبق نظر پزشکان متخصص و همچنین بیماری حاد چشم موکل و ضرورت توقف اجرای حکم مجازات حبس، با مد نظر قرار دادن وضعیت بهداشتی غیراستاندارد و کیفیت نامطلوب غذای زندان وکیل آباد مشهد، دستور فوری مبنی بر آزادی خانم فاطمه سپهری از زندان جهت مداوای بیماری‌های متعدد موکل، صادر نمایم.»

خسرو علیگرادی در پایان نامه سرگشاده نوشته بود که پیشتر نیز نسبت به «در خطر بودن جان» این زندانی سیاسی «به مسؤلان قضایی و رئیس سازمان زندان‌های استان خراسان رضوی» به عنوان «مقامات مسئول» این وضعیت هشدار داده بود. فاطمه سپهری از جمله امضاکنندگان بیانیه معروف به ۱۴ نفر است که در آن بر «گذار از جمهوری اسلامی» و «لزوم استعفاى خامنه‌ای از قدرت» تأکید شده بود.

دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی پس از انتشار این نامه، فاطمه سپهری را بازداشت کرد و قوه قضاییه او را به تحمل ۳ سال و شش ماه حبس محکوم کرد. با این حال سپهری پس از تحمل ۹ ماه حبس، به دلیل آنکه همسرش جزو کشته‌شدگان جنگ ایران با عراق بود با عفو زندانیان که از سوی علی خامنه‌ای صادر می‌شود آزاد شد. فاطمه سپهری اما پس از آزادی اعلام کرد که نیازی به عفو خامنه‌ای ندارد چون اساسا «رهبری» جمهوری اسلامی را قبول ندارد.

بازداشت آخر فاطمه سپهری که به صدور حکم زندان علیه وی انجامیده، در نخستین روزهای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی به خانه‌اش انجام شد. فاطمه سپهری دی‌ماه ۱۴۰۱ با حکم شعبه ۱۴۲ دادگاه مشهد، به یک سال زندان و پرداخت ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم گشت. بر اساس این رأی اتهامات فاطمه سپهری «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی به واسطه فعالیت در فضای مجازی و مصاحبه با رسانه‌های فارسی زبان خارج ایران» بوده است.

در حکم صادره علیه فاطمه سپهری آمده بود که «تحقیقات اخیر از ایشان در دادرسی، نحوه اظهارات و دفاعیات وکیل وی در جلسه دادگاه، سوابق محکومیت وی و سایر محتویات پرونده که در مجموع برای دادگاه علم به ارتکاب بزه از سوی متهم حاصل و در نتیجه بزهکاری وی محرز تشخیص [داده شد] ... و نامبرده را به تحمل یک سال حبس و پرداخت دویست میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌نماید.» او در حالی همچنان در زندان است که اکنون در پرونده‌ای جدید در مجموع به هجده سال و شش ماه زندان محکوم شده است. محمدحسین سپهری، آموزگار اخراج شده و فعال سیاسی ساکن مشهد و از جمله امضاکنندگان بیانیه ۱۴ نفر است که در سال‌های گذشته چندین مرتبه بازداشت و به حبس محکوم شده بود.

محمدحسین سپهری، حسین سپهری و حمیده مهدوی معین دختر فاطمه سپهری، همراه گذشته در حالی که برای پیگیری وضعیت فاطمه سپهری به بیمارستان «قائم» مشهد مراجعه کرده بودند بازداشت شدند. دختر فاطمه سپهری و حسین سپهری پس از مدتی آزاد شدند اما محمدحسین سپهری همچنان در زندان است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام پرونده تعطیلی روز دوم هفته را بست

● رئیس اتاق بازرگانی تهران: در نهایت پیگیری‌ها نشان می‌دهد احتمالاً شورای نگهبان هم به استناد مصوبه مجمع تشخیص تعطیلی روز شنبه و پنجشنبه را منتفی خواهد کرد.

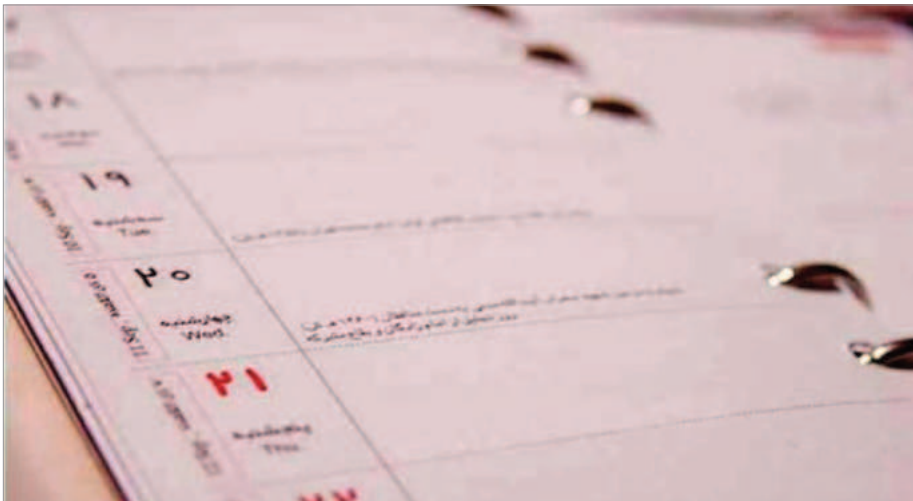
● رئیس اتاق بازرگانی تهران گفته «موضع اتاق بازرگانی مخالفت با تعطیلی روز پنجشنبه بود چون در صورت تحقق می‌توانست با کاهش دادن روزهای کاری مشترک با اغلب کشورها به سه روز در هفته، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد.»

نهادهای رأس حکومت در جمهوری اسلامی حتی در تصمیم‌گیری برای تعطیلی روز دوم هفته هم ناتوان هستند. رئیس اتاق بازرگانی تهران گفته پیگیری‌ها نشان می‌دهد احتمالاً شورای نگهبان به استناد مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تعطیلی شنبه موافقت نکند و تعطیلی روز پنجشنبه را هم منتفی خواهد کرد.

بیش از دو سال است موضوع تعطیلی روز دوم هفته مورد بحث مجلس شورای اسلامی است. با وجود تلاش فعالان اقتصادی برای تعطیل اعلام کردن روزهای شنبه به عنوان دومین روز هفته، و با وجود رأی اکثریت نمایندگان به این لایحه، مجمع تشخیص مصلحت نظام با آن مخالفت کرده است. علت این مخالفت به دیدگاه ایدئولوژیک مقامات باز می‌گردد که تعطیلی روز شنبه را به دلیل همزمانی با تعطیلات شب‌های یهودی‌ها «توطئه اسرائیل» ارزیابی می‌کنند! محمود نجفی عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران امروز سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۳ با بیان اینکه در مجمع تشخیص بحث تعطیلی شنبه به دلایلی بطور کلی منتفی شد، گفته است که «در نهایت پیگیری‌ها نشان می‌دهد احتمالاً شورای نگهبان هم به استناد مصوبه مجمع تشخیص تعطیلی روز شنبه و پنجشنبه را منتفی خواهد کرد.»

محمود نجفی عرب که در جلسه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران سخن می‌گفت تأکید کرده که موضع اتاق بازرگانی مخالفت با تعطیلی روز پنجشنبه بود چون در صورت تحقق می‌توانست با کاهش دادن روزهای کاری مشترک با اغلب کشورها به سه روز در هفته، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد.

او گفته هشتم خردادماه به عنوان نماینده بخش خصوصی در هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور یافته و در نهایت در این جلسه فارغ از نظر شورای نگهبان، بررسی لایحه دولت و مصوبه مجلس از دور خارج شد. رئیس اتاق بازرگانی توضیح داده که «در مجمع تشخیص بحث تعطیلی شنبه به دلایلی که جای گفتن ندارد، به طور کلی منتفی بود. در نهایت پیگیری‌ها نشان می‌دهد احتمالاً شورای نگهبان هم به استناد مصوبه مجمع تشخیص تعطیلی



تعطیلی‌شان شنبه و جمعه است. گمان کنم کشوری نیست که تعطیلی آن روز پنجشنبه باشد. فقط جیبوتی پنجشنبه‌ها را در بازه‌ای تعطیل کرد. تعطیلی در کشورهای مسلمان جمعه و شنبه ملاک تعطیلی است. تعطیل شدن پنجشنبه‌ها در ایران باعث می‌شود در جهان تنها شویم. پیشنهاد ما این است که کل طرح مسکوت ماند تا با گفتگوهای جدید، تعطیلی شنبه مطرح شود. وبسایت «اکو ایران» نیز با استناد به گزارش اتاق بازرگانی اصفهان نوشت فعال بودن کسب و کارها و ادارات در روز پنجشنبه و انتقال تعطیلی دومین روز آخر هفته به شنبه‌ها سود ۸ میلیارد دلاری به دنبال دارد.

بر اساس این گزارش داده‌های گمرک ایران نشان می‌دهد که عمده شرکای ایران در حوزه صادرات چین، عراق، ترکیه، امارات متحده عربی و هند هستند. مجموع خریدی که آنها در سال ۱۴۰۱ از ایران داشتند، بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۱۵۱ میلیون دلار گزارش شد. مجموع فروش کالا و خدمات آنها به ایران هم بالغ بر ۵۳ میلیارد و ۴۸۸ میلیون دلار برآورد شد. در کل حجم تجارت با این پنج کشور بالغ بر ۸۳ میلیارد و ۶۳۹ میلیون دلار بوده که ۷۴ درصد از حجم تجارت کشور را به خود اختصاص داده‌اند. طبق پژوهش اتاق بازرگانی اصفهان هیچکدام از این شرکا پنجشنبه‌ها تعطیل نیستند. زیان تجارت ایران از تعطیلی پنجشنبه به عنوان تعطیلی آخر هفته ۸۰۰،۳۱۰،۳۱۸،۰۰۰ دلار است که معادل ۱۰ درصد از حجم تجارت فعلی کشور با این ۵ شریک عمده تجاری است. با محاسبه این زیان برای سایر شرکای تجاری میزان زیان به صادرات کشور با تعطیلی پنجشنبه‌ها بیشتر خواهد بود. مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی تلاش کرد پرونده تعطیلی شنبه‌ها را بطور کلی ببندد که به تازگی شمار زیادی از فعالان اقتصادی کشور به ویژه اعضای اتاق‌های بازرگانی، اصناف و تعاون و همچنین تشکلهای اقتصادی بخش خصوصی از شورای نگهبان درخواست کرده بودند که مصوبه مجلس در مورد انتخاب شنبه به عنوان دومین روز تعطیل آخر هفته را تأیید کند.

بر اساس اعلام اتاق بازرگانی تهران، تا کنون بیش از ۵۰ تشکل فراگیر از تصمیم مجلس در مورد تصویب لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و انتخاب روز شنبه به عنوان روز دوم تعطیلات پایان هفته حمایت کرده بودند. اینهمه در حالیست که تصمیمات نادرست مقامات حکومتی مدت‌هاست نارضایتی بخش خصوصی فعال در اقتصاد را افزایش داده است. بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های یک‌شبه و ناگهانی، توزیع رانت بین «خودی»‌ها و همچنین نگاه ایدئولوژیک به مناسبت بین‌المللی و تجارت خارجی، در عمل بخش خصوصی در ایران را فلج کرده است.

روز شنبه و پنجشنبه را منتفی خواهد کرد.» او تأکید کرده که تعطیلی روز پنجشنبه سالانه بین ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار آسیب اقتصادی به همراه دارد.

در حالی که مدت‌ها طرح تعطیلی شنبه‌ها در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی بود نمایندگان مجلس در جلسه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ طی رسیدگی به جزئیات لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری معروف به «افزایش تعطیلی آخر هفته» با تصویب تبصره ۳ لایحه درباره تعطیلی رسمی روزهای شنبه موافقت کردند.

در تبصره ۳ لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری آمده که «تمامی دستگاه‌های اجرایی اعم از ستادی و استانی به استثنای واحدهای نظامی، انتظامی و امنیتی و بخش عملیاتی واحدهای خدمت‌رسانی از قبیل بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی، مراکز پژوهیستی، بانک‌ها و اماکن ورزشی موظفند ساعات کار خود را در پنج روز هفته از روز یکشنبه تا پنجشنبه تنظیم نمایند. فهرست کامل بخش عملیاتی واحدهای خدمات رسانی موضوع این تبصره ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط سازمان اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

تعطیلی روزهای شنبه در ماه‌های گذشته با حاشیه‌های زیادی همراه شده بود و بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی با تعطیلی روزهای شنبه به دلیل همزمانی با «شب‌های یهودیان به شدت مخالفت می‌کردند.

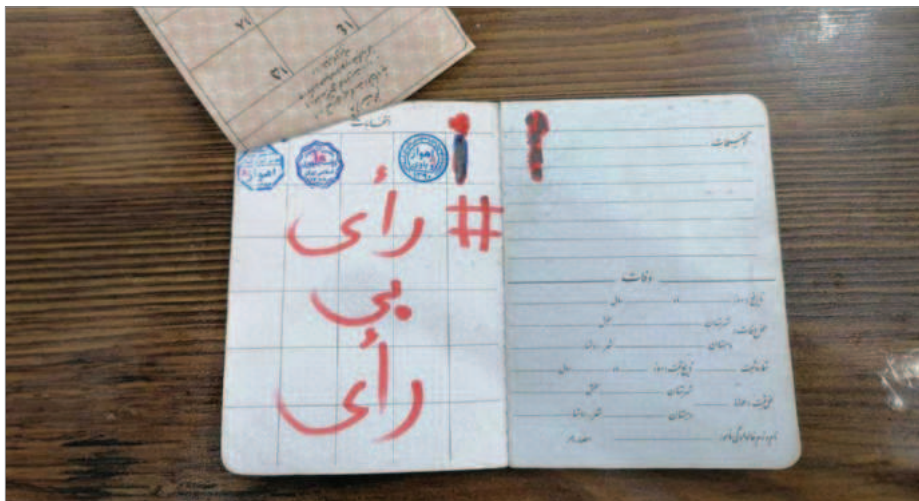
هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان روز شنبه ۱۲ خردادماه درباره لایحه تعطیلی روزهای شنبه گفته بود «مصوبه تعطیلی شنبه‌ها در نوبت بررسی است و به محض اتمام، اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

ساعاتی بعد اما خبر دیگری در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شد که «هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تعطیلی شنبه‌ها مخالفت کرد.»

احمد کیمیایی عضو اتاق بازرگانی تهران در واکنش به مخالفت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تعطیلی روزهای شنبه گفته بود «از روز اولی که بحث کاهش ساعت کار و تعطیلی مطرح شد، بخش خصوصی طی جلسات متعدد، روز شنبه را مطرح کرد. نامه‌هایی برای توجیه مسئولین هم نوشته شد. مجلس نیز متقاعد شد که تعطیلی شنبه به نفع فعالیت اقتصادی است. متأسفانه بعد از آن حمله‌هایی به افراد شد و قبل از اینکه شورای نگهبان آن را رد کند، در اقدامی نادر مجمع تشخیص آن را رد کرد. تعطیلی شنبه‌ها به نظر می‌رسد که دیگر منتفی باشد.»

این عضو اتاق بازرگانی افزوده بود: «کشورهای اروپایی شنبه و یکشنبه تعطیل بوده‌اند. کشورهای حاشیه خلیج فارس

خط و نشان‌های انتخاباتی قوه قضاییه علیه شهروندان، رسانه‌ها و حتی نامزدهای انتخابات نمایشی!



به ویژه از طریق طرح مسائل قومی و نژادی، انتشار هرگونه نتایج نظرسازی و نظرسنجی کاذب در خصوص انتخابات و نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری» مصداق محتوای مجرمانه تلقی می‌شود.

از دیگر مصادیق این دستورالعمل پنج صفحه‌ای، «انتشار هجو یا هجویه و یا هرگونه محتوای توهین‌آمیز یا تخریب در فضای مجازی علیه انتخابات» عنوان شده است!

همچنین «انتشار هرگونه محتوا در جهت هتک حرمت و حیثیت و نشر اکاذیب علیه نامزدهای انتخابات» از جمله مصادیق مجرمانه‌ای دانسته شده که رسیدگی به آن نیازمند شکایت شاکی خصوصی است.

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، در پی کشته شدن ابراهیم رئیسی در سقوط مشکوک هلی‌کوپتر، قرار است یک سال زودتر از موعد و در هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود.

شورای نگهبان بعد از ظهر یکشنبه بیستم خردادماه ۱۴۰۳ اسامی افراد تأیید صلاحیت شده برای حضور در چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. محمدباقر قالیباف، مصطفی پورمحمدی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و مسعود پزشکیان به عنوان نامزدهای انتخاباتی معرفی شدند.

تبلیغات انتخاباتی نامزدها با راه‌اندازی ستادهای انتخاباتی از امروز آغاز شده و تا هفتم تیرماه ادامه خواهد داشت.

انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری با رد صلاحیت گسترده داوطلبان که همگی از «خودی»‌های حکومت بودند روبرو شد؛ این رد صلاحیت‌ها در حالی صورت گرفته که این افراد در نهادهای دیگر رژیم و یا محافل سیاسی و مافیایی وابسته به نظام حضور دارند.

علی لاریجانی، وحید حقانیان، محمود احمدی‌نژاد، مهرداد بذریاش، صولت مرتضوی، اسحاق جهانگیری، عباس آخوندی، محمد شریعتمداری، محمد مهدی اسماعیلی و عبدالناصر همتی از همین فهرست هستند. آرای همتی در نمایش انتخابات ۱۴۰۰ که حتا از محسن رضایی و آرای باطله نیز کمتر بود، اصلاح‌طلبان را که از نامزدی وی حمایت می‌کردند، به «۳ درصدی» معروف کرد.

در میان ۸۰ نفر از چهره‌های «خودی» حکومت که برای حضور در انتخابات داوطلب شده بودند چهار زن هم حضور داشتند. زهره الهیان، رفعت بیات، هاجر چنارانی و حمیده زرآبادی که سه نفر نخست اصولگرا بودند و حمیده زرآبادی اصلاح‌طلب بود. زهره الهیان پیش از اعلام نتیجه بررسی صلاحیت‌ها انصراف داد و سه زن دیگر هم که ماندند، رد صلاحیت شدند.

تبلیغات انتخاباتی رعایت کامل موازین قانونی، امری بسیار مهم است؛ نامزدهای انتخاباتی و ستاد و هواداران آن‌ها در تمام شوؤن و اقدامات‌شان همواره قانون را مدنظر قرار دهند.» به نظر می‌رسد رئیس قوه قضاییه حتی به شش نامزدی که «مقبول» خامنه‌ای بوده و برای پیشبرد «سیرک انتخابات» تأیید صلاحیت شدند هم اعتماد ندارد و در تأکیدی چندباره گفته «در امر رعایت قانون در حوزه تبلیغات انتخاباتی، شایسته است که دستگاه‌های مسئول اعم از دادستانی‌ها، وزارت اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین صداوسیما، تذکرات و گوشزدهای لازم را به نامزدهای انتخاباتی و ستادها و هواداران آنها داشته باشند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای امروز در سخنان خود، همزمان با تهدید شهروندان و تذکر به نامزدهای انتخابات، رسانه‌ها را نیز تهدید کرده و گفته «رسانه‌ها و انسان‌رسانه‌ها و شهروند خبرنگاران و سایر اقسام و اضلاع مرتبط با رسانه، در ایام انتخابات نسبت به رعایت حدود و ثغور اخلاقی، توجه داشته باشند؛ قطعاً نقد و نقادی، امری بلاشکال و حتی مفید است اما توهین، تخریب، ضایع کردن رقیب، نشر اکاذیب، تشویش اذهان و خلاف واقع گویی، مجاز نیست.» از سوی دیگر دادستانی تهران از «اعلام جرم» علیه دو رسانه «حاشیه نیوز» و «بامدادنو» خبر داده است. دادستانی تهران همچنین گفته مدیران مسئول این دو رسانه «برای ارائه توضیحات و رسیدگی به پرونده» درباره مطالب منتشر شده درباره انتخابات احضار شدند.

قوه قضاییه اعلام کرده که «با شروع فضای انتخاباتی در کشور، انتشار برخی اخبار کذب در فضای مجازی و سایت‌های خبری بیشتر شده است. در همین رابطه طبق رصدهای صورت گرفته و به واسطه انتشار اخبار کذب در مورد انتخابات از سوی حاشیه نیوز و بامدادنو، دادستانی تهران علیه آنها اعلام جرم کرد.»

جمهوری اسلامی همه تلاش خود را به کار بسته تا این انتخابات زود هنگام با حاشیه کمتری برگزار شود و سریع‌تر مهره مورد نظر علی خامنه‌ای به تشکیل دولت چهاردهم اقدام کند. در این میان، هیئت نظارت بر مطبوعات با انتشار دستورالعملی برای رسانه‌ها خط و نشان کشیده و انتشار «هرگونه محتوا به منظور ترغیب و تشویق مردم به تحریم و یا کاهش مشارکت در انتخابات، تجمع اعتراض‌آمیز بدون مجوز، اعتصاب و تحصن» را مصداق «محتوای مجرمانه» خوانده است. در بخشی از این دستورالعمل آمده است که «هر اقدامی که به نحوی موجب اخلاق در امر انتخابات ریاست جمهوری شود... تشویش اذهان عمومی، سیاه‌نمایی و بیان مطالب خلاف واقع علیه کشور، ایجاد اختلافات مابین اقشار جامعه

● رئیس قوه قضاییه به نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اسلامی تأکید کرد که برای قانون احترام ویژه قائل باشند و عملی مرتکب نشود که سبب سوء استفاده و بهره‌برداری دشمن شود.

● دادستانی تهران از «اعلام جرم» علیه دو رسانه «حاشیه نیوز» و «بامدادنو» و احضار مدیران مسئول آنها به دلیل انتشار مطالبی در رابطه با نمایش انتخابات خبر داده است.

تحریم چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از سوی مردم و مضحکه کردن روند «سیرک انتخابات» از سوی افکار عمومی با واکنش قوه قضاییه روبرو شده است. جمهوری اسلامی در حالی که می‌داند نه مشروعیت و نه محبوبیت دارد، با زور و فشار امنیتی و قضایی تلاش دارد روند نمایش انتخابات را بدون حاشیه سپری کند و تصویری عادی از این روند به جهان نشان دهد!

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی امروز دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۳ در نشست شورای عالی قوه قضاییه تهدیدیهایی «انتخاباتی» را متوجه مردم کرده است. غلامحسین محسنی اژه‌ای گفت: «در فرآیند تبلیغات انتخاباتی، چنانچه پس از تذکرات و هشدارهای دستگاه‌های نظارتی، کسانی خلاف قانون و اخلاق عمل کنند و با تخریب، توهین، شایعه‌پراکنی و نشر اکاذیب، بخواهند فضا را ملتهب و اذهان را مشوش کنند قطعاً با برخورد قانونی دادستان‌ها و سایر دستگاه‌های ذیربط مواجه خواهند شد.»

رئیس قوه قضاییه همچنین به نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری تأکید کرد که برای قانون احترام ویژه قائل باشند و عملی مرتکب نشود که سبب سوء استفاده و بهره‌برداری دشمن شود. او گفت «کاندیداهای احراز صلاحیت شده که فرآیند و موسم تبلیغات انتخاباتی آنها طبعاً آغاز شده و یا آغاز می‌شود قطعاً توجه و عنایت دارند که باید اخلاق و قانون را در عرصه تبلیغات انتخاباتی، سرلوحه اقدامات خود قرار دهند؛ باید بر آنچه که سبب تقویت انسجام ملی می‌شود و مایه امیدواری برای آحاد جامعه بویژه جوانان است، تأکید و تکیه کرد و از هر آنچه که موجب افتراق و سیاه‌نمایی و خوشحالی و شُفع دشمن می‌شود، اجتناب و احتراز ورزید.» او در ادامه افزود: «انتظار آن است که نامزدهای انتخابات این موارد مهم را به ستادهای تبلیغاتی و هواداران خود گوشزد کنند؛ همچنین ضروری است کاندیدها و ستادهای آنان به هشدارها و تذکرات دستگاه‌های نظارتی نیز توجه ویژه داشته باشند تا خدای‌ناکرده برای خود و یا دیگران، دردسر و تصدیع و مزاحمتی ایجاد نکنند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین خواستار رعایت همه «شوئن و موازین» در ستادهای انتخاباتی شد و گفت: «در ایام

حمله حوثی‌ها به دو کشتی باری در خلیج عدن



تصویری که ادعا شد مربوط به اصابت موشک به کشتی در دریای سرخ است / ژوئن ۲۰۲۴

-حوثی‌های یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی، روز یکشنبه نهم ژوئن (۲۰ خرداد) یک کشتی تجاری با پرچم آنتیگوا باربادو را در جنوب شرقی خلیج عدن هدف قرار دادند. این کشتی پس از اصابت موشک دچار آتش‌سوزی شد.

-شرکت امنیت دریایی «آمری» گزارش داد که موشک به بخش جلوی کشتی اصابت کرد که باعث آتش‌سوزی شد اما خدمه کشتی آتش را مهار کردند.

-حوثی‌ها به یک کشتی دیگر نیز در خلیج عدن حمله کردند اما کشتی به مسیر خود ادامه داده است. با اینهمه برخی منابع گزارش دادند هر دو کشتی دچار آتش‌سوزی شده‌اند.

-شبه‌نظامیان حوثی اخیراً ۱۱ نفر از کارمندان محلی و بین‌المللی سازمان ملل را که در یمن فعال بودند بازداشت کردند. استفان دوچاریک سخنگوی دبیرکل سازمان ملل گفت این سازمان به دنبال آزادی امن و بدون قید و شرط همه گروگان‌هاست.

حوثی‌های یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی، روز یکشنبه نهم ژوئن (۲۰ خرداد) یک کشتی تجاری با پرچم آنتیگوا باربادو را در جنوب شرقی خلیج عدن هدف

آمریکا یک شبکه پولشویی مرتبط با حوثی‌ها، «سپاه قدس» و حزب‌الله را تحریم کرد



رژه نیروهای تازه استخدام شده حوثی در صعا، دسامبر ۲۰۲۳ / عکس: رویترز

منشاء محموله‌ها، جعل اسناد حمل و نقل و ارائه خدمات به کشتی‌های تحریم شده ادامه می‌دهند.» وی با اشاره به حملات آمریکا به پایگاه‌های شبه‌نظامیان حوثی در خاک یمن عنوان کرد که آمریکا علاوه بر حملات نظامی با اعمال تحریم‌ها نشان داد که متعهد است تا توانایی حوثی‌ها برای حمله به کشتی‌های تجاری را از بین ببرد.

یکی از تحریم‌شدگان یک فرد هندی به نام سندپ سینگ چوداری ناخدای کشتی «لا پرل» است. بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا این فرد با شرکت «سپهر انرژی جهان نما پارس» در ایران که آمریکا قبلاً آن را تحریم کرده بود همکاری دارد.

این افراد در حمل و نقل غیرقانونی نفت از جمله به نفع سعید الجمل با نام مستعار چینی «کایهونگ» فعالیت می‌کند، همکاری دارند. طبق اطلاعات وبسایت «مبارزه با افراط‌گرایی» شبکه سعید جمل شهروند یمنی در ایران مستقر است و با سوریه و امارات متحده عربی در ارتباط است. علاوه بر این، وزارت خزانه‌داری آمریکا برادرزاده سعید الجمل مستقر در یمن، با نام «عبدالله نجیب احمد الجمل» (عبدالله الجمل) را که عملیات پولشویی شبکه سعید الجمل را مدیریت می‌کند در فهرست تحریم‌ها قرار داده است. اینها در تسهیل عملیات پولشویی به ارزش چند میلیون دلار به نفع حوثی‌ها دخالت داشتند.

حوثی‌ها علاوه بر دریای سرخ و عرب و خلیج عمان، کشتی‌های تجاری در اقیانوس هند و دریای مدیترانه را نیز اخیراً مورد هدف قرار می‌داده‌اند. آنها ادعا می‌کنند کشتی‌هایی را هدف می‌گیرند که عازم اسرائیل هستند. با اینهمه تحریم‌های آمریکا علیه حوثی‌ها و تأمین‌کنندگان مالی آنها در عمل نتوانسته عامل توقف حملات آنها به کشتی‌های تجاری شود.

● وزارت خزانه‌داری آمریکا ۱۰ فرد، نهاد و کشتی‌هایی را که در «حمل و نقل غیرقانونی» نفت و سایر کالاها و پولشویی برای حوثی‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله نقش داشتند تحریم کرد.

● این وزارتخانه در یک بیانیه اعلام کرد، تحریم‌ها شامل افراد، نهادها و کشتی‌هایی می‌شود که کالا و نفت را به شبکه‌ای از همکاران و تأمین‌کنندگان مالی حوثی‌ها به نام «سعید الجمل» منتقل می‌کرده‌اند.

● یکی از تحریم‌شدگان یک فرد هندی به نام سندپ سینگ چوداری، ناخدای کشتی «لا پرل» است. بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، این فرد با شرکت «سپهر انرژی جهان نما پارس» در ایران که آمریکا قبلاً آن را تحریم کرده بود همکاری دارد.

● علاوه بر این، وزارت خزانه‌داری آمریکا برادرزاده سعید الجمل مستقر در یمن را به نام «عبدالله نجیب احمد الجمل» (عبدالله الجمل) که عملیات پولشویی شبکه سعید الجمل را مدیریت می‌کند در فهرست تحریم‌ها قرار داده است. اینها در تسهیل عملیات پولشویی به ارزش چند میلیون دلار به نفع حوثی‌ها دخالت داشتند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (OFAC)، روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خردادماه)، با صدور بیانیه‌ای ۱۰ فرد، نهاد و کشتی از جمله شرکت‌های مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ناخدای نفتکش‌هایی را که اقدام به حمل و نقل غیرقانونی نفت و سایر کالاها برای تأمین حوثی‌ها می‌کرده‌اند در فهرست تحریم‌ها قرار داد. براین ای. نلسون معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی، در ارتباط با این تحریم‌ها گفت، «حوثی‌ها با استفاده از یک شبکه پشتیبانی گسترده برای تسهیل فعالیت‌های غیرقانونی خود، از جمله مخفی کردن

سنتکام اصابت موشک حوثی‌ها به دو کشتی تجاری سوئسی و آلمانی را تأیید کرد



حوثی‌ها با موشک‌هایی که گفته می‌شود سپاه پاسداران در اختیار آنها قرار می‌دهد کشتی‌های تجاری را هدف می‌گیرند

(derney) متعلق به آلمان نیز حمله کردند. این کشتی که با پرچم آنتیگوآ و باربادوس حرکت می‌کرد نیز آسیب دیده اما به راه خود ادامه است.

طی روزهای اخیر چندین فروند موشک و پهپاد که حوثی‌ها به سمت کشتی‌ها پرتاب کردند توسط ناوهای ایالات متحده و بریتانیا رهگیری و خنثی شدند.

اگرچه حضور ناوهای آمریکایی و همچنین اعزام چند ناو از کشورهای اروپایی و بریتانیا در یک مقطع حدود دو ماه از شدت حملات حوثی‌ها کاست اما به نظر می‌رسد آنها با حمایت جمهوری اسلامی دور جدیدی از حملات خود را با موشک‌های قوی‌تر آغاز کرده‌اند.

خرپگزاری آسوشیتدپرس پنجشنبه ششم ژوئن (۱۷ خرداد) اعلام کرده بود شبه‌نظامیان حوثی یمن که تحت حمایت جمهوری اسلامی هستند، از موشک جدید «مافوق صوت» (هایپرسونیک) با سوخت جامد رونمایی کردند که شبیه موشکی است که قبلاً جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته بود. حوثی‌ها این موشک جدید که نام آن را «فلسطین» گذاشته‌اند، اخیراً به سمت بندر ایلات در اسرائیل شلیک کردند.

خرپگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران نهم خرداد گزارش داد که حوثی‌ها در عملیات خود از موشک‌های بالستیک «قدر» استفاده می‌کنند.

هیچکدام از مقامات سوئیس و آلمان تا زمان تنظیم این گزارش نسبت به دور جدید حملات حوثی‌ها موضع‌گیری نکرده‌اند. کشورهای اروپایی در روزهای اخیر سرگرم برگزاری انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا بودند و خود را برای تصمیمات این مرجع قانونگذاری با ترکیبی جدید که احزاب میانه و راست در آن دست بالا را دارند آماده می‌کنند.

● ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) روز دوشنبه دهم ژوئن (۲۱ خرداد) در بیانیه‌ای تأیید کرد، شبه‌نظامیان حوثی دو موشک بالستیک ضد کشتی را از مناطق تحت کنترل خود در یمن به سمت خلیج عدن پرتاب کردند.

● یکی از موشک‌ها به کشتی باربری «تاویشی» (Tav-vishi) متعلق به سوئیس اصابت کرده است. این کشتی که با پرچم لیبریا حرکت می‌کرد خسارت دیده اما به راه خود ادامه داده است. دومین موشکی که حوثی‌ها به سمت این کشتی پرتاب کردند توسط پدافند دریایی ناوهای آمریکا دفع شده است.

● حوثی‌ها با دو موشک به کشتی باری «نوردرنی» (Norderney) متعلق به آلمان نیز حمله کردند. این کشتی که با پرچم آنتیگوآ و باربادوس حرکت می‌کرد نیز آسیب دیده اما به راه خود ادامه است.

شورشیان حوثی مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر شدت حملات خود علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب افزوده‌اند.

ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) روز دوشنبه دهم ژوئن (۲۱ خرداد) در بیانیه‌ای تأیید کرد، شبه‌نظامیان حوثی دو موشک بالستیک ضد کشتی را از مناطق تحت کنترل خود در یمن به سمت خلیج عدن پرتاب کردند.

یکی از موشک‌ها به کشتی باربری «تاویشی» (Tavvishi) متعلق به سوئیس اصابت کرده است. این کشتی که با پرچم لیبریا حرکت می‌کرده با اینکه خسارت دیده اما به راه خود ادامه داده است. دومین موشکی که حوثی‌ها به سمت این کشتی پرتاب کردند توسط پدافند دریایی ناوهای آمریکا دفع شده است.

حوثی‌ها با دو موشک به کشتی باری «نوردرنی» (Nor-

قرار دادند. این کشتی پس از اصابت موشک دچار آتش‌سوزی شد.

شرکت امنیت دریایی «آمری» گزارش داد که موشک به بخش جلوی کشتی اصابت کرد که باعث آتش‌سوزی شد اما خدمه کشتی آتش را مهار کردند.

بر اساس این گزارش موشک دوم که به سمت کشتی شلیک شد به آن اصابت نکرد. ادعا شده است که در این حمله به کسی آسیب نرسیده است.

حوثی‌ها به یک کشتی دیگر نیز در خلیج عدن حمله کردند اما کشتی به مسیر خود ادامه داده است. با اینهمه برخی منابع گزارش دادند هر دو کشتی دچار آتش‌سوزی شده‌اند.

تجربه نشان می‌دهد حوثی‌ها در اعلام خسارات ناشی از حملات‌شان به کشتی‌ها اغراق می‌کنند و در مقابل شرکت‌های کشتیرانی نیز در مورد خساراتی که دیده‌اند پنهانکاری می‌کنند و ترجیح می‌دهند در مورد حملات و خسارات مربوطه سکوت کنند.

منابع حوثی‌ها نیز ادعا کردند دو کشتی را در دریای سرخ با تعدادی پهپاد، موشک بالستیک و موشک هدف قرار داده‌اند اما این ادعا تأیید یا رد نشده است.

به نظر می‌رسد که در دو هفته گذشته موج تازه‌ای از حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری آغاز شده است. همزمان گزارش شد که شبه‌نظامیان حوثی تسلیحات جدید از جمهوری اسلامی دریافت کردند.

خرپگزاری آسوشیتدپرس پنجشنبه ششم ژوئن (۱۷ خرداد) اعلام کرد شبه‌نظامیان حوثی یمن که تحت حمایت جمهوری اسلامی هستند، از موشک جدید «مافوق صوت» (هایپرسونیک) با سوخت جامد رونمایی کردند که شبیه موشکی است که قبلاً جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته بود. حوثی‌ها این موشک جدید که نام آن را «فلسطین» گذاشته‌اند، اخیراً به سمت بندر ایلات در اسرائیل شلیک کردند.

خرپگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران نهم خرداد گزارش داد که حوثی‌ها در عملیات خود از موشک‌های بالستیک «قدر» استفاده می‌کنند.

طبق گزارش فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) حوثی‌ها حمله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و خلیج عدن را افزایش داده‌اند.

عبدالمکک حوثی رهبر حوثی‌های یمن تهدید کرده حملات مشترک با نیروهای «مقاومت اسلامی عراق» علیه اسرائیل تشدید خواهد شد. آنها پیش از این مدعی شدند در دو عملیات مشترک با شبه‌نظامیان عراقی چند کشتی در بندر حيفا را هدف قرار دادند هرچند اسرائیل این ادعا را رد کرده است.

با پیشروی ارتش اسرائیل در رفح و افزایش تلفات گروه حماس، شدت حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری بیشتر شده است. آنها خود را مدافع فلسطین در مقابل اسرائیل می‌دانند.

حوثی‌ها اخیراً ۱۱ نفر از کارمندان محلی و بین‌المللی سازمان ملل را که در یمن فعال بودند بازداشت کردند. استفان دوچاریک سخنگوی دبیرکل سازمان ملل گفت این سازمان به دنبال آزادی امن و بدون قید و شرط همه گروهان‌هاست.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» دی‌ماه ۲۰۲۲ به نقل از منابع امنیتی گزارش داده بود حدود ۲۰۰ مزدور که بخش‌هایی از یمن را کنترل می‌کنند، دوره آموزشی خود را در دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر ساحلی زیباکنار در استان گیلان طی کرده‌اند.

واکنش فرافکنانه سخنگوی قوه قضاییه به «تملک اراضی کشور» توسط مهاجران افغانستانی



باشد، شناسایی کردند، می‌توانند گزارش کنند تا حسب مورد سازمان بازرسی، سازمان ثبت و وزارت اقتصاد، موضوع را دنبال کنند!

او افزوده که «اگر اقدام مجرمانه صورت گرفته باشد یا فعالیت صوری و مجرمانه‌ای رخ داده باشد، برابر قانون با آن‌ها برخورد خواهد شد؛ همچنین اگر قانون اشکالی داشته باشد با گزارش‌هایی که مراجع مربوطه خواهند داد نسبت به اصلاح قانون اقدام خواهد شد.»

اینهمه در حالیست که هفته گذشته حسن عبدلیان پور رئیس مرکز وکلای قوه قضاییه با اشاره به وجود یک «رخنه قانونی» که منجر به فراهم شدن امکان خرید ملک توسط اتباع خارجی در ایران می‌شود، نسبت به این موضوع هشدار داده بود.

رئیس مرکز وکلای قوه قضاییه توضیح داده بود که بر اساس محدودیت موجود مبنی بر منع امکان تملک اراضی غیرمنقول برای اتباع خارجی، اتباع افغانستانی و دیگر اتباع خارجی اجازه و مجوز خرید ملک را ندارند.

موضوع تنها خرید ملک توسط اتباع خارجی نیست بلکه حتی ساختاری برای رصد فعالیت صورت گرفته در ملک خریداری شده توسط اتباع خارجی نیز وجود ندارد. حسن عبدلیان پور در اینباره توضیح داده که «ما یک دیتاستر و یک پایگاه جامعی را با نهادهای مرتبط مانند پلیس اماکن، دادستانی اقتصادی، پلیس مرتبط با بحث گذرنامه و اتباع، اداره ثبت شرکت‌ها و بحث مربوط به شهرداری نداریم که رصد کنیم و ببینیم اگر شرکتی، محلی را به عنوان محل فعالیت تأمین کرد و به واسطه شرکت امکان تملک آن ملک را به دست آورد، آیا واقعاً آن ملک فعالیت تجاری موضوع شرکت در آن انجام می‌شود یا خیر؟!»

او بر ضرورت «نظارت پسینی» بر ثبت شرکت‌هایی

تملک اراضی کشور توسط خارجی‌ها با ثبت شرکت‌های صوری گفت: «چند نکته را باید در نظر بگیریم؛ اولین نکته این است که یک اصل اولیه با عنوان اصل منع امکان تملک خارجی‌ها در ایران به موجب قانون سال ۱۳۱۰ است؛ در کنار این اصل، قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را داریم که در سال ۸۱ تصویب و پیش‌بینی شد که اگر کسانی می‌خواهند در ایران سرمایه‌گذاری کنند و خارجی باشند چگونه می‌شود وسائل تسهیل این سرمایه‌گذاری را فراهم کرد.»

سخنگوی قوه قضاییه افزوده «طبق قانون هر کسی که در ایران اعم از تبعه ایرانی و خارجی اگر شرکتی را در ایران ثبت کند این شرکت ایرانی محسوب می‌شود» و گفته «یعنی درست است که سهام‌دار ممکن از خارجی باشد، اما شرکت ایرانی است به محض اینکه این شرکت بخواهد منحل شود، دارایی‌ها متعلق به ایران است و قابل انتقال به غیر ایرانی نیست.»

سخنگوی قوه قضاییه در واکنش به ثبت پرشمار شرکت‌های صوری نیز گفته «اینکه کسانی شرکت‌های صوری ثبت می‌کنند اعم از اینکه ایرانی و خارجی باشند، اخلاص در نظام اقتصادی ایجاد می‌کنند، در این خصوص باید مراجع مربوطه مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در زمان ثبت این شرکت‌ها دقت لازم را به عمل آورد، سایر دستگاه‌های دولتی مانند وزارت اقتصاد نیز باید از نظر امور مالیاتی این شرکت‌ها را دنبال کنند و سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یک وظیفه نظارتی باید دخالت و نظارت‌های لازم را انجام دهد.»

سخنگوی قوه قضاییه با فرافکنی نسبت به مسئولیت دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و قوه قضاییه، گفته «اگر کسانی تخلفاتی اعم از اینکه شرکت داخلی یا خارجی

● سخنگوی قوه قضاییه با فرافکنی نسبت به مسئولیت دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و قوه قضاییه، گفته اگر کسانی تخلفاتی اعم از اینکه شرکت داخلی یا خارجی باشد، شناسایی کردند، می‌توانند گزارش کنند تا حسب مورد سازمان بازرسی، سازمان ثبت و وزارت اقتصاد، موضوع را دنبال کنند!

● رئیس مرکز وکلای قوه قضاییه با اشاره به وجود یک «رخنه قانونی» که منجر به فراهم شدن امکان خرید ملک توسط اتباع خارجی در ایران می‌شود، نسبت به این موضوع هشدار داده بود.

● سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز سه روز پیش اعلام کرد که ۵۰ درصد شرکت‌های خارجی ثبت شده در ایران متعلق به اتباع افغان هستند که با هدف خرید و تملک ملک ثبت شده‌اند.

پس از انتشار گزارش‌هایی از دور زدن قانون توسط مهاجران افغانستانی برای خرید املاک با ثبت شرکت، سخنگوی قوه قضاییه نسبت به آن واکنش نشان داد.

در هفته‌های گذشته گزارش‌های زیادی از ثبت شرکت توسط مهاجران افغانستانی در ایران و دور زدن قانون از این طریق برای خرید املاک منتشر شده است.

در حالی که گزارش‌های حاکی از آنست که بیشتر این شرکت‌ها به صورت صوری ثبت شده و در عمل فعالیت اقتصادی ندارند، سخنگوی قوه قضاییه معتقد است به هر حال این شرکت‌ها حتی اگر صاحبان غیرایرانی داشته باشند، ایرانی به شمار می‌روند. او همچنین گفته اگر کسی تخلفی می‌بیند گزارش کند!

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه امروز سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۳ در کنفرانس خبری و در پاسخ به پرسشی درباره



ماموستا محمد خضرزاد

حکم «اعدام» ماموستا خضرزاد شکست اعتراف قوه قضاییه به نقش مؤثر رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور

افساد فی الارض، اقدام علیه امنیت ملی از طریق لطمه وارد کردن به تمامیت یا استقلال کشور و تبلیغ علیه نظام، به اعدام و شانزده سال حبس محکوم شده بود؛ اتهاماتی که خود این روحانی همواره در جریان جلسات دادرسی به اتهاماتش بر بی‌اساس بودن آنها تأکید داشته است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده بود که استاد قاضی نجف‌زاده به اعتراضات اجباری اخذ شده از متهم در دوران بازجویی مبنی بر مواردی همچون «لیدری اعتراضات بوکان و ارتباط داشتن با گروه‌های مخالف نظام» نقش قابل توجهی در محکومیت این روحانی معترض به اعدام را در پی داشته است. وبسایت «هه‌نگاو» هم نوشته بود که دادگاه ماموستا محمد خضرزاد به صورت ویدیوکنفرانس برگزار شد و این فعال مذهبی از حق دسترسی به وکیل محروم بوده و به گفته منابع نزدیک به خانواده وی، حکم مربوطه تنها بر اساس گزارش وزارت اطلاعات صادر شده و قاضی حتی حاضر به شنیدن دفاعیات وی نشده است.

همچنین گزارش شده که ماموستا خضرزاد، بیش از یک سال و ۶ ماه است که با محرومیت از تمامی حقوق ابتدایی در زندان مرکزی ارومیه و بدون رعایت اصل تفکیک جرائم نگهداری می‌شود. نام ماموستا محمد خضرزاد در نامه اخیر سازمان عفو بین‌الملل به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه به عنوان یکی از ۱۵ شهروندی که در رابطه با اعتراضات سراسری بازداشت و زیر حکم اعدام قرار دارند منتشر شده بود. در این نامه آمده بود که بازجویا با هدف اعتراف‌گیری اجباری این شهروندان بازداشت‌شده را تحت شکنجه‌هایی چون ضرب و شتم، شوک الکتریکی و خشونت جنسی قرار داده‌اند. این سازمان حقوق بشری نحوه رسیدگی به پرونده این متهمان را به دور از استانداردهای جهانی، غیرعادلانه و تحت شکنجه دانسته و تأکید کرده بود که دادگاه آنها فرمایشی بوده است.

فاضل بهرامیان، مهران بهرامیان، محمود مهرابی، محمد خضرزاد، منوچهر مهمان‌نواز، مجاهد کورکور، رضا رسایی و توماج صالحی هشت تن از شهروندان در معرض اعدام هستند که در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بازداشت شدند و نام آنها در نامه عفو بین‌الملل آمده بود.

سازمان عفو بین‌الملل در این نامه افزوده بود که اتهامات واهی این شهروندان «بغی»، «سب النبی»، «فساد فی الارض» و یا «محاربه» بوده است.

سازمان عفو بین‌الملل همچنین اعلام کرده بود برخی دیگر از بازداشت‌شدگان نیز در خطر «صدور» حکم اعدام قرار دارند. در ادامه سازمان عفو بین‌الملل با ابراز نگرانی درباره وضعیت سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجیلو تصریح کرده‌است که اتهامات وارده بر این دو معترض می‌تواند اعدام آنها را در پی داشته باشد.

عفو بین‌الملل همچنین از خطر صدور حکم اعدام برای دست‌کم پنج زندانی بازداشت‌شده در جریان اعتراضات سراسری جنبش ملی در سال ۱۴۰۱ خبر داده بود.

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرده محمد خضرزاد «با اتهام افساد فی الارض به اعدام محکوم شده بود که اخیراً با تخفیف مجازات از اعدام رهایی یافته و به حبس محکوم شده است.»

● هفته گذشته منابع حقوق بشری گزارش دادند که شعبه چهل و یک دیوان عالی کشور به ریاست قاضی علی رازینی حکم اعدام و ۱۶ سال حبس محمد خضرزاد روحانی اهل سنت را تأیید کرد.

● این روحانی ۴۵ ساله در مراسم یادبود اسعد رحیمی از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ به رفتار خشونت‌آمیز جمهوری اسلامی با معترضان و سرکوب آنها انتقاد کرد و چند روز بعد بازداشت شد.

خبرگزاری قوه قضاییه از شکسته شدن حکم «اعدام» ماموستا محمد خضرزاد به «حبس» خبر داده است. این رسانه در گزارشی به نقش اطلاع‌رسانی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور درباره این پرونده اعتراف کرده است. خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرده محمد خضرزاد «با اتهام افساد فی الارض به اعدام محکوم شده بود که اخیراً با تخفیف مجازات از اعدام رهایی یافته و به حبس محکوم شده است.»

این خبرگزاری در ادامه به نقش مؤثر رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور در اطلاع‌رسانی درباره محمد خضرزاد پرداخته و نوشته «ماموستا خضرزاد، یکی از سوزنده‌های اصلی رسانه‌های ضد انقلاب به ویژه اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی در ماه‌های اخیر بوده است. این رسانه‌ها با تکیه بر انتشار شایعات و طرح ادعاهای خلاف واقع تمام تلاش خود را برای جهت‌دار کردن پرونده قضایی این فرد به کار بسته‌اند.» خبرگزاری «میزان» همچنین مدعی شده که ماموستا محمد خضرزاد «با ابراز ندامت و پشیمانی و تعهد بر حسن رفتار، با درخواست عفو تخفیف مجازات حکم و همچنین متعاقب پیگیری تعدادی از علمای اهل سنت، مشمول عفو شده و با تخفیف مجازات حکم به حبس تبدیل شده است.» هفته گذشته منابع حقوق بشری گزارش دادند که شعبه چهل و یک دیوان عالی کشور به ریاست قاضی علی رازینی حکم اعدام و ۱۶ سال حبس محمد خضرزاد روحانی اهل سنت را تأیید کرد.

این روحانی ۴۵ ساله در مراسم یادبود اسعد رحیمی از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که در مسجد افتخاری بوکان برگزار شد، نسبت به رفتار خشونت‌آمیز جمهوری اسلامی با معترضان و سرکوب آنها انتقاد کرده بود. او چند روز بعد در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ به همراه فرزندش و با خشونت زیاد بازداشت و به زندان ارومیه منتقل شد.

فرزند او پس از چند روز آزاد شد اما این روحانی اهل سنت به مدت ۱۰۰ روز در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه تحت شکنجه، ناچار به اعترافات اجباری علیه خود شد.

محمد خضرزاد مدتی بعد توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی رضا نجف‌زاده با اتهامات

که توسط اتباع خارجی تأسیس می‌شود تأکید کرده و گفته «متأسفانه در حاشیه شهرها، پلاک‌های زیادی را داریم که این پلاک‌ها توسط اتباع تملک شده و غالباً هیچ استفاده تجاری ندارد و مفهومی از سرمایه‌گذاری خارجی در آن نیست و هیچگونه مطابقتی با موضوع فعالیت شرکت‌های ثبت شده توسط افراد را دارا نیست.»

صفدر کشاورز سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز سه روز پیش اعلام کرد که ۵۰ درصد شرکت‌های خارجی ثبت‌شده در ایران متعلق به اتباع افغان هستند که با هدف خرید و تملک ملک ثبت شده‌اند.

سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفته «سال ۱۴۰۰ تاکنون ۶ هزار و ۴۰۹ شرکت خارجی تأسیس شده که در زمان حاضر ۵ هزار و ۹۸۷ شرکت فعال هستند همچنین از زمان تصویب قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ در مجموع ۸ هزار و ۲۴۱ شرکت خارجی در کشور به ثبت رسیده است.»

صفدر کشاورز تأکید کرده که «برابر آمار، ۵۰ درصد شرکت‌های به‌ثبت‌رسیده برای اتباع کشور افغانستان، ۲۵ درصد برای اتباع عراق و ۲۵ درصد باقیمانده متعلق به اتباع کویت، پاکستان، چین، عربستان، بحرین، هند و ترکیه است.»

این توضیحات در حالی ارائه شده که گزارش‌های دیگری از خرید املاک توسط اتباع عراقی در ایران، به ویژه در استان خوزستان، استان‌های شمالی و خراسان «رضوی» منتشر شده است.

روزنامه «آرمان ملی» نیز روز گذشته در گزارشی در اینباره نوشته «امروزه با رؤسای اتحادیه‌ها صنوف مختلف اگر صحبت کنید به شما خواهند گفت که یکی از معضلات اصلی آن‌ها حضور بی‌رویه و غیر قانونی اتباع افغان و دخالت‌های آن‌ها در مشاغل واحدهای صنفی است از پلاستیک سازی بگیرد تا باربری و... افرادی که نه مالیاتی پرداخت می‌کنند و نه هیچ هزینه دیگری و بی‌دردسر به درآمدزایی مشغول می‌شوند و به همین دلیل همسرو همسران و یا فرزندان خود را هم به ایران آورده یا حتی در ایران ازدواج کرده و فرزندان بسیاری را به دنیا می‌آورند.»

در بخشی از این گزارش آمده که «بیکاری جوانان ایرانی و حتی نان‌آوران خانوار در کنار اشتغال روزافزون اتباع بیگانه که اکثراً از افغانستان به ایران وارد شده‌اند و در سه سال اخیر، حضورشان روزافزون و کاملاً ملموس و قابل مشاهده بوده، مساله مهم دیگریست که توجه همگان را به خود جلب کرده؛ مشاغلی که این اتباع به خود اختصاص داده‌اند از کارکردن زنان و مردان افغان در شرکت‌ها و اماکن رسمی و دولتی را شامل می‌شود تا شرکت‌ها و ادارات و اماکن خصوصی.»

مشکلات مختلفی که حضور بی‌رویه و سازمان نیافته اتباع افغانستانی در کشور ایجاد کرده و هشدارهای کارشناسان نسبت به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و امنیتی حضور بدون چارچوب میلیون‌های افغانستانی سبب استفاده تبلیغاتی نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نسبت به این مسئله شده است.

محمدباقر قالیباف در اینباره گفته «چاره‌جویی قاطعانه برای حل مسئله چندبعدی اتباع بیگانه غیرمجاز از دغدغه‌های مهم مردم است.»

او افزوده که «بی‌عملی در این خصوص به ابعاد امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آن دامن می‌زند. بر این موضوع اشراف کامل داشته و داریم و در دولت بعد نگرانی‌های مردم را رفع خواهیم کرد.»

گزارش اختصاصی از لندن؛ نوید باوی در اتاق خصوصی و تحت مراقبت بستری است؛ یک حقوقدان: پلیس قضیه را جدی می‌گیرد



حامیان حکومت با پرچم جمهوری اسلامی در محل برگزاری مراسم تجلیل از سیدابراهیم رئیسی که در حادثه مشکوک سقوط هلی کوپتر ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ کشته شد / لندن

● طبق اعلام پلیس عصر روز جمعه ۲۴ ماه مه (چهارم خرداد)، گزارش‌هایی مبنی بر بی‌نظمی در منطقه آپرتون لین در ناحیه ومبلی شهر لندن دریافت شد. بر اساس ویدیوهایی که از این رویداد منتشر شده، تعدادی از حامیان جمهوری اسلامی با خشونت به تجمع مخالفان حمله‌ور شدند و شماری از معترضان را زخمی کردند.

● یکی از افرادی که در این حمله به شدت صدمه دید نوید باوی فعال سیاسی است که از سوی عوامل جمهوری اسلامی در مقابل مجتمع محل برگزاری مراسم رئیسی به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفت و به دلیل شدت صدمات در بیمارستان بستری شد.

● نوید باوی همچنان در بیمارستان بسر می‌برد و مجبور است برای حرکت از ویلچر استفاده کند. او به کیهان لندن گفت که صدمات نخاعی باعث عارضه شدید در زانوی سمت چپ وی شده و در حال فیزیوتراپی است و تمرین‌های روزانه انجام می‌دهد تا بتواند راه برود.

● احد قنبری حقوقدان ساکن لندن درباره این موضوع به کیهان لندن می‌گوید: «پیگیری پرونده از سوی پلیس با تأخیر آغاز شد، تقریباً چندین روز آنها به این پرونده توجهی نکردند، که فکر می‌کنم به دلیل سوء تفاهم بود. آنها گمان کردند نوید جراحات جزئی داشته و از بیمارستان مرخص شده که اینطور نبود.»

● تهدید نوید باوی به مصدوم کردن وی ختم نشد بلکه او در بیمارستان نیز توسط مسلمانان افراطی تهدید شد. یک ملاقاتی هم‌اتاقی مسلمانش پرده را کنار کشید و پرسید: یهودی هستی؟!

● وی دقیقاً به خاطر می‌آورد اولین بار که در حاشیه اعتراضات حامیان «آرمان فلسطین» به وی حمله کردند، دو نفر از مهاجمان که ایرانی بودند به یکدیگر گفتند، «این اسرائیلیه، بکشیدش!»

● نوید باوی با انتقاد از انتشار اخبار غیرواقعی و همچنین کارزارهای مشکوک می‌افزاید، «کسانی که روز اول در مورد من مصاحبه کردند اصلاً مرا از نزدیک ندیده‌اند و ادعا کردند من مرخص شدم اما در بیمارستان بودم! افرادی هم به اسم من در حال جمع کردن امضاء هستند اما بدون اجازه اسم مرا نوشته‌اند و من حتا خبر هم ندارم. بعضی به این بهانه در حال جمع کردن کمک هستند که این را هم رد می‌کنم و اصلاً خبر ندارم و نیاز به چنین کمک‌هایی ندارم.»

در حمله فیزیکی طرفداران جمهوری اسلامی به مخالفان حکومت در حاشیه مراسم تجلیل از سیدابراهیم رئیسی که در شهر لندن برگزار شد تعدادی از ایرانیان مورد ضرب و جرح قرار گرفته و به شدت زخمی شدند.

طبق اعلام پلیس عصر روز جمعه ۲۴ ماه مه (چهارم خرداد)، گزارش‌هایی مبنی بر بی‌نظمی در منطقه آپرتون لین در ناحیه ومبلی شهر لندن دریافت شد. بر اساس ویدیوهایی که از این رویداد منتشر شده، تعدادی از حامیان جمهوری اسلامی، با خشونت به تجمع مخالفان حمله‌ور شده و شماری از معترضان را زخمی کردند.

ایرانیان مخالف حکومت اما افسران پلیس لندن را متهم می‌کنند که در جمع‌آوری مدارک و شواهد کوتاهی کرده‌اند. آنها همچنین گفتند، پلیس متروپولیت پس از حمله ارادل و

نیست و مصدومیتی جدید است.»
احد قنبری توضیح داد: «این پرونده برای بررسی بیشتر به یک واحد پلیس به نام واحد حفاظت پلیس ومبلی ارجاع داده شده است.» مدارک تصویری که در اختیار آنها گذاشته شده نشان می‌دهد که که یک گروه ۳ نفری به نوید حمله کردند.

به نظر می‌رسد رهبر کسانی که به ایرانیان مخالف حمله‌ور شدند، همان فردی است که از سایرین مسن‌تر بوده و بقیه محافظ یا نوجوه‌های او بودند که با معترضان درگیر شدند. وقتی این گروه به سوی نوید باوی و سایرین حمله‌ور می‌شوند، رهبر آنها دمپایی به پا داشته که آن را در می‌آورد و با یک جهش با سرش به پیشانی نوید می‌کوبد که چشم و پیشانی وی آسیب می‌بیند. بعد بقیه آنها شروع به زدن مشت و لگد به نوید می‌کنند.

نوید باوی همچنان در بیمارستان بستری است و مجبور است برای حرکت از ویلچر استفاده کند. او به کیهان لندن گفت که صدمات نخاعی باعث عارضه شدید در زانوی سمت چپ وی شده و در حال فیزیوتراپی است و تمرین‌های روزانه انجام می‌دهد تا بتواند راه برود.

احد قنبری درباره حمله‌کنندگان به این مخالف رژیم توضیح داد که شواهد تصویری نشان می‌دهد که هر دو پای رهبر گروه در هواست: «پای راست به سمت راست برگشته و پای چپ او کاملاً از زمین جدا شده است. بنابراین ما معتقدیم که او آموزش نظامی یا نوعی آموزش دیده که در این سن می‌تواند به این شکل بپرد و به سر نوید ضربه بزند. بنابراین وی فقط یک پیرمرد عصبانی نیست بلکه به نظر می‌رسد آموزش دیده است.»

تهدید در بیمارستان

تهدید نوید باوی به مصدوم کردن او ختم نشد بلکه در بیمارستان نیز توسط مسلمانان افراطی تهدید شد. روز چهارشنبه پنجم ژوئن وقتی نوید باوی به اتاق چهار تخته منتقل شد، یکی از بیماران بستری در آن اتاق ←

اوباش جمهوری اسلامی آنها را رها کرد.
یکی از افرادی که در این حمله به شدت صدمه دید نوید باوی فعال سیاسی است که از سوی عوامل جمهوری اسلامی در مقابل محل تجلیل از ابراهیم رئیسی به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفت و به دلیل شدت صدمات در بیمارستان بستری شد.

احد قنبری حقوقدان ساکن لندن درباره این موضوع به کیهان لندن می‌گوید: «پیگیری پرونده از سوی پلیس با تأخیر آغاز شد، تقریباً چندین روز آنها به این پرونده توجهی نکردند، که فکر می‌کنم به دلیل سوء تفاهم بود. آنها گمان کردند نوید جراحات جزئی داشته و از بیمارستان مرخص شده؛ که اینطور نبود.»



یکی از زنانی که عوامل جمهوری اسلامی به وی حمله کردند

وی افزود: «فردی که بیشترین آسیب را پس از حمله ارادل و اوباش جمهوری اسلامی در مراسم تجلیل سیدابراهیم رئیسی در لندن دید، نوید است که ستون فقراتش دچار ترک شده که بررسی پزشکان نشان داد یک آسیب قدیمی



نوید باوی که در تظاهرات اعتراضی لندن به شدت از سوی هواداران جمهوری اسلامی مورد ضرب و جرح قرار گرفت و در بیمارستان بستری شد / ۲۴ مه ۲۰۲۴

«تایمز»: فعالان سیاسی ایرانی می‌گویند پلیس متروپولیتن در پیگرد ارادل و اوباش جمهوری اسلامی کوتاهی کرده است

● روزنامه «تایمز» لندن در گزارشی که پنجشنبه ۶ ژوئن ۲۰۲۴ منتشر کرده نوشته است که دگراندیشان ایرانی ادعا می‌کنند که پلیس متروپولیتن پس از حمله ارادل و اوباش جمهوری اسلامی آنها را رها کرده است. شماری از ایرانیان که در مراسم تجلیل سیدابراهیم رئیسی توسط وابستگان جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفتند، می‌گویند که افسران پلیس در جمع‌آوری مدارک و شواهد کوتاهی کرده‌اند.

● یکی از این مخالفان به اندازه‌ای شدید مورد ضرب و جرح قرار گرفت که ممکن است دیگر نتواند راه برود. در همین ارتباط پلیس متروپولیتن متهم شده است که اظهارات شاهدان عینی را نشنیده و مدارک ویدئویی این حادثه را جمع‌آوری نکرده و مورد توجه قرار نداده است.

● پلیس متروپولیتن اما اکنون اعلام کرده است که تحقیقات درباره این حمله توسط «افسران عملیات ویژه» پشتیبانی خواهد شد.

روزنامه «تایمز» لندن در گزارشی که پنجشنبه ۶ ژوئن ۲۰۲۴ منتشر کرده نوشته است که دگراندیشان ایرانی ادعا می‌کنند که پلیس متروپولیتن پس از حمله ارادل و اوباش جمهوری اسلامی آنها را رها کرده است. شماری از ایرانیان که در مراسم تجلیل سیدابراهیم رئیسی توسط وابستگان جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفتند، می‌گویند که افسران پلیس در جمع‌آوری مدارک و شواهد کوتاهی کرده‌اند.

گروهی از مخالفان رژیم ایران که بطور وحشیانه از سوی افراد اوباشی که مظنون به ارتباط با جمهوری اسلامی هستند مورد حمله قرار گرفتند می‌گویند پلیس کار تحقیقات را به درستی انجام نمی‌دهد. یکی از این مخالفان به اندازه‌ای شدید مورد ضرب و جرح قرار گرفت که ممکن است دیگر نتواند راه برود. در همین ارتباط پلیس متروپولیتن متهم شده است که اظهارات شاهدان عینی را نشنیده و مدارک ویدئویی این حادثه را جمع‌آوری نکرده و مورد توجه قرار نداده است.

این هفت فعال سیاسی در ماه مه قصد داشتند در شمال لندن، در جایی که هواداران جمهوری اسلامی مراسم تجلیل برای رئیس‌جمهوری اسلامی که در سقوط هلی‌کوپتر کشته شد راه انداخته بودند، دست به اعتراض مسالمت‌آمیز بزنند. این گروه بیرون از محل مراسم که در ومبلی برگزار می‌شد مورد حمله قرار گرفتند. نوید باوی، ۳۲ ساله، همچنان در بیمارستان بستری است. معترضان ادعا کرده‌اند که پلیس متروپولیتن از شاهدان اصلی بازجویی نکرده و پرونده را به بازپرسان متخصص منتقل نکرده است.

پلیس متروپولیتن اما اکنون اعلام کرده است که تحقیقات

مسلمانی بود که ملاقاتی‌هایش با صدای بلند شروع به تلاوت قرآن کردند. این کار آنها با اعتراض نوید روبرو شد. خود او در شرح این ماجرا به کیهان لندن می‌گوید: «به نظر آنها یکی که در بیمارستان تهدیدم کردند افراط‌گرایانی بودند که در اینترنت یا روزنامه‌ها عکس‌ها را دیده بودند؛ یکی از آنها پرده را کشید و شروع به توهین کرد. اول فکر می‌کرد من و دوستانم یهودی هستیم. یکی از آنها با زیر پا گذاشتن حریم خصوصی بیمار، پرده میان تخت‌ها را کنار کشید و از من پرسید: یهودی هستی؟!»

نوید باوی دقیقاً به خاطر می‌آورد اولین بار که در حاشیه اعتراضات حامیان «آرمان فلسطین» که به وی حمله کردند، دو نفر از مهاجمان که ایرانی بودند به یکدیگر گفتند، «این اسرائیلیه، بکشیدش!»

پس از مشاجره میان نوید و ملاقاتی هم‌اتاقی نوید در بیمارستان، او خشمگین با کمک دوستانش از اتاق خارج شد اما همان فرد بیرون آمد و دوباره ضمن توهین و تهدید دست به کیفی برد که به کمر بسته بود. نوید با گفتن اینکه «هیچ بعید نیست داخل آن کیف سلاح یا چاقو داشت» ادامه می‌دهد: «به پرستار اطلاع دادیم اما کاری نکردند. به خاطر همین مجبور شدم با دوستان اتاق را ترک کنم. به مسئولان بیمارستان هم گزارش دادیم؛ هرچند موضوع را شوخی گرفتند. ما بیرون اتاق ماندیم و صبر کردیم تا آنها از بیمارستان بروند. ولی همان فرد پایین آمد و دست کرد در کیفی که به کمرش بسته بود. فیلم گرفتیم و به پلیس گزارش دادیم؛ پرونده الان تغییر کرده است.»

در همین ارتباط احد قنبری توضیح می‌دهد: «ما با سه افسر که به بیمارستان آمدند ملاقات داشتیم و اطلاعات تکمیلی را که مربوط به تهدید نوید در بیمارستان بود شرح دادیم و گفتیم او قربانی حملات ضدیهودی شده که این مورد هم به پرونده اضافه شد. بنابراین پلیس یک اتاق خصوصی برای نوید در نظر گرفت که به صورت ۲۴ ساعته تحت مراقبت قرار دارد. برای وی پرستار ویژه نیز در نظر گرفته شده است.»

این حقوقدان می‌گوید: «خوشبختانه با پیگیری‌های انجام شده پلیس قضیه را خیلی جدی گرفته و پذیرفته‌اند که این یک وضعیت استثنایی است. پلیس در حال تکمیل تحقیقات و شناسایی ضارب است.»

شماری از رسانه‌ها و فعالان خبری در رسانه‌های اجتماعی روایت‌های متناقضی از درگیری‌های مقابل محل برگزاری تجلیل از رئیس‌جمهوری منتشر کردند. نوید باوی با انتقاد از انتشار اخبار غیرواقعی و همچنین کارزارهای مشکوک می‌افزاید، «کسانی که روز اول در مورد من مصاحبه کردند اصلاً مرا از نزدیک ندیده‌اند و ادعا کردند من مرخص شدم اما در بیمارستان بودم! افرادی هم به اسم من در حال جمع کردن امضاء هستند اما بدون اجازه اسم مرا نوشته‌اند و من حتا خبر هم ندارم. بعضی به این بهانه در حال جمع کردن کمک هستند که این را هم رد می‌کنم و اصلاً خبر ندارم و نیاز به چنین کمک‌هایی ندارم. اینها واقعا سوء استفاده است. متأسفانه بعضی از رسانه‌ها در مورد این ماجرا واقعیت را نگفتند و سالم کار نکردند، بیشتر رسانه‌های خارجی مسئله را بازتاب دادند.»

بر اساس آخرین اطلاعات، پرسنل بیمارستان و پلیس در حال بازیابی فیلم‌های ویدئویی هستند که دوربین‌های مداربسته ضبط کرده‌اند.

احتمالاً مراحل اولیه مداوای نوید باوی دست‌کم شش هفته زمان می‌برد و تازه پس از آن باید آزمایش‌هایی انجام شود تا پزشکان بتوانند بررسی کنند که آیا او قادر به حرکت است یا نه!

درباره این حمله توسط «افسران عملیات ویژه» پشتیبانی خواهد شد. مت‌جوکس رئیس سازمان مبارزه با تروریسم نیز گفته است که تهدید از سوی کشورهای متخاصم زیاد است. «تایمز» امسال افشا کرد که پلیس ضدترور به مخالفان جمهوری اسلامی که در بریتانیا ساکن هستند نسبت به افزایش خطر حملات خشونت‌آمیز و آدم‌ربایی هشدار داده است. در ماه فوریه، مت‌جوکس، مدیرکل مبارزه با تروریسم گفته بود که تهدیدات یک کشور متخاصم بیشتر از همیشه است و پلیس در حال بررسی تعداد بی‌سابقه‌ای از توطئه توسط رژیم‌های ایران، روسیه و چین است.

محمدحسین دووآتایف شهروند چینی که در اتریش زندگی می‌کرد و با جنایات سازمانیافته ارتباط داشت، در ماه دسامبر در «اولد بیل» به خاطر یک مأموریت شناسایی متخاصم برای تدارک یک حمله تروریستی به شبکه «ایران اینترنشنال» محکوم شد. پوریا زراعتی، ۳۶ ساله، روزنامه‌نگار این شبکه در ماه مارس در خارج از منزلش از ناحیه پا مورد اصابت چاقو قرار گرفت. مظنونان به خارج از انگلیس فرار کردند. در ۲۴ ماه مه صدها نفر در یک مرکز اجتماعی در «ومبلی» برای تجلیل از رئیس‌جمهوری اسلامی تندرو و مورد حمایت علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی جمع شدند. رئیس‌با با عنوان وحشتناک «قصاب تهران» معروف است و یکی از اعضای کلیدی هیئت مرگ در سال ۱۹۸۸ بود که حکم اعدام هزاران زندانی سیاسی را صادر کرد. او همچنین پس از کشته شدن مهسا امینی، ۲۲ ساله در سال ۲۰۲۲، از مسئولان سرکوب وحشیانه اعتراضات سراسری در ایران بود. مهسا امینی با حجاب اجباری مخالفت کرده بود.

پس از حمله به مخالفان رژیم در «ومبلی» یکی از زخمی‌شدگان هنوز در بیمارستان بسر می‌برد. نیاز ملک نیا یکی از فعالان سیاسی که در تظاهرات مقابل «ومبلی» شرکت کرده بود، گفت که گروه مخالفان می‌خواستند به دلیل اقدامات جنایتکارانه‌ی رئیسی با به دست گرفتن پلاکارد دست به تظاهرات اعتراضی بزنند. او از جمع مردانی که به معترضان حمله کردند فیلم گرفت. اما پلیس متروپولیتن با وجود درخواست او، این فیلم را از او نگرفت. او همچنین خواست که شهادت بدهد اما خبری از پلیس نشد. نوید باوی پس از آنکه پرچم ملی ایران پیش از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ را به اهتزاز درآورد، مورد حمله مردان سیاه‌پوش قرار گرفت. او به «جویش کرونیکل» گفت: «واقعا می‌تونم چیز زیادی از این حمله به خاطر بیاورم، زیرا آنها به شدت به سر و کله‌ام می‌کوبیدند.»

برگزاری دادگاه قتل جواد روحی معترض زندانی بهیار زندان به «قتل شبه‌عمد» متهم شد



مناسبی بوده‌است، اما در کمال ناباوری صبح روز بعد با آنان تماس گرفته شده و خواستند که برای تحویل پیکرش مراجعه کنند.

جواد روحی معترض ۳۵ ساله و از بازداشت‌شدگان خیزش ملی سال گذشته به اتهام «آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی» به «سه بار اعدام» محکوم شده بود. او در پی اعتراضات ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ در شهر نوشهر بازداشت و در روند اعتراف‌گیری اجباری به اتهام «محاربه» و «فساد فی الارض» به «سه بار اعدام» محکوم شد.

جرایم مورد استناد در دادگاه برای اتهامات سنگین جواد روحی اعترافات زیر شکنجه او به «سوزاندن قرآن و ساخت کوکتل مولوتف و پرتاب آن به داخل مقر راهنمایی رانندگی میدان آزادی نوشهر که باعث حریق و صدمات جدی به مکان پلیس شده» بوده است.

این در حالیست که یک منبع مطلع نزدیک به خانواده روحی به خبرگزاری «هرانا» گفته بود: «تمامی اعترافات که در دوران بازجویی از جواد اخذ شده، تحت آزار و اذیت و فشار اعمال شده بر وی صورت گرفته است. تنها مستندات پرونده علیه وی که منجر به صدور حکم اعدام برایش شده است، اعترافات اجباری اخذ شده از او در دوران بازجویی و همچنین فیلمی از صحنه اعتراضات است؛ ویدئویی که به هیچ عنوان چهره فردی که در آن اقدام به آتش زدن قرآن میکند مشخص نیست، اما دادگاه اقدام مذکور را منتسب به جواد دانسته و او را «مرتد» خوانده است.»

مجید کاوه وکیل جواد روحی اسفند سال گذشته از فقدان ادله اثباتی در پرونده وی خبر داده و گفته بود که هیچ مدرک و دلیلی در ارتباط با اتهامات منتسب به او وجود نداشته است.

از سوی دیگر به اصطلاح سند منتشرشده درباره اتهامات واهی علیه جواد روحی، ویدئویی از تجمع مردم در شهر نوشهر است که او در کنار خیابان و در میانه تجمع در حال رقصیدن است.

مقرر شده است دوربین‌های مداربسته زندان بازبینی و بررسی شوند و وسایل شخصی متوفی از جمله یادداشت‌ها و داروهای وی مستندسازی شود.»

روابط عمومی زندان نوشهر افزوده بود که پیکر جواد روحی «برای بررسی علت تامه فوت و معاینات سم‌شناسی به پزشکی قانونی ارسال شده و نسبت به کالبدشکافی و نمونه‌گیری اقدام شده است.»

آذر ماه سال گذشته، وکیل مدافع جواد روحی اعلام کرد که بر اساس نظر پزشکی قانونی علت فوت جواد روحی در بند سلامت زندان نوشهر، «عوارض ناشی از کاهش سطح هوشیاری در اثر تداخلات دارویی (اثر هم افزایی داروها) به دنبال تزریقات مکرر دارو توسط بهیار در بیداری زندان ساعاتی پیش از مرگ وی» اعلام شد، که به تشکیل پرونده علیه رئیس زندان نوشهر، بهیار و یکی از زندانبانان این زندان انجامید. گفتنی است پیکر جواد روحی پس از اخذ تعهد از خانواده به آنها تحویل داده شده و با حضور مأموران امنیتی از شهر نوشهر به روستای پدری او به کلیکان امل منتقل و پیش از طلوع آفتاب و بدون حضور اقوام و دوستان به خاک سپرده شده است. خانواده جواد روحی اجازه برگزاری مراسم خاکسپاری برای فرزند خود را نداشته‌اند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» نیز درباره خاکسپاری جواد روحی گزارش داده بود که ۱۵ مامور امنیتی خانواده درجه یک جواد روحی را برای خاکسپاری همراهی کرده و اجازه ندادند غیر از چند عضو درجه یک، فرد دیگری در این مراسم مخفیانه حضور داشته باشد.

این گزارش تأکید کرده بود که پیش از خاکسپاری جواد روحی، چند نفر امنیتی در منزل جواد روحی مستقر شده و خانواده را تهدید می‌کنند که در صورت گفتگو با رسانه‌ها یا اظهار نظر در اینباره پیکر او را با خود می‌برند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» همچنین نوشته بود که مطلع شده که اعضای خانواده یک روز پیشتر با جواد روحی ملاقات داشته و او در وضعیت جسمی و روحی

● وکیل خانواده جواد روحی گفته «بهیار زندان به قتل شبه‌عمد» متهم شده است و خانواده جواد روحی منتظر صدور حکم دادگاه هستند.

● جواد روحی شهروند معترض ۳۵ ساله که در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ در نوشهر بازداشت و به «سه بار اعدام» محکوم شده بود، شهریورماه گذشته به طرز مشکوکی در زندان جان باخت.

● به اصطلاح سند منتشرشده درباره اتهامات واهی علیه جواد روحی، ویدئویی از تجمع مردم در شهر نوشهر است که او در کنار خیابان و در میانه تجمع در حال رقصیدن است.

جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده قتل جواد روحی شهروند معترض محکوم به اعدام که شهریورماه گذشته به طرز مشکوکی در زندان جان باخت برگزار شد. در این جلسه بهیار زندان به «قتل شبه‌عمد» جواد روحی متهم شده است. مجید کاوه وکیل خانواده جواد روحی اعلام کرده که «روز شنبه نوزدهم خردادماه، جلسه رسیدگی به پرونده مرگ «پر ابهام» آقای روحی در شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری دو ساری با حضور اولیای دم، متهمین و نماینده دادستان برگزار شد. او افزوده که «بهیار زندان به قتل شبه‌عمد آقای روحی متهم شده» و همچنین خانواده این معترض جانباخته گذشت قطعی خود نسبت به زندانبان را به دادگاه اعلام کردند. به گفته این وکیل دادگستری، به تازگی پس از اقامه‌ی شکایت اولیای دم آقای روحی، پرونده با توجه به تحقیقات ضابطین و وصول نظریه‌ی پزشکی قانونی، منتهی به صدور کیفرخواست تحت عنوان «قتل شبه‌عمد» علیه بهیار و «خودداری از رساندن تظلمات محبوسین به مقامات صالح» علیه زندانبان زندان نوشهر شده بود.

اکنون به گفته مجید کاوه، خانواده جواد روحی اعلام کرده‌اند که نسبت به زندانبان هیچ شکایتی ندارند و گذشت کرده‌اند.

این وکیل دادگستری افزوده که «منتظر اتخاذ تصمیم از سوی دادگاه در خصوص اتهام بهیار زندان نوشهر مطابق با ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی در باب قتل شبه‌عمد هستیم.» جواد روحی، شهروند معترض ۳۵ ساله که در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ در نوشهر بازداشت و به «سه بار اعدام» محکوم شده بود، شهریورماه گذشته به طرز مشکوکی در زندان جان باخت.

ساعاتی پس از اعلام خبر جان باخت جواد روحی در سحرگاه نهم شهریورماه ۱۴۰۲، خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضاییه ادعاهایی را در رابطه با این مرگ مشکوک مطرح کرد.

در گزارش خبرگزاری «میزان» ادعا شده بود که جواد روحی ساعت ۳:۴۵ بامداد پنج‌شنبه، ۹ شهریور به دلیل نامشخص دچار تشنج شده و به کما رفته و پس از انتقال به بیمارستان «شهید بهشتی» نوشهر جان خود را از دست داده است.

این گزارش به نقل از روابط عمومی زندان نوشهر اعلام کرده بود که «درباره فوت جواد روحی دستور قضایی، پرونده تشکیل و به شعبه اول بازپرسی ارجاع شده است و دادستان نوشهر به همراه بازپرس، با حضور در زندان از هم‌بندیان متوفی در مورد وی سوال کرده‌اند.»
خبرگزاری «میزان» همچنین نوشته بود «با دستور قضایی

شش زندانی سیاسی دیگر با اتهام «بغی» در خطر اعدام قرار دارند



سازمان عفو بین‌الملل به تازگی در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه نسبت به خطر جدی اجرای حکم اعدام دست‌کم ۱۵ شهروندی که در اعتراضات سراسری بازداشت شدند هشدار داد. هشت تن از این شهروندان در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بازداشت شدند.

در میان اسامی منتشر شده از سوی سازمان عفو بین‌الملل نام شش زندانی گزارش شده از سوی «هرانا» وجود ندارد. این موضوع نشان می‌دهد همچنان شمار زیادی از زندانیان و بازداشت‌شدگان سیاسی با اتهامات سنگینی مانند «بغی» و «فساد فی الارض» با خطر صدور حکم «اعدام» روبرو هستند. سازمان عفو بین‌الملل در نامه به رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نوشته بود که بازجوها با هدف اعتراف‌گیری اجباری این شهروندان بازداشت‌شده را تحت شکنجه‌هایی چون ضرب و شتم، شوک الکتریکی و خشونت جنسی قرار داده‌اند.

این سازمان حقوق بشری نحوه رسیدگی به پرونده این متهمان را به دور از استانداردهای جهانی، غیرعادلانه و تحت شکنجه دانسته و تاکید کرده بود که دادگاه آنها فرمایشی بوده است. فاضل بهرامیان، مهراڻ بهرامیان، محمود مهرابی، محمد خضرنژاد، منوچهر مهمان‌نواز، مجاهد کورکور، رضا رسایی و توماس صالحی هشت تن از شهروندان در معرض اعدام هستند که در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بازداشت شدند.

سازمان عفو بین‌الملل در این نامه افزوده بود که اتهامات واهی این شهروندان «بغی»، «سب‌النبی»، «فساد فی الارض» و یا «محاربه» بوده است. سازمان عفو بین‌الملل همچنین اعلام کرده بود برخی دیگر از بازداشت‌شدگان نیز در خطر «صدور» حکم اعدام قرار دارند. در ادامه سازمان عفو بین‌الملل با ابراز نگرانی درباره وضعیت سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجیلو تصریح کرده است که اتهامات وارده بر این دو معترض می‌تواند اعدام آنها را در پی داشته باشد.

عفو بین‌الملل همچنین از خطر صدور حکم اعدام برای دست‌کم پنج زندانی بازداشت شده در جریان اعتراضات سراسری جنبش ملی در سال ۱۴۰۱ خبر داده بود.

سید محمد تقوی نیز همزمان با پویا قبادی در یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. همچنین اکبر دانشفر پیشتر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود.

ابوالحسن منتظر ۶۵ ساله و از زندانیان سیاسی دهه ۶۰، پیشتر در سال ۱۳۹۷ توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و چندی بعد آزاد شد. وی در نهایت توسط دادگاه انقلاب تهران به پنج سال حبس محکوم شد.

او در سال ۹۹ جهت تحمل حبس به زندان منتقل شده بود و در فروردین ماه سال گذشته پس از تحمل سه سال حبس به دنبال صدور بخشنامه عفو از زندان «رجایی شهر» کرج آزاد شد. بابک علیپور به همراه برادرش روزبه علیپور در تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۹۷ در بازار تهر بار رشت در حال کار دستگیر شدند.

سرانجام بابک علیپور توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب رشت از بابت اتهام «عضویت در گروه‌های مخالف نظام» به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در مرحله تجدید نظر عیناً تایید شد. در نهایت بابک علیپور از تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۹۸ جهت تحمل دوران محکومیت خود بازداشت و راهی زندان لاکان رشت شده بود که پس از دو سال حبس به صورت مشروط آزاد شد. وی دوباره با پرونده دیگری بازداشت و به دو سال حبس محکوم و در بهار سال گذشته از زندان لاکان رشت آزاد شده بود. پویا قبادی اهل شهرستان سنقر در استان کرمانشاه و فارغ‌التحصیل مهندسی برق از دانشگاه سنجند نیز در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و در دو پرونده مجزا توسط دادگاه انقلاب تهران مجموعاً به هجده سال زندان و تبعید به نیکشهر واقع در استان سیستان و بلوچستان محکوم شد. پویا قبادی نیز در بهار سال ۱۴۰۲ به دنبال صدور بخشنامه عفو از زندان «رجایی شهر» کرج آزاد شده بود.

سیدمحمد تقوی، ۵۷ ساله و از زندانیان سیاسی دهه ۶۰، دارای مدرک مدرک لیسانس گرافیک دانشگاه تهران که پیش از این نیز سابقه محکومیت و تحمل حبس داشته است.

● وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، بابک علی‌پور، ابوالحسن منتظر، سید محمد تقوی و اصغر دانشفر شش زندانی سیاسی هستند که از سال گذشته در زندان اوین بسر می‌برند. این متهمان سیاسی در یک پرونده مشترک به ظن عضویت و همکاری با یکی از گروه‌های مخالف نظام به اتهام «بغی» و همچنین اجتماع و تبانی «علیه امنیت کشور» تفهیم شدند. ● جمهوری اسلامی با متهم کردن فعالان سیاسی و شهروندان بازداشت شده در اعتراضات به «بغی»، «سب‌النبی»، «فساد فی الارض» و یا «محاربه» برای آنها حکم «اعدام» صادر می‌کند.

منابع حقوق بشری گزارش داده‌اند شش زندانی سیاسی متهم به «بغی» در زندان اوین محبوس هستند و خطر صدور حکم «اعدام» برای آنها وجود دارد.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده شش زندانی سیاسی محبوس در سالن‌های مختلف بند چهار زندان اوین، در پرونده‌ای مشترک با اتهامات سنگینی مانند «بغی» روبرو شده‌اند.

وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، بابک علی‌پور، ابوالحسن منتظر، سید محمد تقوی و اصغر دانشفر شش زندانی سیاسی هستند که از سال گذشته در زندان اوین بسر می‌برند.

این متهمان سیاسی ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب تهران به ریاست بازپرس عزیززاده در یک پرونده مشترک به ظن عضویت و همکاری با یکی از گروه‌های مخالف نظام به اتهام «بغی» و همچنین اتهام اجتماع و تبانی «علیه امنیت کشور» تفهیم شدند.

خبرگزاری «هرانا» در گزارش خود وضعیت پرونده هر یک از این زندانیان را مورد بررسی قرار داده است. ابوالحسن منتظر در تاریخ یکم دی ماه سال گذشته و بابک علیپور دیگر متهم سیاسی پاییز سال گذشته توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شدند. در تاریخ چهارم اسفندماه ۱۴۰۲ نیز پویا قبادی توسط نیروهای امنیتی در شهرستان چالدران بازداشت و به زندان ماکو منتقل شد. او سپس در تاریخ یازدهم اسفندماه به زندان اوین انتقال یافت.

عضو اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی:

«ایران تنها کشوریست که بازیچه قدرت‌های چپ و راست دنیا شده»



مواضع اصولی چین و رویکرد منطقه‌ای پکن و پرهیز چین از هزینه‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی است.»

وی در ادامه تأکید کرد: «امتناع چین از تبدیل شدن به شریک راهبردی برای ایران، به معنای فاقد ارزش بودن روابط تهران و پکن نیست. همانگونه که معتقدیم ایران با وجود خصومت تاریخی آمریکا و رویکردهای خصمانه اروپایی‌ها باید میز مذاکره با طرف‌های غربی را حفظ کند و از روش‌های گوناگون از مذاکرات منتفع شود، به همین ترتیب باید بپذیریم نباید روابط ایران و چین به دلیل موضع قابل پیش‌بینی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی، کاملاً تخریب شود.»

عابدی با بیان اینکه ایران متحد استراتژیک ندارد تأکید کرد: «ایران در برخی مسائل کلان منطقه‌ای و بین‌المللی با بازیگرانی چون چین و روسیه منافع راهبردی مشترک دارد. اظهار نظرهای سیاسی و دیپلماتیک برخی مقامات ایرانی درباره روابط راهبردی با چین و روسیه دقیق نیست و البته اهداف سیاسی و دیپلماتیک خاصی را دنبال می‌کند که الزاماً خلاف منافع ملی نیستند. برخی از این اظهارات به دنبال تقویت سیاست چندجانبه‌گرایانه ایران هستند. من همواره تأکید کرده‌ام ایران در ترکیب و تفکیک و هم‌افزایی مواضع اعلامی و اعمالی به طور مستمر باید هوشمندانه عمل کند.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز با انتشار مطلبی از کوتاه آمدن حکومت در برابر مواضع ضدایرانی چین در مورد جزایر سه‌گانه انتقاد کرد و نوشته است: «طی یکسال اخیر، رئیس‌جمهور چین سه بار پای برگه‌ای را امضا کرده که حاوی تعرض به تمامیت ارضی ایران بوده است.»

این روزنامه در بررسی ماجرای اصرار رئیس‌جمهور چین بر امضا کردن چنین برگه‌ای اهانت‌آمیزی نسبت به تمامیت ارضی ایران، دو نکته را مورد توجه قرار داد و نوشت: «نکته اول اینست که دولت چین در جستجوی توسعه روابط اقتصادی با کشورهای عربی است و برای رسیدن آسان به این هدف، هر اقدامی را جایز می‌داند. در حال حاضر دولت چین سالانه دارای تبادلات تجاری ۴۰۰ میلیارد دلاری با اعراب است که ۸۰ میلیارد دلار آن به امارات اختصاص دارد.»

کمونست جمهوری خلق چین در برابر حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه گفت: «مهم‌ترین پیام موضع چین برای ایران این است که تهران به سطحی از استقلال راهبردی و بازدارندگی مستقل نیاز دارد، چرا که در بزنگاه‌های دفاعی امنیتی نباید به حمایت هیچ بازیگر خارجی وابسته باشد. در همین حال باید در نظر داشت، انتظار از چین برای تغییر موضع در برابر اعتراض ایران واقع‌گرایانه نیست.»

عقیقه عابدی روز شنبه ۱۹ خرداد با بیان اینکه امارات متحده درباره ادعای ارضی علیه جزایر سه‌گانه ایرانی مدارک تاریخی و حقوقی برای ارائه به مجامع بین‌المللی ندارد در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» افزود: «به همین دلیل نیز از هر فرصتی در روابط دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی به دنبال سندسازی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی است.»

به گفته وی، در واقع همه تلاش‌های امارات متحده به دلیل نقص در سند و مدرک درباره ادعای خلاف واقع خود درباره جزایر سه‌گانه ایرانی است. اما همه اسناد تاریخی و بین‌المللی و حاکمیت نظامی و دفاعی ایران موید حق حاکمیت ایران بر این جزایر سه‌گانه است. با این حال تلاش‌های امارات متحده را نباید دست‌کم گرفت و از ابتکارهای سیاسی، حقوقی، در روابط دو یا چندجانبه و نهادهای بین‌المللی برای بی‌اثر ساختن تلاش‌های امارات متحده استفاده کرد. در همین حال توسعه محلی و ابتکارهای دفاعی و امنیتی ایران در خطوط مرزی نیز باید تقویت و به روزرسانی شود.

عابدی درباره اینکه چین می‌خواهد به کمک امارات برای پیشبرد این موضوع از طریق گفتگوهای مسالمت‌آمیز کمک کند، گفت: «موضع چین حمایت از راه حل گفتگو و مذاکره بین ایران و امارات متحده برای حل اختلاف درباره جزایر سه‌گانه ایرانی است. در حالی که موضع ایران حاکمیت تاریخی و غیرقابل مذاکره ایران بر جزایر سه‌گانه است. به نظر من چین نمی‌تواند از این موضع فراتر برود و یا حتی ابتکار سیاسی یا اقتصادی در زمینه حل اختلافات سرزمینی در خلیج فارس داشته باشد. چرا که موضعی فراتر از حمایت لفظی از گفتگو می‌تواند مناقشه‌برانگیزتر شود. این برخلاف

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه روز شنبه ۱۹ خرداد در گفتگو با وبسایت «رویداد ۲۴» تأکید کرد: «این اشتباه ایران بوده است که از اصل سیاست خارجی مصرح در قانون اساسی خود عدول کرده و رابطه‌ای یکسویه با چین و روسیه شکل داده است.»

● یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل نیز در مورد موضع دولت کمونیست جمهوری خلق چین در برابر حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه گفت: «مهم‌ترین پیام موضع چین برای ایران این است که تهران به سطحی از استقلال راهبردی و بازدارندگی مستقل نیاز دارد، چرا که در بزنگاه‌های دفاعی و امنیتی نباید به حمایت هیچ بازیگر خارجی وابسته باشد.»

عضو اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اعلام اینکه رفتارهای بعدی چین در قبال ایران گستاخانه‌تر خواهد بود موضع چین در قبال جزایر سه‌گانه را از مواضع آمریکا و برخی کشورهای غربی بدتر دانست.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه روز شنبه ۱۹ خرداد در گفتگو با وبسایت «رویداد ۲۴» تأکید کرد: «این اشتباه ایران بوده است که از اصل سیاست خارجی مصرح در قانون اساسی خود عدول کرده و رابطه‌ای یکسویه با چین و روسیه شکل داده است.»

وی پیش‌بینی کرد ایران در آینده از این رابطه یکسویه بیشتر متضرر خواهد شد: «معتقدم اگر سیاست خارجی کشور کماکان وابستگی خود به چین و روسیه را ادامه دهد، کشور در آینده تاوان‌های سنگین‌تری را پرداخت خواهد کرد.»

فلاحت‌پیشه توضیح داد: «نکته تلخ ماجرا این است که از طرف ایرانی چیزی جز سکوت ندیدیم و مسئولان ایرانی در حال فروش نفت با قیمت پایین به چین و خریدهای کلان غیرشفاف از چین هستند. به عنوان مثال یکی از بزرگ‌ترین دروغ‌های ملت ایران، محرمانه‌سازی قرارداد خرید اتوبوس‌های چینی است. به هیچ عنوان این خریدها مشمول تحریم‌ها نیست، ولی شرکت‌ها و گروه‌هایی که از این موضوع سود می‌برند و در واقع به لابی‌چین امتیاز می‌دهند، سعی می‌کنند مناسبات با چین را محرمانه کنند. این‌ها در تحمیل سیاست تحقیر در قبال مواضع اخیر چین صاحب نقش هستند.»

به گفته این کارشناس سیاست خارجی جمهوری اسلامی، وزیر نفت سعی کرد ضایعه بزرگ تخفیف‌های هزارمیلیارد تومانی روزانه نفت به چین را کوچک نشان دهد، در صورتی که این امر قابل تکیه نیست؛ و یا سعی می‌کنند بجای اینکه منافع ملی را نمایندگی کنند، منافع روس‌ها را دنبال کنند.

فلاحت‌پیشه با تأکید بر اینکه هیچ کشوری در دنیای امروز، سیاست خارجی خود را به یک قدرت وابسته نمی‌کند توضیح داد: «حداقل مسئولان کشور از خود کشورهای عربی درس بگیرند. کشورهای عربی که سال‌ها در قلمرو استراتژیک آمریکا و کشورهای غربی قرار داشتند، الان به سمت تنوع مناسباتی حرکت میکنند. آنها مناسبات اقتصادی خود را با چین و روسیه به گونه‌ای افزایش دادند که هر بیانیه سیاسی که لازم بدانند را از مقامات این دو کشور می‌گیرند. به عبارتی، هم وابستگی یکطرفه خود به قلمروی استراتژیک غرب را کاهش داده‌اند و هم اینکه حداکثر استفاده را از بازیگری قدرت‌های شرقی می‌کنند و متأسفانه ایران تنها کشوری است که بازیچه قدرت‌های چپ و راست دنیا شده است.»

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل نیز در مورد موضع دولت

لویی آرنو گروگان فرانسوی در ایران با میانجیگری عمان آزاد شد



لویی آرنو روز چهارشنبه ۲۳ خرداد از زندان اوین آزاد شد و پس از انجام معاینات پزشکی با یک هواپیما به عمان رفت

لویی آرنو شهروند فرانسوی پاییز سال ۱۴۰۱ در ایران در جریان اعتراضات سراسری خیزش ملی به اتهام «تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت شد. او پس از برگزاری چند جلسه دادگاه در آبان ۱۴۰۲ به پنج سال زندان محکوم شد.

سیلوی آرنو مادر لویی آرنو در بیانیه‌ای اعلام کرد، اتهامات وارد شده به پسرش کاملاً بی‌اساس است.

استفان سژورنی وزیر خارجه فرانسه روز پنجشنبه ۱۳ ژوئن (۲۴ خرداد) با انتشار تصاویری از دیدار لویی آرنو با خانواده‌اش نوشت، «لویی آرنو آزاد است! با تشکر از همه کسانی که در وزارتخانه برای آزادی وی تلاش کردند، او امروز حبس خودسرانه در ایران به خانواده‌اش پیوست... سه نفر دیگر از هموطنان ما، سسیل، ژاک و اولیویه هنوز در بازداشت هستند. آنها همچنان اولویت من قرار دارند».

سسیل کوهرلر عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه و همسرش ژاک پاریس اردیبهشت سال ۱۴۰۱ هنگام بازگشت به فرانسه به اتهام «جاسوسی» بازداشت شدند.

پس از بازداشت این دو آموزگار فرانسوی، تعدادی از فعالان صنفی از جمله رسول بدائی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، رضا شهابی و ریحانه انصاری‌نژاد فعالان کارگری، و آیتا اسداللهی مترجم و کیوان مهدی نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران نیز در رابطه با این پرونده بازداشت شدند.

تحلیلگران می‌گویند جمهوری اسلامی با بازداشت شهروندان دو تابعیتی یا خارجی‌ها از آنان برای باج‌گیری و اخاذی از کشورهای غربی سوء استفاده می‌کند.

● **امانول ماکرون رئیس جمهوری فرانسه با تمجید از کمک‌های دولت‌های میانجی از جمله عمان و تمام کسانی که در آزادی لویی آرنو نقش داشته‌اند، از مقامات جمهوری اسلامی خواست «سسیل کوهرلر»، «ژاک پاریس»، «اولیویه» و دیگر شهروندان فرانسوی زندانی در ایران را بدون قید و شرط آزاد کند.**

● **استفان سژورنی وزیر خارجه فرانسه روز پنجشنبه ۱۳ ژوئن (۲۴ خرداد) با انتشار تصاویری از دیدار لویی آرنو با خانواده‌اش نوشت، «لویی آرنو آزاد است! با تشکر از همه کسانی که در وزارتخانه برای آزادی وی تلاش کردند، او امروز پس از دو سال حبس خودسرانه در ایران به خانواده‌اش پیوست... سه نفر دیگر از هموطنان ما، سسیل، ژاک و اولیویه هنوز در بازداشت هستند. آنها همچنان اولویت من قرار دارند».**

● **لویی آرنو شهروند فرانسوی پاییز سال ۱۴۰۱ در ایران در جریان اعتراضات سراسری خیزش ملی به اتهام «تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت شد. او پس از برگزاری چند جلسه دادگاه در آبان ۱۴۰۲ به پنج سال زندان محکوم شد.**

امانوئل ماکرون روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «لویی آرنو آزاد شد. او پس از مدت‌ها حبس در ایران، فردا در فرانسه خواهد بود.» وی با تمجید از کمک‌های دولت‌های میانجی از جمله عمان و تمام کسانی که در آزادی لویی آرنو نقش داشته‌اند، از مقامات جمهوری اسلامی خواست تا «سسیل کوهرلر»، «ژاک پاریس»، «اولیویه» و دیگر شهروندان فرانسوی زندانی در ایران را بدون قید و شرط آزاد کند.

حفاظت از این رابطه تجاری پرسود و تقویت آن، در دستور کار دولتمردان چینی قرار دارد و آنها برای تأمین این هدف حاضرند منافع کشورهائی مانند ایران را که در حال حاضر قدرت رقابت با کشورهای عربی در تعاملات تجاری با چین را ندارد قربانی کنند.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» تعرض به تمامیت ارضی ایران در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را از خواسته‌های شیوخ امارات و شیوخ سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دانست و تأکید کرد: «رئیس جمهور چین به خاطر تأمین منافع کشورش آمادگی دارد به این خواسته شیوخ عرب خلیج فارس تن بدهد و ایران را در این راه قربانی کند.»

نویسنده این مطلب، پاسخ صریح و اهانت‌آمیز وزارت خارجه چین را که اعلام کرد این موضع ثابت چین در قبال جزایر سه‌گانه است، ترجمان روشن همین سیاست دولت و رئیس جمهور چین برای نشان دادن وفاداری خود به روابط رو به گسترش با شیخ‌نشین‌های خلیج فارس دانست.

این روزنامه در ادامه به ضعف سیاست خارجی دولت سیزدهم اشاره و تأکید کرد: «علیرغم شعارهای پرزرق و برق تکیه بر عزتمندی، در سه سال گذشته در قبال چین و روسیه دچار انفعال شدید بوده و این ضعف و انفعال همچنان ادامه دارد. علاوه بر چین، روسیه هم ادعای واهی شیخ امارات درباره جزایر سه‌گانه ایرانی را تأیید کرد و غیرقابل اعتماد بودن لاف دوستی دولتمردان کرملین نیز به اثبات رسید. وزارت خارجه کشورمان هم اقدامات ضعیفی در قبال این تخلفات روسیه و چین انجام داد که اوج این اقدامات احضار سفرای این کشورها و تذکر به آنها بود ولی این دو کشور، کوچک‌ترین حرکتی در جهت جبران انجام ندادند و در نهایت گستاخی، سیاست تعرض به تمامیت ارضی کشورمان در موضوع جزایر سه‌گانه را ادامه دادند.»

اینهمه در حالیست که عضو شورای اسلامی شهر تهران در ارتباط با ادعای چین بر مالکیت امارات بر جزایر سه‌گانه در گفتگو با وبسایت رکنا ادعا کرد که این موضوع، ارتباطی به همکاری شهرداری تهران با این کشور ندارد و این حرف‌ها فقط مصرف تجاری دارد!

محمد آقامیری در این گفتگو ادعا کرده بود: «حرف‌هایی که کشورهای مثل چین و روسیه می‌زنند، برایشان فقط مصرف تجاری و اقتصادی دارد تا رابطه‌شان را با آن کشورهای عربی حفظ کنند. قبلاً هم مواردی بوده که در سازمان ملل نیز رویکردهایی داشتند تا بتوانند رابطه خودشان را با کشورهای دیگر حفظ کنند.»

در کنار چین و روسیه، سوریه نیز از حق حاکمیت امارات بر جزایر سه‌گانه ایرانی در نشست اتحادیه عرب حمایت کرده است. یکی از بندهای بیانیه پایانی کنفرانس اتحادیه عرب تأیید «حق حاکمیت امارات بر جزایر سه‌گانه ایرانی» در خلیج فارس بود.

سیدحسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس» و عضو پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای رژیم که به عنوان پژوهشگر در دانشگاه پرینستون آمریکا به سود رژیم فعال است، روز ۲۹ اردیبهشت در متنی با عنوان «خبری عبرت‌آموز» در «ایکس» نوشت: «بشار اسد همراه با سایر کشورهای عربی، بیانیه حمایت از تعلق جزائر سه‌گانه ایرانی به امارات را امضا کرد!»

در واکنش به این بیانیه سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی صرفاً «بند مربوط به جزایر سه‌گانه ایرانی» در بیانیه نشست سران اتحادیه عرب را محکوم کرد اما هیچ اشاره‌ای به حمایت بشار اسد از حق حاکمیت امارات بر جزایر سه‌گانه ایرانی نکرد.

بی تفاوتی مردم به «سیرک انتخابات»؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با «رزمایش» برای گرم کردن تنور انتخابات وارد می شود



● فرمانده سپاه «امام صادق» استان بوشهر از برگزاری رزمایش سپاه در فضای مجازی برای حضور حداکثری مردم در چهاردهمین دوره نمایش انتخابات خبر داده است.

● صدواسیمای جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای عجیب اعلام کرده «نامزدهایی که امکان حضور خود در عرصه رقابت انتخابات را زیاد می‌دانند از هم‌اکنون برای آماده‌سازی برنامه‌های ضابطی خود اقدام کنند».

● احمد جنتی دبیر شورای نگهبان هم در گفتگو با صدواسیمای حکومت مدعی شده که «در موضوع تأیید صلاحیت‌ها یک خط مستقیم را انتخاب کردیم و این خط را ادامه می‌دهیم. جرأت نمی‌کنند به شورای نگهبان فشار بیاورند. در بررسی صلاحیت‌ها، نه فشاری است و نه ما تحت تأثیر آنها قرار می‌گیریم.» البته باید اعتراف کرد که درست می‌گوید. نامزد نهایی و گزینش شده از سوی ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی که شورای نگهبان گوش به فرمان و تحت تأثیر اوست، پیشاپیش منصوب شده است.

چهاردهمین دوره انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی در حالی قرار است سه هفته دیگر برگزار شود که «تنور انتخابات» سرد است و مردم هیچ توجهی به آن ندارند بطوری که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار است یک «رزمایش» در فضای مجازی و با امید تشویق مردم به حضور در انتخابات برگزار کند. در آنسو اما برخی اظهارات و اطلاعیه‌های وابستگان و نهادهای رژیم نیز مهر تأییدی بر نمایشی بودن انتخابات حکومت هستند.

تلاش جمهوری اسلامی برای گرم کردن تنور انتخابات تا کنون ناموفق بوده و مردم توجهی به چهاردهمین دوره انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی ندارند. هراس رژیم از تحریم دوباره انتخابات از سوی مردم و عدم مشارکت در «سیرک انتخابات» سبب برگزاری مانور و «رزمایش» سپاه در فضای مجازی شده است.

سردار پاسدار علی رزمجو فرمانده سپاه «امام صادق» استان بوشهر از برگزاری رزمایش سپاه در فضای مجازی برای حضور حداکثری مردم در چهاردهمین دوره انتخابات خبر داده است. فرمانده سپاه «امام صادق» استان بوشهر گفته «رزمایش در فضای مجازی در راستای آگاه‌سازی مردم برای حضور حداکثری در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۸ تیر ماه سال جاری برگزار می‌شود. رزمایش آگاهی اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در دستور کار سپاه امام صادق علیه‌السلام استان بوشهر قرار دارد.» در آنسو میان جریان‌ها و جناح‌های درون حکومتی فضای رقابتی ایجاد شده و هر یک برای در دست گرفتن دولت و رانت‌های ناشی از آن تلاش می‌کنند.

اینهمه در حالیست که نمایشی بودن انتخابات جمهوری اسلامی امسال حتی از سوی خود حکومت نیز تأیید می‌شود. برای نمونه در شرایطی که شورای نگهبان قرار است هفته آینده نتایج بررسی صلاحیت‌ها را اعلام کند، صدواسیمای جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای عجیب اعلام کرده «نامزدهایی که امکان حضور خود در عرصه رقابت انتخابات را زیاد می‌دانند از هم‌اکنون برای آماده‌سازی برنامه‌های ضابطی خود اقدام کنند».

در این اطلاعیه آمده که علاوه بر برنامه‌های زنده، تهیه

علی‌اکبر محرابیان (وزیر نیرو)، علی سلاجقه (رئیس سازمان محیط زیست) و عباس علی آبادی (وزیر صمت) در آن به چشم می‌خورد.»

غلامحسین کرباسچی فعال اصلاح‌طلب و از مفسدان اقتصادی پرونده‌دار در جمهوری اسلامی نیز در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته رئیس دولت بعدی جمهوری اسلامی یا علی لاریجانی است یا محمدباقر قالیباف!

او گفته «پیش‌بینی من این است با توجه به اینکه شورای نگهبان گفته از همه جناح‌ها در انتخابات خواهیم داشت خروجی این انتخابات یا آقای لاریجانی می‌شود یا آقای قالیباف که هر دو برای حاکمیت قابل قبول است، چرا که بقیه رأی چندانی ندارند. مگر تحرکی در آرای خاکستری ایجاد شود که من چنین زمینه‌ای را فعلاً نمی‌بینم.»

روزنامه «وطن امروز» هم نوشته ۱۲ نفر از ۸۰ داوطلب شرکت در انتخابات شانس تأیید صلاحیت دارند: «با بررسی‌های انجام شده، از میان ۸۰ داوطلب انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری، نهایتاً ۱۲ گزینه که شانس تأیید صلاحیت آنها در شورای نگهبان بیشتر از سایرین باشد؛ مشخص شده‌اند. به عبارتی این ۱۲ نفر کسانی هستند که پیش‌بینی می‌شود ترکیب نهایی افراد تأیید صلاحیت شده، از میان آنها باشد. این ۱۲ نفر عبارتند از: محمد باقر قالیباف، مهرداد بذریان، علی لاریجانی اسحاق جهانگیری، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی محمد شریعتمداری مصطفی پورمحمدی، علی نیکزاد، امیر حسین قاضی زاده، صولت مرتضوی و عبدالناصر همتی.»

این روزنامه افزوده «رفتار شورای نگهبان در ادوار مختلف انتخابات نشان داده تقریباً نمی‌توان درباره هیچ داوطلبی با قطعیت از تأیید یا رد صلاحیت صحبت کرد.»

در میانه‌ی «سیرک انتخابات» جمهوری اسلامی، غلامعلی حداد عادل عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی هم درباره تقلب در انتخابات صحبت کرده و تأیید کرده انتخابات در جمهوری اسلامی همراه با تقلب بوده است!

دو مستند تلویزیونی ۳۰ دقیقه‌ای، دو مستند رادیویی ۳۰ دقیقه‌ای و نیز ۳۱ برنامه ۳۰ دقیقه‌ای رو به دوربین برای گفتگو با مردم هر یک استان‌های کشور از جمله برنامه‌های در نظر گرفته شده برای نامزدهای انتخابات است.

از سوی دیگر در میان ۸۰ داوطلب برای حضور در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، پنج تن از اعضای دولت سیزدهم نیز حضور دارند.

امیرحسین قاضی زاده هاشمی رئیس بنیاد شهید، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، صولت مرتضوی وزیر کار، رفاه و تامین اجتماعی، مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی و داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه اعضای هیئت دولت هستند که برای حضور در انتخابات داوطلب شده‌اند.

یکی دیگر از نشانه‌های نمایشی بودن انتخابات و مشخص بودن نتیجه آن پیش از برگزاری را می‌توان در اطلاعات لو داده شده از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه دید. داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشته که در رقابت نهایی فقط یک نفر از اعضای هیئت دولت حضور خواهد داشت!

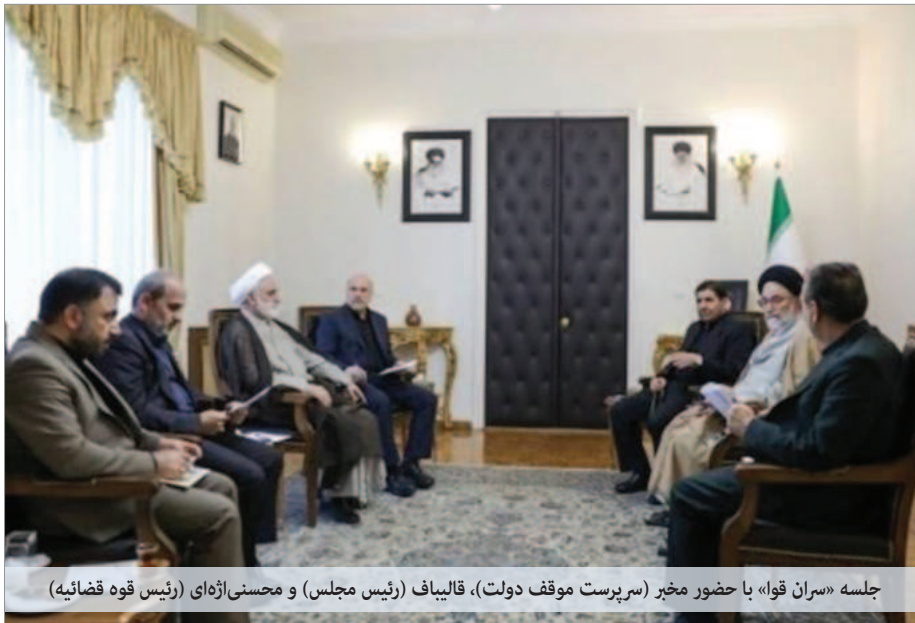
رئیس سازمان برنامه و بودجه توضیح نداده از کجا می‌داند که قرار است یکی از اعضای هیئت دولت در روند رقابت‌های انتخاباتی حضور پیدا کند!

علی قلهکی روزنامه‌نگار حکومتی در شبکه «ایکس» نوشته اعضای هیئت دولت و مدیران ارشد دولت سیزدهم، نامه‌ای به شورای نگهبان برای اثبات توان مدیریت و راجل بودن «محمد مهدی اسماعیلی» نوشتند.

او در ادامه مدعی شده که «امضای افرادی چون، محسن منصوری (معاون اجرایی)، میثم لطفی (رئیس سازمان امور استخدامی)، علی باقری (سرپرست وزارت خارجه)، انسیه خزعلی (معاون امور زنان)، جواد اوجی (وزیر نفت)، محمدعلی نیکبخت (وزیر کشاورزی)، عیسی زارع پور (وزیر ارتباطات)، علی بهادری جهرمی (سخنگوی دولت)،



جلسه انتخاباتی وزارت اطلاعات و «سران قوا» برنامه‌ریزی برای مقابله با «معاندین خارج‌نشین»



جلسه «سران قوا» با حضور مخبر (سرپرست موقوف دولت)، قالیباف (رئیس مجلس) و محسنی‌اژه‌ای (رئیس قوه قضائیه)

● در جلسه انتخاباتی که چهارشنبه ۱۶ خردادماه با حضور رؤسای قوا و شماری از وزرای جمهوری اسلامی از جمله وزیر اطلاعات در تهران برگزار شد، به داوطلبان نامزدی نمایش انتخابات و حامیان آنها هشدار داده شد که رفتار آنها «با بی‌طرفی کامل و بطور مستمر رصد» می‌شود.

● سران قوا در حالی به داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری اسلامی که هنوز نامزدهای آن مشخص نشده تذکر داده‌اند که یکی از داوطلبان یعنی خود محمداقبر قالیباف رئیس قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی نیز در این جلسه حضور داشت!

● اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در این جلسه توضیح داد، «این وزارتخانه در تلاش است تا با برنامه مخرب معاندین خارج‌نشین برای برهم زدن آرامش روانی جامعه مقابله کند تا مردم بتوانند در یک فضای سالم و به‌دور از مداخله دشمن، انتخاب خود را انجام دهند.»

● وی با اشاره به درگیری نامزدهای انتخابات نمایشی، حامیان درگیری را مصداق «بی‌اخلاقی» خواند و تهدید کرد به «افرادی که رویکرد تخریب‌گرایانه اتخاذ کنند تذکرات لازم داده خواهد شد و در صورت لزوم گزارش آن در اختیار مقام‌های قضائی قرار خواهد گرفت.»

و در این مدت این افراد عزادار نبودند که بشکن‌زنان برای ثبت نام آمدند؟!»

در شرایطی که اکثریت مردم ایران دست‌کم از سیرک انتخابات خرداد ۱۴۰۰ و سپس انتخابات مجلس اسلامی در اسفند ۱۴۰۲ حضور در این نمایش جمهوری اسلامی را تحریم کرده‌اند، حدود ۱۵۱ نفر از سیاسیون و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب همسو با سیاست‌های نظام در بیانیه‌ای که ۱۶ خردادماه منتشر شد از «شهروندان متکثر ایران» درخواست کردند که «برای ایران و بسط تدریجی خیر همگانی» در انتخابات شرکت کنند!

محمدجواد ظریف وزیر سابق خارجه، محمدجواد آذری جهرمی کارمند سابق وزارت اطلاعات و وزیر سابق ارتباطات، ماشالله شمس‌الواعظین (روزنامه‌نگار)، بیژن عبدالکریمی (استاد فلسفه)، مهدی غنی فعال سیاسی ملی مذهبی، محمد قوچانی عضو حزب کارگزاران سازندگی و محمد صادق جوادی حصار (سخنگوی حزب اعتماد ملی) از افرادی هستند که این بیانیه را امضا کرده‌اند.

در این بیانیه ادعا شده راه «کاهش فقر، کاهش نقض حقوق زنان، کاهش افراد بی‌خانمان و بی‌پناه و...» از انتخابات و تشکیل «دولت ملی» می‌گذرد!

واقعیت اما این است که وجه مشترک بسیاری از این چهره‌های تکراری و امضاکندگان این نامه ضدیت با اسرائیل و پهلوی‌ستیزی است.

جمهوری اسلامی در شرایطی خود را برای تعیین جانشین ابراهیم رئیسی آماده می‌کند که اختلاف و مجادله بین جریان‌های مختلف حکومت، علی‌خامنه‌ای را نگران کرده است. در همین ارتباط رهبر جمهوری اسلامی در مراسم سالمرگ خمینی که ۱۴ خردادماه برگزار شد با اشاره به مرگ ابراهیم رئیسی به نامزدهای جانشینی وی توصیه کرد در رقابت‌های انتخاباتی اخلاق حاکم باشد! وی به آنها هشدار داد «بدگویی، تهمت و لجن‌پراکنی کمکی به پیشرفت کار نمی‌کند بلکه به آبروی ملی هم لطمه می‌زند.»

قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی نیز در این جلسه حضور داشت!

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در این جلسه توضیح داد، «این وزارتخانه در تلاش است تا با برنامه مخرب معاندین خارج‌نشین برای برهم زدن آرامش روانی جامعه مقابله کند تا مردم بتوانند در یک فضای سالم و به دور از مداخله دشمن، انتخاب خود را انجام دهند.»

وی با اشاره به درگیری نامزدهای انتخابات نمایشی، حامیان درگیری را مصداق «بی‌اخلاقی» خواند و تهدید کرد «به افرادی که رویکرد تخریب‌گرایانه اتخاذ کنند تذکرات لازم داده خواهد شد و در صورت لزوم گزارش آن در اختیار مقام‌های قضائی قرار خواهد گرفت.»

در این میان جریان اصلاح‌طلب همسو با اصولگرایان تبلیغات گسترده‌ای را برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی آغاز کرده‌اند.

پس از مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳) انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی قرار است هشتم تیر ماه برگزار شود. شماری از اطرافیان ابراهیم رئیسی از جمله مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی و محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز جزو داوطلبان انتخابات نمایشی هستند.

غلامعلی جعفرزاده نماینده سابق مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۱۸ خرداد در مصاحبه با وبسایت «اصلاحات نیوز» با اشاره به سقوط مشکوک هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی گفت که مهرداد بذریاش (وزیر راه و شهرسازی) لحظه آخر سوار هلی‌کوپتر نمی‌شود؛ بعد از دو هفته «بشکن‌زنان» با برنامه برای ثبت‌نام می‌آید!

وی افزود: «فکر می‌کنم آقای رئیسی را خدا دوست داشت که رفت و نماند تا ببیند چه ماهرابی را در آستین خود پرورش می‌داد؛ ماهرای افعی هم هستند. مگر می‌شود اینهمه از وزرای دولت کاندیدای ریاست جمهوری شوند؟ مردم می‌گویند مگر همین دو هفته پیش این اتفاق نیفتاد

در جلسه انتخاباتی که چهارشنبه ۱۶ خردادماه با حضور رؤسای قوا و شماری از وزرای جمهوری اسلامی از جمله وزیر اطلاعات در تهران برگزار شد، به نامزدهای انتخابات و حامیان آنها هشدار داده شد که رفتار آنها «با بی‌طرفی کامل و بطور مستمر رصد» می‌شود.

سران قوا در حالی به داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری اسلامی که هنوز نامزدهای آن مشخص نشده تذکر داده‌اند که یکی از داوطلبان یعنی خود محمداقبر قالیباف رئیس

→ او امروز جمعه ۱۸ خردادماه در برنامه گفتگوی ویژه خبری مدعی شده «اولین ویژگی انتخابات این است که آزاد باشد، یعنی مردم بتوانند به آنکه می‌خواهند رای بدهند و این دستاورد ملت ایران در انقلاب است. قبل از انقلاب کسی در انتخابات شرکت نمی‌کرد و یک نمایشی از انتخابات وجود داشت، پس انتخابات در تراز انقلاب اسلامی انتخاباتی است که می‌بینید عده‌ای در چارچوب قانون اساسی داوطلب می‌شوند و در چارچوب قانون صلاحیت آنها بررسی می‌شود و آزادانه گفتگو و مناظره می‌کنند و مردم هم می‌بینند و رای می‌دهند.»

غلامعلی حداد عادل درباره «سلامت انتخابات» هم گفته «ما هیچوقت در انتخابات تقلب سازمان‌یافته نداشتیم ممکن است تقلب در یک صندوق باشد اما اینگونه نبوده که در نتیجه انتخابات کوچک‌ترین تأثیری داشته باشد.»

احمد جنتی دبیر شورای نگهبان هم در گفتگو با صداوسیما حکومت مدعی شده که «در موضوع تأیید صلاحیت‌ها یک خط مستقیم را انتخاب کردیم و این خط را ادامه می‌دهیم. جرأت نمی‌کنند به شورای نگهبان فشار بیاورند. در بررسی صلاحیت‌ها، نه فشاری است و نه ما تحت تأثیر آنها قرار می‌گیریم.» البته باید اعتراف کرد که درست می‌گوید. نامزد نهایی و گزینش شده از سوی ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی که شورای نگهبان گوش به فرمان و تحت تأثیر اوست، پیشاپیش منصوب شده است.

رسانه‌های داخلی ایران:

فشار جمهوریخواهان و «لابی اسرائیل» برای فعال شدن «مکانیسم ماشه»

● روزنامه «آرمان امروز» در گزارشی که ۱۸ خردادماه منتشر شد با اشاره به اینکه «شرایط لحظه به لحظه برای ایران در حوزه سیاست خارجی در حال سخت‌تر شدن است» هشدار داد که در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه، «تمامی تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران اعمال خواهد شد و عملاً دیگر نمی‌توان با همسایگان نیز تبادل تجاری و اقتصادی داشت».

● در این گزارش عنوان شد با اینکه آمریکا ابتدا مخالف تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران بود اما با پافشاری اروپا و همزمان انتقاد جمهوریخواهان و «لابی اسرائیل» با تصویب این قطعنامه موافقت کرد.

برخی منابع داخلی در ایران عنوان می‌کنند صدور قطعنامه توییحی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی گام‌های نخست برای ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت و فعال شدن «مکانیسم ماشه» است.

روزنامه «آرمان امروز» در گزارشی که ۱۸ خردادماه منتشر شد با اشاره به اینکه «شرایط لحظه به لحظه برای ایران در حوزه سیاست خارجی در حال سخت‌تر شدن است» هشدار داد که در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه، «تمامی تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران اعمال خواهد شد و عملاً دیگر نمی‌توان با همسایگان نیز تبادل تجاری و اقتصادی داشت».

در این گزارش عنوان شده با اینکه آمریکا ابتدا مخالف تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران بود اما با پافشاری اروپا و همزمان انتقاد جمهوریخواهان و «لابی اسرائیل» با تصویب این قطعنامه موافقت کرد.

در بخش پایانی این گزارش، پیش‌بینی شده اروپایی‌ها به دنبال «اعلام مرگ حقوقی و رسمی برجام» هستند اما بعید است که این اتفاق حداقل قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر آینده بیفتد و افزایش قابل توجه تنش هسته‌ای قبل از این تاریخ چندان محتمل نیست و بعد از آن نیز باید منتظر نتایج انتخابات آمریکا ماند و دید که آیا بایدن دوباره انتخاب می‌شود یا ترامپ بار دیگر راهی کاخ سفید خواهد شد.

روزنامه «آرمان امروز» نتیجه گرفته است «در صورت پیروزی ترامپ که تکلیف تا حدودی مشخص است؛ اما در صورت انتخاب دوباره بایدن نیز اگر گشایشی جدی در مذاکرات عمان تا اکتبر ۲۰۲۵ در جهت دستیابی به توافقی دیگر رخ ندهد، احتمال فعال شدن اسنپ یک زیاد است که برخلاف برخی نظرات امکان استفاده از وتو از جانب روسیه و چین برای جلوگیری از آن وجود ندارد».

در همین ارتباط مهدی مطهرنیا استاد علوم سیاسی در تهران، نیز به «خبرآلاین» گفت، «لبه‌های اصطکاک تهران با آژانس فعال‌تر شده است و تروئیکای اروپا در حال زمینه‌سازی برای فعال کردن مکانیسم ماشه هستند».

حدود ۲۵۰ نماینده مجلس در آمریکا تیرماه ۱۴۰۲ طی نامه‌ای از دولت بایدن خواسته بودند تا در همکاری با شرکای اروپایی در صورتی که جمهوری اسلامی به غنی‌سازی ۹۰ درصد رسید تحریم‌های سازمان ملل دوباره اعمال شود اما این درخواست به جایی نرسید. اکنون اقدام سه کشور قدرتمند اروپایی برای فعال کردن احتمالی «مکانیسم ماشه»



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

در صورت انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور بعدی آمریکا از حمایت‌های واشنگتن نیز برخوردار خواهد شد.

فشار سناتورها و نمایندگان جمهوریخواه در کنگره آمریکا به دولت بایدن برای تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام بسیار زیاد بود.

امیدواری دروغین

برخی عوامل امنیتی جمهوری اسلامی معتقدند که اروپا و آمریکا برای صدور قطعنامه علیه ایران برنامه‌ریزی بلندمدت داشتند. علی شمشخانی دبیر سابق شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی و مشاور سیاسی فعلی علی خامنه‌ای در «ایکس» نوشت، «از مذاکرات برجام تا اجلاس اخیر شورای حکام آژانس، آمریکا و تروئیکای اروپایی متناسب با ایفای نقش پلیس خوب و پلیس بد، سعی داشتند با ایجاد امیدواری دروغین در ایران، واکنش‌های کشورمان را در برابر سوء رفتارشان مدیریت کنند. هیچگاه موفق نشدند و نخواهند شد».

شمخانی به عنوان یکی از چهره‌های سرسخت «مخالف برجام» شناخته می‌شود اما بعد از سقوط مشکوک هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان وزیرخارجه جمهوری اسلامی، شایعه شد که وی مسئول پرونده اتمی جمهوری اسلامی شده است.

اخراج بازرسان آژانس

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان تهران» روز ۱۶ خردادماه در مطلبی نوشت، «آمریکا و تروئیکای اروپا با تحلیل «مغز مگسی» خود در این توهم هستند که از قطعنامه یاد شده به عنوان سنگی در پیش پای جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند و از این ماجرا به عنوان عصای زیر بغل نامزدهای غرب‌گرای ریاست جمهوری ایران استفاده کنند.» شریعتمداری توصیه کرده «برای مقابله با این ترفند مستکبرانه غرب، وظیفه‌ای جدی و مؤثر بر عهده دولت محترم است و آن اخراج تمامی بازرسان آژانس از ایران

است.» مقامات جمهوری اسلامی قویاً تأکید می‌کنند که گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره تهدیدات اتمی رژیم بر اساس شواهد و مدارکی بوده که اسرائیل ارائه داده است. بر همین اساس موجی از تهدید همزمان علیه اسرائیل و آژانس از سوی منابع داخلی به راه افتاده است.

خبرگزاری «مهر» در این ارتباط نوشت، «بدون شک اینگونه اقدامات از سوی کشورهای غربی که با سوء استفاده از ساز و کارهای یک نهاد به ظاهر فنی صورت می‌گیرد در چارچوب کلی فشار حداکثری ایالات متحده و تخلیه فشار بی‌سابقه اذهان جهانیان ناشی از حمایت آنها در جنایات رژیم صهیونیستی دارد که بدون شک با واکنش صادق جمهوری اسلامی و سازمان انرژی اتمی در روزهای آینده روبرو خواهد شد.»

در این گزارش احتمالاً «پاسخ صادق» اشاره به عملیات «وعده صادق» دارد که طی آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیش از ۳۵۰ موشک و پهپاد اسرائیل را هدف گرفت ولی برخلاف بزرگنمایی‌هایی که از آن برای مصرف داخلی شد، بیش از ۹۰ درصد پرتابه‌ها توسط اسرائیل و متحدانش در آسمان رهگیری و خنثی شد.

هرچند سیاست‌های کلان اتمی در ایران تحت مدیریت علی خامنه‌ای و سپاه پاسداران است اما بسیاری تحلیلگران معتقدند «ایران اتمی» در واقع کارت بازی ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در مجادله بین‌المللی در برابر غربی‌هاست. از این رو پیش‌بینی می‌شود که در صورت تشدید تنش‌ها میان روسیه و دولت‌های غربی، فشارها از مسکو به تهران برای اقداماتی از جمله کاهش همکاری با آژانس، افزایش سطح غنی‌سازی و حتا رونمایی از سلاح اتمی و همچنین گسترش تنش‌ها در منطقه و کشاندن آشوب به پایتخت‌های اروپایی باشد و به عنوان گزینه‌های جمهوری اسلامی با کمک روس‌ها به کار گرفته شوند که در نهایت به تنش‌ها دامن می‌زنند.

تحویل پوشش اجباری به بیماران لباس مخصوص از ماموگرافی تا کولونوسکوپی!



دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور» انجام شده است.

در بخشی از این ابلاغیه آمده بود «لازم است کلاس‌های درس دانشجویان و دستیاران دختر و پسر در دو ردیف جداگانه تشکیل شود.»

همچنین تأکید شده بود «رعایت حدود شرعی در نگاه و گفتگو با نامحرم و رعایت شئون اخلاقی، اجتماعی و دانشجویی در محیط‌های بالینی بسیار ضروری است. دانشجویان و دستیاران باید از اعمال و رفتار خلاف شئون اسلامی، دانشجویی و اخلاق حرفه ای خودداری کنند.»

در بخشی دیگری از این بخشنامه آمده که استعمال دخانیات، جویدن آدامس، استفاده از ادکلن و عطر و لوازم آرایش با رنگ تند و عینک آفتابی، و زینت آلات مغایر با شرع مقدس اسلام نیز برای دانشجویان علوم پزشکی در محیط دانشگاه و بیمارستان ممنوع اعلام شده است.

این شیوه نامه افزوده که هر گونه پوشش کوتاه یا تنگ، مانتو جلو باز، جنس حریر، تور و یا لباس‌های یقه باز که بدن را نمایان سازد، و استفاده از پیشانی بند، شال، دستمال گردن، کمربند، انگشتر و کیف‌هایی که دارای نقوش و نوشته‌هایی با حروف لاتین و زنده و یا دارای علائم گروه‌های انحرافی، و همچنین کلاه بدون مقنعه و روسری ممنوع است.

همچنین «هرگونه تتو (خالکوبی) صورت (لب، ابرو و چشم) و در نواحی قابل رویت (دست‌ها و صورت و ...) و سوراخ کردن اعضای بدن نظیر حلقه و نگین در بینی» ممنوع اعلام شده است.

این شیوه‌نامه در فعالیت دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی هم دخالت کرده و نوشته که «استفاده از هرگونه پروفایل بدون پوشش و یا پوشش‌های نامناسب در فضای مجازی ممنوع است.»

در ساختمان‌های ستادی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به این وزارتخانه را بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد و ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی طراحی کند.

در دستورالعمل مرتبط با وزارت بهداشت در لایحه حجاب و عفاف آمده «بازنگری، اصلاح، و اجرای دستورالعمل‌های رفتاری و آیین‌نامه نحوه پوشش اساتید، دانشجویان و کارکنان همگن و غیرهمگن (اعم از پزشکان، کارکنان مراکز درمانی و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی و مراکز دانشگاه و مراکز تابعه آن (اعم از بیمارستان، درمانگاه، داروخانه، آزمایشگاه و...) در بخش‌های تشخیص و درمان در خصوص رعایت عفاف و حجاب و اجرای کامل قانون انطباق امور پزشکی و بازنگری و کارآمدسازی شاخص‌ها و مراعات اصول آن در فرآیند اعتباربخشی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی مطابق احکام این قانون.»

در بخش دیگری از شرح وظایف این وزارتخانه آمده «ابلاغ و نظارت بر دستورالعمل‌های اجرایی جهت رعایت عفاف و حجاب و حفظ حریم اخلاقی بیماران و همراهان در محیط‌های آموزشی یا درمانی دولتی و غیردولتی.»

این لایحه همچنین تأکید کرده که «طراحی چیدمان اداری در ساختمان‌های ستادی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به وزارت بهداشت بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد و ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی جز در موارد استثنا که حضور نامحرم در آن‌ها ناگزیر است.»

در پی همین شرح وظایف، وزارت بهداشت شهریورماه سال گذشته «مصادیق پوشش» را بازنگری و برای سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲ به دانشگاه‌ها ابلاغ کرد. وزارت بهداشت اعلام کرد این ابلاغیه «به منظور قانونمندی و استانداردسازی رفتار و پوشش دانشجویان و دستیاران

● برای ۲۳ نوع خدمات در ۱۰ رشته تخصصی پزشکی از جمله لباس اتاق عمل، لباس زیر، شلوار جهت انجام کولونوسکوپی، سونوگرافی کانال رحم، سونوگرافی سینه، ماموگرافی، پیراهن مخصوص شیردهی، مقنعه و لباس‌هایی طراحی شده است.

● بر اساس لایحه حجاب و عفاف وزارت بهداشت باید چیدمان اداری در ساختمان‌های ستادی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به این وزارتخانه را بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد و ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی طراحی کند.

● وزارت بهداشت شهریورماه سال گذشته نیز «مصادیق پوشش» برای دانشجویان را بازنگری و برای سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲ به دانشگاه‌ها ابلاغ کرد.

مسئول دبیرخانه عفاف و حجاب وزارت بهداشت از طراحی لباس‌های مخصوص برای خدمات پزشکی از جمله ماموگرافی، سونوگرافی و کولونوسکوپی خبر داده است. بر اساس اعلام مجید محمدیان مسئول «دبیرخانه انطباق، عفاف و حجاب معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت»، برای ۲۳ نوع خدمات در ۱۰ رشته تخصصی پزشکی از جمله لباس اتاق عمل، لباس زیر، شلوار جهت انجام کولونوسکوپی، سونوگرافی کانال رحمی، سونوگرافی سینه، ماموگرافی، پیراهن مخصوص شیردهی، مقنعه و لباس‌هایی طراحی و دستور استفاده از آنها ابلاغ شده است. او گفته این اقدام برای «حفظ کرامت، حقوق و امنیت روانی بیماران» بوده و مدعی شده بانوان سال‌هاست از نبود پوششی استاندارد برای پوشاندن نقاط مختلف بدن در شماری از خدمات بالینی و تصویر برداری «نگران و گله‌مند» هستند.

مجید محمدیان تأکید کرده با توجه به وجود خدمات مختلفی که در بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی برای انجام بررسی‌های تشخیصی و یا اعمال جراحی وجود دارد، بیماران باید از لباس‌های مخصوصی که با نوع خدمات مربوطه مطابقت دارد، استفاده کنند.

جمهوری اسلامی به بهانه «حجاب» محدودیت‌های گسترده‌ای را در دستور کار قرار داده که از دانش‌آموزان و دانشجویان تا وزارتخانه‌های مختلف ملزم به رعایت آنها هستند. بخش زیادی از محدودیت‌های اجتماعی و اسلامی‌سازی فضای جامعه از طریق «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به «لایحه حجاب و عفاف» صورت می‌گیرد.

این لایحه بیش از یک سال پیش از سوی قوه قضاییه تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت برای تصویب نهایی و قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی رفت اما همچنان بین مجلس و شورای نگهبان در رفت و آمد است. به تازگی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز این لایحه را تأیید کرده است.

اجرای آزمایشی این لایحه از پاییز ۱۴۰۲ به مدت سه سال آغاز شد. در این لایحه وزارتخانه‌ها و نهادها و سازمان‌های مختلف حکومتی وظایفی را برای ترویج فرهنگ حجاب و عفاف بر عهده دارند.

بر اساس این لایحه، وزارت بهداشت باید چیدمان اداری

افزایش موج بازداشت شهروندان در ایران



©گرافیک از کیهان لندن

بدون برخورداری از حق ارتباط با وکیل و خانواده جای سوال و نگرانی دارد.

دکتر حسن باقری‌نیا استاد دانشگاه «حکیم سبزواری» نیز از دیگر شهروندانی است که در روزهای اخیر بازداشت شده است.

دکتر حسن باقری‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه «حکیم سبزواری» که بطور اجباری از طرف دانشگاه، بازنشسته شده است، روز یکشنبه ۱۳ خرداد، پس از مراجعه به شعبه ۲۱۶ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، برای پیگیری شکایت بازگشت به کار، بازداشت شد.

از سوی دیگر روزنامه «تلگراف» از بازداشت نسرين روشن شهروند ایرانی- بریتانیایی به دلیل دیدار با شهبانو فرح پهلوی خبر داد.

روزنامه «تلگراف» روز یکشنبه دوم ژوئن (۱۳ خرداد) گزارش داد، نسرين روشن شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی به «اتهام» دیدار با شهبانو فرح پهلوی و همچنین شرکت در تجمعات مخالفان حکومت در اعتراض علیه قتل حکومتی مهسا امینی که در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی [گشت ارشاد اسلامی] جان باخت، در ایران بازداشت شده است.

آرش آسیابی همسر نسرين روشن گفت که وی «در بریتانیا زندگی می‌کند و ۲۵ سال پیش، بعد از مهاجرت از ایران، تابعیت بریتانیا را گرفت. او برای دیدار با یکی از بستگان که حالش خوب نبود به ایران رفت و وقتی قصد خروج از کشور داشت در فرودگاه بازداشت شد».

این شهروند دوتابعیتی از حدود ۲۰۰ روز پیش در ایران زندانی شده و دوران سه سال حبس خود را در زندان اوین می‌گذراند.

در این ارتباط روزنامه «تلگراف» نوشته است نسرين روشن به همراه یکی از آشنایان خود به نام سارا ←

«رضا بیرنژاد، برادر مهدی بیرنژاد از کشته‌شدگان شهريور ۱۴۰۱، پنج روز پس از آزادی موقت به قید وثیقه مجدداً بازداشت و به زندان قوچان منتقل شد.»

پیشتر رضا بیرنژاد به علت ابراز خوشحالی از مرگ ابراهیم رئیسی در سقوط مشکوک هلی‌کوپتر، بازداشت شده و روز شنبه دوازدهم خردادماه، با وثیقه از زندان قوچان آزاد شده بود. مهدی بیرنژاد، ۲۲ ساله، روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات سراسری بر اثر شلیک مستقیم ماموران در قوچان کشته شد.

حسین شنبه‌زاده مترجم و ویراستار ادبی نیز دیگر شهروندی است که به اتهام «جاسوسی» برای اسرائیل بازداشت شده است.

منابع حکومتی مدعی‌اند شنبه‌زاده «از طریق یکی از شبکه‌های اجتماعی با افسران رده بالای سرویس جاسوسی موساد در ارتباط بوده و تحت پوشش فعالیت ویراستاری اقدام به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز موساد از داخل کشور می‌نموده است!»

خانواده حسین شنبه‌زاده با اشاره به «اتهامات سنگینی» که دادستانی اردبیل علیه او مطرح کرده، گفته‌اند این اتهامات «با توجه به فعالیت حسین با هویت حقیقی‌اش در فضای مجازی قابل توجیه نیست».

عباس برادر حسین شنبه‌زاده بیانیه خانواده را روز چهارشنبه ۱۶ خردادماه در «ایکس» منتشر کرد. در این بیانیه آمده «ادعای متواری شدن حسین نیز قابل توجیه نیست. او از مدت‌ها قبل در شبکه ایکس از قصدش برای سفر به اردبیل سخن گفته بود و حتی تا ساعتی قبل از دستگیری نیز در همین شبکه از شهر اردبیل سخن می‌گفت و از خودش عکس منتشر می‌کرد».

خانواده شنبه‌زاده تأکید کرده‌اند که «انتساب اتهاماتی سنگین به حسین به فاصله کمتر از ۲۴ ساعت از دستگیری،

● موج بازداشت شهروندان ایران در روزهای اخیر به ویژه پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی و همراهانش شدت گرفته است که از جمله می‌توان به بازداشت فرهاد، برادر میلاد زارع، از جانب‌اختگان خیزش ۱۴۰۱ اشاره کرد.

● دکتر حسن باقری‌نیا استاد دانشگاه «حکیم سبزواری» نیز از دیگر شهروندانی است که در روزهای اخیر بازداشت شده است.

● رضا بیرنژاد برادر مهدی بیرنژاد از کشته‌شدگان شهريور ۱۴۰۱ نیز به علت ابراز خوشحالی از مرگ ابراهیم رئیسی در سقوط مشکوک هلی‌کوپتر، بازداشت شده و روز شنبه دوازدهم خردادماه، با وثیقه از زندان قوچان آزاد شده بود، دوباره دستگیر شد.

● مواردی که در این گزارش به آنها اشاره شده فقط بخش کوچکی از دستگیری‌هایی است که رسانه‌ای و عمدتاً از طریق رسانه‌های اجتماعی درباره آنها اطلاع‌رسانی شده است.

موج بازداشت شهروندان ایران در روزهای اخیر به ویژه پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی و همراهانش شدت گرفته است که از جمله می‌توان به بازداشت فرهاد، برادر میلاد زارع، از جانب‌اختگان خیزش ۱۴۰۱ اشاره کرد.

فرهاد زارع شهروند اهل بابل و برادر میلاد زارع از کشته‌شدگان در استان مازندران در اعتراضات ۱۴۰۱، روز ۱۶ خرداد ۱۴۰۳، جهت تحمل یک سال حبس بازداشت و به زندان متی‌کلا بابل منتقل شد.

این شهروند به دلیل دادخواهی برادرش در روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، چندین بار احضار و سرانجام به یک سال زندان محکوم شد.

همچنین فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری یکی دیگر از کشته‌شدگان در جریان جنبش ملی «زن زندگی آزادی» روز پنجشنبه ۱۷ خرداد در شبکه اجتماعی ایکس نوشت:

تلفات مراسم سالمرگ روح‌الله خمینی؛ مرگ یک بسیجی فعال دهه هشتادی «حین مأموریت»



مراسم تشییع جنازه علی رشیدی بسیجی فعال مسجد نارمک تهران

او «بسیجی فعال» و عضو «مسجد نارمک» تهران بود که یکی از اصلی‌ترین کانون‌های تجمع سرکوبگران در شرق تهران است. «بسیجی فعال» به آندسته بسیجیانی گفته می‌شود که پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، سازماندهی شده‌اند و با سپاه پاسداران به صورت مستقیم از جمله در سرکوب شهروندان همکاری می‌کنند.

مراسم تشییع جنازه این بسیجی با حضور شماری از بسیجی‌ها و دانشجویان دانشگاه افسری سپاه پاسداران از «مسجد قائم» نارمک آغاز شد. از مأموریت‌های پایگاه بسیج این مسجد استقرار گشت‌های بازرسی شبانه «محلهور» است. این مراسم با حضور امیر عباسی و وحید مرادی دو مداح چماق به دست حکومت برگزار شد.

تجربه نشان می‌دهد که اعتراضات خیابانی گسترده در محله نارمک و اطراف آن همواره برای جمهوری اسلامی نگران‌کننده بوده است. به همین دلیل بسیجی‌های مساجد نارمک و فرماندهان آنها از خشن‌ترین نیروهای عضو بسیج و سپاه پاسداران و نیروی انتظامی هستند که در مأموریت‌ها از پشتیبانی کلانتری ۱۰۷ نارمک نیز برخوردارند.

اغلب بسیجی‌های نارمک خودشان از ارادل و اوپاشی هستند که حکومت آنها را جذب کرده است. پاسدار بهزاد دبیریان از فرماندهان پایگاه بسیج «شهید بهشتی» این محله بود که انتشار تصاویر او پای بساط تریاک کنار سیخ و دستگاه گاز پیک‌نیک جنجالی شد.

علی رسولی، سالار ناد و افشین کوهی نیز سه عضو پایگاه‌های بسیج نارمک هستند که خرداد ۱۳۸۸ در جریان اعتراضات خیابانی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، یک نوجوان به نام بهنود رضانی را به قتل رساندند. هر سه نفر در شعبه پنج دادگاه نظامی یک تهران به اتهام «قتل شبه‌عمد» به سه سال زندان و پرداخت دیه محکوم شده‌اند.

در جریان جنبش ملی بعد از قتل حکومتی مهسا امینی در سال ۱۴۰۱ نیز نارمک هفته‌ها کانون اعتراضات مردم بود.

● به گزارش منابع داخلی، مراسم تشییع جنازه یک «بسیجی فعال» به نام علی رشیدی عضو مسجد نارمک تهران که در اتوبان منتهی به مقبره روح‌الله خمینی تصادف کرد، روز پنجشنبه ۱۷ خردادماه برگزار شد.

● رشیدی از بسیجی‌های دهه هشتاد و دانشجوی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری «امام حسین» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که به نوشته منابع حکومتی «حین انجام مأموریت بسیج» کشته شد. اما اشاره‌ای به نوع مأموریت وی نشده است.

● بر اساس آنچه شماری از هواداران نظام در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشته‌اند علی رشیدی روز ۱۴ خرداد ماه در سالمرگ روح‌الله خمینی در اتوبان منتهی به مقبره بنیانگذار جمهوری اسلامی تصادف کرد.

● او «بسیجی فعال» عضو «مسجد نارمک» تهران بود که یکی از اصلی‌ترین کانون‌های تجمع سرکوبگران در شرق تهران است. «بسیجی فعال» به آندسته بسیجیانی گفته می‌شود که پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، سازماندهی شده‌اند و با سپاه پاسداران به صورت مستقیم از جمله در سرکوب اعتراضات مردم همکاری می‌کنند.

به گزارش منابع داخلی مراسم تشییع جنازه یک «بسیجی فعال» به نام علی رشیدی عضو مسجد نارمک تهران که در اتوبان منتهی به مقبره روح‌الله خمینی تصادف کرد، روز پنجشنبه ۱۷ خردادماه برگزار شد.

وی از بسیجی‌های دهه هشتاد و دانشجوی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری «امام حسین» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که به نوشته منابع حکومتی «حین انجام مأموریت بسیج» کشته شد. اما اشاره‌ای به نوع مأموریت وی نشده است.

بر اساس آنچه شماری از هواداران نظام در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشته‌اند، علی رشیدی روز ۱۴ خردادماه در سالمرگ روح‌الله خمینی در اتوبان منتهی به مقبره بنیانگذار جمهوری اسلامی تصادف کرد.

→ تیریزی (۲۱ ساله)، در نوامبر گذشته در فرودگاه «خمینی» تهران بازداشت شد. سارا تیریزی با قرار وثیقه آزاد شده بود اما چند روز بعد از آزادی به دلیلی نامعلوم درگذشت!

اینهمه در حالیست که حکومت پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی و همراهانش در سانحه بالگرد در حال تقلا برای شناسایی شهروندانیست که از مرگ او خوشحال‌اند! در روزهای پس از سقوط مشکوک هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و همراهانش، گزارش‌های زیادی مبنی بر تهدید، فشار و دستگیری شهروندانی که در این رابطه اقدام به انتشار مطالبی در فضای مجازی کرده‌اند و یا به ابراز شادمانی پرداخته‌اند، منتشر شد.

فشارهای امنیتی در ارتباط با کشته شدن ابراهیم رئیسی و همراهانش تنها به کاربران شبکه‌های اجتماعی محدود نمی‌شود، در همین ارتباط، رستورانی در قم نیز به علت آنچه «توهین به شهدای خدمت ورنجش خانواده شهدا» عنوان شده پلمپ شده است.

بیشتر شهروندان ایرانی با شادی یا سکوت، انزجار و بی‌تفاوتی خود را نسبت به مرگ ابراهیم رئیسی و دیگر مقامات رژیم نشان می‌دهند. با اینهمه حکومت تمام تلاش خود را به کار برده تا مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی و همراهانش را پرجمعیت جلوه دهد تا اینکه روز گذشته رسانه‌های خود حکومت خبر دادند که هزاران نفر از شرکت‌کنندگان در این مراسم از «فاطمیون» و خانواده‌های افغانستانی ساکن ایران بوده‌اند.

در ادامه بازداشت‌های پس از سقوط هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی، سودابه وهابی شهروند اهل چالوس به علت پخش شیرینی در روز مرگ رئیسی بازداشت شد. زانا حسن‌زاده زیر معترض بوکانی نیز در دوم خرداد ۱۴۰۳ در پی انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش در واکنش به مرگ رئیسی و همچنین پرونده‌سازی‌های امنیتی از قبل، بازداشت شد و از آن روز تا کنون از سرنوشت او هیچ اطلاعی در دست نیست.

هه‌تاو اکرمی از دادخواهان جریان خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ نیز پس از بازگشت به ایران بازداشت شد. حوالی ظهر روز جمعه ۱۱ خرداد۱۴۰۳، هه‌تاو اکرمی از اعضای خانواده مهران اکرمی، از جانب‌اختگان خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ با توسل به خشونت از سوی نیروهای امنیتی در بوکان بازداشت شد.

به‌گفته یک منبع مطلع به «گردپا»، مهران اکرمی دخترعموی مهران اکرمی، زندانی جانب‌اخته خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ بوده است. او در خارج کشور سکونت داشته و جهت شرکت در مراسم عروسی بستگان خود به بوکان بازگشته بود. اما به‌دلیل فعالیت در فضای مجازی، انتشار پست‌های انتقادی از حکومت در اینستاگرام و دادخواهی پسرعمویش پس از بازگشت به ایران بازداشت شد.

همچنین در روز جمعه یازدهم خرداد یک شهروند به نام «حمیدرضا اروانه» ۲۵ ساله اهل ایلام از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. در تهران نیز هوشمند مرادی شهروند گرد اهل تکاب و ساکن تهران از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ روز شنبه، پنجم خرداد ۱۴۰۳، توسط نیروهای امنیتی در منزل خانوادگی خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

مورادی که در این گزارش به آنها اشاره شده فقط بخش کوچکی از دستگیری‌هایی است که رسانه‌ای و عمدتاً از طریق رسانه‌های اجتماعی درباره آنها اطلاع‌رسانی شده است.

جلوهای فقر و فلاکت در ایران از افزایش شمار زنان دستفروش تا رواج پدیده «پشت‌بام‌خوابی»



تورم و فقر دست به گریبان است نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم معیشت خود را به خاطر قوانین تعطیل کنند. هرچه باشد به قول بسیاری از دستفروش‌ها این کار بهتر از بالا رفتن از دیوار مردم است.»

پرویز براتی معتقد است که «روی آوردن به دستفروشی دلایل بسیاری دارد اما زنان میانسالی که تنها خانه‌داری و فرزندداری را به‌خوبی یاد گرفته‌اند و فرصت آموزش و تحصیل نداشته‌اند حالا که مجبورند به معیشت خانواده کمک کنند، کار دیگری جز دستفروشی پیدا نمی‌کنند.»

او همچنین سیاست‌های جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت و فرزندآوری را مورد اشاره قرار داده و گفته «از طرفی قانون جوانی جمعیت تصویب می‌کنیم و از طرف دیگر می‌بینیم که به دلیل شرایط حاکم بر جامعه، هر روز شمار زیادی از جوانان که پتانسیل فرزندآوری دارند از کشور مهاجرت می‌کنند. وقتی دختران جوان برای تامین مخارج دانشگاه خود مجبورند در مترو دستفروشی کنند، وقتی زنان برای کمک به معیشت خانواده مجبورند پایه‌پای همسر خود در خارج از خانه کار کنند، رسیدن به رویای جوانی جمعیت با تصویب قانون و صدور ابلاغیه رویایی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.»

اشتغال در مشاغل کاذب تنها یکی از جلوه‌های افزایش فقر در ایران است. گزارش‌ها از رواج دیگر پدیده‌هایی حکایت دارد که هر کدام ناشی از فقر و فلاکت گسترده شده در جامعه ایران به دلیل سیاست‌های ناکارآمد جمهوری اسلامی است.

وبسایت «بهداشت نیوز» در گزارشی به رواج اجاره پشت‌بام اشاره کرده و نوشته این روزها با افزایش نرخ اجاره و رهن مسکن شاهد پدیده‌ای جدید در جامعه به نام پشت‌بام‌های اجاره‌ای هستیم.

اجاره پشت‌بام به صورت شبانه، هفتگی و ماهانه انجام می‌شود. غالب افرادی که پشت‌بام اجاره می‌کنند، از پشت‌بام‌ها فقط برای محل خواب شبانه استفاده می‌کنند. قیمت اجاره پشت‌بام در تهران حدود شصت و دو هزار تومان به بالا است.

بسیاری از متقاضیان اجاره پشت‌بام، خانوارهایی

● زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار، به دلیل نداشتن فرصت‌های شغلی برابر با مردان، به مشاغل کاذب روی آورده و در ادامه چنین روندی شمار زنان دستفروش در معابر عمومی و متروها رو به افزایش است.

● پرویز براتی جامعه‌شناس: وقتی دختران جوان برای تامین مخارج دانشگاه خود مجبورند در مترو دستفروشی کنند، وقتی زنان برای کمک به معیشت خانواده مجبورند پایه‌پای همسر خود در خارج از خانه کار کنند، رسیدن به رویای جوانی جمعیت دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.

● بسیاری از متقاضیان اجاره پشت‌بام، خانوارهایی هستند که به دلیل افزایش قیمت اجاره‌بها توان پرداخت اجاره خانه را ندارند و شب‌ها در پشت‌بام اجاره‌ای می‌خوابند و روزها در سطح شهر و پارک‌ها سرگردان هستند.

فشارهای تورمی در سال جدید با افزایش فقر و دستفروشی و رواج بیش از پیش پدیده‌هایی چون «پشت‌بام‌های اجاره‌ای» نمایان شده است.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی به افزایش دستفروشی از سوی زنان پرداخته و نوشته زمانی مردم فقط به دیدن مردان دستفروش با سن و سال بالا که سیگار و چسب و فندک می‌فروختند عادت داشتند اما حالا دختران جوان هم به جرگه دستفروشان پیوسته‌اند. از فروش کتاب در پمپ بنزین گرفته تا دستفروشی در کنار خیابان و مترو.

آمارهای مرتبط با نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ اشتغال در کشور نشان می‌دهد نرخ بیکاری در میان زنان دو برابر مردان است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران درباره وضعیت نیروی انسانی کشور در سال گذشته، نرخ بیکاری جمعیت ۱۸ ساله و بیشتر برای زنان ۲۷/۸ درصد و برای مردان ۱۳/۵ درصد بود.

در چنین شرایطی طبیعی است زنان به ویژه زنان سرپرست



بسیاری از متقاضیان اجاره پشت‌بام، خانوارهایی

یازدهمین فستیوال فیلم ایرانی در کلن



ویدئو

به عنوان یکی از عوامل فیلم حضور یابد و در پایان فیلم با مسئولین فستیوال و تماشاگران گفتگو کند. فیلم دوم و آخرین فیلم شب نخست فستیوال فیلمی به نام «چرا گریه نمی‌کنی» به کارگردانی علیرضا معتمدی بود که خود او به همراه باران کوثری، هانیه توسلی، علی مصفا و مانی حقیقی در آن نقش ایفا کردند. اختر قاسمی گزارشی درباره این جشنواره تهیه کرده است.

پنجشنبه ۶ ژوئن ۲۰۲۴ یازدهمین فستیوال فیلم ایرانی در شهر کلن با نمایش فیلم «کیک محبوب من» کاری از مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها ساکن ایران آغاز به کار کرد. کارگردانان این فیلم ممنوع‌الخروج هستند و در هیچیک از نمایش‌های بین‌المللی از جمله در کلن نتوانستند حضور داشته باشند. بازیگر اصلی فیلم، لیلی فرهادپور توانست در آخرین روز

پایان فستیوال فیلم‌های ایرانی در کلن



ویدئو

کارگردانان ایرانی به دلیل ممنوع‌الخروجی نتوانست در جشنواره حضور داشته باشد. اختر قاسمی در گفتگو با امین فرزانه فر مدیر ایرانی-آلمانی این جشنواره و همچنین محمود بهرازی نیا با مستند سهراب شهیدثالث گزارشی از پایان این جشنواره تهیه کرده است.

یازدهمین فستیوال فیلم‌های ایرانی در کلن روز یکشنبه ۹ ژوئن پس از نمایش سه مستند با نمایش فیلم «منطقه بحرانی» از علی احمدزاده که سال گذشته در جشنواره بین‌المللی لورکارنو برنده جایزه پلنگ طلایی شد، پس از چهار روز به کار خود پایان داد. کارگردان فیلم مانند دیگر

هستند که به دلیل افزایش قیمت اجاره‌بها توان پرداخت اجاره خانه را ندارند و شب‌ها در پشت‌بام اجاره‌ای می‌خوابند و روزها در سطح شهر و پارک‌ها سرگردان هستند. شمار مستأجران بی‌خانمان شده در سالهای اخیر به حدی افزایش پیدا کرده که پدیده‌ها مشاغل جدیدی نیز در این رابطه ایجاد شده که اجاره دادن پشت‌بام تنها یکی از آنهاست. بسیاری از مستأجرانی که دیگر توان پرداخت اجاره‌بها را ندارند وسائل خانه‌شان را در کانتینر انبار کرده و خودشان سرگردان خانه اقوام، پشت‌بام‌ها و چادرها و پارک‌ها می‌شوند.

در این میان اجاره کانتینتر و راه‌اندازی شهرک‌های کانتینتری در اطراف کلانشهرها نیز باب شده و سایت‌های آنلاین و حتی املاک، مملو از آگهی‌های اجاره کانتینر است. روزنامه اینترنتی «فراز» سال گذشته در گزارشی به اجاره کانتینر از سوی مستأجران پرداخته و نوشته بود تقاضای خانوارهای تهرانی برای انبار اثاثیه منزل‌شان به قدری افزایش پیدا کرده که پیدا کردن کانتینرهای خالی را با مشکل مواجه کرده است.

یکی از انبارداران اطراف تهران به «فراز» گفته بود که بسیاری از خانواده‌ها، اثاث منزل‌شان را با قراردادهای یک‌ساله و دوساله در کانتینرها انبار می‌کردند اما پس از پرداخت کرایه ماه اول، دیگر خبری از پرداخت‌های بعدی نبود. یعنی در واقع، خانواده‌ها به حاشیه‌رانده شده یا ناچار به مهاجرت، پس از کوچ اجباری قید وسایل و اثاثیه منزل‌شان را می‌زنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تازگی در گزارشی درباره «ابرجالش مسکن» این پرسش را مطرح کرده «آیا با عرضه مسکن می‌توان مشکل گروه‌های کم‌درآمد و اقشار کم‌برخوردار را در این زمینه حل کرد؟»

این مرکز معتقد است که استطاعت خانوارهای کم‌درآمد در سطحی است که با تسهیلات بانکی هم امکان ورود به بازار مسکن برایشان فراهم نخواهد شد. در این گزارش توان تملک خانوارهای شهری ۵ دهک نخست درآمدی، زیر ۵۰ مترمربع اعلام شده است.

گزارش مربوطه نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ زمان تقریبی انتظار برای خرید خانه در اقشار کم‌درآمد ۱۲۳/۵ سال بوده است. با توجه به افزایش تورم در بازار مسکن طی دو سال گذشته، رقم انتظار برای خانه‌دار شدن در اقشار کم‌درآمد به بیش از یک و نیم قرن رسیده است!

در حالی که خرید خانه برای دهک‌های پایین درآمدی به رویایی دست نیافتنی تبدیل شده، حتی تأمین اجاره‌بهای مسکن نیز برای اقشار کم‌درآمد امکان‌پذیر نیست.

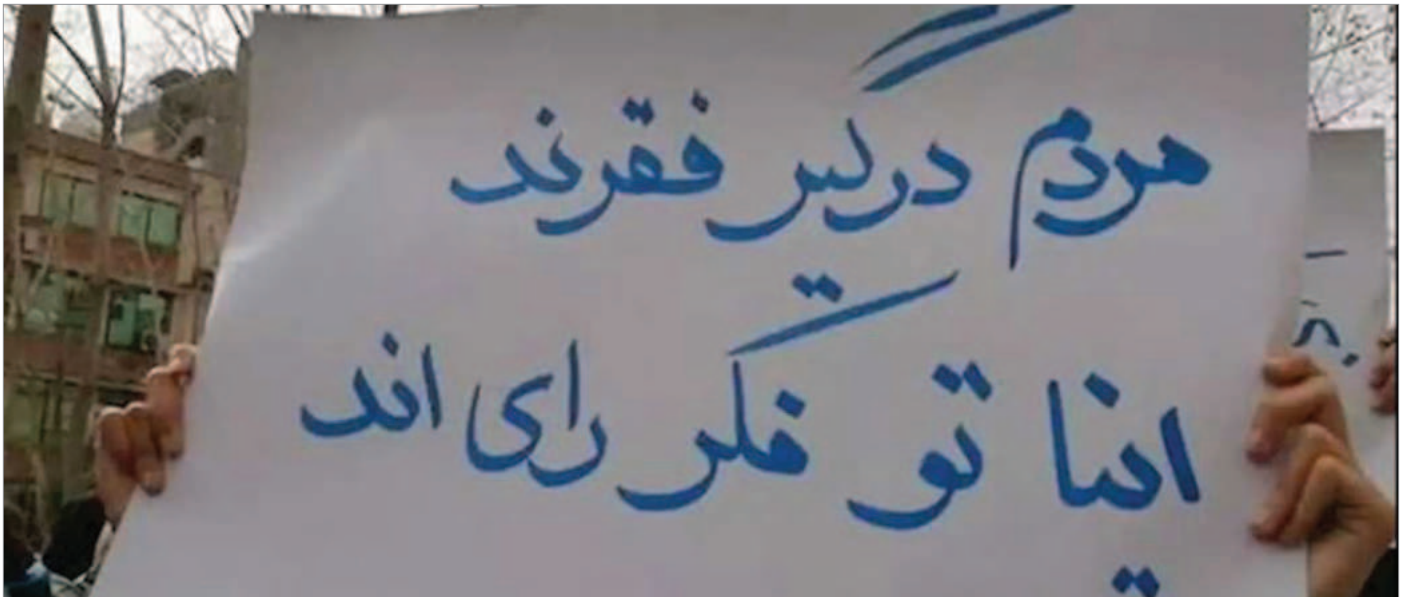
آمارها از افزایش حدود ۵۰ درصدی اجاره‌بهای مسکن در یک سال حکایت دارد اما گزارش‌های میدانی بر دو برابر شدن رقم اجاره خانه در محلات مختلف کلانشهرها تأکید دارد.

مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچوقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

ابوالفضل نوروزی مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی بطور میانگین حدود ۳۱ درصد از مردم ایران مستأجر و بقیه مالک‌اند و ۸ درصد هم در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند و در شهر تهران ۵۱ درصد شهروندان مستأجران هستند.

این آمارها به این معناست که یک سوم از جمعیت کشور و بیش از نیمی از جمعیت تهران برای تأمین هزینه اجاره‌بها با مشکلاتی جدید روبرو هستند.

نامی که از صندوق رأی بیرون می‌آید نباید با خامنه‌ای «تعارض دیدگاه» داشته باشد!



که هوشمندانه و منصفانه است، احتمالاً نیم‌نگاهی هم به محبوبیت و پایگاه اجتماعی ساخته شده توسط رئیس جمهور شهید دارد. این نه تنها عیب نیست، بلکه حسن هم هست که نامزدها بگویند می‌خواهند راه موفقیت‌های شهید رئیسی را ادامه دهند؛ اما لازمه این کار، برائت از سیاست‌گذاران و مدیرانی است که مسیر پیشرفت درون‌زا را به سمت بیراهه طراحی شده از سوی غرب هدایت کرده و دولت را در موقعیتی سنگلاخ بلکه باتلاقی، تحویل آقای رئیسی دادند؛ و با اینهمه تقوا و تدبیر آن شهید، بر بخش مهمی از این سوء تدبیرهای عجیب چیره شد.

روزنامه «کیهان» در ادامه‌ی تخیلات خود درباره موفقیت‌های کمتر از سه سال دولت ابراهیم رئیسی همچنین نوشته «ناباید به سمت و سوی رویکرد و راه رئیسی راهنما زد اما به طرف مدیریت طیف اشرافی غربگرا که کشور را به قهقرای اقتصادی کشاند چرخید. نامزدهای ریاست جمهوری باید همدلی و شکوه حضور مردم در تشییع شهید رئیسی و قدرشناسی آنان از شخصیت و خدمات رئیس جمهور انقلابی را پاس بدارند و خط انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را که شهید رئیسی دنبال می‌کرد، تداوم بخشند.»

حسین شریعتمداری مدیرمسئول «کیهان» نیز بر مسعود پزشکیان تاخته و در مطلبی به قلم خودش نوشته «آقای پزشکیان، نامزد جبهه اصلاحات برای ریاست جمهوری چهاردهم در اولین مصاحبه تلویزیونی خود به گونه‌ای تلویحی بر ادامه راه دولت کنونی تأکید کردند ولی این سخن جناب ایشان با دیدگاه و روش و منش سیاسی کسانی که در ستاد انتخاباتی خود به کار گرفته‌اند نه فقط همخوانی ندارد، بلکه در نقطه مقابل آن قرار داشته و متضاد نیز هست! آقای پزشکیان چگونه می‌خواهند با همراهی فلان جریان سیاسی و کسانی که بیشترین جفا و مخالفت آشکار با شهید رئیسی را داشته‌اند، ادامه‌دهنده راه آن شهید مظلوم باشند؟ آیا این نکات روشن و بی‌ابهام از نگاه توده‌های دوستدار رئیسی پنهان مانده است و یا پنهان می‌ماند؟!»

روزنامه «جوان» از دیگر رسانه‌های اصولگرا از

افراد، محمود احمدی‌نژاد، در این دوره از انتخابات داوطلب شرکت شد اما صلاحیت او از سوی شورای نگهبان تأیید نشد. چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی قرار است روز جمعه هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود. در این انتخابات زودهنگام که در پی مرگ ابراهیم رئیسی و توسط دولت و وزارت کشور وی برگزار می‌شود، شش نامزد شامل امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی و مصطفی پورمحمدی حضور دارند.

به نظر نمی‌رسد هیچک از شش نفری که نامزد این انتخابات هستند و از میان ۸۰ داوطلب تأیید صلاحیت شده‌اند، اختلافی با مسیر خامنه‌ای داشته باشند. جدا از پنج نامزد اصولگرا، مسعود پزشکیان به عنوان تنها اصلاح‌طلب حاضر در این جمع شش نفره بیش از دیگر نامزدها ابراز ارادت و همسویی با مسیر تعیین شده از سوی خامنه‌ای کرده است. او تأکید کرده که «قرار نیست مسیر را عوض کنیم» و بر ایستادن در سیاست‌های کلی طراحی شده از سوی علی خامنه‌ای تأکید کرده است.

نامزد اصلاح‌طلب افزوده «در حال حاضر که صحبت می‌کنیم اگر برنامه‌ای یا چشم‌اندازی که رهبری مشخص کردند و قرار بوده ما اول شویم و فقر را از بین ببریم، معطل مانده است، اینها نشان می‌دهد که ما در اجرا نتوانستیم هدف‌ها و سیاست‌ها را پیاده کنیم.» مسعود پزشکیان در تأکیدی چندباره گفته «اگر روزی ما سیستم اجرایی را در اختیار داشته باشیم قطعاً اولویت ما رفتن به طرف سیاست‌های کلی و اجرای برنامه‌هایی است که ما را به آنجا برساند.»

او همچنین با اشاره به برنامه هفتم توسعه که توسط دولت رئیسی طراحی شده بود گفته در صورت پیروزی در انتخابات سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی رئیسی را هم ادامه خواهد داد. میزان همسویی مسعود پزشکیان با رهبر جمهوری اسلامی و دولت ابراهیم رئیسی حتی باعث واکنش روزنامه «کیهان» چاپ تهران شده است: «این سخنان در عین حال

● سرلشکر پاسدار یحیی رحیم صفوی هم‌امی دستیار و مشاور عالی رهبر جمهوری اسلامی: مردم رئیس جمهوری را انتخاب کنند که دیدگاه‌های او تعارضی با دیدگاه‌های رهبر انقلاب نداشته باشد و خود را نفر دوم بداند.

● مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری بیش از دیگر نامزدها ابراز ارادت و همسویی با مسیر تعیین شده از سوی خامنه‌ای کرده است.

● احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب با تردید نسبت به حمایت از مسعود پزشکیان، معتقد است باید مشخص شود چرا او تأیید صلاحیت شده است.

سرلشکر پاسدار سیدیحیی صفوی هم‌امی معروف به «رحیم‌صفوین دستیار و مشاور عالی رهبر جمهوری اسلامی با صراحت از شرکت‌کنندگان در غایب انتخابات هشتم تیر خواسته فردی را «انتخاب» کنند که با رهبر حکومت «تعارض» دیدگاه نداشته باشد.

سرلشکر پاسدار یحیی رحیم‌صفوی مشاور عالی «فرمانده کل قوا» در مراسمی با عنوان «نهضت خاطره‌گویی دفاع مقدس» گفته «مردم رئیس جمهوری را انتخاب کنند که دیدگاه‌های او تعارضی با دیدگاه‌های رهبر انقلاب نداشته باشد و خود را نفر دوم بداند.»

او در ادامه گفته «ما یک رئیس حکومت داریم یک رئیس دولت که بین این دو فرق قائل هستیم. رئیس قوه مجریه باید خود را نفر دوم بداند؛ اگر بگوید آقا این را می‌گوید من این را می‌گویم این باعث مشکلات در کشور می‌شود.» دستیار و مشاور علی خامنه‌ای تأکید کرده که «رئیس جمهور باید از دو قطبی‌سازی جامعه جلوگیری کند» و «ناباید دو قطبی ایجاد کند.»

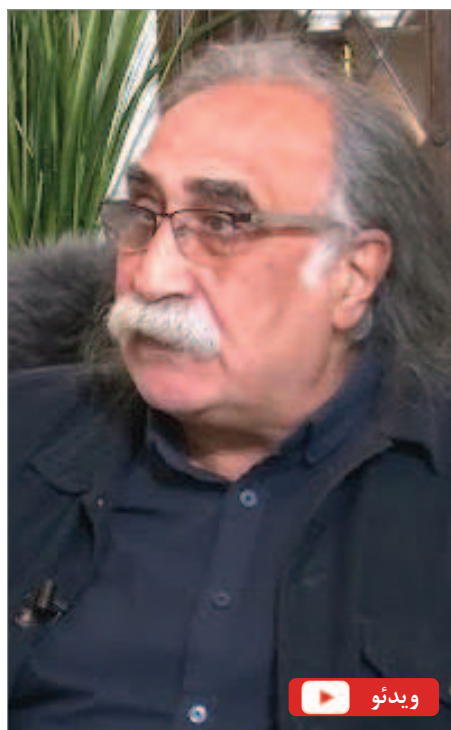
تأکید بر همسویی فردی که نامش از صندوق رأی حکومت به عنوان رئیس دولت چهاردهم بیرون می‌آید با علی خامنه‌ای با توجه به مواضع و عملکرد محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی با رهبر جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. این در حالیست که یکی از این

هوش مصنوعی در غزه تروریست شکار می‌کند



و یا خود «اقدام» می‌کند. امروزه هوش‌های مصنوعی به پیشرفتی چشمگیر رسیده و نه تنها توانایی یادگیری به آنها افزوده شده، بلکه با ذکاوتی که دارند کار را هم تمام می‌کنند. نرم‌افزار فتوشاپ این روزها یک کادر خالی را تبدیل به تصویری زیبا می‌کند. اما اگر به جای ساختن عکسی خیالی، دست هوش مصنوعی روی ماشه اسلحه برود چه؟ پلیتیکو در مارس ۲۰۲۴ در گزارشی خبر از فشار روی اسرائیل برای استفاده از هوش مصنوعی در غزه داد.

هوش مصنوعی یا AI مخفف Artificial intelligence در واقع قدرت اندیشه، تحلیل داده و تصمیم‌گیری توسط کامپیوتر است. سال‌هاست که شرکت‌های تکنولوژی از هوش مصنوعی در نرم‌افزارها بهره می‌برند. مانند گوگل، الکسای آمازون و سیری اپل که دستیار آدم‌ها در خانه شده‌اند. هوش مصنوعی بر مبنای بانک اطلاعاتی که دارد یا به آن دسترسی دارد پاسخ‌ها را جستجو و نتیجه را یا اعلام می‌کند



م. سحر: جنبش مشروطه مفاهیم سیاسی و اجتماعی را وارد شعر کرد

لندن در روزهای گذشته میزبان محمود جلالی چیمه، شاعر پرکار ایرانی ساکن پاریس بود که با نام م. سحر شهرت دارد. کانون فرهنگی پارس (کانون ایران سابق) از این شاعر دعوت کرده بود تا در کتابخانه مرکزی کنزینگتون لندن در رابطه با شعر و شعرای ایرانی از مشروطیت تا امروز سخن بگوید.

از این شاعر و نویسنده کتاب‌های بسیاری در چهار دهه اخیر منتشر شده است. برخی چون «نیشگونیا» یا «حزب توده در بارگاه خلیفه» به زبان طنز سروده و نوشته شده‌اند. «ترانه‌های سحر»، «شبنامه‌ها» و «غزلواره‌ها» برخی از اشعار او را در بر می‌گیرند. این شاعر و نویسنده

رویکردهای مسعود پزشک‌یان اصلاح‌طلب ابراز رضایت کرده و نوشته «نامزد رسمی اصلاح‌طلبان در چارچوب قواعد سیاسی و اخلاقی نظام سخن می‌گوید. این رویکرد، اصلاح‌طلبان را عصبانی کرده است، زیرا از دو حالت خارج نیست؛ یا رئیس‌جمهور می‌شود که در اینصورت رأی‌دهندگان، چارچوب‌بندی او را در خاطر دارند و از او مطالبه می‌کنند و او نیز به احتمال زیاد چنین می‌کند، پس دیگر رئیس‌جمهور اصلاح‌طلبان نیست! یا شکست می‌خورد که در اینصورت گفته می‌شود اصلاحات فاقد پایگاه رأی بود و شکست خورد و این یعنی مرگ مفا‌جای [ناگهانی] اصلاحات!»

به نظر می‌رسد در میان خود اصلاح‌طلبان برای حمایت از مسعود پزشک‌یان اختلاف نظر وجود دارد. «جبهه اصلاحات» پیش از اعلام نتایج تأیید صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان اعلام کرد از نامزدی مسعود پزشک‌یان، عباس آخوندی و اسحاق جهانگیری حمایت خواهد کرد.

برخی احزاب و چهره‌های اصلاح‌طلب نیز بعد از مشخص شدن نام مسعود پزشک‌یان به عنوان یکی از شش داوطلب تأیید صلاحیت شده، از او حمایت کردند. محسن هاشمی فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی روز گذشته از آنچه «ستاد مردمی مسعود پزشک‌یان» عنوان شده بازدید کرد. حزب «اعتماد ملی» هم با صدور بیانیه‌ای از مسعود پزشک‌یان حمایت کرد و از مردم خواست «برای برون‌رفت از وضع موجود» در انتخابات شرکت کنند. این بیانیه توضیح نداده وقتی وضع موجود نتیجه عملکرد خواسته‌های رهبر جمهوری اسلامی و دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرای پیشین است، و مسعود پزشک‌یان نیز با صراحت خود را در همان مسیر رهبر خوانده، دقیقاً قرار است کدام «وضع موجود» را تغییر دهد؟!

در آنسوا ما برخی اصلاح‌طلبان دیدگاه‌های غیرحمایتی مطرح کرده‌اند. احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب معتقد است باید مشخص شود چرا پزشک‌یان تأیید صلاحیت شد؟ او نوشته «مهمترین پرسش در مورد انتخابات جاری این است که دکتر مسعود پزشک‌یان مشخصاً به چه دلیل از طرف شورای نگهبان تأیید صلاحیت شده است؟ آیا صرفاً به امید بالابردن نرخ مشارکت در انتخابات بدون درنظر گرفتن تبعات پیروزی احتمالی‌اش؟ یا آمادگی برای همراهی و همکاری با دولت او در جهت اصلاح وضع موجود؟»

زیدآبادی مشخص کرده که هنوز برای حمایت از پزشک‌یان به جمع‌بندی نرسیده و نوشته «به نظرم بدون روشن شدن این دو مطلب نمی‌توان تصمیم قابل دفاعی درباره حمایت یا عدم‌حمایت از آقای پزشک‌یان گرفت.» او در مطلب دیگری که در کانال تلگرامی‌اش منتشر شده نوشته «الگوی انتخاباتی دکتر مسعود پزشک‌یان به نظرم متفاوت از الگوهای تجربه‌شده از سوی اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌ها در انتخابات‌های گذشته است. او به‌خصوص قصد تکرار شیوه حسن روحانی را ندارد. رفتار آقای روحانی نوعی مقابله‌جویی پنهان و آشکار با کانون‌های اصلی قدرت تعبیر و تفسیر می‌شد. ظاهراً آقای پزشک‌یان آن الگو را شکست‌خورده و ناکارآمد می‌داند و مسیر خود را از طریق جلب اعتماد و همکاری در سطوح مختلف قدرت دنبال می‌کند. این الگو طبعاً ادبیات مخصوص به خود را دارد و از همین رو، افراد مشتاق بالا گرفتن منازعه سیاسی بین کاندیدای ریاست جمهوری و دیگر ارکان نظام را مایوس می‌کند.»

احمد زیدآبادی در ادامه نوشته «در مجموع، به نظر می‌رسد که نه آقای پزشک‌یان در پی رأی گرفتن از این بخش از شهروندان است و نه چنین شهروندانی با ادبیات مورد استفاده آقای پزشک‌یان به نفع او پای صندوق رأی حاضر می‌شوند. از این رو، لازم است هر دو طرف انتظار خود را از همدیگر تعدیل کنند و به دام طمع خام نیفتند.»

پژوهش‌هایی نیز چون «درباره شعر مشروطیت ایران» در کارنامه خود دارد. احمد رأفت گفتگوئی با م. سحر در لندن انجام داده است.

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی: از حدود سالانه ۷۰ هزار جسد ورودی به پزشکی قانونی ۵ درصد مجهول‌الهویه هستند

شامل اتباع خارجی هستند که بدون هیچ هویتی داخل ایران زندگی می‌کنند گفت: «حدود ۹۵ درصد از پرونده‌های فقدانی تعیین تکلیف می‌شود و فقط ۵ درصد بلا تکلیف می‌ماند و جزو اجساد مجهول‌الهویه هستند.»

در همین ارتباط مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران در تیرماه ۱۴۰۲ به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «بر اساس توافقی که با مراجع قضایی صورت گرفته حداکثر تا یک ماه این اجساد را نگهداری می‌کنیم، اگر در طول یک ماه بستگان آنها از طریق مراجع قضایی به ما معرفی شوند، فرآیند تشخیص هویت بر اساس اطلاعاتی که از جسد گرفته می‌شود بر روی این افراد صورت می‌گیرد و چنانچه فرد شناسایی شد با دستور مقام قضایی به خانواده متوفی تحویل داده می‌شود و در صورت عدم شناسایی نیز بعد از یکماه با مکاتبه با مرجع قضایی، با در نظر گرفتن شرایط خاصی مجوز دفن این اجساد در بهشت زهرا اخذ می‌شود.»

نیمی از معلولانی که نگهداری می‌شوند نیز مجهول‌الهویه هستند. مدیرعامل موسسه خیریه یاوران معلولین نارمک در گفتگویی که ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ با خبرگزاری ایلنا داشت توضیح داده بود: «همه افراد مجهول‌الهویه‌ای که در این مرکز نگهداری می‌شوند از طریق بهزیستی به ما معرفی می‌شوند. البته فرد دارای معلولیتی که جلوی در رها شود هم داشته‌ایم، اما ما مجاز نیستیم که این فرد را به داخل مرکز بیاوریم و باید ابتدا با نیروی انتظامی تماس گرفته و این فرد با دستور قضایی و ستاد پذیرش بهزیستی به عنوان فرد مجهول‌الهویه به یک مرکز نگهداری معرفی می‌شود.»

پیشتر معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی استان تهران در آبان سال گذشته از حضور حدود ۵ هزار نفر سالمند مجهول‌الهویه در خانه سالمندان تهران خبر داده بود که به صورت شبانه‌روزی در این مرکز زندگی می‌کنند.

از سوی دیگر در سال گذشته یک مقام مسئول در سازمان بهزیستی نیز از افزایش آمار افراد مجهول‌الهویه یا رها شده در خیابان خبر داده بود.

فاطمه عباسی افراد مجهول‌الهویه یا رها شده را بیشتر سالمندان یا بیماران روانی معرفی کرده بود که «برخی خانواده‌ها که دیگر توان نگهداری این افراد را ندارند، آنها را در خیابان رها می‌کنند.»

وی با اشاره به اینکه تعداد بیماران روانی در بین افراد مجهول‌الهویه زیاده‌تر شده تاکید کرده بود که این افراد اغلب از دهک‌های پایین جامعه هستند و چون حمایتی از این افراد نمی‌شود و امکان بستری در بیمارستان‌های روانی وجود ندارد توسط خانواده رها می‌شوند.

روزنامه «هم‌میهن» نیز در ۲۲ اردیبهشت ماه به نقل از نرگس آزادی فعال حوزه افراد اوتیستیک نیز از تکرار مداوم گم شدن افراد دارای معلولیت و افراد مبتلا به اوتیسم خبر داد و نوشت: «بعضی از این افراد قدرت کلامی ندارند و نمی‌توانند درباره وضعیت‌شان حرف بزنند. شاید حتی حین گم شدن با افراد بدی هم مواجه نشوند، اما چون نمی‌توانند درباره خودشان حرف بزنند، دچار سردرگمی می‌شوند. از سال‌ها قبل برنامه‌هایی برای طراحی یک چیپ که با به‌صورت دستبند باشد یا هر وسیله دیگری که مثلاً پشت گردن این افراد یا در کفش‌شان نصب شود، مطرح شده بود. به این وسیله می‌شد لوکیشن افراد دارای معلولیت را پیدا کرد.»



جزو اجساد مجهول‌الهویه به شمار می‌آیند.

رییس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی نیز با اشاره به اینکه بسیاری از اجساد مجهول‌الهویه جزو افراد مفقودی نیستند و اینطور نیست که حتماً مثله یا سوخته یا تصادف کرده باشند توضیح داد: «برخی از این اجساد، معتادان متجاهری هستند که کنار خیابان یا در حاشیه بزرگراه‌ها و مکان‌هایی از این دست می‌میرند یا افراد بی‌خانمانی هستند که خانواده‌های آنها چه در زنده بودن و چه مرگشان پیگیرشان نیستند. حتی در این مواقع خانواده‌ها مفقودی این افراد را اعلام هم نمی‌کنند.»

به گفته علی ضیایی، اگر یکی از همین افراد بی‌خانمان یا معتادان متجاهر فوت کند هویت او مشخص نمی‌شود و مجهول‌الهویه باقی می‌ماند، چون اثر انگشت او قبل از فوتش در هیچ سیستمی ثبت نشده است. مگر اینکه خانواده فرد پیگیری او شوند و مشخصاتش را به آگاهی بدهند. بعضی مواقع نیز چون اثر انگشت جسد مجهول‌الهویه قبلاً در سازمان ثبت احوال ثبت شده، کارشناسان مربوطه امان‌های اثر انگشت را با هم تطبیق می‌دهند و هویت جسد شناسایی می‌شود. با این حال سالانه حدود ۶۰ الی ۷۰ هزار جسد به پزشکی قانونی ارجاع داده می‌شود که از این اجساد تقریباً ۵ درصدشان در بدو ارجاع مجهول‌الهویه هستند.»

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران نیز به یک تبعه هلندی اشاره کرد که سال‌ها پیش بدون هیچ کارت شناسایی در تهران زندگی می‌کرد تا اینکه داخل آپارتمانش فوت کرد و کسی هم از فوت او خبردار نشد، اما مدتی بعد همسایه‌ها ماجرای بوی تعفن داخل آپارتمان را به پلیس گزارش دادند، چون این فرد کارت شناسایی نداشت ابتدا جزو اجساد مجهول‌الهویه قرار گرفت، اما بعد با بررسی کارآگاهان مشخص شد او تبعه هلند بوده است.

مرتضی نثاری با بیان اینکه بخشی از اجساد مجهول‌الهویه

● معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران: «آمار اجساد مجهول‌الهویه در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نیز مانند سال ۱۴۰۲ در هر سال حدود ۱۰۰۰ جسد بود، اما بالاترین آمار اجساد مجهول‌الهویه با بیش از ۱۰۰۰ جسد مربوط به دوران کرونا، یعنی سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ می‌شد که آمار این اجساد در هر سال به بیش از ۱۳۰۰ جسد رسیده بود.»

● «تقریباً ۳۰ الی ۳۵ درصد کل اجساد مجهول‌الهویه در سامانه ثبت احوال فاقد هرگونه نشان و آثاری بودند. ۱۵ درصد اجساد مجهول‌الهویه از سوی خانواده، مفقودی‌شان اعلام نمی‌شود. ۱۰ درصد این اجساد نیز فاقد هرگونه بستگانی بودند. ۴۰ درصد اجساد مجهول‌الهویه نیز خانواده‌ها به خاطر فقر یا اختلافات خانوادگی از گرفتن جسد خودداری می‌کنند.»

روزنامه «اعتماد» به نقل از معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی نوشت: «سال گذشته از ۹۶۲ فقره جسد مجهول‌الهویه اعلام شده ۸۳ جسد تابعیت افغانی، یک جسد تابعیت بنگلادشی، یک جسد نیز تابعیت پاکستانی و بقیه ایرانی بودند. ۶۴ درصد این اجساد مردان و ۳۶ درصد از آنها زنان بودند. حدود ۴۰ درصد از اجساد مجهول‌الهویه زیر ۴۵ سال داشتند.»

علی ضیایی رییس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی نیز گفته است «سالانه حدود ۶۰ الی ۷۰ هزار جسد به پزشکی قانونی ارجاع داده می‌شود که از این اجساد تقریباً ۵ درصدشان در بدو ارجاع، مجهول‌الهویه هستند.»

روزنامه «اعتماد» در گزارشی که روز شنبه ۱۹ خرداد منتشر کرد به نقل از معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بدون اشاره به آمار اجساد مجهول‌الهویه در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نوشت: «آمار اجساد مجهول‌الهویه در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نیز مانند سال ۱۴۰۲ در هر سال حدود ۱۰۰۰ جسد بود، اما بالاترین آمار اجساد مجهول‌الهویه با بیش از ۱۰۰۰ جسد مربوط به دوران کرونا، یعنی سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ می‌شد که آمار این اجساد در هر سال به بیش از ۱۳۰۰ جسد رسیده بود. همچنین طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹، ۵۰ درصد اجساد مجهول‌الهویه متعلق به شهرستان‌های مختلف بود؛ پرونده‌های اجساد در شهرستان‌های مختلف ثبت شده بود، ولی هویت‌شان در تهران شناسایی می‌شد.»

مرتضی نثاری با بیان اینکه عدم شناسایی اجساد دلایل مختلفی دارد توضیح داد: «تقریباً ۳۰ الی ۳۵ درصد کل اجساد مجهول‌الهویه در سامانه ثبت احوال فاقد هرگونه نشان و آثاری بودند. ۱۵ درصد اجساد مجهول‌الهویه از سوی خانواده، مفقودی‌شان اعلام نمی‌شود. ۱۰ درصد این اجساد نیز فاقد هرگونه بستگانی بودند. ۴۰ درصد اجساد مجهول‌الهویه نیز خانواده‌ها به خاطر فقر یا اختلافات خانوادگی از گرفتن جسد خودداری می‌کنند.»

اجساد که به عنوان مجهول‌الهویه به پزشکی قانونی منتقل می‌شوند به هیچ عنوان قابل شناسایی نیستند. این اجساد، بیشتر بر اثر تصادف، سوختگی، مثله شدن، فاسد شدن و... ناشناس می‌مانند یا هویت مشکوک دارند؛ هویت‌های مختلف اما در بیشتر مواقع اعلام می‌شود که بعضی افراد گم شده‌اند. مفقودان کسانی هستند که با اختیار خودشان، جبر روزگار یا به واسطه بیماری گم می‌شوند و اگر همین افراد بر اثر حادثه یا سانحه‌ای بمیرند،

سفر انتخاباتی هیئت دولت به سیستان و بلوچستان با افتتاح پروژه‌های ناکارآمد و رپرتاژآگهی ویژه!

امسال و مدتی پس از سیل فروردین در این استان در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» گفته بود که «عدم لایروبی رودخانه و هدایت رواناب‌ها» علت اصلی شدن سیلاب و آبگرفتگی در دوماه گذشته در جنوب این استان است.

او افزوده بود که «در بخش کاروان و بخش مرکزی شهرستان زرباد، تعدادی روستا به دلیل بی‌توجهی مسئولان زیر آب رفتند و زندگی مردم در این مناطق نابود شد.» او در ادامه اعلام کرده بود که تا کنون تنها با کمک «غیرین» برخی مشکلات مردم برطرف شده «اما زیرساخت‌های اساسی مانند جاده‌ها از بین رفته است.»

کمپین فعالان بلوچ نیز ابتدای اردیبهشت‌ماه امسال و در روزهایی که دولت حتی در امدادسانی به سیل‌زدگان نیز اقداماتی پراکنده و گند انجام می‌داد، با اشاره به «نبود زیرساخت‌های لازم» و «عدم مدیریت مناسب ارگان‌های دولتی» در مقابله با سیل، اعلام کرد که بر اثر سیل اسفندماه گذشته و سیل روزهای اخیر ۱۸ شهروند از مناطق عمدتاً بلوچ‌نشین جان خود را از دست دادند.

اینهمه نشان می‌دهد که سفر روزهای گذشته هیئت دولت سیزدهم به استان سیستان و بلوچستان، بیش از آنکه برنامه‌ای برای حل مشکلات این استان بوده باشد، سفری با ماهیت تبلیغات انتخاباتی بوده است. از میان هیئت دولت ابراهیم رئیسی نیز پنج نفر داوطلب حضور در انتخابات شدند. امیرحسین قاضی زاده هاشمی رئیس بنیاد شهید، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، صولت مرتضوی وزیر کار، رفاه و تامین اجتماعی، مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی و داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه اعضای هیئت دولت بودند که برای حضور در انتخابات داوطلب شده‌اند. داود منظور اما از ادامه مسیر انتخابات نمایشی انصراف داده است. انصراف در حالی صورت گرفته که هنوز شورای نگهبان نتایج بررسی صلاحیت‌ها و اسامی نامزدها را اعلام نکرده است.

داوود منظور با انتشار پستی در شبکه‌های اجتماعی نوشته که به دلیل «حضور گسترده نامزدهای جبهه انقلاب در انتخابات ریاست جمهوری و وجود گزینه‌های اصلح در جمع ایشان» به این نتیجه‌گیری رسیده است که از شرکت در این نمایش صرف نظر کند. او پیشتر نیز اعلام کرده بود که فقط یکی از پنج عضو هیئت دولت «در نهایت» در رقابت‌های انتخاباتی حضور خواهد داشت. داوود منظور توضیح نداده بود از کجا و به چه شکلی از نتایج بررسی صلاحیت‌ها و چیدمان نهایی نامزدهای انتخاباتی مطلع است! محمد مهدی اسماعیلی وزیر کنونی ارشاد نیز در حالی داوطلب شرکت در انتخابات شده که گفته شده او به دلیل «دریافت رشوه» محکوم شده است. عبدالرضا دوری روزنامه‌نگار حکومتی و مشاور وزیر کشور در دولت احمدی‌نژاد، در شبکه «ایکس» نوشته «با حکم قاضی صلواتی، محمد مهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد دولت رئیسی، بخاطر رشوه ۳۰ میلیون تومانی (معادل ۴۰ سکه) به ۵ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و انفصال از خدمات دولتی محکوم شد.» این در حالیست که اعضای هیئت دولت هفته گذشته اعضای هیئت دولت و مدیران ارشد دولت سیزدهم، نامه‌ای به شورای نگهبان برای اثبات توان مدیریت و راجل بودن «محمد مهدی اسماعیلی» نوشتند.



در صحبت‌های مسئولان آورده می‌شود.

بر اساس این گزارش، آسیب‌های سیل تنها به زیست و حیات شهروندان نیست؛ سیل هر ساله کشاورزی مردم استان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فکری به حال توسعه این منطقه نمی‌شود. «تجارت نیوز» تأکید کرده که نگاه تبعیض‌آمیز در این استان باعث شده که مسئولان، پروژه‌هایی ناکارآ را در دستور کار قرار بدهند. پروژه‌هایی که احتمالاً صرفاً جهت ثبت در کارنامه دولت و حالا تبلیغات انتخاباتی است و هیچ نتیجه‌ای نداشته است. چطور ممکن است که ادعای پر شدن سدها را در سیستان و بلوچستان داشته باشند و علی‌رغم بارندگی‌های فراوان، همچنان مشکل تامین آب در این استان از مهم‌ترین مشکلات باشد؟

سفر تبلیغاتی هیئت دولت به استان سیستان و بلوچستان در حالیست که کارنامه دولت سیزدهم در ساماندهی به مشکلات زیرساختی در استان سیستان و بلوچستان، مردود است. در همین رابطه روزنامه «رسالت» اسفند پارسال نوشته بود که «تسلط مافیای آب بر حوزه مدیریت منابع آبی در ایران، مسیر سیاست‌گذاری در حوزه آب را از طرح‌های علمی و طبیعت‌محور به پروژه‌های مخرب محیط زیست بر مبنای رانت تغییر داده است. دولت‌های مختلف، به جای انتخاب روش‌های کم هزینه مانند احداث سیل‌بند و ذخیره‌سازی آب حاصل از سیل، با صرف هزینه‌های گزاف به دنبال، پروژه‌های کم‌فایده، مضر و غیرکارشناسانه نظیر انتقال آب، برداشت آب از ژرفا و سدسازی هستند.» این گزارش افزود بود که «تداوم روند کنونی مدیریت نادرست منابع آبی و عدم آمادگی مسئولان در برابر تغییرات نگران‌کننده اقلیمی، آسیب‌های ناشی از این تغییرات همچون خشکسالی، طوفان و سیل‌های ویرانگر را نیز تشدید خواهد کرد.»

همچنین یونس نهنگی، رئیس شورای شهر زرباد در جنوب غرب استان سیستان و بلوچستان نیز اردیبهشت

● هیئت دولت سیزدهم سفری تبلیغات به استان سیستان و بلوچستان داشته و روزنامه دولتی «ایران» هم در یک رپرتاژآگهی نوشت «دولت مردمی کام تشنه سیستان و بلوچستان را سیراب کرد!»

● سفر تبلیغاتی هیئت دولت به استان سیستان و بلوچستان در حالیست که کارنامه دولت سیزدهم در ساماندهی به مشکلات زیرساختی در استان سیستان و بلوچستان، مردود است.

گزارش‌ها از تداوم مشکلات مردم سیستان و بلوچستان با گذشت دو ماه از سیل فروردین‌ماه حکایت دارد اما دولت سیزدهم که نام چهار عضو آن در فهرست داوطلبان ریاست جمهوری دیده می‌شود، از وضعیت سیستان و بلوچستان برای تبلیغات نمایش انتخاباتی سوء استفاده می‌کند.

هفته گذشته گزارش تکانه‌دهنده‌ای که در وبسایت «عصر ایران» درباره وضعیت مردم در روستای «گو» در سیستان و بلوچستان منتشر شد که نشان می‌داد با گذشت دو ماه از سیل فروردین‌ماه همچنان اهالی این روستا بی‌خانمان هستند و کودکان حتی کفش و دمپایی برای پوشیدن ندارند و همه چیز را سیل با خود برده است.

در این گزارش آمده بود که روستای «گو» جایی واقع شده که هیچ سایه‌ای وجود ندارد و در تابستان دمای هوا در آن به بیش از ۵۰ درجه می‌رسد. این گزارش افزوده که کودکان این روستا نمی‌توانند این گرما را تحمل کنند نوشته جان ساکنان این روستا در خطر است و چون محل زندگی‌شان صعب‌العبور است، کسی به آنها سر نمی‌زند.

همزمان با انتشار این گزارش اما تیمی از اعضای دولت سیزدهم در سفری به استان سیستان و بلوچستان مدعی افتتاح طرح‌های متعدد آبرسانی شدند. روزنامه دولتی «ایران» هم در یک رپرتاژآگهی نوشت «دولت مردمی کام تشنه سیستان و بلوچستان را سیراب کرد.» دولت گزارش داده که در این سفر بزرگترین کارخانه آب‌شیرین‌کن و شیرین‌سازی آب در سیستان و بلوچستان با حضور وزیر نیرو افتتاح شد و طرح‌های متعدد دیگر آبرسانی نیز در کنار آن افتتاح شد تا مشکل آب در این استان حل شود! رسانه‌ها هم این خبر را با عکسی که اصلاً ربطی به این کارخانه تخیلی ندارد منتشر کرده‌اند. علی کریمی در یک پست به این تقلب اشاره کرده و نوشته است که رژیم بهتر است یکی از عکس‌های فتوشاپی خود را بگذارد برای بعد از سیرک انتخابات!

چنین خبرهای تقلبی در حالیست که نه تنها بخش گسترده‌ای از استان سیستان و بلوچستان از امکانات لوله‌کشی آب و گاز محروم است بلکه شهروندان سیل‌زده با گذشت دو ماه هنوز آب و امکانات ندارند. گزارش‌های آبگرفتگی معابر و خیابان‌ها از شهرهای مختلف سیستان و بلوچستان از جمله سراوان حاکی از آنست که رفت و آمد شهری همچنان تنها پس از دقایقی بارندگی مختل می‌شود. وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی به سفر انتخاباتی هیئت دولت به سیستان و بلوچستان پرداخته و نوشته که «اکنون در حالی پس از هفته‌ها از سیل ویرانگر سیستان و بلوچستان، مسئولان دولت در این استان حضور پیدا کرده‌اند که از مدت‌ها پیش آنها حقایق ایران در هیرمند را مقابل طالبان نادیده گرفته‌اند. منبعی که استفاده از آن، حق بسیاری از شهروندان است و برخی اوقات صرفاً نامی از آن

تداوم مشکلات کشاورزان با تنش آبی و قطع برق



سیستمی خود بازتولید می کنند.

این اقتصاددان به گزارش یکی از مسئولان سازمان منابع طبیعی کشور در تیرماه سال گذشته اشاره کرد که گفته بود سالانه یک میلیون هکتار بیابان به سرزمین ما اضافه می شود و نرخ فرونشست زمین در ایران بیش از ۵ برابر میانگین جهانی شده است. بحران فرونشست را می توان از پیامدهای مهم کم آبی و خشکسالی دانست که به گفته مسئولان در ۳۵۹ دشت کشور رخ داده است.

محمد جوان بخت مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران، روز ۵ اردیبهشت اعلام کرد: «حدود ۳۵۹ دشت کشور دچار فرونشست شده و ۲۸ درصد چاه های کشاورزی معادل ۱۱۷ هزار حلقه چاه در دشت های با نرخ فرونشست بیش از ۱۰ سانتی متر حفر شده است.»

وی توضیح داده بود: «ایران با داشتن نزدیک به یک میلیون چاه، حدود ۳ دهه آفت مستمر منابع زیرزمینی را تجربه کرده است؛ نزدیک به ۵۰ درصد منابع آب مصرفی از آب های زیرزمینی و بقیه از آب های سطحی تأمین می شود.» چندی پیش رئیس مرکز ملی اقلیم هوشناسی اعلام کرده بود که حوزه مرکزی ایران ۲۵ سهم آب کشور را دریافت می کند، این در حالیست که بیش از نیمی از جمعیت ایران در این مناطق ساکن هستند.

ادامه فعالیت صنایع آب بر در مناطق مرکزی ایران می تواند موجب بحران شود. به عنوان نمونه فرونشست زمین در اصفهان در حال گسترش به درون این شهر است. از سوی دیگر با ادامه قطع آب در چند شهر ایران مشکلات زیرساختی تأمین آب نیز ادامه دارد. در روزهای گذشته آب در چند شهر ایران از جمله اصفهان، تبریز، شهریار و خاش برای ساعت های طولانی قطع شده است.

بر اساس آخرین آمار از وضعیت سدهای مهم کشور، در حال حاضر میزان پر بودن سدهای کشور ۶۸ درصد و ۷ سد بطور کامل و صد درصد پر هستند.

مشکل تأمین آب اما حتی با پر شدن سدها نیز نیازمند ساز و کارهای زیربنایی است که با غفلت مسئولان جمهوری اسلامی روبرو شده است.

«هم میهن» گفته بود: «با توجه به بارش های روز گذشته و روزهای آینده، تقریباً در نیمی از کشور، میزان متوسط آب از حد نرمال فراتر رفته و می توانیم بگوییم در این مناطق در آستانه ورود به سال ترسالی هستیم. اما بارش ها در بخش های دیگر به ویژه فلات مرکزی همچنان به حد نرمال نرسیده است.» وی با اشاره به وضعیت خوب بارش های بهاری که کمبود آب در ماه های قبل و از آغاز سال آبی را تا حدودی جبران و به متوسط ۵۰ ساله بارش های کشور نزدیک کرده توضیح داده بود: «به دلیل بالا بودن مصرف آب در کشور، حتی اگر سال ترسالی هم رخ دهد همچنان نمی تواند جبران کننده نیازها باشد.»

این متخصص آب با بیان اینکه در حال حاضر پنج سد تأمین کننده آب آشامیدنی استان های تهران، البرز و قزوین، به ویژه ذخیره آب در سدهای کرج، لتیان و لار در شرایط نامساعدی قرار دارند هشدار داده بود: «تهران از جمله شهرهایی است که با متوسط بارش ۵۰ ساله فاصله زیادی دارد و ما نتوانستیم به میزان بارش های نرمال برسیم. اگر هم به این میزان برسیم آمار مصرف در تهران بسیار بالا و نگران کننده است و در روزهای گذشته ۴۰ مترمکعب بر ثانیه بوده که عددی بسیار بالاست.»

از سوی دیگر آمار تکان دهنده از زمین لرزه ها در کرمان و اصفهان بیانگر بالا بودن نرخ فرونشست زمین در ایران است که بیش از ۵ برابر میانگین جهانی است.

در نشست «آب، آمایش سرزمین و توسعه پایدار» که ۱۶ اردیبهشت برگزار شد، فرشاد مومنی استاد دانشگاه «علامه طباطبائی» هشدار داده بود: «با شدت گرفتن بحران آب، گسل های غیرعادی پیدا می شود که این گسل ها ضمن افزایش آسیب پذیری، ما را در برابر تکان های زلزله ای، ده ها مفسده دیگر برای ما پدیدار می کند.»

مومنی تأکید کرده بود: «مرکز لرزه نگاری کشور در گزارشی عنوان کرده که سال ۱۴۰۰، حدود ۸ هزار و ۶۳۰ لرزه در کشور تجربه کردیم. در کرمان ۱۶۷ لرزه با شدت بالای ۴ ریشر و در اصفهان حداقل ماهی یک مورد لرزش بالای ۵ ریشر رخ داده است. اینها ناپایداری و نااطمینانی را به شکل

● سخنگوی صنعت آب اعلام کرده است که «هم اکنون ۶ استان کشور با تنش آبی روبرو هستند که به ترتیب شامل تهران، بوشهر، قزوین، فارس، سمنان و چهارمحال و بختیاری می شود.» وی با بیان اینکه خشکسالی هیدرولوژیک همچنان در کشور برقرار است، اضافه کرد: «این شرایط زمانی بهبود می یابد که چشمه ها پرآب و دبی پایه رودخانه ها تأمین شود.» سخنگوی صنعت آب اعلام کرده است که «هم اکنون ۶ استان کشور با تنش آبی روبرو هستند که به ترتیب شامل تهران، بوشهر، قزوین، فارس، سمنان و چهارمحال و بختیاری می شود.» به گزارش خبرگزاری ایلنا فیروز قاسم زاده روز یکشنبه ۲۰ خرداد با بیان اینکه کشور در سه سال آبی متوالی اخیر با کاهش جدی بارندگی روبرو شده، افزود: «آورد بخش عمده ای از رودخانه ها تا چند ماه اخیر، صفر یا نزدیک به صفر بوده و همین مسئله موجب شد تا وضعیت مخازن آب تعداد قابل توجهی از سدهای کشور در شرایط نامناسب قرار گیرد.» وی در ادامه تأکید کرد: «اثرات منفی سه سال آبی کم بارش فقط در صورتی جبران می شود که طی چندین سال میزان بارش های کشور افزایش قابل توجهی یابد.»

سخنگوی صنعت آب کشور با بیان اینکه خشکسالی هیدرولوژیک همچنان در کشور برقرار است، اضافه کرد: «این شرایط زمانی بهبود می یابد که چشمه ها پرآب و دبی پایه رودخانه ها تأمین شود.»

وضعیت بحران آب با کمبود و قطع برق در برخی مناطق کشور مشکلات جدی برای کشاورزان ایجاد کرده است، در همین ارتباط، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته است که تماس های زیادی از کشاورزان داریم که حداقل درآمد آنها با قطع آب از بین می رود.

خبرگزاری ایلنا روز یکشنبه ۲۰ خرداد به نقل از احد آزادخواه نماینده ملایر در مجلس شورای اسلامی نوشت: «تماس های زیادی از کشاورزان داریم که حداقل درآمد آنها زمین های کشاورزی است که آنهم با قطع آب کشاورزی از بین می رود و امیدواریم این مسئله با مدیریت مجلس و وزارت نیرو با یک راهکار منطقی به نفع کشاورزان حل شود.» در همین ارتباط یکی دیگر از نمایندگان مجلس توزیع انرژی در سطح ملی را عادلانه توصیف نکرده و هشدار داده است که در بعضی مناطق در طول ۳ روز تنها ۱ ساعت آب دارند. به گزارش خبرگزاری ایلنا، عباس بیگدلی نماینده تاکستان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه توزیع انرژی در سطح ملی عادلانه نیست، گفت: «در بعضی مناطق، مردم تنها در طول ۳ روز تنها ۱ ساعت آب دارند و این امر موجب نگرانی مردم شده و به اعتماد آنها نسبت به نظام آسیب وارد می کند.»

تعطیل شدن برق چاه های کشاورزی در روزهای تعطیل نیز نظم و ترتیب آبیاری را بر هم زده است. موضوعی که نماینده شهریار در مجلس شورای اسلامی بر آن تأکید کرده و گفته است رها ساختن آب از سد کرج می بایست به فوریت انجام شود. به گفته حسین حق وردی، در سال های گذشته در روزهای تعطیل برق چاه ها قطع نمی شد اما امسال در روزهای تعطیل، برق چاه ها قطع می شود، این نظم و ترتیب و آبیاری را بر هم می زند. بحران کم آبی اغلب مناطق کشور به خصوص شهرهای بزرگ کشور را نشانه گرفته است. به گفته یک متخصص آب و تاسیسات آبی، کشور در میانه ترسالی و خشکسالی است و تهران همچنان با بحران آب روبروست. محسن موسوی در ۱۶ اردیبهشت امسال به روزنامه

فروش امتحانات نهایی دیپلم؛ نمونه‌ای از نبود «عدالت آموزشی» در ایران



موفقیت در آزمون قطعی است. در این آگهی‌ها دیپلم علوم تجربی از باقی رشته‌ها گران‌تر است. در بیشتر این موسسات دیپلم گرافیک رایانه، گردشگری، نقشه‌کشی، هتلداری، حسابداری و مدیریت خانواده در فهرست ارزان‌ترین دیپلم‌ها قرار دارند.

فروش مدارک دانشگاهی نیز اکنون به یک تجارت پرسود برای دلالت تبدیل شده و مدارک مختلف از کارشناسی تا دکترا و مدارک پزشکی و دندانپزشکی از ۴۲ تا ۹۴۰ میلیون تومان معامله می‌شوند. یکی از معیارهای قیمت‌گذاری این مدارک اینست که آیا خریدار آن را برای استفاده و استخدام در درون کشور بخواهد یا صرفاً برای ترجمه و تأیید با هدف مهاجرت! وبسایت «اقتصاد۲۴» بهمن‌ماه گذشته در گزارشی در اینباره نوشته بود که «یکی از اصلی‌ترین سایت‌هایی که در حوزه فروش مدرک فعالیت می‌کند، مدعی است که ۱۳ هزار مشتری دارد، تا کنون ۳۰ هزار مدرک صادر کرده و از ۲۳ کشور، سفارش‌دهنده دارد و حتی می‌تواند برای شما، صندلی [کرسی] پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه‌ها را خریداری کند! خرید مدرک زبان برای مهاجرت، کلیه مدارک دانشگاهی و کارت پایان خدمت، از دیگر خدماتی است که این مرکز و مراکز مشابه آن ادعای انجام آن را دارند.»

این گزارش افزوده بود «شماره‌ای که برای مشاوره در این سایت درج شده مربوط به کشور انگلستان است و از طریق واتساپ به آن وصل خواهید شد. این حساب، شماره دیگری را برای شما ارسال می‌کند و به این ترتیب برای مشاوره به فردی که در ایران است، ارجاع داده می‌شود.»

بر اساس اطلاعات منتشر شده در این گزارش هزینه مدرک پزشکی و دندانپزشکی برای فعالیت در ایران ۹۴۰ میلیون تومان و برای مهاجرت ۱۲۰ میلیون تومان خواهد بود. این مدارک دارای مهر، هولگرام و ریز نمات هستند.

این گزارش افزوده بود که قیمت مدرک کارشناسی ۴۲ میلیون تومان، کارشناسی ارشد ۴۸ میلیون تومان و در رشته‌های غیرپزشکی قیمت یکسان است. ضمن اینکه کلیه مدارک در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا مربوط به دانشگاه آزاد است.

کنار فروش مدارک تحصیلی نظام آموزش از مصادیق نبود «عدالت آموزشی» و نتیجه چهار دهه اقدامات ناکارآمد جمهوری اسلامی است. روزنامه «اعتماد» نیز نهم خردادماه جاری گزارشی از تقلب در امتحانات نهایی منتشر و تقلب در امتحانات نهایی را از زاویه تاثیر نمات سه سال آخر دبیرستان در کنکور بررسی کرده بود.

به نوشته «اعتماد»، در برخی از مدارس امتحانات نهایی دیرتر از ساعت مقرر آغاز شده بودند که همین موضوع باعث کم شدن زمان امتحان برای دانش‌آموزان شده بود.

این روزنامه در گفتگو با یکی از اعضای «پویش هم‌اندیشی تغییرات کنکور» به زمینه‌ای که بی‌نظمی در برگزاری امتحانات برای تقلب فراهم می‌کند، اشاره کرد و نوشت: «برخی حوزه‌های امتحانی هم بچه‌ها را بعد از ساعت ۷:۳۰ راه داده‌اند و این خودش شائبه تقلب را به همراه دارد.»

اردیبهشت ۱۴۰۳ شیوه‌نامه جدید برگزاری امتحانات نهایی اعلام شد. محسن زارعی رئیس مرکز ارزش‌یابی و تضمین کیفیت آموزش و پرورش اعلام کرده بود که «بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر شد تا سازمان سنجش به عنوان سازمانی بالادستی ابتدا بحث نظارت بر فرآیند برگزاری آزمون‌های ملی و سراسری را انجام دهد... اگر ابلاغ هم با همین شیوه انجام بگیرد، هماهنگی‌ها در همان سطح انجام اما اجرا و تصحیح اوراق آزمون و امتحانات قطعاً با همکاری همان دستگاه (آموزش و پرورش) انجام خواهد شد.»

همچنین بازار فروش مدارک دیپلم تا دکترا نیز در ایران داغ است و وبسایت‌ها و گروه‌های تلگرامی زیادی به فروش این مدارک مشغول هستند.

برخی مدارک دیپلم جعلی کپی هستند و قابل استعلام نیستند که قیمت آنها حدود پنج میلیون تومان است. نوع دیگری از مدارک نیز با فروش سوالات انجام می‌شود و موسسات با گرفتن ۱۴ تا ۵۰ میلیون تومان، بسته به رشته تحصیلی موردنظر متقاضی و ثبت‌نام فرد در آزمون‌های نهایی، مدرک جعلی را فراهم می‌کنند و مدعی می‌شوند با در اختیار گذاشتن سوالات نهایی پیش از آزمون شرط

● یک دبیرستان پسرانه مشهور در منطقه ۸ تهران که حوزه امتحان نهایی بزرگسالان است از دو سال پیش تا کنون در حال فروختن سوالات امتحانات است.

● برخی مدارک دیپلم جعلی کپی هستند و قابل استعلام نیستند که قیمت آنها حدود پنج میلیون تومان است و نوع دیگری از مدارک نیز با فروش سوالات انجام می‌شود که ۱۴ تا ۵۰ میلیون تومان هزینه دارد.

● فروش سوالات امتحانات نهایی و کنکور سال‌هاست در کنار فروش مدارک تحصیلی نظام آموزش از مصادیق نبود «عدالت آموزشی» و نتیجه چهار دهه اقدامات ناکارآمد جمهوری اسلامی است.

روزنامه «شرق» گزارش داده که یک دبیرستان پسرانه مشهور در منطقه ۸ تهران که حوزه امتحان نهایی بزرگسالان است، در اقدامی عجیب و کاملاً طبقه‌بندی شده و سازمانیافته اقدام به فروش سوالات به داوطلبان می‌کند.

به گزارش روزنامه «شرق» یک دبیرستان پسرانه مشهور در منطقه ۸ تهران که حوزه امتحان نهایی بزرگسالان است از دو سال پیش تا کنون در حال فروختن سوالات امتحانات است. این موضوع را یکی از معلمان این مدرسه به «شرق» گفته و افزوده که با وجود اعتراض مکرر چند نفر از معلمان مدرسه به اداره و مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، ارسال نامه به مدیرکل آموزش و پرورش، مراجعه به حراست و تهدید مدیریت دبیرستان راه به جایی نبرده است.

به گزارش «شرق» چند معلم و دانش‌آموز دیگر این دبیرستان هم فروش رفتن سوالات امتحانات در این مدرسه را تأیید کرده‌اند.

روزنامه «شرق» با محسن زارعی، رئیس مرکز ارزش‌یابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش، مصاحبه کرده است. این مقام مسئول ضمن اشاره به نحوه توزیع سوالات در امتحانات نهایی و تکذیب چنین احتمالی گفت: «قبل از آزمون من خودم هم چنین امکانی برای دسترسی ندارم.»

این گزارش همچنین تأیید کرده که موضوع فروش سوالات امتحانات نهایی در تعداد زیادی از مدارس رایج است.

فروش سوالات امتحانات نهایی و کنکور سال‌هاست در

تلاش حکومت برای ایجاد آرامش ظاهری در بازار بورس به دلیل «سیرک انتخابات»



● روز گذشته شاخص کل با ریزش ۳ هزار واحدی به سطح ۲ میلیون و ۶۱ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با ریزش ۰/۴۹ درصدی روبرو شد و در سطح ۹۷۲ هزار و ۳۲۲ واحدی قرار گرفت.

● مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار از برگزاری نشست سران قوا برای وضعیت بازار بورس در روزهای آینده خبر داده است.

شرایط ناپایدار بازار بورس ایران و خروج پول حقیقی از این بازار در حالی ادامه دارد که حکومت در تلاش است در روزهای مانده به نمایش انتخابات از تلاطم‌های سنگین بازار جلوگیری کند. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار از برگزاری نشست سران قوا برای وضعیت بازار بورس در روزهای آینده خبر داده است.

بازار بورس ایران که در ماه‌های گذشته وضعیت ناپایدار داشته، همچنان در تلاطم بسر می‌برد و خروج سرمایه از این بازار ادامه دارد. روز گذشته شاخص کل با ریزش ۳ هزار واحدی به سطح ۲ میلیون و ۶۱ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با ریزش ۰/۴۹ درصدی روبرو شد و در سطح ۹۷۲ هزار و ۳۲۲ واحدی قرار گرفت.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره امروز دوشنبه ۲۱ خردادماه ۱۴۰۳ به وضعیت بازار بورس پرداخته و نوشته «بازار بورس روندی منفی و مبهم را تجربه می‌کند.»

در این گزارش تأکید شده مشخص نبودن رویکرد اقتصادی متصدی جدید دولت جمهوری اسلامی و نگرانی‌های سرمایه‌گذاران از دورهای بنگاه‌ها و چشم‌انداز اقتصاد ایران، بر سرعت خروج پول افزوده است.

به نوشته این روزنامه، حجم سه هزار میلیاردی خروج پول از بازار از آغاز ماه خرداد، نشان می‌دهد که در شرایط کنونی، خرید سهام مورد استقبال معامله‌گران نیست «به همین دلیل ارزش معاملات خرد را در سطوح پایین‌تری نسبت به میانگین هفته‌های ابتدای سال نگه داشته است.» مهدی دلبری کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با «دنیای اقتصاد» با بیان اینکه «وضعیت بازار را اینگونه تشریح کرد که «بازار سرمایه با روزهای ناخوش‌حالی دست و پنجه نرم می‌کند.» وی گفته پس از مرگ ابراهیم رئیسی وضعیت منفی بازار سرمایه قوت گرفته است. این کارشناس بازار بورس افزوده پس از ریزش‌های سنگینی که با مرگ رئیسی در بازار رقم خورد، سازمان بورس تصمیم گرفت دامنه نوسان بازار را محدود کند. محدود شدن دامنه نوسان در روزهای ابتدایی اقدام موثری جهت کنترل فشار هیجان سرمایه‌گذاران بود.» او تأکید کرده که به نظر می‌رسد ادامه دار بودن این محدودیت پس از یازده روز متوالی، مسیر چندان درستی برای روند بازار به ارمغان نداشته است و ریسک‌های سیاستگذاری نیز سایه سنگینی بر بازار تحمیل کرده‌اند.

مهدی دلبری هشدار داده که عدم اصلاح این سیاست‌ها می‌تواند باتلاق رکودی بازار را شدت بخشد. با اینکه در روزهای گذشته نرخ دلار نیما افزایش محسوسی داشته و در کانال ۴۲ هزار تومانی افزایش محدودی را به ثبت رسانده، اما همچنان شکاف زیادی میان نرخ دلار نیما با دلار آزاد وجود دارد. اینهمه در حالیکه که در آنسو دولت تلاش دارد تا برگزاری انتخابات، بازار بورس را از ریزش‌های عمیق دور نگه دارد. در همین رابطه مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار از برگزاری نشست سران قوا برای وضعیت بازار بورس در روزهای آینده خبر داده است.

این بازار نسبت به بازارهای موازی خود دارد؛ ریسک‌هایی همچون تصمیمات خلق‌الساعه و یک شبه دولت و به تازگی هم ریسک جنگ که مدتی فروکش کرده است.»

به عقیده این کارشناس «بازار سرمایه مهم‌ترین عامل بحران در بازار سرمایه تصمیمات قانونگذاران و دولت است که به وفور پیش آمده دستورالعمل‌هایی که حتی خودشان وضع کردند را هم رعایت نمی‌کنند.»

او تأکید کرده بود که «دولت به نحوی در تلاش است که کسری بودجه خود را با ایجاد رکود در بازار سرمایه جبران کند. این قابلیت برای دولت در سایر بازارها وجود ندارد، ولی در بازار سرمایه به سبب اینکه همه چیز کنترل شده‌تر و بازاری متمرکز است راحت‌تر اتفاق می‌افتد.»

عرفان کاظم زاده همچنین افزوده بود حل مشکلات بازار بورس تنها وقتی امکان‌پذیر است که تصمیمات عجیب و غریبی که پایه کارشناسی هم ندارد [از سوی دولت] اتخاذ نشده و ترس سرمایه‌گذاران برطرف شود و همچنین فضای امنی برای سرمایه‌گذار ایجاد کنند که وقتی سهمی را خریداری می‌کند، بدانند این سهم از حاشیه امنی در آن صنعت برخوردار است و قرار نیست به سرعت فلان مالیات و یا عوارض برای آن وضع شود.

این کارشناس با اشاره به اثر منفی «قیمت‌گذاری دستوری» در بازار سرمایه گفته بود «شرکت‌هایی که تولید و صادرات انجام می‌دهند، مجبور هستند ارز حاصل از صادرات را با نرخ ثابتی که با نرخ بازار خیلی فاصله دارد، در بازار عرضه کنند و بحث دیگر محصولاتی است که این شرکت‌ها در داخل کشور می‌فروشند که مشمول قیمت‌گذاری‌های دستوری است و باعث می‌شود سرمایه‌گذار رغبت چندانی برای خرید سهام نداشته باشد و ترجیح دهد سرمایه خود را در بازاری برد که دولت کمتر بتواند اعمال نفوذ و قدرت کند.» حسین عبدی کارشناس بازار سرمایه هم نظری مشابه داشت: «زمانی که جیب دولت خالی می‌شود نیم‌نگاهی به افزایش نرخ خوراک خیلی از شرکت‌ها و افزایش خیلی از ورودی‌های این شرکت‌ها دارد، اما وقتی بخش خصوصی قوی باشد دولت نمی‌تواند هر کاری که می‌خواهد، انجام بدهد.»

از سوی دیگر دولت با «خبر درمانی» به دنبال کنترل جو روانی سرمایه‌گذاران بازار است و خبرهایی با چشم‌انداز مثبت یکی پس از دیگری منتشر می‌شوند.

سازمان بورس اوراق بهادار تهران خبرهایی از جمله «تغییر دستورالعمل قیمت خوراک و فرآورده‌های پالایشی»، «هماهنگی بازار پول و سرمایه برای مدیریت ریسک نرخ بهره» و «موافقت هیئت پذیرش بورس تهران با مهلت یکساله برای ایران‌خودرو و سایپا» را به بازار القاء کرده است. هرچند دخالت دولت در بازار سرمایه ممکن است برای مدتی بازار را با فشارهای دستوری از تلاطم‌های جدی دور نگه دارد اما کارشناسان معتقدند سیاست‌گذاری دولت در نهایت به زیان بازار و سهامداران است.

هومن عمیدی کارشناس بازار سرمایه گفته «مسئولان وضعیت بازار سرمایه را که چند سال است صدای مردم را درآورده نمی‌بینند اما به محض انتشار اخباری درباره همستر، به آن واکنش نشان می‌دهند!» او افزوده «۵۰ میلیون کد بورسی داریم اما تنها ۱۰ هزار نفر معامله انجام می‌دهند. وعده‌های بدون عمل و پشتوانه به بازار ضربه می‌زند.»

هومن عمیدی معتقد است کاندیدهای انتخابات ریاست جمهوری باید از بیان اظهارات کلی درباره بازار بورس خودداری کرده و اگر برنامه روشن و مشخصی دارند، آن را ارائه دهند. این کارشناس و تحلیلگر بازار سرمایه همچنین گفته «وقتی نرخ سود بین ۲۵ تا ۴۰ درصد است، هیچ سرمایه‌ای به بورس نخواهد رفت» و «همه فاکتورهای موثر بر بازار سرمایه دستخوش تغییراتی به سمت زیان سهامداران شده است.» در هفته سوم اردیبهشت‌ماه بازار سرمایه ریزش بیش از ۳۲ هزار واحدی در یک روز را از سر گذراند و طی ۱۰ روز نیز هزار و ۷۳۷ میلیارد تومان نقدینگی از بازار سرمایه خارج شد. برخی کارشناسان معتقد بودند دولت با دخالت‌های دستوری در بازار بورس ایجاد رکود می‌کند تا بتواند بخشی از کسری بودجه را جبران کند.

عرفان کاظم زاده کارشناس بازار سرمایه اواخر اردیبهشت‌ماه امسال در گفتگو با «اقتصاد ۲۴» گفته بود که «دلیل عقب‌ماندگی بورس به خاطر ریسک‌هایی است که

شکست وعده واردات اتومبیل خارجی؛ سوء استفاده انتخاباتی محمدباقر قالیباف



اتومبیل‌های وارداتی در پارکینگ گمرک

بطور کامل اجرا خواهیم کرد.» اینهمه در حالیست که کارشناسان بازار اتومبیل معتقدند اساساً طرح‌های جمهوری اسلامی برای واردات اتومبیل پیش نخواهند رفت و اتومبیل‌هایی که در حال حاضر به ایران وارد می‌شوند نیز از دلالتان خریداری می‌شوند.

امیر حسن کاکایی کارشناس صنعت اتومبیل در اینباره گفته که «خودروسازان معتبر دنیا با ما کار نمی‌کنند و کسانی که در حال حاضر خودرو وارد می‌کنند از واسطه‌ها می‌خرند و آن واسطه‌ها هم خیلی ضعیف هستند.»

به گفته امیر حسن کاکایی «خودرو چیزی نیست که الان سفارش بدهی و یک ماه بعد سر جالیز تحویل بگیری، زمان می‌برد، به خصوص این که در دنیا یک کمبود خودرو نسبت به تقاضا وجود دارد.»

این کارشناس گفته که «در سه سال گذشته وکلای مجلس بدون توجه به مسائل سیستمی تصمیم گرفتند و راه حل رفع مشکلات مربوط به خودرو را بازشدن مسیر واردات خودرو دیدند، اما چون از لحاظ سیستمی خیلی از مسائل حل نشده بود و شاید هم قابل حل نباشد، واردات خودرو در سال پیش اجرا نشد و امسال هم تا به این لحظه می‌گویند حدود ۴ هزار و خورده‌ای خودرو وارد کشور شده است.»

امیر حسن کاکایی تأکید کرده که «مشکل ما که واردات خودرو نیست، مشکل اساسی ما کمبود ارز است و از طرفی ساختارهای نامناسب صنعت خودرو است، مگر ساختار با واردات حل می‌شود، تا زمانی که سیاست‌گذاری‌ها درست نشود و مسئولین دست از سیاسی کاری و بازی از صنعت خودرو نکشند، مشکل حل نمی‌شود. برای نمونه شما ببینید مگر اخیراً که مونتاژکاران رنده کرده‌اند، وضعیت مردم بهتر شده است؟ این سبب شده فقط یک عده که پولدار هستند راحت خودرو بخرند، اما مشکل عامه مردم که حل نشده است.»

سازای خودروهای برقی بنزینی (هیبریدی) تخفیف در پرداخت حقوق ورودی واردات این نوع خودروها و قطعات منفصله آن را به میزان نیمی از منابع اختصاص یافته برای این امر اعمال نماید. همچنین «منابع حاصل از حقوق ورودی خودروهای برقی-بنزینی (هیبریدی) و قطعات منفصله آن صرف توسعه زیرساخت‌های آن و تسهیلات و مشوق‌های خرید این نوع خودروی تولید داخل می‌شود.»

از سوی دیگر عباس علی‌آبادی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، اواخر فروردین‌ماه ادعا کرد آیین‌نامه واردات خودرو دست دوم به زودی ابلاغ خواهد شد. پس از آن، بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، چهارم اردیبهشت‌ماه اعلام کرد که آیین‌نامه مصوب در موضوع خودروهای وارداتی دست دوم مربوط به مناطق آزاد خواهد بود.

به گفته او، «مسئولان وزارت صمت به این نتیجه رسیده‌اند که طرح واردات خودروهای کارکرده ناپخته است و همین موضوع اعلام آیین‌نامه مربوطه را به تاخیر انداخته است.»

عباس علی‌آبادی روز گذشته هم از مردم خواست در خرید اتومبیل عجله نکنند و منتظر اتومبیل‌های برقی وارداتی باشند. او گفته «در زمینه خودروهای برقی، واردات با شتاب صورت می‌گیرد، زیرا با این کار هم مشکل مردم برطرف می‌شود و هم مشکلات کشور در زمینه آلودگی هوا و محیط زیست رفع خواهد شد.»

محمدباقر قالیباف هم از خیرهای روزهای گذشته درباره واردات اتومبیل و همچنین شکست یکی از مهمترین وعده‌های اقتصادی برای ساماندهی به بازار اتومبیل به عنوان فرصتی برای تبلیغات انتخاباتی استفاده کرده است.

رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «پیش از نیم قرن رانت کافی است. خودروی داخلی باید با خودروی خارجی رقابت کند. قانون واردات خودروهای نو و کارکرده را در دولت بعدی حتماً

● بر اساس مصوبه دولت قرار بود از شهریور ۱۴۰۱ تا خرداد ۱۴۰۲ تعداد ۲۰۰ هزار دستگاه اتومبیل وارد شود اما آمارهای گمرک نشان می‌دهد تا پایان اردیبهشت امسال حدود ۱۳ هزار دستگاه وارد شده است.

● محمدباقر قالیباف وعده انتخاباتی داده که «بیش از نیم قرن رانت کافی است. خودروی داخلی باید با خودروی خارجی رقابت کند. قانون واردات خودروهای نو و کارکرده را در دولت بعدی حتماً بطور کامل اجرا خواهیم کرد.»

● کارشناسان بازار اتومبیل معتقدند اتومبیل‌هایی که در حال حاضر به ایران وارد می‌شوند نیز از دلالتان خریداری می‌شوند و اتومبیل‌سازی‌ها حاضر به همکاری با جمهوری اسلامی نیستند.

پروژه واردات اتومبیل با هدف کنترل قیمت‌ها و رقابتی کردن بازار داخلی از جمله برنامه‌های شکست‌خورده دولت سیزدهم است. دولت رئیسی باید تا خردادماه سال گذشته دست کم ۲۰۰ هزار اتومبیل به کشور وارد می‌کرد اما آمارهای گمرک نشان می‌دهد تا کنون در نهایت ۱۳ هزار اتومبیل وارد شده که البته غالب آنها در انبارها خاک می‌خورند!

دولت سیزدهم برای حل مشکلات بازار اتومبیل راهکار واردات را در دستور کار قرار داد. وزارت صمت «آیین‌نامه واردات خودرو» را در شهریور ۱۴۰۱ ابلاغ کرد که بر اساس آن باید تا پایان سال ۱۴۰۱ صد هزار دستگاه و تا پایان بهار ۱۴۰۲ نیز صد هزار دستگاه دیگر اتومبیل به کشور وارد می‌شد. این در حالیست که آمارهای گمرک نشان می‌دهد از ابتدای بهمن سال ۱۴۰۱ و حدود پنج ماه پس از ابلاغ «آیین‌نامه واردات خودرو»، تا انتهای خرداد ۱۴۰۲ فقط ۲۴۴ دستگاه خودرو وارد کشور شد که ارزش آن ۵/۴ میلیون دلار بوده است.

تعداد اتومبیل‌های وارد شده به کشور از ابتدا تا انتهای شهریور ۱۴۰۲ به دو هزار دستگاه اتومبیل و با ارزش ۳۶ میلیون دلار رسید.

در ماه‌های مهر و آبان، حدود هزار و ۵۰۰ دستگاه اتومبیل و در آذرماه ۹۰۰ دستگاه اتومبیل وارد کشور شد. روند واردات در دی‌ماه با کاهش روبرو شد و در این ماه ۶۱۱ دستگاه اتومبیل به کشور وارد شد. آمارهای گمرک بیانگر افزایش واردات اتومبیل در بهمن‌ماه است و در مجموع سه هزار دستگاه اتومبیل در این ماه وارد ایران شده است.

بر این اساس تا اواخر سال گذشته تنها حدود ۱۰ هزار دستگاه اتومبیل به کشور وارد شده است. همچنین طی دو ماهه نخست سال ۱۴۰۳، تعداد سه هزار و ۱۰۰ اتومبیل به ارزش ۶۹ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار وارد ایران شد. این ارقام نشان می‌دهد در نهایت دولت موفق به واردات حدود ۱۳ هزار اتومبیل به کشور شده است.

طرح واردات اتومبیل در حالی با شکست روبرو شده که در طرح دیگری بر اساس قانون بودجه سال ۱۴۰۳، واردات خودروهای نو و کارکرده «برقی و هیبریدی» نیز آزاد شده است. بر این اساس وزارت صنعت، معدن و تجارت مجاز است در قبال سرمایه‌گذاری در گسترش حمل و نقل عمومی برقی توسعه زیرساخت‌های آن انتقال فناوری و افزایش داخلی

تشکیل ۳۴ کارگروه ویژه پلیس فتا برای «رصد فضای انتخاباتی» انتشار نتایج یک نظرسنجی حکومتی در رابطه با انتخابات

● رئیس پلیس فتا: در صورت مشاهده موارد مجرمانه نظیر تخریب، توهین، دروغ و شایعه‌پراکنی و هرگونه اقدام در حوزه جرائم ویژه انتخاباتی با متخلفان و مجرمان برابر قانون برخورد خواهد شد.

● اقداماتی شامل سرکوب در فضای مجازی و رسانه‌ها برای جلوگیری از اعلام نظر آزادانه در رابطه با انتخابات در دستور کار قرار گرفته تا مبادا بخشی از شهروندان برای «تخریب انتخابات» تصمیم قطعی بگیرند.

رئیس پلیس فتای فراجا از تشکیل ۳۴ کارگروه ویژه پلیس برای رصد جریان‌ها مرتبط با چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در فضای مجازی خبر داده و تهدید کرده «با مجرمان برابر قانون برخورد خواهد شد». تشدید سرکوب‌ها با هدف داغ کردن تنور انتخابات در حال است که یک نظرسنجی حکومتی نشان می‌دهد حدود نیمی از شهروندان تصمیمی برای شرکت در انتخابات ندارند.

سردار وحید مجید رئیس پلیس فتای فراجا امروز چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳ اعلام کرد که «پلیس فتا در راستای اجرای ماموریت‌های ذاتی و محوله، رصد جریان‌ها مرتبط با برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سراسر کشور را در فضای مجازی در دستور کار خود قرار داده و اقدامات مربوطه در ۳۴ کارگروه ویژه عملیاتی در حال اجرا است.»

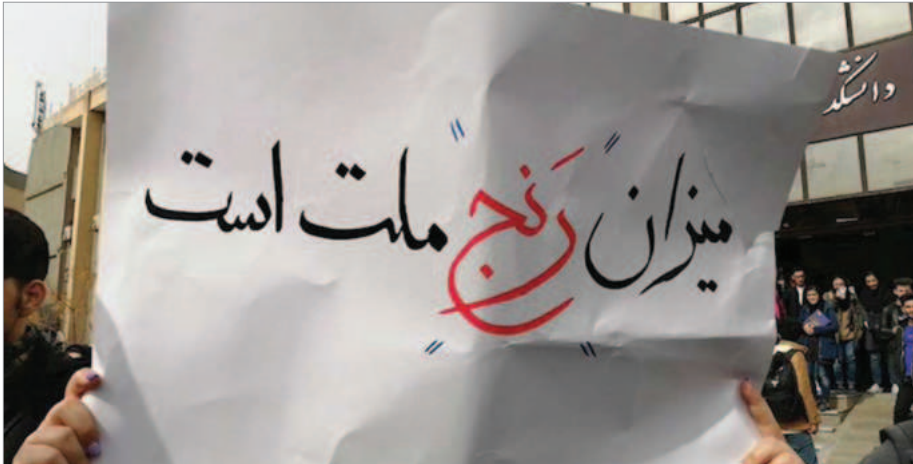
به گفته سردار مجید مجید «پلیس فتا مطابق با شرح وظایف ابلاغی و تعیین شده تمامی جریان‌ها را رصد کرده و در صورت مشاهده موارد مجرمانه نظیر تخریب، توهین، دروغ و شایعه‌پراکنی و هرگونه اقدام در حوزه جرائم ویژه انتخاباتی با متخلفان و مجرمان برابر قانون برخورد خواهد کرد.»

رئیس پلیس فتای فراجا گفته اقدامات این واحد نیروی انتظامی با همکاری «تنگ‌تنگ» با «وزارت کشور، دادستانی و سایر نهادهای ذی‌نفع» و با هدف «ارتقاء امنیت در فضای مجازی» صورت می‌گیرد.

چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی قرار است روز جمعه هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود. در این انتخابات زودهنگام که در پی مرگ ابراهیم رئیسی برگزار می‌شود، شش نامزد شامل امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی و مصطفی پورمحمدی حضور دارند.

جمهوری اسلامی برای بالا بردن مشارکت مردم به ویژه آن دسته از شهروندان که «قشر خاکستری» نامیده می‌شوند برنامه‌ریزی ویژه کرده است. در این میان اقداماتی شامل سرکوب در فضای مجازی و رسانه‌های داخلی نیز برای جلوگیری از اعلام نظر آزادانه در رابطه با انتخابات و شش نفر نامزد جریان‌ات اصلاح‌طلب و اصولگرا در دستور کار قرار گرفته تا مبادا بخشی از شهروندان برای «تخریب انتخابات» تصمیم قطعی بگیرند. هفته گذشته نیز سردار پاسدار علی رزمجو فرمانده سپاه «امام صادق» استان بوشهر از برگزاری رزمایش سپاه در فضای مجازی برای حضور حداکثری مردم در چهاردهمین دوره انتخابات خبر داد.

فرمانده سپاه «امام صادق» استان بوشهر گفته بود «رزمایش در فضای مجازی در راستای آگاه‌سازی مردم برای حضور حداکثری در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۸ تیر ماه سال جاری برگزار می‌شود. رزمایش آگاهی اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در دستور کار سپاه



به ویژه از طریق طرح مسائل قومی و نژادی، انتشار هرگونه نتایج نظرسنجی و نظرسنجی کاذب در خصوص انتخابات و نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری» مصداق محتوای مجرمانه تلقی می‌شود.

از دیگر مصادیق این دستورالعمل پنج صفحه‌ای، «انتشار هجو یا هجویه و یا هرگونه محتوای توهین‌آمیز یا تخریب در فضای مجازی علیه انتخابات» عنوان شده است!

همچنین «انتشار هرگونه محتوا در جهت هتک حرمت و حیثیت و نشر اکاذیب علیه نامزدهای انتخابات» از جمله مصادیق مجرمانه‌ای دانسته شده که رسیدگی به آن نیازمند شکایت شاکی خصوصی است.

اینهمه در حالیست که مرکز نظرسنجی «ایسپا» وابسته به جهاد دانشگاهی نیز یک نظرسنجی در روزهای ۱۹ و ۲۰ خرداد ۱۴۰۳ و پیش از اعلام شدن فهرست نامزدهای انتخاباتی که از سوی شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند برگزار کرده است. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد حتی زمانی که نام کاندیداها مشخص نشده بود نیز بیش از نیمی از مردم یا تصمیم نداشتند در انتخابات شرکت کنند یا در اینباره دچار تردید بودند. ابراهیم شیرعلی رئیس ایسپا درباره این نظرسنجی گفته «یکی از سوال‌های محوری در طرح‌های نظرسنجی پیرامون موضوع انتخابات، نرخ مشارکت مردم است. نتایج موج دوم نظرسنجی ایسپا نشان داد، ۴۴/۴ درصد از شهروندان گفته‌اند قطعاً در انتخابات ریاست جمهوری مشارکت خواهند کرد.» این به این معناست که بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی یا تصمیم نداشتند در این انتخابات شرکت کنند یا در اینباره دچار تردید بودند.

آمارهای منتشر شده از سوی ایسپا نشان می‌دهد ۲۸/۷ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی بطور قطعی در انتخابات شرکت نمی‌کنند. ۴/۸ درصد گفته‌اند احتمال کمی دارد در انتخابات شرکت کنند، ۱۴/۹ درصد هنوز در اینباره تصمیم نگرفته ۷/۳ درصد گفته بودند احتمال دارد در انتخابات شرکت کنند.

این نظرسنجی با توجه به اینکه از سوی یک مرکز نظرسنجی حکومتی برگزار شده و ممکن است پاسخ‌دهندگان درباره عدم شرکت در انتخابات، به دلیل هراس، پاسخ دقیقی نداشته باشند اما باز هم نشان از عدم تمایل درصد قابل توجهی از مردم برای شرکت در فحاشی انتخابات است.

امام صادق علیه‌السلام استان بوشهر قرار دارد.» جلوگیری از اظهارنظرهایی که در راستای داغ کردن تنور انتخابات نباشد، سبب خط‌ونشان قوه قضاییه نیز شده است. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه دو روز پیش گفت: «در فرآیند تبلیغات انتخاباتی، چنانچه پس از تذکرات و هشدارهای دستگاه‌های نظارتی، کسانی خلاف قانون و اخلاق عمل کنند و با تخریب، توهین، شایعه‌پراکنی و نشر اکاذیب، بخواهند فضا را ملتهب و اذهان را مشوش کنند قطعاً با برخورد قانونی دادستان‌ها و سایر دستگاه‌های ذیربط مواجه خواهند شد.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای رسانه‌ها را نیز تهدید کرده و گفته بود: «رسانه‌ها و انسان‌رسانه‌ها و شهروند خبرنگاران و سایر اقسام و اضلاع مرتبط با رسانه، در ایام انتخابات نسبت به رعایت حدود و ثغور اخلاقی، توجه داشته باشند؛ قطعاً نقد و نقادی، امری بلاشکال و حتی مفید است اما توهین، تخریب، ضایع کردن رقیب، نشر اکاذیب، تشویش اذهان و خلاف واقع گویی، مجاز نیست.»

همزمان دادستانی تهران از «اعلام جرم» علیه دو رسانه «حاشیه نیوز» و «بامدادنو» خبر داده است. دادستانی تهران همچنین گفته مدیران مسئول این دو رسانه «برای ارائه توضیحات و رسیدگی به پرونده» درباره مطالب منتشر شده درباره انتخابات احضار شدند.

قوه قضاییه اعلام کرده که «با شروع فضای انتخاباتی در کشور، انتشار برخی اخبار کذب در فضای مجازی و سایت‌های خبری بیشتر شده است. در همین رابطه طبق رصدهای صورت گرفته و به واسطه انتشار اخبار کذب در مورد انتخابات از سوی حاشیه نیوز و بامدادنو، دادستانی تهران علیه آنها اعلام جرم کرد.»

هیئت نظارت بر مطبوعات با انتشار دستورالعملی برای رسانه‌ها خط و نشان کشیده و انتشار «هرگونه محتوا به منظور ترغیب و تشویق مردم به تحریم و یا کاهش مشارکت در انتخابات، تجمع اعتراض‌آمیز بدون مجوز، اعتصاب و تحصن» را مصداق «محتوای مجرمانه» خوانده است.

در بخشی از این دستورالعمل آمده است که «هر اقدامی که به نحوی موجب اخلاق در امر انتخابات ریاست جمهوری شود... تشویش اذهان عمومی، سیاه‌نمایی و بیان مطالب خلاف واقع علیه کشور، ایجاد اختلافات مابین اقشار جامعه

دو نفر در تگزاس به جرم توطئه برای فروش نفت ایران به ۴۵ ماه زندان محکوم شدند



● وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد، دو نفر که دادگاه آنها را به اتهام تلاش برای فروش غیرقانونی نفت ایران، محاکمه کرده بود به جرم نقض تحریم‌ها و توطئه برای پولشویی از طریق فروش نفت ایران به ۴۵ ماه زندان محکوم شدند.

● خبرگزاری رویترز گزارش داد ژنیو وانگ (۴۳ ساله) شهروند چینی و دانیل ری لین (۴۲ ساله) اهل مک‌کینی تگزاس از ژوئن ۲۰۱۹ تا فوریه ۲۰۲۰ (خرداد تا بهمن ۱۳۹۸) با همکاری یکدیگر قصد داشتند با خرید نفت از ایران و پنهان کردن منشاء آن محموله را به پالایشگاهی در چین بفروشند.

● پل هتزنکر وکیل ری لین اواخر سال گذشته به رویترز گفت که پشت این پرونده عوامل مخفی دولتی قرار دارند که به ری لین پیشنهاد دادند در صورت همکاری در این طرح «میلیون‌ها دلار سود» می‌کند. این در حالیست که وی پیشنهاد آنها را در ابتدا رد کرده بود. این وکیل پرونده موکل خود را «مونه ظالمانه تجاوز دولت» خوانده بود.

وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد، دو نفر که دادگاه آنها را به اتهام تلاش برای فروش غیرقانونی نفت ایران، محاکمه کرده بود به جرم نقض تحریم‌ها و توطئه برای پولشویی از طریق فروش نفت ایران به ۴۵ ماه زندان محکوم شدند.

خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) گزارش داد ژنیو وانگ (۴۳ ساله) شهروند چینی و دانیل ری لین (۴۲ ساله) اهل مک‌کینی تگزاس از ژوئن ۲۰۱۹ تا فوریه ۲۰۲۰ (خرداد تا بهمن ۱۳۹۸) با همکاری یکدیگر قصد داشتند با خرید نفت از ایران و پنهان کردن منشاء آن محموله را به پالایشگاهی در چین بفروشند.

دانیل ری لین رئیس شرکت خصوصی Stack Royalties (استک رویالتیز، ال‌ال‌سی) مستقر در تگزاس است که حقوق معدنی نفت و گاز را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری و گروه‌های سهام خصوصی می‌فروشد.

پل هتزنکر وکیل ری لین اواخر سال گذشته به رویترز گفت

جمهوری اسلامی با استفاده از نفتکش‌هایی که سیستم موقعیت‌یاب آنها خاموش می‌شود (ناوگان شبح) اقدام به فروش غیرقانونی نفت می‌کند

به جرم خود اعتراف کردند. جمهوری خلق چین تنها واردکننده بزرگ نفت ایران در جهان است، که با وجود تحریم‌هایی که از دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی اعمال شده همچنان خرید نفت از آن را ادامه داد.

جمهوری اسلامی با کمک دلال‌ها نفت ایران را زیر قیمت بازار به چینی‌ها می‌فروشد. خبرگزاری بلومبرگ فروردین ۱۴۰۲ گزارش داده بود که ایران هر بشکه نفت را ۱۲ دلار کمتر از نفت شاخص برنت به چین تحویل می‌دهد.

که پشت این پرونده عوامل مخفی دولتی قرار دارند که به ری لین پیشنهاد دادند در صورت همکاری در این طرح «میلیون‌ها دلار سود» می‌کند. این در حالیست که او پیشنهاد آنها را در ابتدا رد کرده بود. این وکیل پرونده موکل خود را «مونه ظالمانه تجاوز دولت» خوانده بود.

این دو نفر به همراه سه نفر دیگر در سال ۲۰۲۰ در دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده در ناحیه شرقی پنسیلوانیا محاکمه شدند. مستندات دادگاه نشان می‌دهد که آنها در همان زمان

سیستان و بلوچستان؛ مردمی که آرام نمی‌گیرند...



چابهار هفته سوم شهریور ۱۴۰۱ - چند روز پیش از قتل حکومتی مهسا امینی

تجمعات اعتراضی مردم به تجاوز به کودک ۱۵ ساله اهل سیستان و بلوچستان توسط سرهنگ ابراهیم کوچکزایی فرمانده نیروی انتظامی شهرستان چابهار

این اعتراضات از هفته آخر شهریورماه و پس از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی، در سطح استان سیستان و بلوچستان گسترش یافت و به بخش مهمی از اعتراضات سراسری ایرانیان علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

هشتم مهرماه ۱۴۰۱
جمعه خونین زاهدان

بعد از نماز جمعه اهل سنت زاهدان در مسجد مکی، در حالی که نمازگزاران در حال خروج از مسجد بودند نیروهای مسلح حکومت به خیابان‌های اطراف مسجد ریختند و مردم را به رگبار بستند.



گفتگو درباره‌ی بلوچستان و تحولات فکری و تاریخی احزاب بلوچ



اعتراضات مردم در سیستان و بلوچستان همچنان ادامه یافته است

باشند و جای طبقه سردار و خوانین را بگیرند. با این فضایی که در بلوچستان به وجود آمد و با دسترسی به تریبون و استقلال مالی [توسط این جریان] باعث شد که رقابتی که بعدها به‌خصوص از دهه شصت به بعد بین حکومت مرکزی که تبلیغ شیعه‌گرایی می‌کرد یک گارد سنی در مقابل آن داشته باشند. در نتیجه بیشتر فضا مذهبی شد در بلوچستان و رژیم هم همین را می‌خواست. برعکس بلوچستان پاکستان که فضا سکولار بود و این فضای مذهبی باعث قطع ارتباط بلوچ‌های ایران با بلوچ‌های پاکستان شد. به نظر استراتژی پشت این قضیه هم این بود که بین این دو گروه و دو جامعه موانعی به وجود بیاید.

● **عده‌ای از مخالفان بلوچ جمهوری اسلامی در خارج ایران هستند؛ وضعیت فعالیت این گروه‌ها در چه سطحی است؟ آیا دارای پایگاه اجتماعی در منطقه هستند؟ چه ایده‌هایی را نمایندگی می‌کنند؟ با گروه‌های دیگر مخالف ایرانی در ارتباط مبارزاتی و یا فکری هستند؟**

- در ارتباط با این سوال عرض می‌کنم که خیلی از این طرفداران رژیم قبلی و چپ‌ها وقتی که از بلوچستان ایران خارج شدند، ابتدا در افغانستان یا پاکستان فعالیت می‌کردند و به مرور تحت تاثیر ناسیونالیسم بلوچی قرار گرفتند و به سمت ایجاد گروه‌های ناسیونالیستی اشتیاق پیدا کردند. شروع اولین فعالیت‌های ناسیونالیستی اینجا شکل گرفت و گروه‌هایی از ناسیونالیست‌های بلوچ پاکستانی در بین بلوچ‌های آنجا نفوذ داشتند و در نتیجه تحت تاثیر قرار گرفتند. برخی از این چپ‌هایی که از گروه‌های چپ سابق جدا شده بودند تشکیل ناسیونالیسم دادند اما چنان فعالیتی به دلیل فضای بسته و امنیتی در بلوچستان نداشتند. بعد که به سمت آمریکا و اروپا مهاجرت کردند تا مدت‌ها فعالیت چندانی نداشتند. این مسئله نه تنها در اپوزیسیون بلوچ بلکه در اپوزیسیون ایرانی هم بود چون درگیر فعالیت معیشتی بودند و شناختی به محیط جدید نداشتند. ارتباطی با داخل ایران هم نداشتند و به همین خاطر مسکوت

درگیری‌هایی که بین بلوچ‌ها و بریتانیا روی داد، دست سرداران و خوانین بود.

انگلیس بعد از جنگ با بلوچ‌ها، برای اینکه بتواند این منطقه را تحت کنترل بگیرد، با استراتژی صلح با بلوچ‌ها، امنیت را به این سرداران و خوانین سپرد تا بتواند با کمترین هزینه امنیت نیروهایش یعنی کمپانی هند شرقی را تامین بکند و به راحتی از نفوذ رقبا در بلوچستان جلوگیری کند. این ارتباطات بین خوانین و سردارهای با اقتدار نطفه‌اش در این دوره شکل گرفت. و بعد هم می‌دانیم که در هندوستان آن جریان مذهبی «دیوبندی» راه افتاد و جهادی که عثمانی اعلام کرد و باعث نزدیکی چند مولوی شد که در آن مدارس دیوبندی تحصیل کرده بودند. آنها برگشتند به بلوچستان و باعث شد که کمی فضا را از آن حالت صوفی‌گرایانه قبلی تغییر بدهند و به مرور وارد امر اجتماعی بشوند و نقشی در تحولات داشته باشند.

ادامه همین مسائل را در دهه‌های شصت به بعد هم می‌بینیم. بعد از اینکه انقلاب شد، طبقات سردار یا خوانین حذف شدند. نسل جدید تحصیلکرده بلوچی که گرایش چپ داشتند رقیب تازه‌ای برای مذهبیان و سرداران شدند. چپ‌گرایان با فتوادل خواندن خان‌ها و سرداران و به‌خصوص آنانی که ارتباطاتی با حکومت پهلوی داشتند، باعث حذف سرداران از صحنه سیاسی شدند. بعد هم این فضا خلائی به وجود آورد که باعث شد که مذهبی‌ها و مولوی‌ها که تحت تاثیر مکتب دیوبندی بودند و زبانی مشترک با حکومت بعد از انقلاب داشتند، توانستند به امر سیاسی نفوذ کنند. جریان مذهبی سنی توانست فضا را جوری مهیا بکند که بتواند جریان چپ بلوچی که مانند جاهای دیگر ایران داشت رشد می‌کرد، و افکار سکولاریستی و سوسیالیستی را تبلیغ می‌کرد با همکاری حکومت جمهوری اسلامی حذف کند. این مولوی‌های سنی احساس نگرانی می‌کردند و با حکومت مرکزی اینان را حذف کردند و از این خلاء قدرت استفاده کردند و توانستند رابط بین مردم و حکومت مرکزی

● **گفتگوی علی اصغر حقدار پژوهشگر تاریخ با محمد ریگی درخشان پژوهشگر مهمان در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و کارشناس مسائل بین‌الملل در ترکیه برای بررسی تحولات فکری و تاریخی احزاب بلوچ انجام شده است.**

● «بعد از اینکه انقلاب شد، طبقات سردار یا خوانین حذف شدند. نسل جدید تحصیلکرده بلوچی که گرایش چپ داشتند رقیب تازه‌ای برای مذهبیان و سرداران شدند. چپ‌گرایان با فتوادل خواندن خان‌ها و سرداران و به‌خصوص آنانی که ارتباطاتی با حکومت پهلوی داشتند، باعث حذف سرداران از صحنه سیاسی شدند. بعد هم این فضا خلائی به وجود آورد که باعث شد که مذهبی‌ها و مولوی‌ها که تحت تاثیر مکتب دیوبندی بودند و زبانی مشترک با حکومت بعد از انقلاب داشتند، توانستند به امر سیاسی نفوذ کنند. جریان مذهبی سنی توانست فضا را جوری مهیا بکند که بتواند جریان چپ بلوچی که مانند جاهای دیگر ایران داشت رشد می‌کرد، و افکار سکولاریستی و سوسیالیستی را تبلیغ می‌کرد با همکاری حکومت جمهوری اسلامی حذف کند.»

● «در صورتی که ایران یک گذار دموکراتیک داشته باشد، نیروهای مترقی در بلوچستان توان رقابت با جریان مذهبی و جریان ناسیونالیست را خواهند داشت و مردم بلوچ هم از آنان استقبال خواهند کرد. اما در صورتی که همین شرایط کنونی ادامه پیدا بکند و «دیگری» بودن بلوچ‌ها برجسته شود، شاهد گسترش ایده جدایی و رشد ناسیونالیسم خواهیم بود.»

این گفتگو توسط علی اصغر حقدار پژوهشگر تاریخ ایران برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است.

علی اصغر حقدار - گفتگویی که با محمد ریگی درخشان پژوهشگر مهمان در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و کارشناس مسائل بین‌الملل در ترکیه می‌خوانید برای بررسی تحولات فکری و تاریخی احزاب بلوچ انجام شده است.

● **آقای ریگی اخیراً کتاب «تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی بلوچستان (۱۳۵۰ تا ۱۳۶۸) جریان چپ در بلوچستان» از شما منتشر شده است. سوال من مربوط به مقطع زمانی دهه شصت و بعد از آن است. دوره زمانی که من در کتاب «تاریخ چهل ساله اپوزیسیون ایرانیان» به آن پرداخته‌ام. وضعیت فعالیت‌های سیاسی در منطقه بلوچستان اکنون بیشتر از کدام ایده‌ها و افکار متاثر است؟ باورهای دینی در مخالفت با جمهوری اسلامی از چه اعتقاداتی نشات می‌گیرد؟**

- همانطور که در کتابم نوشته‌ام، در بلوچستان اگر نگاه بکنیم به پیشینه جریانات سیاسی، باید سری به دوران قبل‌تر این دهه بنزیم. چون گروه‌هایی که در دوران مورد نظر ظهور می‌کنند، تحت تاثیر آن فضا وارد تحولات این دوران می‌شوند. معمولاً حضور انگلیسی‌ها در بلوچستان (هم در بلوچستان ایران و هم در بلوچستان پاکستان) باعث ارتباطاتی از طرف بلوچ‌ها با ارتش و سربازان بریتانیا شد و همچنین اتفاقاتی که در هندوستان افتاد. یعنی تحركات گروه‌های ناسیونالیست و مذهبی در آن جا افتاد. قبل از آن در پروسه مذهب در بلوچستان نگرش صوفیانه غالب بود. بیشتر از ادبیات سعدی و پندنامه‌های بوستان و گلستان استفاده می‌کردند. و قدرت منطقه‌ای با توجه به

ماند این فعالیت‌ها.

گروه‌هایی که مخالف جمهوری اسلامی بودند به خصوص بلوچ‌های در خارج کشور تا زمانی که تکنولوژی مجازی چنین پیشرفتی نداشت به صورت محدود فعالیت‌هایی کردند و البته نتوانستند پایگاه‌های اجتماعی به وجود بیاورند فقط در حد و اندازه ارتباطات خانوادگی و فامیلی توانستند فعالیت کنند. اما به مرور همانطور که در کل ایران اپوزیسیون شروع به جذب گروه‌های مختلف طبقات اجتماعی کرد، در بلوچستان هم این گروه‌ها فعالیت را شروع کردند. تا جایی که می‌شود اینها را تقسیم‌بندی نیز کرد. الان گروه‌هایی هستند که همچنان مثل چپ سابق و کلاسیک فکر می‌کنند و تفکرات‌شان تغییری نکرده؛ اینها تعدادشان خیلی محدود است و چنان فعالیتی ندارند. گروه‌های ناسیونالیست که الان در خارج کشور وجود دارند یک عده به دنبال فدرالیسم‌اند مثل «حزب مردم بلوچستان»؛ یک گروهی به دنبال استقلال‌اند مثل راجی زمبش و جدیدی یکی گروهی به نام راجی تپاکی هم شکل گرفته است. اما چون ما الان معیاری برای سنجش پایگاه اجتماعی اینان نداریم نمی‌توان گفت که چقدر اینها توانسته‌اند ارتباط با مردم داشته باشند. اما گروه‌های ناسیونالیست بیشتر ارتباطات‌شان با ناسیونالیست‌های بلوچ در پاکستان است و آنها را برای خود سرمشق قرار می‌دهند و برنامه آنها را برای ایران مورد استفاده قرار می‌دهند. گروه‌هایی که دنبال فدرالیسم هستند در ارتباط با گروه‌های دیگر فدرالیسم‌خواه در ایران مثل «کومله» ارتباطاتی دارند و گاهی بیانیه‌های مشترکی هم صادر می‌کنند و به نظر منشی این گروه‌های فدرال را در پیش گرفته‌اند و از تجربه مبارزاتی و یا حتی فکری آنان استفاده می‌کنند.

● **با توجه به نفوذ سنتی دین‌مداران در بلوچستان، گروه‌های چپ‌گرا یا راست‌گرای منطقه چگونه می‌توانند در کنار و در مواجهه با پایگاه سنتی مذهبی‌ها در منطقه قرار بگیرند؟**

- دو گروه مذهبی در بلوچستان هستند: یک گروه تحت تاثیر افکار «دیوبندی» هستند. گروه دیگری که نزدیک به «جماعت تبلیغ» هستند و بیشتر تفکرات سلفی دارند. این گروه رادیکال معمولاً معتقدند که باید یک فضای به وجود بیاید که بتوانند آزادانه از آن برای تبلیغ تفکرات خود در بین نه تنها بلوچستان بلکه جاهای دیگر ایران هم تبلیغ بکنند. اما گروهی میانه‌رو که به جریان «مسجد مکی» معروف شده معمولاً یک رابطه‌ی کج دار و مریز با مرکز و حکومت داشته و مطالباتش را عمدتاً در آن چارچوب اعلام می‌کند. هرچند که بعد از اتفاقات و حوادثی که در جنبش «زن، زندگی، آزادی» پیش آمد، این سد شکست و کمی درگیری‌های جناحی هم به وجود آمد. گروه‌های رادیکال خواستار این هستند که از ارتباطاتی که گروه میانه‌رو با جمهوری اسلامی دارد بگذرند و دیگر همکاری و یا مطالباتشان را به این شکل با رژیم مطرح نکنند. در این زمینه البته هیچ نظرسنجی شکل نگرفته که در بلوچستان نفوذ این گروه‌ها چقدر است اما جریان مکی توان بالایی در بسیج مردم دارد.

جریان مسجد مکی نمی‌خواهد نقشی را که برای این گروه در فضای بلوچستان به وجود آمده از دست بدهد و گروه‌های رادیکال در بلوچستان بتوانند قدرت بگیرند و در بین مردم نفوذ پیدا بکنند زیرا احتمال اینکه جامعه به خشونت کشیده بشود زیاد است. هر چند خود این جریان «مسجد مکی» هم تفکرات نزدیک به طالبان دارد و هر دو آپشورش‌شان همان مکاتب دیوبندی است و اگر در ایران فضا به سمت دیگری برود احتمال اینکه این دو

سیاست‌های پارلمان اروپا در مورد ایران و جمهوری اسلامی



ویدئو

در روزهای ۶ تا ۹ ژوئن شهروندان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا پای صندوق‌های رای می‌روند تا ۷۲۰ نماینده جدید پارلمان اروپا را در انتخاباتی که هر پنج سال یکبار برگزار می‌شود برگزینند. نمایندگانی که انتخاب خواهند شد در پنج سال آینده در قالب هفت فراکسیون پارلمانی از چپ تا راست در این پارلمان که مقر آن در استراسبورگ (فرانسه) و همچنین بروکسل است فعالیت خواهند داشت. مریم بنی‌هاشمی پژوهشگر ایران ساکن زوریخ (سوئیس) در پژوهشی عملکرد و سیاست‌های پارلمان اروپا، نمایندگان و احزاب حاضر در این نهاد اروپائی در پنج سال گذشته را در رابطه با ایران و جمهوری اسلامی زیر ذره‌بین برده است.

مریم بنی‌هاشمی در گفتگو با احمد رأفت به پرونده‌های مطرح در رابطه با ایران و جمهوری اسلامی، و به ویژه طرح قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا که در پارلمان آینده نیز بار دیگر مطرح خواهد شد نیز اشاره می‌کند.

گروه به آن جریان نزدیک بشوند هست. اما رادیکالیسم سنی در بلوچستان بیشتر تمایل به ایجاد گروه‌های تندرو مثل «جندالله» سابق و «جیش العدل» فعلی دارد که از طریق مسلحانه بتوانند در مقابل رژیم قرار بگیرند.

دیسپواری بلوچ هم مثل اپوزیسیون ایرانی یک جزء از آن کل است. می‌توان گفت پراکندگی زیادی میان این اپوزیسیون وجود دارد و همبستگی چندان و اعتمادی بهم ندارند. حتی توان اینکه بتوانند با هم بحث بکنند در آنها دیده نمی‌شود و به راحتی به همدیگر برچسب می‌زنند و عدم اعتماد بین این گروه‌ها وجود دارد و این خودش سبب شده که نتوانند چندان فعالیت میدانی در بلوچستان داشته باشند.

● **سنت‌گرایان بلوچستان با اعتقادات اهل سنت به مخالفت با جمهوری اسلامی مشغولند؛ از نظر شما خواست‌های محلی خارج از اعتقادات مذهبی قابل تحقق است؟**

- گروه‌های مذهبی در بلوچستان نفوذ زیادی داشته‌اند و در این مدت هم نتوانستند سازماندهی بکنند و ارتباطاتی با گروه‌های اصلاح‌طلب بگیرند و در خیلی از انتخابات به اینها رای بدهند. به غیر از دورانی که متمایل شدند به اصولگرایان و به ابراهیم رئیسی رای دادند. اما گروه‌های چپ مترقی یا جریانات مترقی هم در بلوچستان شکل گرفته و اینان سعی می‌کنند که فضایی را که از شکاف‌های نسلی به وجود آمده و جوانانی را که به سمت سکولاریسم حرکت می‌کنند جذب کنند اما ارتباطات کمی با مردم و جامعه دارند. اینان درگیر کار و هزینه‌های زندگی‌اند و مثل مذهبیون اینقدر تریبون و قدرت سازماندهی هم ندارند. جریان مترقی بلوچ مانند جریان مذهبی پایگاه مردمی ندارد. به هر حال قدرت و نفوذ مذهبی‌ها زیاد است و یک رقابت دموکراتیکی هم در میان آنها نیست. روشنفکران بلوچ و جریان مترقی در مورد طرح مطالبات و حقوق مردم بلوچ کم‌کارند؛ نه اینکه «مطالبه‌گر» نیستند اما سازماندهی ندارند. جریان مذهبی چه میانه‌رو و چه رادیکال اما مطالبات مذهبی دارند و امت‌گرا هستند.

● **در منطقه بلوچستان شاهد حضور گروه‌هایی مثل**

جیش العدل هستیم که مسلحانه به مخالفت با جمهوری اسلامی می‌پردازند؛ شما جایگاه اینگونه گروه‌ها و روش‌ها را با توجه به شرایط منطقه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- وقتی خشم و نفرت مردم محلی و مطالبات‌شان به جایی نرسد ما شاهد ظهور اینگونه گروه‌های رادیکال در منطقه هستیم که دست به اسلحه می‌برند. اما به نظر جنبش «زن زندگی آزادی» در بلوچستان نشان داد همانطور که مثل دهه‌های اول بعد از انقلاب بلوچ‌ها نتوانستند از نهادهای مدنی مثل تحصن و غیره استفاده بکنند این جنبش هم این فضا را به وجود آورد که کمی از فضای رادیکال دور بشوند و سعی کنند از گروه‌های رادیکال مثل جیش العدل ... فاصله بگیرند. این نشان داد که حداقل این شرایط اگر مهیا بشود می‌شود فضا را معتدل کرد تا بتوانند از این طریق به حق شهروندی‌شان برسند اما زمانی که مرکز نتواند به تقسیم قدرت و ثروت و تکنگرایی رو بیاورد و همین روند کنونی ادامه پیدا بکند احتمال اینکه مردم جذب گروه‌های رادیکال بشوند وجود دارد. حتی جریان ناسیونالیسم بلوچی نیز با توجه به این تعیض‌های سیستماتیک رژیم در بلوچستان رشد کرده است.

اینها یعنی جیش العدل معمولاً تحت تاثیر گروه‌های سلفی خارج از ایران هستند و آنجا دوره‌های دینی دیده‌اند و تحت تاثیر آن تفکرات و آن عقاید قرار دارند و بایستی این جبر جغرافیایی را هم در نظر بگیریم که کشورهایی که در اطراف بلوچستان قرار گرفته‌اند پاکستان و افغانستان و گروه‌های رادیکال و مسلح در آنجا فعالیت دارند و می‌توانند این جریانات رادیکال را هدایت کنند و برای آنها الگو بشوند.

با اینهمه در صورتی که ایران یک گذار دموکراتیک داشته باشد، نیروهای مترقی در بلوچستان توان رقابت با جریان مذهبی و جریان ناسیونالیست را خواهند داشت و مردم بلوچ هم از آنان استقبال خواهند کرد. اما در صورتی که همین شرایط کنونی ادامه پیدا بکند و «دیگری» بودن بلوچ‌ها برجسته شود، شاهد ایده جدایی و رشد ناسیونالیسم خواهیم بود.

گفتگو درباره کتاب «بازاندیشی هنر معاصر ایران» از دکتر حمید کشمیرشکن



بهرنگ صمدزادگان/ روز بعد از روز آخر/ آبرنگ / ۲۰۲۱

هنردستانی که لزوماً بطور حرفه‌ای درگیر این حوزه نیستند. کتاب اخیر تا حدی طیف وسیع‌تری از مخاطبان را در بر می‌گیرد. ضمناً از نظر محتوایی مکمل کتاب قبلی است که بر مباحث تاریخی‌تر و بنیادی‌تری متمرکز است. این کتاب همانطور که از عنوان آن که ترجمه فارسی آن «بازاندیشی هنر معاصر ایران» می‌شود، برمی‌آید، بر هنر معاصر و مشخصاً آثار و تولیدات دو دهه اخیر می‌پردازد، که خود البته موضوعی چالش‌برانگیزی است.

● یعنی خواستید که مخاطب عام را نیز نسبت به این مباحث هنری علاقمند کنید؟

می‌توان اینطور هم گفت. در عین حال به دلیل حوزه کاریم از خلاءهایی که در این حوزه با توجه به کتاب‌هایی که با عناوین مشابه در سال‌های اخیر انتشار یافته‌اند وجود دارد که برخی هم بر مبنای نمایشگاه‌هایی که در موزه‌ها برگزار شده‌اند و یا مجموعه‌های خصوصی تنظیم شده‌اند، مطلع هستم و در این کتاب سعی در پرکردن بخشی از این کمبودها داشته‌ام.

در نوشته‌های قبلی‌ام، از جمله کتابی که به آن اشاره کردم، درباره معضل اساسی نحوه خوانش هنر غیرغربی در جوامع غربی بسیار بحث کرده‌ام. به مباحث انتقادی درباره این خوانش و مسئله «کلیشه‌سازی» و «استانداردسازی» پرداخته‌ام. در واقع در اینگونه خوانش‌ها آثار هنری به ابزاری برای «دیگری‌سازی» غربیان تقلیل داده می‌شوند که از طریق کلیشه‌هایی بسیار محدود و شناخته شده تعریف شده‌اند. این سیستم آثاری از هنر معاصر خاورمیانه و ایران انتخاب و ارائه می‌کند که در قالب آن کلیشه‌ها می‌گنجند و به شکلی هنوز تحت تاثیر نگره‌های استعمارگری و شرق‌شناسانه و تداوم آنها در آنچه نگره «اورینتالیستی نو» نامیده می‌شود، قرار دارد.

اینگونه منظرها مسلماً به نگرش مخاطبان و کسانی که آشنایی لازم را با فرهنگ و هنر معاصر این کشورها، از جمله ایران، ندارند صدمه می‌زند و نوعی

خوانشی از آثار هنری است که آنها را در ارتباط با بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زایش آنها قرار می‌دهد و تحلیل می‌کند. در واقع حتی نمودهای فرمال را هم به نوعی در ارتباط با بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد بحث قرار می‌دهد، چراکه آن بسترها را مولد نگرش و روش بیانی می‌داند که هنرمندان برگزیده‌اند. به عبارت دیگر، در این رویکرد صرفاً تحلیل بصری آثار و یا تقسیم‌بندی تاریخی مد نظر نیست.

این روش همچنین با نظریه‌های انتقادی ارتباط پیدا می‌کند. یکی از چهره‌های شاخص این رویکرد متفکر مجاری- آلمانی آرنولد هاوزر است که کتاب چهار جلدی تاریخ اجتماعی هنر او در این حوزه بسیار تأثیرگذار است. ولی بطور مشخص به آنچه «تاریخ هنر نوین» (The New Art History) نامیده می‌شود مرتبط است. تمایز اصلی تاریخ نوین هنر با تاریخ هنر به معنای کلاسیک در آن است که خصیصه‌ای «میان‌رشته‌ای» دارد. برای نمونه از نظریه‌های گوناگون از جمله علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جنسیت‌ها، روانکاوی و غیره بهره می‌برد و از آنها در خوانش و تفسیر تاریخ هنر و پدیده‌های هنری استفاده می‌کند. رویکرد پژوهشی من هم در همین امتداد است.

● کتاب «بازاندیشی هنر معاصر ایران» را بر اساس چه نیاز و نگرشی نوشتید؟

این کتاب در واقع در امتداد کتاب‌های دیگریست که در همین حوزه هنر نوین و معاصر ایران منتشر کرده‌ام. بطور مشخص کتابی که سال گذشته به وسیله انتشارات دانشگاه ادینبورگ منتشر شد، ساختاری کاملاً دانشگاهی دارد، بیشتر متن‌محور است و برای مخاطب خاص دانشگاهی تالیف شده یعنی اساتید و دانشجویان و تا حدودی کیوریتورها. مباحث طرح شده هم بیشتر نظری است و بر گفت‌مان‌ها و حرکت‌های هنری متمرکز دارد. بنابراین نمی‌تواند مخاطبان فراگیری داشته باشد و یا با مخاطب عام خیلی ارتباط برقرار کند از جمله با هنرمندان، موزه‌دارها، مجموعه‌داران و نیز

● دکتر حمید کشمیرشکن استاد تاریخ هنر و پژوهشگر و مورخ هنری: «زبان استعاره و رمزآلود در تاریخ ادبیات ما قدمتی طولانی دارد. در هنرهای بصری ما هم در برهه‌هایی این تجربه انجام شده، ولی در سال‌های اخیر طیف وسیعی از هنرمندان ایران با استفاده از رویکردهایی متنوع و گستره وسیعی از ابزارها و رسانه‌هایی که هنر معاصر در اختیار هنرمندان قرار داده‌است، سعی کرده‌اند زبان تخیلی و فراواقعی را برای ترسیم امور واقعی و تجارب زیسته به کار بگیرند. این زبان به دلیل محدودیت‌ها و سانسور حاکم در ایران پیچیده است و به سادگی قابل رمزگشایی نیست. به نظر من این زبان، راهبردی استثنایی را در اختیار هنرمندان قرار داده و آنها هم استفاده درخشانی از آن کرده‌اند.»

کتاب «بازاندیشی هنر معاصر ایران» از دکتر حمید کشمیرشکن چندی پیش منتشر شد. در این کتاب شماری از هنرمندان به ویژه جوان ایران معرفی و آثارشان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. کیهان لندن در همین ارتباط با با دکتر کشمیرشکن گفتگو کرده است.

● دکتر کشمیرشکن، لطفاً برای آشنایی خوانندگان ما، در مورد تحصیلات و فعالیت پژوهشی خود توضیحاتی بدهید.

-قبل از آمدن به بریتانیا در رشته هنرهای تجسمی در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران تحصیل کرده بودم. در بریتانیا هم ابتدا همین رشته را در کالج سلطنتی ادامه دادم، ولی بعد به سمت نقد و تاریخ هنر رفتم و در این زمینه تحصیل کردم. اکنون مورخ هنری و پژوهشگر و استاد دانشگاه هستم. دکترای تاریخ هنر با گرایش هنر معاصر با تمرکز بر حوزه هنر مدرن و معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا از دانشگاه «سواس» گرفته‌ام. بعد از دکترای چند دوره پس‌دکترای در دانشکده مطالعات خاورمیانه و آسیایی دانشگاه آکسفورد گذرانده‌ام که با کار تحقیق و تدریس همراه بود و همچنین چند سال در آنجا پژوهشگر ارشد بودم. بعد از آن چند سالی در ایران به کار پژوهشی و تدریس در مراکز دانشگاهی پرداختم که آخرین آنها پژوهشگاه هنر وابسته به فرهنگستان هنر بود. بعد از آنکه به بریتانیا برگشتم در «سواس» و در بخش تاریخ هنر و باستان‌شناسی مشغول کار شدم. در این سال‌ها در کنار کارهای پژوهشی و نگارش کتاب و مقاله تعدادی کنفرانس بین‌المللی و نمایشگاه هنرهای تجسمی نیز سازماندهی کرده‌ام.

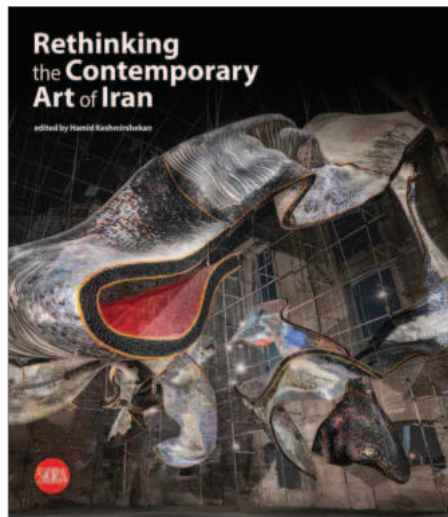
● چه کتاب‌هایی تا کنون منتشر کرده‌اید؟

-اگر در مورد کارهای اخیر بگویم، علاوه بر کتابی که قرار است درباره آن صحبت کنیم، سال گذشته کتابی با عنوان «هنر ایران در سده‌های بیستم و بیست و یکم، ترسیم امر مدرن و امر معاصر» توسط انتشارات دانشگاه ادینبورگ منتشر کردم و البته چند مقاله و یا فصل از کتاب‌هایی که آخرین آنها فصلی است از کتاب طنز در جهان هنر معاصر با عنوان «رویه‌های هنری طنز در خاورمیانه معاصر: واکنش به کلیشه‌سازی فرهنگی».

● شما در کارهای خود به بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی

توجه دارید و به بستر سیاسی نیز اشاره‌های دارید و روی سبک کار و خصوصیات ویژه هنرمندان نیز متمرکز می‌شوید...
-... دقیقاً همینطور است. رویکردی که من در کار پژوهشی‌ام اتخاذ کرده‌ام به نوعی به رویکرد تاریخ اجتماعی هنر مرتبط است که نکته شاخص آن در عدم توجه صرف به زیبایی‌شناسی فرمی آثار هنریست و در عوض ارائه

همگانی است و محدود به یک جغرافیای خاص نیست، ولی رمزگشایی از بعضی از این آثار مستلزم شناخت فرهنگی و شناخت از بستر خلق این آثار است. برخی از کارهایی که در این کتاب آمده ممکن است برای مخاطب اروپایی و آمریکایی به سادگی قابل فهم و ارتباط گرفتن نباشند، چرا که



ممکن است با آن بسترها آشنایی لازم را نداشته باشد. بخشی از آن هم به خصلت بستر محور بودن هنر معاصر مربوط می‌شود. یکی از اهداف اصلی این کتاب هم این است که به رمزگشایی از این آثار بپردازد.

● **چه واکنش و بازخوردهایی بعد از انتشار کتاب داشته‌اید؟**
با اینکه اشاره کردید در این پروژه از مرزهای آکادمیک فراتر رفته‌اید تا کتاب با مخاطب عام رابطه برقرار کند، ولی باز نمی‌تواند مخاطب زیادی در میان مردم عادی داشته باشد... -درست است ولی تصویر محور بودن این کتاب تا حدی یافتن مخاطب گسترده‌تر را تسهیل می‌کند، یعنی تا حدودی می‌تواند برای کسانی که آشنایی کمتری از مباحث حرفه‌ای و دانشگاهی دارند قابل استفاده باشد. البته به عنوان مؤلف کتاب این انتظار را ندارم که همه به یک میزان با آن ارتباط برقرار کنند. قاعدتا هر طیفی به نوعی و در سطحی متفاوت از کتاب استفاده می‌کند.

در مورد بازخورد باید بگویم چند جلسه‌ای که برای رونمایی و گفتگو درباره کتاب داشتیم استقبال خیلی خوبی شده و صحبت‌های امیدوارکننده‌ای در مورد کتاب شده است. در مجامع مختلف در اروپا و امریکای شمالی هم گویا مورد استقبال قرار گرفته. در ایران با اینکه هنوز پخش گسترده‌ای نشده، ولی تا جایی که اطلاع دارم به خصوص از طرف هنرمندان مورد توجه قرار گرفته است؛ شاید یکی از دلایل آن هم حضور و معرفی هنرمندان جوانی است که قبلاً کمتر دیده شده‌اند و این کتاب فرصتی فراهم کرده که معرفی شوند. به یاد داشته باشیم که سیستم نمایشگاهی بین‌المللی کمتر به این طیف از هنرمندان به همان دلایلی که گفته شد فرصت و مجال حضور می‌دهد. این کتاب فرصتی برای دیده شدن آنها فراهم می‌کند.

● **آیا انتشار ترجمه فارسی این کتاب را هم در نظر دارید؟**
-خیر، در این مورد نه چرا که مخاطب اصلی مورد نظر این کتاب در وهله اول غیرایرانی‌ها در اروپا و امریکای شمالی هستند و مباحث آن هم بر همین مبنا شکل گرفته‌اند. البته ایرانیان داخل کشور هم می‌توانند به ویژه از مباحث نظری آن استفاده کنند. ولی ایده‌هایی برای نگارش کتاب‌های فارسی در این حوزه دارم که متفاوت با این کتاب خواهد بود و در امتداد کتاب‌هایی قرار می‌گیرند که قبلاً به فارسی نوشته‌ام.

داده‌است، سعی کرده‌اند زبان تخیلی و فراواقعی را برای ترسیم امور واقعی و تجارب زیسته به کار بگیرند. این زبان به دلیل محدودیت‌ها و سانسور حاکم در ایران پیچیده است و به سادگی قابل رمزگشایی نیست. به نظر من این زبان، راهبردی استثنایی را در اختیار هنرمندان قرار داده و



آنها هم استفاده درخشانی از آن کرده‌اند.
بخش دوم کتاب شامل سه فصلی است که بر آثار هنرمندان متمرکز هستند. این بخش فصل‌های: «طنین‌های اجتماعی و فرهنگی»، «چشم‌اندازهای خیالی» و «پژواک‌های تاریخ» را در بر می‌گیرد و در آن مجموعاً آثار ۲۰۰ هنرمند بررسی شده‌اند. در هر مدخل اطلاعاتی در مورد رویکرد اصلی هنری هر هنرمند همراه با رویه‌های کاری وی توضیح داده شده و سپس آثار به غایتش درآمده تفسیر و رمزگشایی شده تا خواننده بتواند با آن آثار ارتباط برقرار کند. درواقع این بخش از کتاب بازغودی از سه فصل نخستین کتاب را به خواننده ارائه می‌کند. برای نمونه فصل انتهایی، «پژواک‌های تاریخ» به نگره‌هایی می‌پردازد که هنرمندان به نحوی به گذشته‌های تاریخی تصویری و مفهومی رجوع کرده‌اند. برخلاف تصور بسیاری از شرق‌شناسان، نگاه این هنرمندان لزوماً تجلیل از گذشته‌ها و بازآفرینی آنها نیست، بلکه ارائه تفاسیر نوینی از گذشته است. آنها درواقع اشکال و مفاهیم گذشته را بازخوانی و در این روند از آنها پرسشگری می‌کنند. به زبانی دیگر، آنها گذشته را برای آنکه برای امروز معنی یابد بازتعریف می‌کنند، و در مواردی بسیار با این بازتفسیر به نحوی غیرمستقیم وضعیت موجود را زیر سؤال می‌برند. در انتهای کتاب زندگی‌نامه‌های کوتاهی از هنرمندان آمده که اطلاعاتی را در مورد فعالیت‌های حرفه‌ای آنان برای خوانندگان ارائه می‌کند.

● **هنرمندانی که شما آثارشان را مورد بررسی قرار داده‌اید آیا توانسته‌اند فراتر از مخاطب ایرانی آشنا با گدھا و رمزهایی که این هنرمندان در دنیای هنری خود به کار گرفته‌اند، با دنیای خارج از ایران هم ارتباط برقرار کنند؟**
-هنر معاصر اساساً به دلیل خصلت چندرشته‌ای بودنش زبان ساده‌ای ندارد؛ آثاری که در این کتاب منعکس شده‌اند الزاماً به حوزه‌های نقاشی و مجسمه محدود نمی‌شوند و شامل رسانه‌های متنوعی چون عکاسی، اجرا، چیدمان، هنرهای مشارکتی و ویدئو هستند. گاهی برخی از این آثار به هنرهای سینمایی نزدیک می‌شوند و گاهی به هنرهای نمایشی و نیز اشکال دیگر هنری و گاه هم تلفیقی از چندین رسانه. در بسیاری موارد یافتن مرز میان این رشته‌ها دشوار است. زبان پیچیده این هنر در عین حال که فراگیر و

→ محدودیت کلیشه‌ای را تحمیل می‌کند که با مفهوم «اگزوتیزم» و «غریب‌گرایی» فرهنگی مرتبط است. بسیاری از انتشاراتی که به آنها اشاره کردم و در غرب با موضوع هنر معاصر ایران و خاورمیانه منتشر شده‌اند به شکلی متأثر از این رویه هستند. از این رو هدف من از انتشار این کتاب ارائه دیدگاهی متفاوت با چنین منظرهایی بود و «بازخوانی» و «بازاندیشی» هنر امروز ایران با تمامی تنوعات و گوناگونی‌های موجود در آنست. کتاب طیف بسیار متنوعی از هنرمندان را که بخش عمده‌ای از آنها جوانان نسل جدید هستند معرفی و تحلیل می‌کند. شمار عمده‌ای از این هنرمندان در ایران هستند و برخی هم کسانی هستند که در سال‌های اخیر از ایران مهاجرت کرده‌اند. بخش عمده‌ای از آنها در هیچیک از قالب‌های گفته شده و انتشارات و یا نمایشگاه‌های جهان غرب تا حال معرفی نشده بودند. همانطور که ملاحظه می‌کنید، در این کتاب در انتخاب عنوان هم سعی شده که از کلیشه‌سازی و استانداردسازی پرهیز شود. من عامدانه در عنوان از عبارت «Iranian Art» استفاده نکرده‌ام، به این دلیل که این عبارت خود تبدیل به برجسبی شده که نوعی ذات‌پنداری فرهنگی را ترویج می‌کند و به تمامی هنرمندان با گرایش‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف منتسب می‌کند. چنین انتسابی در دوره معاصر با سؤالات و مشکلات پیچیده‌تری همراه شده. هم در عنوان کتاب و هم در مقالات، از عبارت «هنر معاصر ایران» بجای «هنر معاصر ایرانی» استفاده شده است.

کتاب همچنین به بررسی چالش‌ها و واقعیت‌های موجود در جامعه ایران و بازغود آنها در کارهای این هنرمندان می‌پردازد و همینطور گفت‌مان‌هایی که بخش عمده‌ای از این هنرمندان با آنها درگیر هستند. به همین دلیل عنوان «بازاندیشی هنر معاصر ایران» را برای آن انتخاب کرده‌ام. باید اضافه کنم که طبیعتاً این کتاب به معنای مطلق کلمه نمی‌تواند جامع و دربرگیرنده تمامی طیف‌های موجود باشد. ولی تلاش شده که در فرایند گزینش تا حد ممکن طیف بسیار متنوعی از هنرمندان که این رویکردهای هنری موجود در ایران معاصر را بازنمایی می‌کنند معرفی و تحلیل شوند.

● **ساختار کتاب را چگونه تنظیم کرده‌اید؟**
-کتاب شامل سه فصل بلند آغازین است که هر یک به نوعی به مفصل‌بندی، نظر به پردازی و تحلیل بخش‌های بعدی کتاب می‌پردازد. این سه فصل شامل «پیمایش امر تخیلی، تأملاتی در رویه‌های هنری در ایران معاصر» که من نویسنده آن هستم، فصل دوم با عنوان «بازاندیشی هنر سقاخانه: زائر به مثابه موضوع ناشناخته» توسط دکتر حمید دباشی نوشته شده که در آن عمدتاً به بازتعریف مفهوم امر معاصر پرداخته شده، و سومین فصل با عنوان «هنر امروز ایران از منظر یک مورخ هنر» توسط دکتر جیمز الن نوشته شده است. در فصل اول، به مفهوم «فتنزموگوریا» که شاید در فارسی بتوان آن را «امر تخیلی» ترجمه کرد و بازغود آن به عنوان راهبردی در آثار هنرمندان ایران برای دور زدن موانع و پرهیز از فحاش مستقیم موضوعات سیاسی- اجتماعی انتقادی پرداخته‌ام. در این تحلیل به چگونگی استفاده از رمزها، استعاره‌ها و نگره‌های سوررئالیستی با زبانی وهم‌آلود در پرداختن به مسائل و موضوعات می‌پردازم؛ خلق تصاویر کنایه‌آمیز و گاه هزل‌آلودی که به شکلی غیرمستقیم با تفسیرهای سیاسی- اجتماعی درگیر می‌شوند. می‌دانیم که زبان استعاره و رمزآلود در تاریخ ادبیات ما قدمتی طولانی دارد. در هنرهای بصری ما هم در برهه‌هایی این تجربه انجام شده، ولی در سال‌های اخیر طیف وسیعی از هنرمندان ایران با استفاده از رویکردهایی متنوع و گسترده وسیعی از ابزارها و رسانه‌هایی که هنر معاصر در اختیار هنرمندان قرار

مایکل مک کال: پرونده ستاره درخشش صلاحیت و اعتبار کل «سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده» را زیر سؤال می‌برد



مایکل مک کال نماینده جمهوریخواه و رئیس کمیته روابط خارجی آمریکا

[از مواضع قبلی خود] عقب‌نشینی کرده‌اند. مک کال معتقد است طی سه سال گذشته «سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده» نهاد ناظر بر «صدای آمریکا» و «راديو فردا» در بررسی تخلفات مدیر سابق بخش فارسی صدای آمریکا ناموفق عمل کرده و به اندازه کافی به موارد تخلف وی رسیدگی نکرده است. این نماینده در همین ارتباط به فاکس نیوز می‌گوید، «پرونده درخشش نشانه یک موضوع بزرگتر است، این نگران‌کننده است که سازمانی که معمولاً افراد تحصیلکرده خارجی را استخدام می‌کند، فرآیند قوی‌تری برای بررسی وضعیت کارمندان و امکان شناسایی مدارک جعلی که ارائه می‌شوند ندارد... پرونده درخشش صلاحیت و اعتبار کل سازمان رسانه‌های جهانی آمریکا را زیر سؤال می‌برد و پیامدهای این شکست باید بررسی شود.»

بخشی از تحقیقات کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا عمدتاً روی اتهامات درخشش مربوط به جعل مدرک دکتر و مدارک تحصیلات عالی وی متمرکز است. درخشش ادعا کرده بود از دانشگاه معتبر سوربن فرانسه مدرک دکتر دریافت کرده اما مسئولان این دانشگاه اعلام کرده بودند مدرکی که به وی ارائه شده یک مدرک دانشگاهی و تحصیلی نیست بلکه فقط یک تأییدیه برای ساعت‌های دوره‌های آموزشی است که وی گذرانده است. این دانشگاه اطمینان داده بود که درخشش هیچگونه مدرک دکتر از این دانشگاه دریافت نکرده است.

طبق گزارش فاکس نیوز در فوریه سال ۲۰۲۲ یکی از مقامات سفارت فرانسه به صورت رسمی به کمیته روابط خارجی آمریکا اعلام کرد که درخشش مدرک دکتر دریافت نکرده است.

متحده (USAGM) بطور نادرست از مدیر سابق بخش فارسی صدای آمریکا که متهم به «آزار لفظی کارکنان، دزدی و سوء مدیریت در بودجه، جعل مدرک و دروغ‌بافی» است حمایت می‌کرده است.

مک کال نماینده ایالت تگزاس در گزارشی که روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) متن PDF آن در وبسایت کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان منتشر شده، بطور ویژه به نام ستاره درخشش مدیر پیشین بخش فارسی صدای آمریکا اشاره کرده است. در این گزارش با ارائه مدارک و مستندات گفته شده که درخشش در دوران مدیریت خود در بخش فارسی صدای آمریکا درباره مدارک تحصیلی‌اش «دروغ‌بافی» کرد، «مدارک جعلی» ارائه داد و «از منابع مالی آن سازمان که مالیات‌دهندگان آمریکایی تأمین‌کننده هستند برای هزینه‌های شخصی سوء استفاده کرد.»

این در حالیست که تا پیش از این مک کال در مصاحبه‌های خود تلاش می‌کرد با رعایت مسائل حقوقی مستقیم به نام ستاره درخشش اشاره نکند و رسانه‌های بین‌المللی نیز از عبارت «مدیر پیشین بخش فارسی صدای آمریکا یا «کارمند سابق USAGM» استفاده می‌کردند.

در همین ارتباط فاکس نیوز گزارش داد که «تحقیقات سه ساله مک کال بطور مشخص روی اقدامات ستاره درخشش متمرکز شده که در اوایل ژانویه ۲۰۲۱ در دولت ترامپ از کار برکنار شد اما با وجود اتهاماتی که به وی وارد شده بود «بدون از دست دادن حقوق یا درجات شغلی» یک روز پس از آغاز ریاست جمهوری بایدن به بازگردانده شود.

فاکس نیوز تأکید کرده «طبق اسناد به دست آمده توسط کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، وکیل ستاره درخشش و سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده هر دو

● مک کال نماینده ایالت تگزاس در گزارشی که در وبسایت کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان منتشر شده، بطور ویژه به نام ستاره درخشش مدیر پیشین بخش فارسی صدای آمریکا اشاره کرده است. در این گزارش با ارائه مدارک و مستندات گفته شده که درخشش در دوران مدیریت خود در بخش فارسی صدای آمریکا درباره مدارک تحصیلی‌اش «دروغ‌بافی» کرد، «مدارک جعلی» ارائه داد و «از منابع مالی آن سازمان که مالیات‌دهندگان آمریکایی تأمین‌کننده هستند برای هزینه‌های شخصی سوء استفاده کرد.»

● فاکس نیوز در گزارشی تأکید کرد، «طبق اسناد به دست آمده توسط کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، وکیل ستاره درخشش و سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده هر دو [از مواضع قبلی خود] عقب‌نشینی کرده‌اند.»

● مک کال به فاکس نیوز می‌گوید، «پرونده درخشش نشانه یک موضوع بزرگتر است؛ این نگران‌کننده است که سازمانی که معمولاً افراد تحصیلکرده خارجی را استخدام می‌کند، فرآیند قوی‌تری برای بررسی وضعیت کارمندان و امکان شناسایی مدارک جعلی که ارائه می‌شوند ندارد... پرونده درخشش صلاحیت و اعتبار کل سازمان رسانه‌های جهانی آمریکا را زیر سؤال می‌برد و پیامدهای این شکست باید بررسی شود.»

● فاکس نیوز در گزارش خود درباره این پرونده می‌نویسد، شماری از مدیران ارشد USAGM تلاش کردند از راه‌های مختلف روند تحقیقات در مورد پرونده درخشش را متوقف کنند. برای مثال، «آماندا بنت مدیرعامل سازمان رسانه‌های جهانی آمریکا تلاش کرده تا کارکنان با مک کال ارتباط مستقیم نداشته باشند.»

● مک کال و همکارانش در کمیته روابط خارجی آمریکا می‌گویند، «درخشش یک کارمند اداری سطح پایین نبود، بلکه رئیس بخش فارسی صدای آمریکا بوده که یکی از واحدهای بسیار مهم سازمان رسانه‌های جهانی آمریکاست و یکی از کلیدهای منافع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه است. درخشش توانست بازرسان قبلی وزارت خارجه و متخصصان امنیت و منابع انسانی USAGM را فریب دهد، تشخیص اینکه کجای کار غلط بوده، کلید جلوگیری از تکرار چنین سوء استفاده‌هایی توسط دیگران است.»

● در گزارش کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا همچنین آمده است: «انتشار وسیع این پرونده فرصتی برای بازدارندگی ایجاد می‌کند، اما همزمان خطر اخلاقی نیز به وجود می‌آورد؛ اگر درخشش به پاسخگویی کشانده شود، کسانی که همچنان دروغ می‌گویند و بودجه‌های دولتی را هدر می‌دهند ممکن است در عملکردشان تردید کنند؛ اما اگر او از پاسخگویی امتناع کند، آنها [سوء استفاده‌کنندگان] ممکن است جسور شوند. در نهایت شناسایی آن مقامات USAGM مهم است که در طرح سؤال‌های درست کوتاهی کرده‌اند و می‌بایست پاسخگو شوند.»

مایکل مک کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا می‌گوید، به شواهد معتبری دست پیدا کرده که نشان می‌دهد سازمان رسانه‌های جهانی ایالات

سه عضو سازمان مجاهدین در عملیات نیروهای امنیتی فرانسه بازداشت شدند



عکس از منابع فرانسوی

در این محل مخفیانه مشغول به کار بوده‌اند. گفته شد در این عملیات پلیس مرزی فرانسه نیز برای بررسی وجود اتباع خارجی مشارکت داشته است. بر اساس گزارش همین منابع، پلیس از میان حدود ۵۱ نفر که در این محل تفتیش شدند، سه نفر شامل دو مرد و یک زن را که مدارک اقامتی نداشتند بازداشت کرده است. «انجمن سیما» مسئول تولید برنامه برای تلویزیون «سیمای آزادی» متعلق به سازمان مجاهدین خلق است. سازمان مجاهدین خلق تا لحظه تنظیم این گزارش واکنش رسمی به این خبر نشان نداده اما منابع نزدیک به این گروه ادعا کرده‌اند که ورود پلیس تنها یک بازدید در راستای حملات مشکوک سال قبل به محل استقرار این گروه در آلبانی بوده است. این منابع مدعی شدند، «در بازدید پلیس هیچ چیز و هیچ کار غیرقانونی در این مقر وجود نداشت و ساکنان آن از بازدید پلیس استقبال کردند».

● **نیروهای امنیتی فرانسه در یک عملیات تجسس در منطقه «سنت اوئن لومون» که رسانه‌های فرانسوی آن را «بزرگ» توصیف کردند «انجمن سیما» وابسته به سازمان مجاهدین خلق را مورد تفتیش قرار دادند.**
● **منابع فرانسوی روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) گزارش دادند هدف این عملیات شناسایی افرادی بوده که در این محل مخفیانه مشغول به کار بوده‌اند.**
● **بر اساس گزارش همین منابع، پلیس از میان حدود ۵۱ نفر که در این محل تفتیش شدند، سه نفر شامل دو مرد و یک زن را که مدارک اقامتی نداشتند بازداشت کرده است.** نیروهای امنیتی فرانسه در یک عملیات تجسس در منطقه «سنت اوئن لومون» که رسانه‌های فرانسوی آن را «بزرگ» توصیف کردند «انجمن سیما» وابسته به سازمان مجاهدین خلق را مورد تفتیش قرار دادند.
منابع فرانسوی روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) گزارش دادند هدف این عملیات شناسایی افرادی بوده که

در بخشی از گزارش ۶۸ صفحه‌ای کمیته روابط خارجی آمریکا به مواردی پرداخته شده که مربوط به سوء مدیریت و هدر رفتن بودجه‌هایی است که از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی تأمین می‌شود. به عنوان مثال در صفحه ۱۱ گزارش آمده: الیزابت رابینز معاون پیشین مدیرعامل سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده صدای آمریکا گزارش داده بود که درخشش ۹۵ هزار دلار از بودجه دولت را با سوء مدیریت خرج کرده است. این مورد شامل قرارداد با شرکت «Abstraction Media» عمدتاً برای تولید محتوای تلویزیونی می‌شد که اگر توسط پرسنل صدای آمریکا تولید شده بود هزینه کمتری می‌داشت. یکی دیگر از این موارد ساخت برنامه‌ای به مناسبت نوروز بود که قبلاً در صدای آمریکا تولید می‌شد که موفقیتی به مراتب بیشتر داشت و آمار بازدید آن در یوتیوب نشان می‌داد که از برنامه‌های که تولید آن به شرکت Abstraction Media واگذار شد مخاطب بسیار بیشتری داشت.

از دیگر اسنادی که کمیته آن را بررسی کرده، دادن اضافه‌کاری به برخی کارمندان خاص، دخالت تأثیرگذار در استخدام افراد، طفره رفتن از پاسخ به سؤالات، هدر دادن بودجه‌ها در سفرها و مأموریت‌های غیرضروری است. ستاره درخشش از سال ۲۰۱۴ تا ژانویه ۲۰۲۱ به عنوان مدیر بخش فارسی صدای آمریکا فعالیت می‌کرد. بر اساس گزارش این کمیته، «درخشش دست‌کم در یک مورد با یک کارمند رفتار متفاوتی داشته و برادر آن کارمند را برای یک موقعیت شغلی سطح بالا استخدام کرده است.»

فشار به کمیته روابط خارجی برای توقف تحقیقات

فاکس نیوز در گزارش خود درباره این پرونده می‌نویسد، شماری از مدیران ارشد USAGM تلاش کردند از راه‌های مختلف روند تحقیقات در مورد پرونده درخشش را متوقف کنند. برای مثال، «آماندا بنت مدیرعامل سازمان رسانه‌های جهانی آمریکا تلاش کرده تا کارکنان با مک‌کال ارتباط مستقیم نداشته باشند. وی از این نماینده درخواست یک ملاقات شخصی داشته و استدلال کرد که تمرکز تحقیقات روی یک کارمند خاص از منابع خبری آژانس است که توانایی آن را برای انجام مأموریت حیاتی خود در سیاست خارجی محدود می‌کند.»

با این حال، در گزارش کمیته روابط خارجی آمده «اصرار او [آماندا بنت] مبنی بر اینکه تحقیقات از یک کارمند خاص هدر دادن منابع بوده، حاوی چند نکته است: درخشش یک کارمند اداری سطح پایین نبود، بلکه رئیس بخش فارسی صدای آمریکا بوده که یکی از واحدهای بسیار مهم سازمان رسانه‌های جهانی آمریکاست و یکی از کلیدی‌های منافع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه است. درخشش توانست بازرسان قبلی وزارت خارجه و متخصصان امنیت و منابع انسانی USAGM را فریب دهد، تشخیص اینکه کجای کار غلط بوده، کلید جلوگیری از تکرار چنین سوء استفاده‌هایی توسط دیگران است.»

این کمیته همچنین اعلام کرد، «انتشار وسیع این پرونده فرصتی برای بازدارندگی ایجاد می‌کند، اما همزمان خطر اخلاقی نیز به وجود می‌آورد: اگر درخشش به پاسخگویی کشانده شود، کسانی که همچنان دروغ می‌گویند و بودجه‌های دولتی را هدر می‌دهند ممکن است در عملکردشان تردید کنند؛ اما اگر او از پاسخگویی امتناع کند، آنها [سوء استفاده‌کنندگان] ممکن است جسور شوند. در نهایت شناسایی آن مقامات USAGM مهم است که در طرح سؤال‌های درست کوتاهی کرده‌اند و می‌بایست پاسخگو شوند.»

صنعت دختران سکسی دوربینی در رومانی



ویدئو

اینکه دختران سکسی دوربینی هم در جهان برای خود یک صنعت دارند و این صنعت بسیار هم پررونق است، یکی از پدیده‌های قرن بیست و یک است که بدون اینترنت پرسرعت و ابزارهای پیشرفته امروزی و البته مشتریان خواهان تماشای اندام آنها ممکن نمی‌شد. با آنکه آمار دقیقی از مقدار تجارت سایت‌های «وبکم» بزرگسالان در دنیا در دسترس نیست، اما برخی حجم این صنعت را در جهان میلیاردها دلار در سال تخمین می‌زنند. دسامبر ۲۰۲۲ اندرو تیت کیک‌بوکسر سابق و اینفلوئنسری که تصاویری از زندگی لوکس خود در شبکه‌های اجتماعی پست می‌کرد، به همراه برادرش دو وزن رومانیایی در نزدیکی بخارست پایتخت این کشور دستگیر شدند. دستگیری تیت توجه‌ها را روی صنعت دختران دوربینی رومانی بیش از قبل جلب کرد.

سرنوشت مبهم ۴۸ تخته فرش نفیس کاخ سعدآباد؛ در نهاد ریاست جمهوری و دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی در خارج «جابجا» شده‌اند!



متعدد صورت پذیرفته است و در مراحل مختلف تصاحب، حمل و نگهداری از اموال مفقودی نیز محتمل است اشخاص متعددی دخیل در موضوع باشند.»

پس از اعلام خبر مفقودی فرش‌های نفیس کاخ سعدآباد علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت سیزدهم گفته بود که «این موضوع قدیمی بوده است. این دولت، چون فسادها را پیگیری می‌کند، یکی یکی هر کدام از فسادهایی را که روی زمین مانده و پیگیری نشده دنبال می‌کند، خودش متهم می‌شود. از رسانه‌ها خواهش می‌کنم روشن باشند که چه کسی شاکی و چه کسی متهم است؟ دولت شاکی است و تخلفاتی را که چه در گذشته و چه در دوره حاضر رخ دهد باید پیگیری کرد.»

محمد دهقان معاون حقوقی رئیس جمهوری نیز پیشتر تعداد متهمان پرونده مفقود شدن فرش‌های مجموعه سعدآباد را ۹ نفر عنوان کرد و گفت: «یکی از اعضای ارشد دولت قبل و فرزند وی از متهمان اصلی مفقود شدن فرش‌های سعدآباد هستند.»

او افزوده بود که «ما تمایلی به اظهار نظر در مورد پرونده‌های حقوقی قضایی قبل از صدور رای نداریم اما باتوجه به این که موضوع افشا شده، طبیعتاً مردم منتظر شنیدن اخبار دقیق درباره این اتفاق هستند.»

کاخ سعدآباد در دوره قاجاریه در منطقه «دریند» تهران در شمال پایتخت ساخته شد و سکونتگاه تابستانی شاهان این سلسله بود. در دوران پهلوی نیز یکی از سکونتگاه‌های خانواده سلطنتی شد. پس از انقلاب ۵۷ مجموعه‌ی ۱۸ کاخ «سعدآباد» بخشی در اختیار نهاد ریاست جمهوری اسلامی قرار گرفت که امکان بازدید عمومی ندارد و بخش‌هایی نیز به شکل موزه در آمد.

ساختمان حافظیه سعدآباد که در اختیار نهاد ریاست جمهوری اسلامی گذاشته شده به عنوان محل ملاقات مقامات دولتی با رؤسای جمهور و مهمانان خارجی استفاده می‌شود. نه تنها کاخ سعدآباد بلکه بسیاری از آثار و بناهای تاریخی کشور در سال‌های اخیر همواره به دلیل سوء مدیریت و مرمت‌های غیراصولی در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته‌اند.

روزنامه «آرمان ملی» دی‌ماه سال گذشته در گزارشی خبر داده بود که پرونده مفقود شدن ۴۸ تخته فرش کاخ سعدآباد، ۱۰ مظنون دارد که به گفته مسئولان، مظنون اصلی این پرونده شرایط خاصی دارد و اکنون یک سال است که پرونده اش به دادگاه ویژه روحانیت ارسال شده است.

«فرش‌ها را با یک دستگاه وانت مزدا بردند» این نقل قول یک شاهد عینی درباره ناپدید شدن ۴۸ تخته فرش ارزشمند ملی از ساختمان حافظیه کاخ «سعدآباد» است.

خبرگزاری «فارس» سال گذشته و آخر ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ در گزارشی درباره فرش‌های گم شده نوشت: «با روی کار آمدن دولت سیزدهم گزارشی با عنوان «خروج غیر قانونی اموالی نظیر ۴۸ تخته فرش دستباف نفیس و گران‌قیمت از ساختمان حافظیه سعدآباد» ارجاع شد. پس از آن تیم ویژه‌ای با همکاری سازمان‌های نظارتی تشکیل و به بررسی همه جانبه موضوع مفقود شدن فرش‌های نفیس در دولت قبل پرداخته شد.»

این گزارش افزوده بود کارشناسان این حوزه با بررسی تنها ده تخته از فرش‌های خارج شده و بر اساس قدمت تاریخی آن، نوع طراحی، مکتب هنری و خصوصیات فیزیکی ارزش نسبی آن‌ها را مبلغی معادل ۱۲۷ میلیارد تومان اعلام کردند. این ده تخت فرش ارزش‌گذاری شده جزو نفیس‌ترین فرش‌های نهاد بوده و متعلق به سبک‌های مشهدی (عمواوغلی)، اصفهان و تودشک می‌باشد که یکی از آن‌ها از نظر قدمت به دوره قاجار می‌رسد.

بنا بر این گزارش فرش‌ها طی بازه سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ یعنی در زمان تصدی دولت حسن روحانی از ساختمان سعدآباد خارج شده است.

یکی از شاهدانی که همان دوران در ساختمان حافظیه مسئولیت داشته در این مورد گفته بود که در «سال ۱۳۹۵ فرش‌ها را با یک دستگاه وانت مزدا بردند منزل...»

خبرگزاری «فارس» در ادامه با اعلام اینکه خروج فرش‌های نفیس توسط یک کارمند نهاد ریاست جمهوری و در یک مقطع زمانی به امری تقریباً محال شبیه است نوشته بود: «اقدامات انجام شده توسط بیش از یک نفر در مواقع

● سخنگوی قوه قضائیه گفته از ۴۸ تخته فرش نفیس سعدآباد، ۱۶ تخته فرش در نهاد ریاست جمهوری پیدا شده و ۲۵ تخته دیگر از کشور خارج شده و در دفاتر نمایندگی ایران در خارج کشور استفاده می‌شود.

● معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی رئیس جمهور: بر اساس اطلاعاتی که ما از پرونده داریم و پیگیری‌هایی که از قضات پرونده به صورت مداوم داشته‌ایم هنوز از سرنوشت ۴۸ تخته فرش مفقودی خبری در دسترس نیست.

● بر اساس گزارش‌ها این فرش‌ها در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی از کاخ سعدآباد خارج شده و تا کنون ۹ نفر در پرونده این مفقودی در قوه قضائیه متهم شده‌اند.

با گذشت یک سال از انتشار اخباری درباره گم شدن ۴۸ تخته فرش نفیس کاخ سعدآباد، همچنان از سرنوشت این فرش‌ها اطلاعی در دست نیست. قوه قضائیه به تازگی اعلام کرده که این فرش‌ها در نهاد ریاست جمهوری و دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی در خارج است اما دولت اعلام کرده «هنوز از سرنوشت ۴۸ تخته فرش مفقودی خبری در دسترس نیست.»

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضائیه روز سه‌شنبه ۲۲ خرداد اعلام کرد شماری از ۴۸ قطعه فرش مفقود کاخ سعدآباد در نهاد ریاست جمهوری اسلامی و بقیه فرش‌ها نیز در دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور است. او سرعت این فرش‌ها را تکذیب کرده و گفته آنها «جابجا» شده‌اند.

سخنگوی قوه قضائیه گفته از ۴۸ تخته فرش نفیس سعدآباد، ۱۶ تخته فرش در نهاد ریاست جمهوری پیدا شده و ۲۵ تخته دیگر از کشور خارج شده و در دفاتر نمایندگی ایران در خارج کشور استفاده می‌شود.

محمدهادی عبادی معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی رئیس جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۳ خرداد در واکنش به گفته‌های سخنگوی قوه قضائیه گفته «اظهارات اخیر سخنگوی قوه قضائیه با اطلاعات ما از پرونده متفاوت است.»

این مقام دولتی گفته «بر اساس اطلاعاتی که ما از پرونده داریم و پیگیری‌هایی که از قضات پرونده به صورت مداوم داشته‌ایم هنوز از سرنوشت ۴۸ تخته فرش مفقودی خبری در دسترس نیست.»

محمدهادی عبادی افزوده رسیدگی به پرونده مفقودی این فرش‌ها در «مرجع قضایی صالحه» در حال پیگیری است و «اسناد و مدارک مناسبی دال بر قطعیت مفقودی فرش‌ها و علم و عمد از سوی متهمان و مرتکبان آن به‌دست آمده است.» او با بیان اینکه پرونده از حساسیت خاصی برخوردار است و هر گونه اظهار نظری ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد و پرونده را از روال عادی خارج کند، تأکید کرد: «هدف غایی دولت از پیگیری پرونده، استرداد فرش‌های نفیس و جلوگیری از تضییع بیت‌المال است و در این مسیر معاونت حقوقی تمام تلاش خود را به‌کار گرفته و با مرجع قضایی همکاری خواهد کرد.»

به گفته محمدهادی عبادی «تاکنون هیچ اثری از فرش‌ها به دست نیامده است و اگر نشانه‌ای از فرش‌های مفقود شده به دست آید بلافاصله فرش‌ها به کاخ سعدآباد منتقل می‌شود.»

جمهوری اسلامی به تلافی قطعنامه توبیخی شورای حکام، غنی‌سازی اورانیوم را افزایش داد

جمهوری اسلامی اقدام به افزایش غنی‌سازی کرده است. آنها معتقدند حتی اگر قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی صادر نمی‌شد در نهایت آنها غنی‌سازی را افزایش می‌دادند. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز پنجم ژوئن (۱۶ خردادماه) قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی را که تروئیکای اروپا (بریتانیا، آلمان و فرانسه) ارائه داده بود، تصویب کرد. از ۳۵ عضو شورای حکام، ۲۰ کشور رأی مثبت، دو کشور (چین و روسیه) رأی منفی و ۱۲ کشور رأی ممتنع دادند. رأی کشور پاراگوئه به دلایل فنی به حساب نیامد. نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل پس از صدور این قطعنامه در پاسخ به پرسش پایگاه خبری-تحلیلی «المانیاتور» اعلام کرد که این قطعنامه «تصمیم عجولانه و غیرعقلانه» بود که «اثر مخربی» بر همکاری‌ها در آینده خواهد داشت. این ادعا در حالیست که دلیل اصلی صدور این قطعنامه، عدم «همکاری» جمهوری اسلامی به ویژه در سال‌های اخیر و در دوران دولت بایدن است. همچنین بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی روز ۱۶ خرداد ساعاتی پس از تصویب این قطعنامه عنوان کرد، «باید تجربه به آنها ثابت کرده باشد که ایران مقابل فشارهای سیاسی از حقوق مسلم خود کوتاه نمی‌آید.» برخی تحلیلگران معتقدند صدور این قطعنامه زمینه‌ساز فعال شدن «مکانیسم ماشه» است که بازگشت تحریم‌های ایران را به همراه خواهد داشت. برخی دیگر می‌گویند روند فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و تهدید مقامات نظام به «تغییر دکترین اتمی» در واقع بیانگر تمایل تهران به روغایی از هب اتمی است.



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای هسته‌ای جمهوری اسلامی / خرداد ۱۴۰۲

نداده‌اند، اگرچه یکی از آنها گفت که از این سانتریفیوژها برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم‌های ۶۰ درصدی و بالا بردن درجه غلظت آن به ۹۰ درصد استفاده نمی‌شود. کارشناسان تسلیحات اتمی می‌گویند برای ساخت سلاح اتمی غلظت اورانیوم باید به ۹۰ درصد برسد. همین دیپلمات‌ها گفته‌اند که منتظر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از وضعیت برنامه‌های اتمی ایران خواهند ماند اما ادعا کردند، این حرکت «کمتر از حد انتظارات آنهاست». آنها هشدار دادند که «مطمئن هستند

● پنج دیپلمات به رویترز گفتند جمهوری اسلامی این بار قصد دارد آبشارها یا خوشه‌های بیشتری از سانتریفیوژها را در دو سایت فردو و نظنز نصب و یا فعال کند. سه نفر از این دیپلمات‌ها گفته‌اند بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تهیه گزارش از گسترش برنامه اتمی جمهوری اسلامی بازدید کرده‌اند و آژانس روز پنجشنبه گزارشی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی به کشورهای عضو آژانس ارائه خواهد داد.

● یک دیپلمات مستقر در وین با اشاره به اقدام ایران برای نصب و فعال کردن آبشارهای تازه‌ای از سانتریفیوژها گفت: «افزایش تنش به اندازه‌ای که من انتظار داشتم، زیاد نیست.»

● همین دیپلمات‌ها گفته‌اند که منتظر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از وضعیت برنامه‌های اتمی ایران خواهند ماند اما ادعا کردند، این حرکت «کمتر از حد انتظارات آنهاست». آنها هشدار دادند که «مطمئن هستند جمهوری اسلامی اقدام به افزایش غنی‌سازی کرده است.» آنها معتقدند حتی اگر قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی صادر نمی‌شد در نهایت آنها غنی‌سازی را افزایش می‌دادند.

● این دیپلمات‌ها با اشاره به مرگ ابراهیم رئیسی و حسن امیرعبداللہیان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر به توقف مذاکرات اتمی اشاره کردند و می‌گویند: «شاید آنها [مستولان جمهوری اسلامی] منتظر تشکیل دولت جدید پس از انتخابات ۲۸ ژوئن هستند.»

خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) به نقل از چند دیپلمات گزارش داد که جمهوری اسلامی در واکنش به تصویب قطعنامه توبیخی شورای حکام، ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم در دو سایت زیرزمینی را افزایش می‌دهد، هرچند دیپلمات‌ها مدعی‌اند «تنش‌ها به اندازه‌ای نیست که بسیاری از آن هراس دارند.»

این پنج دیپلمات به رویترز گفتند جمهوری اسلامی اینبار قصد دارد آبشارها یا خوشه‌های بیشتری از سانتریفیوژها را در دو سایت فردو و نظنز نصب و یا فعال کند. سه نفر از این دیپلمات‌ها گفته‌اند بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تهیه گزارش از گسترش برنامه اتمی جمهوری اسلامی بازدید کرده‌اند و آژانس روز پنجشنبه گزارشی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی به کشورهای عضو این نهاد بین‌المللی ارائه خواهد داد.

یک دیپلمات مستقر در وین با اشاره به اقدام جمهوری اسلامی ایران برای نصب و فعال کردن آبشارهای تازه‌ای از سانتریفیوژها گفت: «افزایش تنش به اندازه‌ای که من انتظار داشتم، زیاد نیست.»

این دیپلمات‌ها با اشاره به مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللہیان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر به توقف مذاکرات اتمی اشاره کرده و می‌گویند: «شاید آنها [مستولان جمهوری اسلامی] منتظر تشکیل دولت جدید پس از انتخابات ۲۸ ژوئن هستند.»

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک هفته پیش قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن از رژیم ایران خواست بر همکاری‌های خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیافزاید و به بازرسان زبده آژانس اجازه دهد از مراکز اتمی ایران بازدید کنند. بر اساس گزارش رویترز، دیپلمات‌ها در مورد تعداد یا نوع سانتریفیوژهای اضافه شده یا سطح غنی‌سازی آنها توضیحی

همان شعبده‌بازی همیشگی



کشته شدن بهاره لاهی کارگردان و فیلمنامه‌نویس در زندان

«توانا» به نقل از «منابع موثق» اعلام کرده است که بهاره لاهی کارگردان و فیلمنامه‌نویس ۴۰ ساله اهل آمل و ساکن تهران در زندان توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیده و مخفیانه در آرامستان «بهشت سکینه کرج» به خاک سپرده شده است. بر اساس این گزارش، بهاره لاهی در جریان خیزش سراسری ۴۰۱ نیز ۵۰ روز در بازداشت بود. وی در اسفند ۱۴۰۲ دوباره توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. یکی از بستگان دور این زندانی سیاسی به «توانا» گفته است: «از خانواده بهاره لاهی فقط برای دادن آدرس مزار فرزندشان ۱۵ میلیون دریافت کردند. نیروهای اطلاعاتی آنها را تهدید کرده‌اند که حق عزاداری ندارند و خانواده بهاره به امید اینکه بتوانند پیکر فرزندشان را به زادگاهش شهر آمل منتقل کنند، سکوت کرده‌اند و از ترس عوامل حکومتی اطلاع‌رسانی نکرده‌اند.» به گفته این منبع، خانواده از اسفند ۱۴۰۲ از دخترشان بی‌خبر بودند، تا اینکه خبر درگذشت فرزندشان را دریافت کردند.

یورش نیروهای امنیتی به اهالی روستای «رمچاه» در قشم

منابع محلی گزارش دادند نیروهای حکومتی روز شنبه ۱۹ خرداد به بهانه مقابله با قاچاق کالا به اهالی روستای «رمچاه» قشم حمله کردند. در ویدیوهایی که در همین ارتباط در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده صدای شلیک اسلحه به گوش می‌رسد. برخی منابع می‌گویند مأموران یگان ویژه تعدادی از مردم را کتک زدند و شماری بازداشت شدند.

کارگران در ایران کمتر از ۲/۵ کیلو گوشت قرمز در سال مصرف می‌کنند

یک کارگر می‌گوید: «من برای یک خانواده ۵ نفره، هر ماه در بهترین حالت یک کیلو گوشت گوساله می‌خرم؛ خرید گوشت گوسفند اصلاً نداریم.» فرامرز توفیقی فعال کارگری:



کارگران در ایران کمتر از ۲/۵ کیلو گوشت قرمز در سال مصرف می‌کنند

افزایش بیماری‌های متابولیک که شاهد آن هستیم، ناشی از ارزان‌خوری سبب غذایی یا کاهش مصرف عناصر تأثیرگذار در سلامت انسان است. هزاران کارگر شاغل در ایران همان دستمزد ناچیز را هم به‌موقع دریافت نمی‌کنند و ماه‌ها حقوق از کارفرمایان طلبکار هستند و بسیاری از کارگرانی که بازنشسته می‌شوند نیز مدت‌ها باید برای دریافت سنوات بازنشستگی منتظر بمانند.

فریاد فریاد، از این همه بیداد! تجمع اعتراضی پرستاران در مقابل استاندارداری فارس

شماری از پرستاران و شاغلین در بخش خدمات درمانی استان فارس روز دوشنبه ۲۱ خردادماه در شهر شیراز مقابل ساختمان استاندارداری فارس دست به اعتراض زدند. آنها به پایین بودن حقوق خود و نحوه اجرای قانون تعرفه‌گذاری و اضافه‌کار اجباری و چندین ماه عدم پرداخت معوقات‌شان اعتراض کردند. پرستاران شعار می‌دادند: فریاد، از این همه بیداد!

تهدید، زندان هرگز اثر ندارد!

تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته در تهران

صدها معلم بازنشسته روز یکشنبه ۲۰ خرداد در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به اعتراض زدند. اعتراض آنها به مشکلات معیشتی و کافی نبودن حقوق بازنشستگی است.

معلمان بازنشسته که گفته شد حدود دو هزار نفر بودند، شعار می‌دادند: «فریاد فریاد، از این همه بیداد» و «تهدید، زندان هرگز اثر ندارد!» همچنین گزارش شد که تعدادی از معلمان توسط نیروی انتظامی مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

کمتر از سه هفته تا انتخابات مایشی؛

افزایش اعتراضات و اعتصابات کارگران و بازنشستگان

روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه ۱۴۰۳ کارگران پیمانکاری شاغل در «پتروشیمی اصفهان» و شرکت «کربنات سدیم کاوه» در فیروزآباد استان فارس به دلیل پرداخت نشدن حقوق اعتصاب کردند. جمعی از بازنشستگان در اعتراض به عدم رسیدگی به حقوق خود در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران دست به تجمع زدند.



کمتر از سه هفته تا انتخابات مایشی؛
افزایش اعتراضات و اعتصابات کارگران و بازنشستگان

بازنشستگان معترض در کرمانشاه شعار دادند «فریاد، فریاد از اینهمه بیداد»، «روسری رو رها کن، فکری به حال ما کن»، «بیکاری، تورم، بلای جان مردم»، «معلم زندانی، آزاد باید گردد»، و «کارگر زندانی، آزاد باید گردد». «با اهل قلم هر که درافتاد، ورافتاد؛ مسئول کجایی؟» و «قدرت ما جمع ماست، رتبه‌بندی حق ماست» از جمله شعارهای معلمان بازنشسته بود.

عوارض خروج از کشور برای هر نفر ۵۲۰ هزار تومان شد

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، عوارض خروج از کشور برای هر نفر ۵۲۰ هزار تومان تعیین شد که ۱۲۰ هزار تومان نسبت به سال قبل افزایش یافته است. طبق جدول تعرفه‌های درآمدی دولت، عوارض خروج از کشور برای هر نفر در سال جاری در سفر اول ۵۲۰ هزار تومان تعیین شده است. البته عوارض خروج از کشور برای سفر دوم به میزان ۵۰ درصد و سفرهای سوم و بیشتر به میزان ۱۰۰ درصد افزایش خواهد یافت. گفتنی است عوارض خروج از کشور برای هر نفر در سال گذشته در سفر اول ۴۰۰ هزار تومان تعیین شده بود. بر این اساس عوارض خروج از کشور برای هر نفر نسبت به سال قبل ۳۰ درصد افزایش یافته است.

پیش‌بینی دولت از درآمد عوارض خروج از مرزهای کشور بیش از چهار میلیارد و ۳۰۰ میلیون است.

فرونشست زمین در «نقش رستم»، یک قدم تا فاجعه!

اکانت «فلات ایران» در «ایکس» با انتشار تصویری از فرونشست زمین در اطراف «نقش رستم» نوشت تنها «یک قدم» تا فاجعه فاصله است!

نقش رستم مجموعه‌ای باستانی در زنگی‌آباد واقع در شمال شهرستان مرودشت استان فارس ایران است که در فاصله شش کیلومتری از تخت جمشید قرار دارد.

شهبانو فرح و یاد لیلای نازنین: سپاسگزارم...

۲۰ خرداد ۱۴۰۳ بیست و سه سال پس از درگذشت شاهدخت لیلا پهلوی در پاریس، شمار زیادی از ایرانیان بر مزار وی در آرامستان «پاسی» گرد آمدند و یاد وی را گرامی داشتند. شهبانو فرح پهلوی با انتشار یک پیام و عکس‌هایی از خود و بزرگترین نوه‌اش پرنسس نور بر مزار لیلا از همه



شهبانو فرح و یاد لیلای نازنین:
سپاسگزارم...

کسانی که به یاد شاهدخت ایران هستند سپاسگزاری کرده است: «از همه هم‌میهنان گرامی که از کشورهای گوناگون رنج سفر را متحمل شدند و در سالگرد درگذشت لیلای نازنین بر مزار او در پاریس گرد هم آمدند و از کلیه کسانی که از داخل و خارج ایران به وسیله نامه الکترونیکی و تلفن اظهار همدردی کرده‌اند از سوی خود و خانواده‌ام از صمیم قلب سپاسگزارم.»

بیژن کوشکی بازیکن پیشین «تاج»:

رژیم جمهوری اسلامی یا قاجار نوین!

بیژن کوشکی بازیکن پیشین تیم فوتبال «استقلال» (تاج) و «مس کرمان» شرایط جمهوری اسلامی را با دوران قاجار مقایسه کرده و با انتشار عکس شش نامزد جانشینی «قاضی مرگ» در سیرک انتخابات نوشته است:

«رژیم جمهوری اسلامی یا به عبارت بهتر قاجار نوین برپادهندی سرمایه‌های ایران چه سرمایه انسانی، چه اقتصادی، چه فرهنگی و...
اصلاح طلب، اصولگرا، مجاهد، آخوند، دست در دست هم ایران را کنند ویران.»

توله جگوار سیاه در باغ وحش صفادشت متولد شد!

باغ وحش صفادشت از تولد اولین توله جگوار سیاه در ایران خبرداد. این اتفاق در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۴۰۳ رخ داده و ویدیویی از این توله بامزه در اینستاگرام باغ وحش صفادشت منتشر شده است.

جگوارهای سیاه که به پلنگ سیاه نیز معروف هستند، نوعی از جگوار با خز سیاه و خال‌های نامشخص هستند. این نوع جگوار به دلیل نادر بودن، ارزشی خاص در بین حیات وحش دارد.

دستگیری ۳۹ مالخر و ۳۹۸ سارق در طرح ضربتی پلیس آگاهی

سرهنگ افراز رئیس اداره مبارزه با سرقت منزل پلیس آگاهی فراجا، از اجرای طرح عملیاتی مبارزه با سرقت منزل در سراسر کشور و دستگیری ۳۹ مالخر و ۳۹۸ سارق و کشف ۶۴۱ فقره سرقت در این طرح ۳ روزه خبر داد. به گزارش «ایلنا»، سرهنگ محمدرضا افراز با اشاره به «اهمیت ایجاد ناامنی روانی برای مجرمان و سارقان در مناطق جرم‌خیز»، اظهار داشت که «این موضوع یکی از اولویت‌های مهم



دستگیری ۳۹ مالخر و ۳۹۸ سارق در طرح ضربتی پلیس آگاهی

حمله هوایی سنگین اسرائیل به پایگاه حزب‌الله در خاک لبنان

ارتش اسرائیل ۲۲ خرداد اعلام کرد که جنگنده‌های نیروی هوایی به مجتمع نظامی یگان ۴۴۰۰ حزب‌الله که مأموریت آن پشتیبانی لجستیکی از این گروه تروریستی است حمله کرده‌اند. این حمله با هدف مقابله با انتقال سلاح و مهمات به نیروهای حزب‌الله انجام شد. در این مجموعه دو مرکز واقع در منطقه بعلبک در عمق لبنان مورد حمله قرار گرفت.

ادعای خبرگزاری «ایرنا»:

حال مریم رجوی وخیم است

خبرگزاری دولتی «ایرنا» روز شنبه ۱۹ خرداد به نقل از یک منبع آگاه در پاریس مدعی شد مریم رجوی از رهبران سازمان مجاهدین خلق در مسیر بازگشت از پاریس به سمت مقر خود در «اور سورواز» دچار حمله عصبی شدید شده و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده است. ادعا شده وضعیت جسمی رجوی «وخیم» است و «تیم حفاظت رجوی برای جلوگیری از نشت هرگونه خبر پیرامون او، به شدت در حال آماده‌باش هستند.»

همین منبع عنوان کرد: «رجوی دچار بیماری روماتیسم، سرطان روده و بیماری عصبی است و سال ۱۴۰۱ نیز حمله عصبی سرکرده گروهک موجب دو هفته غیبت کامل او شد.» رسانه‌های حکومتی در ایران در طرح ادعاهای مشابه در مورد مریم رجوی سابقه‌دار هستند.

مشکلات بخش‌های مختلف تولید و صنعت و کشاورزی به دلیل جیره‌بندی برق!

به گزارش «آرمان ملی»، در بحبوحه مشکلات اقتصادی، مالیات، مشکلات بیمه، قیمت مواد اولیه و کمبود آن، مشکل واردات و کمرگ و غیره، قطع برق هم قوز بالا قوز شده و کاسبانی که می‌گویند به تدریج باید به فکر تعطیلی واحدهای صنفی خود باشند. برق بخش کشاورزی نیز



مشکلات بخش‌های مختلف تولید و صنعت و کشاورزی به دلیل جیره‌بندی برق!

علی باقری کنی:

قطعنامه شورای حکام هیچ تأثیری در توسعه هسته‌ای جمهوری اسلامی نخواهد داشت

علی باقری کنی که پس از کشته شدن حسین امیرعبداللهیان در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳، سرپرست وزارت خارجه جمهوری اسلامی شده و در همین مقام برای شرکت در نشست وزرای خارجه عضو «بریکس» به نووگورود روسیه رفته، روز دوشنبه ۲۱ خرداد با اشاره به تصویب قطعنامه توییحی شورای حکام علیه برنامه‌های اتمی رژیم، این اقدام را «تنش‌زا و در ادامه سیاست‌های شکست‌خورده و منفعلانه کشورهای غربی» دانست و با ادعای «صلاح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی» گفت: «صدور این قطعنامه هیچ تأثیری بر اراده جمهوری اسلامی در عملیاتی کردن طرح‌های توسعه‌ای هسته‌ای نخواهد داشت.»

با اهل قلم هر که درافتاد ورافتاد!

تجمع معلمان بازنشسته در تهران

ده‌ها معلم بازنشسته به همراه بازنشستگان تأمین اجتماعی و مستمری‌بگیران روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. معلمان شعار می‌دادند: با اهل قلم هر که درافتاد ورافتاد!

آتش‌سوزی در کارخانه لاستیک‌سازی تهران ۵۰ مصدوم برجای گذاشت

رئیس مرکز اورژانس استان تهران از مصدومیت ۵۰ نفر در پی وقوع آتش‌سوزی در یک کارخانه لاستیک‌سازی در حاشیه تهران خبر داد. به گزارش «ایسنا»، این حادثه ظهر روز دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۳ رخ داد و به دنبال تماس با مرکز فوریت‌های امدادی اورژانس ۱۱۵، ۱۰ دستگاه آمبولانس و دو دستگاه اتوبوس آمبولانس به محل حادثه در جاده شهریار، نرسیده به سعید آباد، اعزام شدند. همچنین اورژانس هوایی



آتش‌سوزی در کارخانه لاستیک‌سازی تهران ۵۰ مصدوم برجای گذاشت

و بیمارستان‌های علوم پزشکی تهران و «شهید بهشتی» نیز به حالت آماده‌باش درآمدند. محمد اسماعیل توکلی رئیس مرکز اورژانس استان تهران با بیان جزئیات این حادثه گفت: «عملیات اطفاء حریق توسط آتش‌نشانان انجام شد و از ۵۰ نفر مصدوم، ۳۲ نفر به مراکز درمانی منتقل شدند و مابقی خدمات درمانی را در محل دریافت کردند.» وی افزود: «سوختگی اکثر مصدومان سطحی بوده و حال عمومی آنها مساعد است.»

قطع می‌شود و به گفته نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کشاورزان زیادی با خاموش شدن پمپ چاه‌ها دچار مشکل شده‌اند. وزارت نیرو جریمه‌های جدید برای «استخراج غیرقانونی رمزارز» در نظر گرفته و همچنان تلاش دارد دستگاه‌های ماینینگ را به عنوان علت کمبود برق معرفی کند! به نظر نمی‌رسد با همه اقدامات صورت گرفته، دولت بتواند بخش خانگی را از آثار ناترازی برق در امان نگه دارد

پلیس آگاهی در حوزه مبارزه با سرقت منزل است و نیازمند همکاری همه مردم با پلیس می‌باشد. وی در تشریح جزئیات این طرح گفت: «مأموران پلیس آگاهی با انجام اقدامات پلیسی و عملیات‌های جداگانه در سراسر کشور موفق به شناسایی و دستگیری ۳۹ مالخر و ۳۹۸ سارق منزل شدند. در جریان این طرح ۶۴۱ فقره سرقت منزل نیز کشف و اموال مسروقه به مالکان آنها بازگردانده شد.»



عکس هفته | ما شیریم و خورشید پشت ماست!
۲۶ خرداد زادروز مجیدرضا رهنورد؛ روز ملی شیر و خورشید